

حرف

اقسام کلمه: کلمات به سه دسته زیر تقسیم می شوند: اسم

فعل

مثال: فی قَرِینَتِنَا یَعْمَلُ کَثِیرٌ مِنَ الْفَلَاحِینَ: سه حرف (فی، مین، ال) - چهار اسم (قریه، نا، کثیر، الفلاحین) - یک فعل (یعمل)

جنس

تعداد

معرفه نکره

اسم: حال به تقسیم بندیهای مختلف اسم می پردازیم:

معرب و مبنی

جامد و مشتق

غیرمنصرف و منصرف

مذکر } جنس:
مؤنث }

نکات:

۱. اسامی شهرها و کشورها و قاره ها و همچنین اغلب اعضای جفت بدن در حکم مؤنث هستند.

مثال: یَثْرِبُ، اِیرَانُ، یَدُ، اُذُنٌ، قَدَمٌ، ...

۲. یکی از بهترین روشهای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن، دقت در ضمائر یا افعال یا ... در جمله می باشد.

مثال: اِیدِعُ الْمَالَ عِنْدَ الْخَائِنِ عَاقِبَتُهُ النَّدَامَةُ (در این جمله ضمیر «ه» به ایداع برمی گردد پس ایداع مذکر است.)

۳. الف ممدود و الف مقصور به شرط اینکه زائد باشند علامت تأنیث هستند.

۴. مؤنث معنوی: اسم مؤنثی است که علامت تأنیث ندارد؛ مانند: زینب - أمّ - شمس - ریح - بئر - نار - نفس - أرض و...

ة : فاطمة

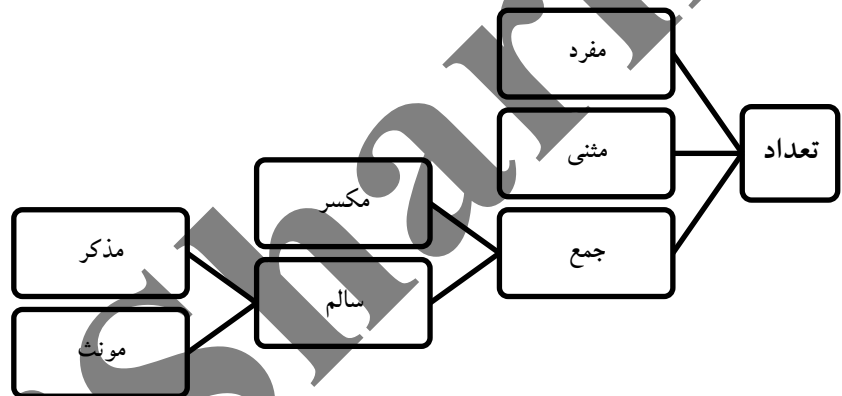
علائم تأنیث: اء زائد : زهراء

۱- ی زائد : دنیا - کبری

حرف آخر:

- اسم ممدود (دارای اء): أولياء ، صحراء
- اسم مقصور (دارای (ـى)): موسى ، مجتبی ، هدايا ، رضا
- اسم منقوص (دارای یای ماقبل مکسور غیر مشدد): مُوازي ، مَعاني ، ساقی
- اسم صحیح الآخر: غیر سه مورد قبلی: علیّ ، وحی ، معلّمین ، ساعة

دقت: این تقسیم بندی فقط مخصوص اسامی معرب است؛ یعنی کلماتی مانند هذا ، اَلذی و ... در هیچ دسته ای قرار نمی گیرند!



نکات:

۱. در یک اسم اگر علامت «ات»، «ان»، «ین» را حذف کردیم و مفرد آن باقی نماند می فهمیم که جمع مکسر است.
مثال: أموات، شیاطین، أديان، ...
۲. برخی جمعهای سالم مؤنث دارای تغییرات مختصری هستند.
مثال: أخوات: جِ أَخْتٍ (خواهر)، أمّهات: جِ أُمَّ (مادر)، بنات: جِ بِنْتٍ (دختر)، فتيات: جِ فَتَاةٍ (زن جوان)، سنّوات: جِ سِنَةٍ
۳. جمع غیر عاقل (غیر انسان) اعمّ از مکسر یا سالم، در حکم مفرد مؤنث می باشد یعنی فعل ، ضمیر و هر چیزی که به آن برگردد، باید مفرد مؤنث بکار رود.
مثال ۱: تِلْكَ الْاَبْوَابُ مَفْتُوحَةٌ
مثال ۲: الْحَيَوَانَاتُ تُعْرِفُ كَيْفَ تُدَاوِي نَفْسَهَا
- دقت: صفت آن می تواند به صورت جمع مؤنث نیز بیاید؛ مانند: أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ یا الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ
۴. در جمع سالم، اسامی مذکر غیر انسان را نیز با «ات» جمع می بندند؛ مانند: إِمْتِحانات ، إلهامات ، ... (به جز چند استثناء)
۵. در تعیین جنس یک اسم جمع باید به مفرد آن توجه نمود؛ مثلاً فَجْرَةٌ : جمع فاجر است پس مذکر محسوب می شود!

فصل اول

صرف اسم

۱. میزِ الإسم الذي ماجاء في العبارة التالية: «أنا و أنت يا علي! أبوا هذه الأمة»

(۱) اسم مفرد (۲) اسم مثنى (۳) جمع مكسّر (۴) اسم مؤنث

۲. في أيّ عبارة ماجاء الجمع السالم للمؤنث:

(۱) بعد قليل جاءت بناته و سلّم على النبيّ
(۲) دقّات قلب المرء قائمة له: إن الحياة دقائق و ثوانٍ
(۳) احفظوا هذه الآبيات من قصيدة الباروديّ
(۴) ان أخواته كنّ يعشن في اصفهان ثلاث سنين

۳. ما هو المناسب للفراغين: «إن الرميضاء ————— بجراحات ————— في غزوة أحد؟»

(۱) أصيبت ، كثيرة (۲) أصيب ، كثيرات (۳) أصيبت ، كثيرين (۴) أصيب ، كثير

۴. عيّن عدة الأسماء المؤنثة في العبارة التالية: «الماء البارد يكون دواءً يُفيد للمرأة التعبة»

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) اربعة (۴) خمسة

۵. عيّن الاسم الذي جمعه مقصور (الجمع المكسّر):

(۱) مئبة (۲) معنّى (۳) نبىّ (۴) أمير

۶. عيّن العبارة التي جاء فيها اسم منقوص:

(۱) صدّق الله العليّ العظيم (۲) بلغ العليّ بكماله (۳) هذا أخي و وصيّي (۴) بقدر الكدّ تكتسب السمعالي

معرفه و نكره

معارف شش بود: مُضمَر (ضمير)، إضافة (معرفه به اضافه) علم، ذواللّام، موصول و إشارة

نکات:

۱. معرفّ بالاضافه يعنى اينکه اگر مضاف اليه معرفه بود، مضاف نیز معرفه است؛

مثال: هو أحد ساكني طهران (۴ اسم معرفه)

نتيجه: اگر مضاف اليه نكره باشد، مضاف هم نكره محسوب می‌شود.

۲. تنوين در اسم علم علامت نكره بودن نيست ولي در بقيه موارد، علامت نكره است.

۳. «من و ما» فقط در حالت موصول معرفه هستند و در حالت شرط و استفهام نكره محسوب می‌شوند.

مثال ۱: مَنْ يَعْمَلْ خَيْرًا يَلْقَهُ: نكرة (شرط) مثال ۲: مَا اسْمُكَ؟: نكرة (إستفهام)

مثال ۳: مَا سَأَلْتَنِي كَانْ مُفِيدًا: معرفه (موصول) مثال ۴: الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ النَّاسُ مِنْهُ: معرفه (موصول)

دقت: «من و ما» اگر شرط یا استفهام باشند حتماً در ابتدای جمله می‌آیند ولي موصولات همه جا بکار می‌روند.

۴. در اسامي اشاره، «هؤلاء» و «اولئك» فقط برای انسان بکار می‌روند.

یادآوری ۱:

ضمائر به دو دسته متصل و منفصل تقسیم می‌شوند که از نظر اعراب دارای هر سه حالت مرفوعی، منصوبی و مجروری هستند!

ضمائر											
متصل						منفصل					
منصوبی یا مجروری			مرفوعی			منصوبی			مرفوعی		
هم	هما	هُ	و	ا	—	إِيَّاهُمْ	إِيَّاهِمَا	إِيَّاهُ	هم	هما	هُوَ
هنّ	هما	ها	نَ	ا	—	إِيَّاهِنَّ	إِيَّاهِمَا	إِيَّاهَا	هنّ	هما	هِيَ
كُم	كما	كَ	تُمْ - و	تُما - ا	تَ - —	إِيَّاكُمْ	إِيَّاكَمَا	إِيَّاكَ	أنتم	أنتما	أَنْتُمْ
كنّ	كما	كِ	تُنَّ - نَ	تُما - ا	تِ - يَ	إِيَّاكُنَّ	إِيَّاكَمَا	إِيَّاكِ	أنتنّ	أنتما	أَنْتُنَّ
نا	ي	نا - —	تُ - —	إِيَّانَا	إِيَّايَ	نحن	أنا				

دقت ۱: ضمائر متصل مرفوعی همان شناسه‌های فعل هستند!
 دقت ۲: اعراب ضمیر را می‌توان از روی نقش آن نیز تشخیص داد! ← قَتَلْتَهُ : تُ فاعل پس مرفوعی / ه مفعول پس منصوبی

یادآوری ۲:

کلمات پرسشی در زبان عربی عبارتند از:

الف) حروف استفهام: هَلْ - أ

ب) اسامی استفهام: ماذا و ما (چه چیزی) - مَنْ (چه کسی) - كَيْفَ (چگونه) - مَتَى (چه وقت) - أَيْنَ (کجا) و ...

۱. عَيِّنْ عدد المعارف في العبارة التالية: « انَّ القُدسَ كانت لهم مَوْضوعٌ إحدَى الجلسات »

(۱) ستّة (۲) خمسة (۳) اربعة (۴) ثلاثة

۲. مَيِّزِ الاسم الذي لا يكون معرفة في العبارة التالية: « و ما تَفَعَّلُوا مِنَ الخَيْرِ تَجِدُوهُ عِنْدَ رَبِّكُمْ »

(۱) عند (۲) رب (۳) ما (۴) الخیر

۳. عَيِّنْ عدد أنواع المعرفة في العبارة التالية: « أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي »

(۱) ثلاثة (۲) اربعة (۳) ستّة (۴) سبعة

۴. عَيِّنْ أنواع الضمير في العبارة التالية: « وَ نَصَرْنَاَهُمْ فَكَانُوا هُمُ الغَالِبِينَ »

(۱) متصل مرفوعی - متصل منصوبی - متصل مرفوعی - متصل مرفوعی

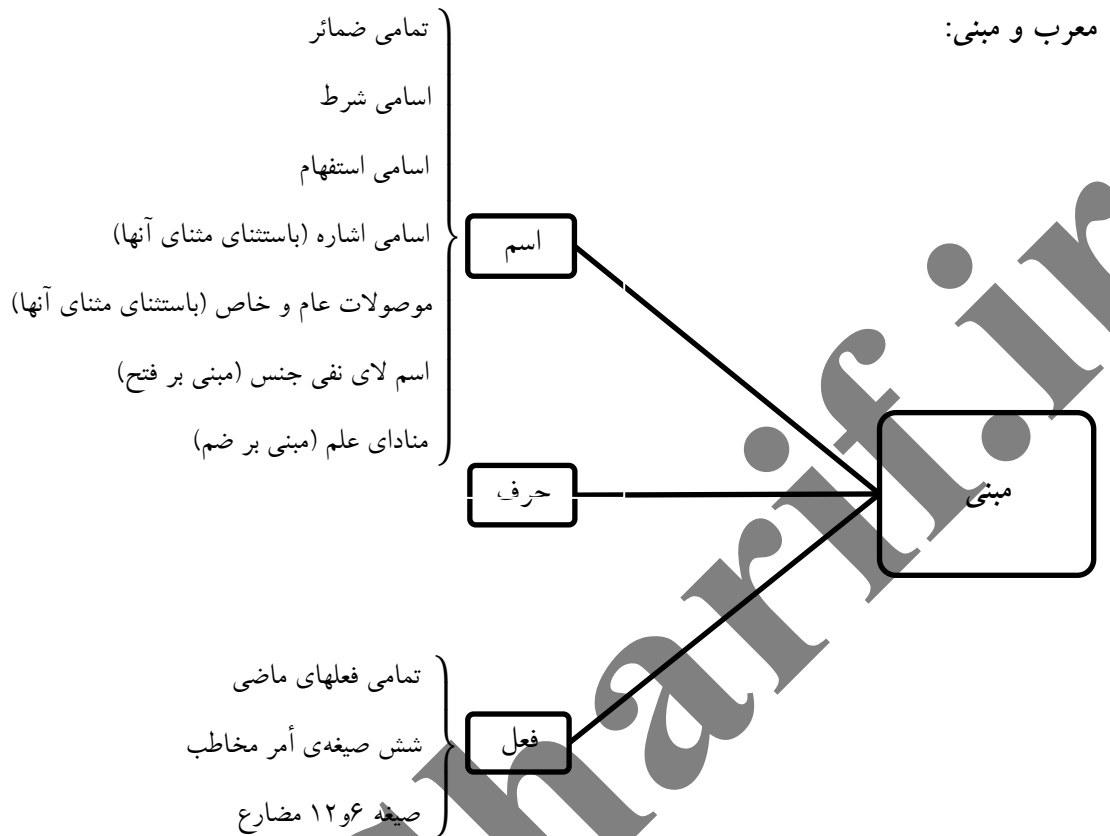
(۲) متصل منصوبی - متصل منصوبی - متصل مرفوعی - متصل مرفوعی

(۳) متصل مرفوعی - متصل مرفوعی - متصل مرفوعی - متصل منصوبی

(۴) متصل مرفوعی - متصل منصوبی - متصل مرفوعی - متصل مرفوعی

فصل اول

صرف اسم



نکات:

- حروف و اسمهایی که به الف، ی، واو (صداهاى کشیده) ختم می‌شوند، مبني بر سکون هستند. ← هذا، فى، اللّاتى، ...
- علامت بنای فعل همان علامت لام الفعل است. (در همان صیغه) ← ذَهَبَتْ : مبني على السكون

۱. عین الخطأ حول کلمات العبارة التالية: « أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيَّ عَيْبِي »

(۱) أَحَبَّ : مبني على الفتح (۲) إِخْوَان : معرب (۳) مَنْ : معرفة (۴) عَيْب : معرفة

۲. مَيِّزْ عِدَدَ الْأَسْمَاءِ الْمَبْنِيَّةِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: « يَا عَلِيُّ! إِيْلَمُ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَا تَفْقَهُ فِيهِ »

(۱) إِيْلَمُ (۲) ثَلَاثَةٌ (۳) أَرْبَعَةٌ (۴) خَمْسَةٌ

جامد و مشتق:

مشتقات به هفت و جامدات به دو دسته تقسیم می‌شوند که به بررسی آنها می‌پردازیم.

اسامی جامد به دو دسته مصدری و غیر مصدری تقسیم می‌شوند.

نتیجه: تمامی مصادر اعم از مجرد یا مزید، ثلاثی یا رباعی، جامد می‌باشند. ← سقوط، ازدیاد، ترقی، وسوسة، ...

اسم فاعل:

در ثلاثی مجرد بر وزن «فاعل» می‌باشد.

در ثلاثی مزید ابتدا در فعل مضارع حرف مضارعة را با «م» جایگزین نموده و سپس عین الفعل را مکسور می‌نماییم: مُسْتَكْبِر، مُتَوَجِّه، ...

اسم مفعول:

در ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» می‌باشد.

در ثلاثی مزید ابتدا در فعل مضارع حرف مضارعة را با «م» جایگزین نموده و سپس عین الفعل را مفتوح می‌نماییم: مُبَارَك، مُوجَّه، ...

اسم مکان: در ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل، مَفْعَل و مَفْعَلَة ساخته می‌شود: مَسْكَن، مَجْلِس، مَحْفَظَة، ...

اسم زمان: در ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل، مَفْعَل ساخته می‌شود: مَغْرِب، مَرَجِع، ...

اسم تفضیل: بر وزن «أفعل» و مؤنث آن، گاهی بر وزن «فعلی» می‌آید: أَشَدَّ، كُبْرَى، ...

صیغه مبالغة: معمولاً در زبان فارسی با قید بسیار همراه است و وزنه‌های مهم آن عبارتند از: فَعَالَة، فَعَال، فَعُول

صفة مشبهة: ترجمه‌ی فارسی آن معادل صفت است و دارای وزنه‌های متعددی می‌باشد که مهمترین آنها عبارتند از:

«فَعْل» (عَبْد) - «فَعِل» (حَسَن، حَشِين) - «فِعِل» (سَيِّد، طَيِّب) - «فَعِيل» (حَكِيم، وَلِيّ، كَرِيمَة)

«فَعْلَان» (عَضْبَان، عَطْشَان) - «أفعل» (مؤنث آن «فَعْلَاء» می‌باشد) (أَسْوَد، بَيْضَاء، أَعْمَى) که بر رنگها یا عیوب دلالت دارد.

نکات:

۱. اگر اسم تفضیل برای مقایسه بکار رود حتماً مذکر می‌آید.

مثال: سَمِيرَة أَصْغَرُ مِنْ صَدِيقَتِهَا سِنَاءً

۲. اسامی «خَيْر - شَر» دارای حالات زیر هستند که با توجه به معنا در جمله باید تشخیص دهیم:

※ اسم تفضیل: خویتر، بدتر ← إِنَّهُ شَرٌّ مَخْلُوقٍ: او بدترین مخلوقات است.

※ جامد: خوبی، بدی ← لَا خَيْرَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ: هیچ خوبی در معصیت پروردگار نیست.

۳. اسم تفضیل + یک اسم ← ترکیب اضافی؛ مثال: أَفْضَلُ إِنْسَانٍ (برترین انسان)

۴. یک اسم + اسم تفضیل ← ترکیب وصفی؛ مثال: إِنْسَانٌ أَفْضَلُ (انسان برتر)

قال أمير المؤمنين (ع): قَلِيلٌ تَدُومُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ مِنْهُ: کار اندکی که آن را ادامه دهی از کار بسیاری که از آن به ستوه آبی امیدبخش تر است.

فصل اول

صرف اسم

۵. اگر پس از اسم تفضیل جار و مجرور (با حرف مین) بیاید، صفت برتر و اگر پس از آن مضاف الیه بیاید، صفت برترین ترجمه میشود.

مثال: عَلِيُّ خَيْرِ النَّاسِ وَ لَكِنَّ النَّبِيَّ خَيْرَ مِنْهُ: علی بهترین مردم است ولی پیغمبر از او بهتر است.

۶. تنها وزن کلمه، برای صفة مشبهة بودن کافی نیست و باید معنای صفت نیز داشته باشد:

مثال: طَلَبٌ (بر وزن فَعَلٌ): جامد (بمعنای خواستن) نَصِيحَةٌ (بر وزن فَعِيلَةٌ): جامد

۷. در صیغهی مبالغة جنس مطرح نیست.

مثال ۱: فَاطِمَةُ عَلَامَةٌ وَ عَلِيٌّ عَلَامَةٌ أَيْضاً مثال ۲: هُوَ رَجُلٌ عَجُوزٌ وَ هِيَ امْرَأَةٌ عَجُوزٌ

۸. در اسمهای جمع برای تشخیص جامد یا مشتق بودن، باید به مفرد دقت شود؛ مانند: أولیاءِ جِ و لِيٍّ: صفة مشبهة

۹. اسم تفضیل، صفة مشبهة و صیغه مبالغة فقط از مصادر مجرد ساخته می شوند و حالت مزید ندارند!

مثال: أَصْدَقٌ، صَدِيقٌ وَ صَدُوقٌ همگی از مصدر صَدَقَ هستند.

۱. میز العبارة التي ما جاء فيها اسم التفضيل:

(۱) إِنَّهُمْ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۲) تُعْطِينَا الْآيَةَ صُورَةً أُخْرَى عَنِ الْبَحْرِ

(۳) أَنَا وَ أُمِّي جَلَسْنَا آخِرَ الْقَاعَةِ (۴) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

۲. عین نوع المشتقات فی العبارة التالية: « يا شَبَابَنَا الْمُتَّقِينَ اَعْلَمُوا أَنَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ »

(۱) اسم فاعل، فاعل، مفعول (۲) اسم مفعول، فاعل، مفعول (۳) اسم فاعل، مفعول، فاعل (۴) اسم فاعل، فاعل، فاعل

۳. ما هو الصحيح عن كلمات العبارة التالية: « دَخَلَ وَقَدْ مِنَ التَّجَارِ فِي مَجْلِسِ أَحَدِ الْأَمْراءِ » ؟

(۱) وَقَدْ: جامد (۲) التَّجَارِ: صیغه مبالغة (۳) مَجْلِسِ: اسم زمان (۴) الْأَمْراءِ: اسم فاعل

۴. عین الصحيح فی الترجمة:

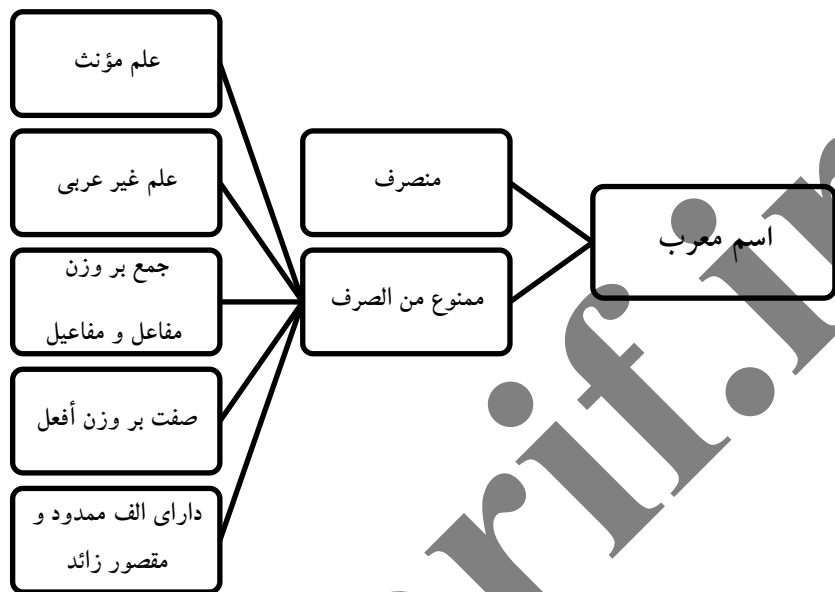
(۱) كوكبُ الزُّهْرَةِ أَعْلَى كوكبِ حرارةٍ فی المنظومة الشمسية: سیاره‌ی زهره در منظومه‌ی شمسی از زمین گرمتر است.

(۲) الامام الخميني إنسان أفضلُ فی عصرنا الحاضر: امام خمینی بزرگ در دوران معاصر است.

(۳) أعظمُ العبادة أجراً أخفاها: بزرگترین عبادت از نظر پاداش، مخفی ترین آنهاست.

(۴) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ: هر کس کار نیکوتری انجام بدهد، آن را خواهد دید.

منصرف و ممنوع من الصرف:



نکات:

۱. اسم غیر منصرف به اسمی گویند که در هیچ حالتی تنوین نمی پذیرد.
۲. اسم برخی پیامبران منصرف است؛ مانند: «محمد، صالح، شعیب، نوح، لوط، هود»
۳. کلمه «أربع» چون صفة نیست در نتیجه منصرف می باشد.
۴. وزن أفعال در حالت مثنی و جمع، منصرف است. ← هو محبوبٌ عند الآخرين
۵. اسم منصرف واجب است که یا ال داشته باشد یا تنوین بگیرد یا مضاف واقع شود.

۱. عین العبارة التي ماجاء فيها اسم ممنوع من الصرف:

- (۱) إن مثل عيسى عند الله كمثل آدم
(۲) إذا أذناى ملئنا بالقطن لا تسمعان الأصوات
(۳) هذه جهنم التي كنتم بها تكذبون
(۴) رب سكوتي أبلغ من كلام الآخرين

۲. عین عدد الأسماء المنصرفة في العبارة التالية: « رأيتُ أربع مدارس كبيرة في مدينة إصفهان »

- (۱) ثلاثة (۲) إثنان (۳) خمسة (۴) أربعة

۳. ما هو الصحيح حول أسماء العبارة التالية: « فما متاع الحياة الدنيا في الآخرة إلا قليل » ؟

- (۱) اسمان منصرفان (۲) اسم مبنی (۳) اسم نكرة (۴) اسمان مؤنثان

۱- « وَعَدَ الْوَالِدَ بهدایا قیمة بعد نجاحهم فی الامتحان! ». عین الصحیح للفراغ:

(۱) الأولاد (۲) الابن (۳) الطفلین (۴) البنات

۲- عین الخطأ (علی حسب الضمائر):

(۱) ساعدوا أصدقاءكم و لا تتركوهم عند المصائب!
(۲) هل أنتم تعلمون أن اليوم موعد ذهابكم إلى السفر؟
(۳) تحملاً صعوبة حياتكما بشهامة، أيتها الطالبتان!
(۴) يا صديقتي، هل تشجعين أولادك على تناول السمك؟

۳- عین غیر المناسب للفراغ: «..... مؤمنتان باللّه و راجيتان منه الغفران!»

(۱) هما (۲) نحن (۳) هنّ (۴) أنتما

۴- عین الخطأ:

(۱) اولئك محسنون فيهيئ الله لهم جنّاته!
(۲) تلك المناظر في خارج المدينة جميلة!

(۳) هؤلاء كتب مفيدة نقرأها كل يوم!
(۴) هذه حدائق كبيرة و هي قرب منزلنا!

۵- ما هو المناسب للفراغ في العبارة التالية: « _____ واجب على كل مسلم و مسلمة » ؟

(۱) الزكاة (۲) الصيام (۳) الصلاة (۴) ۱ و ۲ و ۳

۶- ميّز الكلمة التي ماجاء في العبارة التالية: « ما المال و الاهلون إلاّ ودائع و لا بدّ يوماً أن تُردّ الوديعة »

(۱) الجمع السالم للمذكر (۲) مفرد مذكر حقيقي (۳) الجمع المكسر (۴) مفرد مؤنث مجازي

۷- ما هو المناسب للفراغين في العبارة التالية: « _____ البنتان فتحنا _____ الابواب المغلقة » ؟

(۱) هاتان - تلك (۲) هؤلاء - اولئك (۳) هاتان - هؤلاء (۴) اولئك - هذه

۸- عین الجواب الذي كلّه من الأسماء المنقوصة:

(۱) الوحي، معالي، يرمي (۲) مدني، إلهي، نقي (۳) فيزيائي، معني، ساقى (۴) ثواني، راوي، متعالي

۹- عین العبارة التي جاء فيها اسم مقصور:

(۱) كان هذا كتاباً فصيحاً لأمتنا (۲) يا سيدنا و مولانا إرحمنا (۳) إذا زلزلت الارض زلزالها (۴) صيادا السمك ذهباً إلى البحر

۱۰- عین الخطأ:

(۱) طغاة: مفردها صحیح الآخر (۲) عار: صحیح الآخر

(۳) ابن: جمعه السالم صحیح الآخر (۴) موسوی: صحیح الآخر

۱۱- عین العبارة ماجاء فيها الاسم المنقوص:

(۱) يُعجِبُنِي القمر المضيء يُشرق على شاطئ البحر!
(۲) نعم الرجل، العبد الذي يسهر الليالي لمناجاة ربه!

(۳) أحيلت مسألتي إلى القاضي لينظر فيها بإنصاف!
(۴) أسرع إلى الشارع حافي القدمين لمشاهدة التصادم!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۲- عین الأسماء المنقوصة كلها:

- (۱) التَّساوِي - الحَاكِي - النَّعِي - القَارِي
(۲) القَاضِي - المُخْطِئ - الغَنِي - الكَافِي
(۳) الأَمَانِي - الطَّاعِي - النَّوَاحِي - المَعَاصِي
(۴) الأَغَانِي - اللَّيَالِي - السَّاعِي - المُجْرِي

۱۳- عین الجملة التي فيها جميع المعارف:

- (۱) الَّذِينَ يَكَلِّمُونَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ هُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ عَقْلًا!
(۲) ذَهَبْتُ إِلَى مُشَاوِرِ الْمَدْرَسَةِ لِأَنَّ تَحَمُّلَ هَذِهِ الْمَشَاكِلِ صَعَبٌ عَلَيَّ!
(۳) أَهَمَّ خِدْمَاتِ مَعَلِّمِي السَّيِّدِ حَامِدٍ إِيجَادَ طَرِيقَةٍ لِحَلِّ الْمَسْأَلِ الْهَنْدَسِيَّةِ!
(۴) اللَّهُمَّ إِنِّي فِي هَذَا السَّفَرِ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ أَهْلِي، وَحِيدَةٌ؛ فَكُنْ حَافِظِي!

۱۴- عین العبارة التي النكرات فيها أكثر:

- (۱) أَحَبَّ عَمِّي الْعَجُوزَ الَّذِي لَهُ وَجْهٌ أَسْمَرُ!
(۲) قَالَتْ لَنَا مَعَلِّمَتِي كَلِمَاتٌ وَجِيزَةٌ وَ لَكِنَّهَا كَانَتْ مَفِيدَةً كَثِيرًا!
(۳) يَقَعُ بَيْتٌ وَاسِعٌ فِي شَارِعِنَا وَ هُوَ مُشْرِفٌ عَلَى الْحَدِيقَةِ! (۴) هُنَاكَ جَرَسٌ جَمِيلٌ فَضِيٌّ عَلَى رَقَبَةِ قِطْعَةٍ نَائِمَةٍ!

۱۵- عین المعارف تنوعها أكثر:

- (۱) إِنَّهُمْ أَصْدِقَاؤُكَ الرَّاسِبُونَ بِسَبَبِ كَسَالَتِهِمْ!
(۲) عَلِيٌّ وَ صَدِيقُهُ يَحْتَرِمَانِ الْمَعْلَمَ!
(۳) حَفِظَ النَّفْسَ لَا يُحْصَلُ إِلَّا بِجَهْدِكَ!
(۴) أَحَدُ التَّلَامِيذِ أَخَذَ يَقْرَأُ الْآرَاءَ فِي الْجُلُوسَةِ!

۱۶- عین ما ليس فيه من المعارف:

- (۱) مَنْ يَخْلُصُ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَنْوِرُ اللَّهُ قَلْبَهُ!
(۲) مَا تَدْرِي نَفْسُ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا!
(۳) كَتَبْتَ تَكْلِيفَ أَمْرَتِ الْمَعْلَمَةِ بِهَا!
(۴) كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ انْتَصَرَتْ عَلَى فِتْنَةٍ كَثِيرَةٍ بَعُونَ لِلَّهِ!

۱۷- عین العبارة التي فيها نكرة واحدة:

- (۱) الثَّقَّةُ بِالنَّفْسِ مَجْمُوعَةٌ مِنْ أَوْصَافِ اكْتِسَابِيَّةٍ فِي الْإِنْسَانِ!
(۲) يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَرْفَعَ ثِقَّتَهُ وَ يَقْوِيَهَا مِنْ طَرُقٍ مُخْتَلِفَةٍ!
(۳) يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَفْتَشَّ عَنْ مَجَالَاتٍ تُسَاعِدُهُ فِي الْحَيَاةِ!
(۴) قَالَ لِي الْأُسْتَاذُ: عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ أَنْ يَخْدُمَ مَجْتَمَعَهُ وَ بِلَادَهُ!

۱۸- عین العبارة التي المعارف فيها أكثر:

- (۱) إِنَّهَا هِيَ الْعَاقِلَةُ الَّتِي تَتَبَعُ عَنْ كُلِّ بَاطِلٍ!
(۲) إِنَّ شَعْبَانَ وَ رَمَضَانَ الْمُبَارَكَيْنِ شَهْرَانِ مِنْ كُلِّ سَنَةٍ قَمَرِيَّةٍ!
(۳) مَا قَرَأْتُ تِلْكَ الْأَشْعَارَ الَّتِي أَنْشَدْتَ فِي مَدْحِ الْإِمَامِ!
(۴) رَأَيْتُ زَمِيلِي وَ أُخْتَهُ وَ هُمَا يَحْمِلَانِ مَحْفَظَتَيْنِ فِيهِمَا كِتَابٌ!

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۹- عین العبارة التي المعارف فيها أقل:

- (۱) جرم اللسان صغير و لكن جرّمه كبير!
 (۲) إن كنت عاقلاً لأبتعدت عن كل باطل!
 (۳) إن القرآن يهدى الإنسان لما هو أحسن!
 (۴) البشاشة في وجهك خير من السخاء في كفك!

۲۰- عین العبارة التي كل أسمائها معرفة:

- (۱) اللسان و إن كان جرّمه صغيراً و لكن جرّمه كبير!
 (۲) إن كان وجهك بشاشاً أفضل من أن تكون سخياً!
 (۳) اللغة المشتركة بين مسلمي العالم هي اللغة العربية!
 (۴) علينا جميعاً أن نهدى الناس إلى طريق هي أقوم لهم!

۲۱- عین عدد المعارف في البيت التالي: « قَدْ يَضُرُّ الشَّيْءَ تَرْجُو نَفْعَهُ رُبَّ ظَمَّانٍ بِصَفْوِ الْمَاءِ غَصَّ »

- (۱) خمسة (۲) أربعة (۳) ثلاثة (۴) ستة

۲۲- میز النكرة في العبارة التالية: « إذا بقيت حكومة مولانا الحاكم فأنا أضمن لك ألف بيت خرب! »

- (۱) حكومة (۲) مولا (۳) ألف (۴) ۱ و ۲ و ۳

۲۳- عین العبارة التي عدد/نوع المعارف فيها أقل من الأخرى:

- (۱) إن ما سألتني عنه كان مفيداً لي!
 (۲) يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ!
 (۳) مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا!
 (۴) مُخْطِئٌ مَنْ ظَنَّ يَوْمًا أَنْ لِلتَّلْعَبِ دِينًا!

۲۴- عین «من» نكرة:

- (۱) لا تعتمدنّ على مَنْ لا يستطيع أن يُنجي نفسه من المهلكة!
 (۲) إنّما ينتفع بالتجارب مَنْ يعتبر منها و يجعلها نصب أعينه!
 (۳) إنّما يحصد ثمرات العمل في الشيب، مَنْ سَبَقَ فِي زَرْعِهِ عِنْدَ الشَّبَابِ!
 (۴) طلعت الشمس و ظهر الصبح، و لكن مَنْ يدرى هل يتصل هذا الصبح بليته؟!

۲۵- ما هو المناسب للفراغين في العبارة التالية: « تَعَلَّمَ _____ لا تَعَلَّمُ و عِلْمٌ _____ تَعَلَّمُ » ؟ (حسب الترجمة!)

- (۱) مَنْ - مَا (۲) مَا - مَا (۳) مَنْ - مَنْ (۴) مَا - مَنْ

۲۶- عین العبارة التي ليس فيها اسم موصول:

- (۱) نحن عند مواجهة المصاعب ما نشعر بالضعف أبداً!
 (۲) سأترك في النهْر هذه السمكة التي تكون في الوعاء!
 (۳) هؤلاء من يصبرون على قضاء الله و يشكرونه!
 (۴) أنا آسفة جداً، لا أقدر أن أدفع لك ما تطلب مني!

۲۷- عین «من» ليس موصولاً:

- (۱) الأبرار من يتقون الله و يجاهدون في سبيله!
 (۲) من لا يكتسب الأدب في حياته فيؤدبه الدهر!
 (۳) من كان قد جلس جنبي في الحفلة ما كنت أعرفه!
 (۴) سيجيء إلينا من كنا ننتظره زمناً طويلاً!

نكات اضافی در تستها:

.....

۲۸- عین العبارة التي فيها اسم موصول:

- (۱) اشتريت أمي لي ما أحتاج إليه في دروسي!
 (۲) التلاميذ ناجحون ماداموا مجتهدين!
 (۳) ما تعملين لِمَا تدخلين بيت صديقك!
 (۴) ما أحسن كلام معلّمي، فإنّه كان مفيداً!

۲۹- عین الخُطأ في الموصولات:

- (۱) إحترموا من هم يعملون الخير، و لو كان قليلاً!
 (۲) أحبُّ الأعمال التي أقوم بها خدمة الناس الضعفاء في مدينتنا!
 (۳) هؤلاء العمّال هم اللذان أوصلوا البلاد إلى الاستقلال!
 (۴) من أهمّ خدماتهم، نشر العلوم المفيدة التي تساعدنا في الحياة!

۳۰- عین الصحيح في تعيين نوع الضمائر في العبارة التالية: « إن لم يستقم دين محمد (ص) إلا بقتلى فيا سيوف خذيني! »

- (۱) ضمير منصوبي (۲) ضمير للمتكلم وحده (۳) ضمير مجروري، ۲ منصوبي (۴) للجر، ۱ للرفع، ۱ للنصب

۳۱- عین ما فيه من الكلمات المبنية أكثر:

- (۱) الله يقدر أن يعطى ما لا يقدر أحد على إعطائه!
 (۲) فإذا ناديت به بصوت رفيع يسمع نداءك!
 (۳) وإذا ناجيته مخفياً يعلم نجاك!
 (۴) فاذكره كثيراً و اطلب منه حاجاتك!

۳۲- عین ما ليس فيه علامات محلية للإعراب:

- (۱) إني أصبر على ما يصيبني، لأن الله مع الصابرين!
 (۲) يوزع بائع الصحف صحفاً متعدّدة كل أسبوع!
 (۳) أنزل الله الوحي على الأنبياء فذلك هدى من رحمته!
 (۴) كثير من هؤلاء الناس يفرحون من زيارة أقربائهم!

۳۳- عین ما ليس فيه اسم مبني:

- (۱) أغث الملهوف لكفارة ذنوبك!
 (۲) الله يعلم ما في السموات و ما في الأرض!
 (۳) كل امرئ لم يعرف شأنه فهو هالك!
 (۴) نحتاج إلى معلم حاذق لتعليم طلاب المدرسة!

۳۴- ميّز الصحيح عن الكلمات التالية: « تكتبن، لم يتصل، على »

- (۱) مبني على الفتح، مبني على السكون، مبني على الفتح
 (۲) معرب، مبني على السكون، مبني على السكون
 (۳) مبني على السكون، معرب، مبني على السكون
 (۴) معرب، معرب، مبني على الفتح

۳۵- ميّز العبارة التي ماجاء فيها اسم مبني:

- (۱) لا أثر في القمر للماء و لا للحياة!
 (۲) كيف أحدثت قطرات الماء ثقباً؟!
 (۳) لا تبطل الصدقات بالمن و الاذى!
 (۴) من كنت مولاه فعلي مولاه!

۳۶- ما هو الصحيح عن كلمات الآية الشريفة: « ذلك الكتاب لا ريب فيه » ؟

- (۱) ذلك : مبني على الفتح (۲) ريب : جامد ، معرب (۳) في : حرف مبني على الكسر (۴) او ۲ و ۳

نكات اضافی در تستها:

.....

فصل اول

صرف اسم

٣٧- عَيْنٌ مَا فِيهِ مُشْتَقٌّ مِنْ فَعْلٍ مَزِيدٍ:

- (١) الإنسان الشريف يحفظ نفسه من مواضع الظن!
(٢) محصول عمر المعلم ما يغرسه!
(٣) ما نواجهه في القادم نتيجة عملنا أمس!
(٤) نتيجة عمل الأديب ما يكتبه!

٣٨- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمٌ مُشْتَقٌّ:

- (١) لَمَّا قَلْتُ لِأَهْلِي سَبَبَ فَرَحِي ، ابْتَسَمُوا لِي كُلَّهُمْ!
(٢) يَا شَابُ! لَا تَجْعَلِ السَّمَكَةَ فِي هَذَا الْوَعَاءِ لِأَنَّ مَاءَهُ كَدِرٌ!
(٣) أَحَدٌ إِخْوَانِي يُوَاجِهَ الْعَسْرَ ، مَعَ هَذَا يَسَاعِدُ الْبُؤْسَاءَ!
(٤) وَصَلْنَا إِلَى الْمَسْتَشْفَى فِي هَذَا الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ فَأَصْبَحْنَا فَرِحِينَ!

٣٩- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْمَشْتَقَّاتِ:

- (١) شَجَّعَ الْأَطْبَاءُ بِنَافِلِ الرُّمَّانِ لِعِلَاجِ بَعْضِ الْأَمْرَاضِ!
(٢) انْعَقَدَتْ أَمْسَ جُلُوسَةُ الْمُنَاقَشَةِ حَوْلَ بَعْضِ الدَّرُوسِ فِي صَفْنَا!
(٣) أَصْبَحَتْ أَوْضَاعُ الْقَاعَةِ مُنَاسِبَةً لِإِجْرَاءِ الْمَسْرُوحِيَّةِ!
(٤) خَيْرَ الْأَصْدِقَاءِ مَنْ ابْتَعَدَ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَ التَّفْرِيطِ فِي الصَّدَاقَةِ!

٤٠- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ صِفَةٌ مُشَبَّهَةٌ:

- (١) إِذَا لَقِيتَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلِّمْ عَلَيْهِ مِثْلَ سَلَامِكَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ!
(٢) قَالَ الْمَعْلَمُ: أَنَا لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَنْشِطَ مِنْ طُلَّابِ هَذَا الصَّفِّ!
(٣) بُعِثَ النَّبِيُّ (ص) فِي وَقْتِ كَانَ النَّاسُ يَهْتَمُّونَ بِالْبَيَانِ وَ الْفَصَاحَةِ!
(٤) لَمَّا رَجَعْتُ إِلَى الْمَنْزَلِ كُنْتُ تَعْبَةً عَطْشَانَةً كَثِيرًا بِسَبَبِ بُعْدِ الطَّرِيقِ!

٤١- عَيْنٌ الْعِبَارَةُ الَّتِي فِيهَا اسْمُ الْفَاعِلِ أَكْثَرَ:

- (١) تُسَوِّدُ وَجْهَ الْحَكَامِ الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!
(٢) إِنِّي لَا أُسَشِيرُ الْجُهَّالَ بِلِ الْعِقْلَاءِ فِي الشَّدَائِدِ!
(٣) اللَّهُ هُوَ الْمُصَوِّرُ وَ خَالِقُ كُلِّ الْمَوْجُودَاتِ فِي الْعَالَمِ!
(٤) نَرَى فِي الْجَامِعَاتِ الطَّلِبَةَ الْكَثِيرِينَ مُعْتَرِفِينَ بِمَنْفَعَةِ الْعِلْمِ!

٤٢- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمٌ جَامِدٌ:

- (١) أَصْدِقَائِي يَسَاعِدُونَنِي فِي الشَّدَةِ!
(٢) لَا تَكُنْ جَلِيسَ الْحَدَّافِ الْمَهِينِ!
(٣) لَا نَشْرَبُ وَ لَا نَأْكُلُ فِي أَيَّامِ الصِّيَامِ!
(٤) رَجِعِ الطَّالِبُ النَّاجِحُ فَرِحًا مِنَ السَّبَاقِ!

٤٣- مَيِّزَ كَلِمَةَ «خَيْرٍ» جَامِدًا:

- (١) بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ!
(٢) كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ!
(٣) مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا!
(٤) وَ لَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ!

٤٤- مَيِّزَ الْجَوَابَ الَّذِي مَا جَاءَ فِيهِ اسْمٌ جَامِدٌ:

- (١) يَا زَمِيلِي إِنْ مُسْتَقْبَلِ الْبِلَادِ بِأَيْدِيكَ الْقَوِيَّةِ
(٢) مِنْ أَشَدِّ الْمَخْلُوقَاتِ تَأْتِرًا بِالتَّغْيِيرَاتِ الْجَوِيَّةِ هِيَ الْحَشْرَاتُ
(٣) أَقَامَ الْمَدِيرُ مَحْفَلًا لِيُكْرِمَ الطَّلِبَةَ الْمُجْتَهِدِينَ فِي الْمَدْرَسَةِ (٤) أَرَادَ الْمَعْلَمُونَ أَنْ يَخْتَبِرُوا مِقْدَارَ عِلْمِ التَّلَامِيذِ

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

فصل اول

صرف اسم

۴۵- عین الّذی کلّه من المشتقات:

(۱) إجتهد ، أیّم ، وسوسة (۲) مأوی ، خیر ، أسود (۳) حیاة ، قوی ، أسفل (۴) فضیلة ، تقوی ، مبارک

۴۶- عین المشتقات: « إهدنا الصراط المستقیم صراط الذین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالّین »

(۱) اسم مفعول ، مفعول ، فاعل (۲) اسم فاعل ، مفعول ، فاعل (۳) اسم فاعل ، مفعول ، مفعول (۴) اسم مفعول ، فاعل ، فاعل

۴۷- میّز نوع المشتقات فی الآیة الشریفة: « و إذا سألك عبادی عنی فإنی قریبٌ »

(۱) صفة مشبهة / صفة مشبهة (۲) اسم فاعل / صفة مشبهة (۳) صفة مشبهة / اسم مكان (۴) صیغة مبالغة / صیغة مبالغة

۴۸- ما هو الخطأ عن كلمات العبارة التالية: « إنعقد الاحتفال فی قاعة دائرة التربية و التعليم » ؟

(۱) الاحتفال: جامد مصدری (۲) دائرة: اسم فاعل (۳) قاعة: اسم مكان (۴) التربية: جامد مصدری

۴۹- ما هو الصحيح عن كلمات العبارة التالية: « الدّیبا مزرعة الآخرة » ؟

(۱) مذکر ، مؤنث ، مؤنث (۲) جامد ، مشتق ، مشتق (۳) معرفة ، نكرة ، معرفة (۴) اسم تفضیل ، مكان ، فاعل

۵۰- عین ما هو ممنوع من الصرف کلّه:

(۱) إبراهیم و مریم قد حصلّا أكثر جوائز كانت فی شیراز! (۲) إذا قرأت قصة غالبیة حول حركة الأرض فطنت لعجائب كثيرة!

(۳) علّقت الأمّ فی عنق بنتیها لیلی و فاطمة قلادة خضراء! (۴) بعد سنوات أصبح أخی سعید من أحسن التلاميذ!

۵۱- « قرأنا مع صديقيّ إبراهيم و محمد أكثر المصادر العلمیة عن هذه الظاهرة فی جامعة طهران! ». كم اسماً ممنوعاً من الصرف؟

(۱) إثنان (۲) ثلاثة (۳) أربعة (۴) خمسة

۵۲- عین الفاعل من الأسماء الممنوعة من الصرف:

(۱) سَمِعَ بهلول كلام الرجل الكاذب!

(۲) شاهدت بهلول فی الشوارع المزدحمة!

(۳) نجح أحمد فی مباراة كرة القدم!

(۴) الله بعث طالوت ملكاً فی قوم بني إسرائيل!

۵۳- میّز العبارة الّتی ماجاء فیها اسم ما لا ینصرف:

(۱) مزار سیّدة رقیّة فی دمشق!

(۲) إلهی و فّقنی للّتی هی أركی!

(۳) لیست الحیاة إلاّ دقائق!

(۴) كان شعيب من عبادی الأبرار!

۵۴- میّز الخطأ للفراغ: « لم أشاهد فی الساحة إلاّ! »

(۱) حمید (۲) فاطمة (۳) یونس (۴) تلاميذ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

قال أمير المؤمنين (ع): من الحمق العجل قبل الإمكان: از نشانه‌های نادانی، شتاب کردن در کاری قبل از فراهم آوردن امکانات و وسایل آن است.

صرف اسم

سری دوم

فصل اول

❖ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِأَسْمَاءِ الْأَسْئَلَةِ رَقْم ٥٥ حَتَّى ٦٥:

٥٥- « هَذَا خُلِقَ مِنَّا نَعْظَمُ بِهِ الْأَمْرَاءَ. »

(١) اسم، الجمع المكسّر، مؤنث، جامد، منصرف

(٢) اسم، جمع، مشتقّ و صفة مشبهة، صحيح الآخر

(٣) اسم، مفرد مؤنث، نكرة، معرب، منقوص

(٤) اسم، مفرد مذكّر، جامد، معرب، منصرف

٥٦- « الْأَصْدِقَاءُ لَا يَتْرَكُونَ زُمْلَانَهُمْ فِي الْوَقْتِ الْحَرَجِ. »

(١) اسم، مفرد مذكّر، مشتقّ و صفة مشبهة، منصرف

(٢) اسم، جامد مصدری، معرب، صحيح الآخر

(٣) جامد غير مصدری، معرفة، مذكّر، معرب

(٤) اسم، مفرد، مشتقّ من مصدر مجرد، ممنوع من الصرف

٥٧- « لِهَذِهِ الْمَسْأَلَةِ أَهْمِيَّةٌ كَثِيرَةٌ فِي الْإِسْلَامِ. »

(١) اسم، مشتق (صيغة مبالغة)، مفرد مؤنث، نكرة، منصرف

(٢) اسم، جامد مصدری، مفرد مذكّر، معرفّ بالإضافة

(٣) اسم، مشتق (صفة مشبهة)، مفرد مذكّر، نكرة، صحيح الآخر

(٤) اسم، جامد، مفرد مؤنث، نكرة، معرب، منصرف

٥٨- « إِنَّ دَقَاتٍ قَلْبِكَ تَقُولُ لَكَ إِنَّ الْحَيَاةَ دَقَائِقٌ وَ ثَوَانٌ. »

(١) اسم مشتق و صفة مشبهة، جمع مكسّر، معرفة، منصرف

(٢) اسم، جامد مصدری، نكرة، جمع مكسّر، ممنوع من الصرف

(٣) اسم جامد، جمع سالم للمؤنث، معرفة، معرب، صحيح الآخر

(٤) اسم مشتق و صيغة مبالغة، جمع سالم، نكرة، معرب

٥٩- « فَقَالَ النَّبِيُّ : إِنَّ أَخَاكَ لِأَحَقُّ مِنْكَ بِالْجَنَّةِ. »

(١) النّبي: مفرد مذكّر، جامد مصدری، منصرف، مبني على السكون

(٢) أحقّ: فعل، مجرد ثلاثي، للمتكلم وحده، مضارع، معرب

(٣) أحقّ: مفرد مذكّر، اسم تفضيل، ممنوع من الصرف، معرب

(٤) النّبي: اسم، مفرد مذكّر، مشتق صيغة مبالغة، ما لا ينصرف

٦٠- « لَيْتَ الْحُكَّامِ الظَّالِمِينَ يَفْهَمُونَ هَذِهِ الْحَقِيقَةَ. »

(١) الحقيقة: مشتقّ، صفة مشبهة، معرب، معرفة، منصرف

(٢) الحقيقة: اسم، مفرد مؤنث، معرفّ بالإضافة، جامد، مبني

(٣) الحكّام: جمع مكسّر، صفة مشبهة، مفرد حكيم، معرب

(٤) الحكّام: اسم، الجمع، مشتقّ و اسم فاعل، معرفّ بأل، منصرف

٦١- « سَمِعَ الْمُقَاتِلُونَ مِنْ بَعِيدِ صَوْتِ إِنْفِجَارٍ. »

(١) المُقاتِلون: اسم، معرفّ بأل، اسم فاعل من باب تفاعل، معرب

(٢) إنفجار: جامد، مصدر من باب إنفعال، معرفة، منصرف

(٣) المُقاتِلون: جمع سالم للمذكّر، معرفة، مشتقّ من باب فِعال

(٤) إنفجار: اسم، مفرد مذكّر، مشتقّ، ممنوع من الصرف

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۶۲- « جَزَاءُ جَنَائِهِ أَكْثَرُ مِنَ الضَّرْبِ. »

- (۱) أَكْثَرُ: اسم، مفرد مذکر، نكرة، ممنوع من الصرف
 (۲) أَكْثَرُ: اسم، مشتق و اسم تفضیل، معرّف بالإضافة، معرب
 (۳) جَزَاءُ: اسم، مذکر، معرّف بالإضافة، اسم مقصور
 (۴) جَزَاءُ: جامد مصدری، معرب، اسم ممدود، نكرة، مالا ینصرف

۶۳- « ذَاتُ يَوْمٍ رَأَىٰ مَعْلَمِي فَحَيَّيْنَاهُ تَحِيَّةً طَيِّبَةً. »

- (۱) ذَاتُ: اسم، مفرد مؤنث، جامد غیر مصدری، معرب، معرّف بالإضافة، ممنوع من الصرف، صحیح الآخر
 (۲) نَا: ضمیر متصل للنصب، للمتکلم مع الغير، مبنی علی السکون، معرفة
 (۳) تَحِيَّةٌ: اسم، مفرد مؤنث، جامد غیر مصدری، منصرف، منقوص، معرب، نكرة
 (۴) طَيِّبَةٌ: مفرد، مشتق و صفة مشبهة من مصدر مُطَابِئَةٌ، منصرف، معرفة، صحیح الآخر

۶۴- « إِنَّ الْوَالِدَيْنِ هُمَا اللَّذَانِ يَحْرِصَانِ عَلَيَّ أَنْ يُطْعِمَا صِغَارَهُمَا الْفَوَاكِهِ. »

- (۱) الْوَالِدَيْنِ: اسم منئی، مذکر، مشتق و مجرد ثلاثی، معرب، منصرف، صحیح الآخر
 (۲) اللَّذَانِ: اسم، موصول خاص، للغائبین، معرّف بالإضافة، مبنی علی الکسر، صحیح الآخر
 (۳) صِغَارُ: اسم، الجمع المکسر، مشتق و اسم التفضیل، معرب، ممنوع من الصرف، معرفة
 (۴) الْفَوَاكِهِ: اسم، مفرد مؤنث، معرب، معرفة، منصرف، جامد، اسم مقصور

۶۵- « الْجُنْدِيُّ تَمَكَّنَ مِنْ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْخَنَادِقِ دُونَ إِدْرَاكِ أَعْدَائِهِ. »

- (۱) الْجُنْدِيُّ: اسم، مفرد مذکر، مشتق و صفة مشبهة، معرب، منصرف، اسم منقوص
 (۲) الْخَنَادِقِ: اسم، جمع سالم، ممنوع من الصرف، معرب، معرّف بالإضافة، اسم مکان مجرد
 (۳) إِدْرَاكِ: جامد مصدری، مذکر، معرب، معرفة، منصرف، صحیح الآخر، مفرد
 (۴) أَعْدَاءِ: الجمع المکسر، مشتق و اسم فاعل، اسم مقصور، معرب، منصرف، معرفة

❖ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَالتَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِأَسْمَاءِ الْأَسْئَلَةِ رَقْمٌ ۶۶ حَتَّى ۸۰:

۶۶- « هُنَاكَ أَشْخَاصٌ يَنْتَظِرُونَ مُسَاعَدَةَ الْآخِرِينَ دَائِمًا، فَلَيْسَتْ لَهُمْ حَيَاةٌ كَرِيمَةٌ. »:

- (۱) حَيَاةٌ: اسم - مفرد مؤنث - جامد - نكرة - معرب - منصرف / اسم «ليس» المؤخر و مرفوع
 (۲) كَرِيمَةٌ: مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبهة - نكرة - معرب - منصرف / المضاف إليه و مجرور
 (۳) هُنَاكَ: اسم اشارة - للمكان القريب - معرفة - مبنی علی الفتح / ظرف للمكان و خبر مقدّم و مرفوع تقدیراً
 (۴) الْآخِرِينَ: الجمع السالم للمذکر - معرّف بأل - معرب - منصرف / نعت و مجرور بالتبعية و علامة جرّه الياء

نکات اضافی در تستها:

.....

۶۷- «لقد تحمّل شماسٌ تعذيباً شديداً بسبب إسلامه.»:

- (۱) إسلام: مفرد مذکر - جامد (مصدر من باب إفعال) - نكرة - معرب / نعت و مجرور بالتبعية
- (۲) شماس: مفرد مذکر - مشتق و اسم مبالغة - نكرة - معرب - ممنوع من الصرف / فاعل و مرفوع
- (۳) تعذيباً: اسم - مفرد مذکر - جامد (مصدر من باب تفعيل) - نكرة - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب
- (۴) شديداً: اسم - مفرد مذکر - مشتق و اسم تفضيل (مصدره: شدة) - نكرة / نعت و منصوب بالتبعية لمنعوته

۶۸- «مُسَاعِدَةُ الْمُحْرَمِينَ مِنْ وَاجِبَاتِ الْإِنْسَانِ الْمُسْلِمِ.»:

- (۱) المُسْلِم: مشتق و اسم فاعل (مصدره: تسليم) - معرّف بأل - معرب / المضاف إليه و مجرور
- (۲) المحرمين: الجمع السالم للمذکر - مشتق و اسم مفعول - معرّف بأل / المضاف إليه و مجرور بالياء
- (۳) مساعدة: مفرد مؤنث - مشتق و اسم مفعول (من باب مفاعلة) - نكرة / مبتدا و مرفوع و الجملة اسمية
- (۴) واجبات: الجمع السالم للمؤنث - مشتق و اسم فاعل - نكرة - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف الجرّ

۶۹- «بعد محاولة كثيرة وجد بشراً فشرب منها ماء صافياً.»:

- (۱) بعد: اسم - معرّف بالإضافة - معرب - منصرف / مبتدا و مرفوع و الجملة اسمية
- (۲) كثيرة: مفرد مذکر - جامد - نكرة - معرب - ممنوع من الصرف / نعت و مجرور بالتبعية
- (۳) محاولة: مفرد مؤنث - جامد و مصدر (من باب مفاعلة) - نكرة - معرب / المضاف إليه و مجرور
- (۴) ماء: اسم - مفرد مذکر - مشتق و صفة مشبهة - معرّف بالإضافة - معرب - ممدود / مفعول به و منصوب

۷۰- «لعلّ بيته أقرب إلى المدرسة من بيوتنا.»:

- (۱) بيوت: الجمع السالم للمؤنث - جامد - معرّف بالإضافة - معرب / مجرور بحرف «من»
- (۲) أقرب: مشتق و اسم تفضيل (مصدره: قرب) - ممنوع من الصرف / خبر «لعلّ» و مرفوع
- (۳) نا: ضمير متصل للنصب أو للجرّ - للمتكلّم مع الغير - معرفة - مبني / مفعول به و منصوب محلاً
- (۴) المدرسة: مفرد مؤنث - مشتق و اسم مكان (مصدره: تدریس) / مجرور بحرف الجرّ، إلى المدرسة: جار و مجرور

۷۱- «ظهرت قرون الطّبي الجميلة كالفضّة البرّاقة.»:

- (۱) الطّبي: مفرد مذکر - معرّف بأل - معرب - منقوص - معرفة / المضاف إليه و مجرور
- (۲) قرون: اسم - جمع تكسير (مفرد: قرن، مذکر) - نكرة - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع بالواو
- (۳) البرّاقة: مفرد مؤنث - مشتق و اسم مبالغة (مصدره: برق) - معرّف بأل - معرب / المضاف إليه و مجرور
- (۴) الجميلة: مشتق و صفة مشبهة (مصدره: جمال) - معرّف بأل / نعت و مرفوع بالتبعية للمنعوت «قرون»

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۷۲- «نحن الفقراء الى الله و الله الغني الحميد.»:

(۱) نحن: ضمير منفصل مرفوع - للمتكلم مع الغير - نكرة - مبني على الضم / مبتدأ و مرفوع محلاً، و الجملة اسمية

(۲) الفقراء: جمع تكسير (مفرد: فقير، مذكر) - مشتق و صفة مشبهة من مصدر «فقر» / خبر مفرد و مرفوع

(۳) الله (الثانية): لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة علم - مبني / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

(۴) الغني: مفرد مذكر - معرف بأل - معرب - منقوص / خبر و مرفوع تقديراً

۷۳- «لا خلق أضر للمؤمن من أن يكون متكبراً على غيره.»:

(۱) خلق: مشتق و صفة مشبهة - نكرة - معرب / اسم لا النافية للجنس و منصوب بالفتحة

(۲) المؤمن: مشتق و اسم مفعول (مصدره: إيمان) - نكرة - معرب - منصرف / مجرور بحرف الجر

(۳) أضر: مفرد مذكر - مشتق و اسم تفضيل - معرب - ممنوع من الصرف / خبر لا النافية للجنس و مرفوع

(۴) متكبراً: اسم - مفرد مذكر - مشتق و اسم فاعل (مصدره: تكبر) - نكرة - معرب / اسم «أن» و منصوب

۷۴- «زرت غابات مازندران الخضراء في السنة الماضية.»:

(۱) الماضية: اسم - مفرد مؤنث - مشتق و اسم فاعل - معرب - منصرف / المضاف إليه و مجرور

(۲) مازندران: اسم - مفرد مذكر - معرف بالإضافة - معرب - منصرف / المضاف إليه و مجرور بالفتح

(۳) غابات: الجمع السالم للمؤنث - مشتق و اسم مكان - معرب بالإضافة - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب بالفتح

(۴) الخضراء: مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبهة - معرف بأل - معرب - ممدود / نعت و منصوب بالتبعية للمنعوت «غابات»

۷۵- «من صفات المنافقين، التملق عند الحاجة و التكبر عند القدرة.»:

(۱) عند: اسم - نكرة - معرب / ظرف أو مفعول فيه للمكان و منصوب

(۲) المنافقين: الجمع السالم للمذكر - مشتق و اسم فاعل (مصدره: إنفاق) / نعت و مجرور بالتبعية

(۳) التملق: مفرد مذكر - جامد مصدر (من باب تفعّل) - معرف بأل - معرب / مبتدأ مؤخر و مرفوع، و الجملة اسمية

(۴) صفات: جمع تكسير (مفرد: مؤنث) - مشتق و صفة مشبهة / مجرور بحرف الجر، من صفات: جارو مجرور و خبر مقدم

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۷۶- «إن الله عليم بما في السموات والأرض.»:

- ۱) عليم: اسم - مفرد مذكر - مشتق - نكرة - معرب - منصرف / خبر «إن» و مرفوع
- ۲) ما: موصول خاص - معرفة - مبني / مجرور تقديرًا بحرف الجر ، بما: جار و مجرور
- ۳) السموات: الجمع السالم للمؤنث - مشتق - معرفّ بأل - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف الجر
- ۴) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - معرفة علم - مبني / اسم «إن» و منصوب، و الجملة فعلية

۷۷- «رفعت يديها إلى السماء ودموعها جارية من عينيها.»:

- ۱) دموع: اسم - مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبهة - معرفّ بالإضافة / مبتدا و مرفوع ، و الجملة اسمية
- ۲) يدي: مثنى مؤنث - معرفّ بالإضافة / مفعول به و منصوب بالياء، و حذف النون بسبب الإضافة
- ۳) عيني: مثنى مذكر - مشتق و صفة مشبهة - معرب - منصرف / مجرور بحرف الجر
- ۴) جارية: مفرد مؤنث - مشتق - معرفّ بالإضافة - معرب / خبر مفرد و مرفوع

۷۸- «جعل الله معجزة عظيمة لموسى و هي إبطال السحر.»:

- ۱) موسى: مفرد مذكر - نكرة - معرب - مقصور - ممنوع من الصرف / مجرور تقديرًا بحرف جرّ
- ۲) هي: ضمير منفصل للرفع - للغائية - معرفة - معرب / مبتدا و مرفوع محلاً و الجملة اسمية
- ۳) معجزة: مشتق و اسم فاعل - معرفّ بالإضافة - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب
- ۴) إبطال: اسم - مفرد مذكر - معرفّ بالإضافة - معرب - منصرف / خبر و مرفوع

۷۹- «حصلت علاقات وثيقة بين اللغتين العربية و الفارسية.»:

- ۱) بين: اسم - نكرة - معرب - منصرف / ظرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب
- ۲) وثيقة: مشتق و صفة مشبهة (مصدره: وثوق) - نكرة - معرب / المضاف إليه و مجرور
- ۳) علاقات: اسم - الجمع السالم للمؤنث - جامد - نكرة - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع
- ۴) الفارسية: مفرد مؤنث - جامد و منسوب - معرفّ بأل - منقوص / معطوف و مجرور بالتبعية

۸۰- «لا عمل أنفع من العمل الصادق للنجاح في الحياة.»:

- ۱) أنفع: اسم - مفرد مذكر - مشتق و اسم تفضيل - نكرة - ممنوع من الصرف / خبر «لا» النافية للجنس و مرفوع
- ۲) النجاح: اسم - جامد - معرفّ بأل - معرب - منصرف / مجرور بحرف الجرّ، للنجاح: جار و مجرور و خبر «لا» و مرفوع
- ۳) عمل: مفرد مذكر - جامد - معرفّ بالإضافة - معرب / اسم «لا» النافية للجنس و منصوب ، و الجملة اسمية
- ۴) الصادق: مشتق و اسم فاعل (مصدره: صدق) - معرفّ بأل - معرب - منصرف / المضاف إليه و مجرور

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

ثلاثی مجرد و مزید : اگر در صیغه اول ماضی یک فعل، حرفی بغیر از سه حرف اصلی وجود داشته باشد آن فعل ثلاثی مزید می باشد. نتیجه: برای یافتن تعداد حروف زائد یک فعل مزید باید به صیغه اول ماضی آن باب نگاه کرد نه مصدر آن.

مثال: اللَّهُمَّ اَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ وَ جَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ اَلْهِم: امر باب افعال: یک حرف زائد / جَنَّب: امر باب تفعیل: یک حرف زائد

حروف زائد	نکات و کاربردها	امر	مضارع	ماضی	مصدر
۱	اغلب فعلهایی که در این باب بکار می روند متعدی هستند. تنها فعلی است که همزه‌ی امر آن مفتوح می باشد: تُعْطِي: اَعْطِ	اَفْعِلْ	يُفْعِلُ	اَفْعَلَّ	اِفْعَالٌ
۱	اغلب فعلهایی که در این باب بکار می روند متعدی هستند. یربى الاولیاء اولادهم: والدین فرزندانشان را تربیت می کنند.	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَّ	تَفْعِيلٌ
۱	در ترجمه‌ی این باب معمولاً از حرف اضافه‌ی به _ با استفاده می شود. کاتِبَ التلمیذُ صدیقَه: دانش آموز با دوستش نامه نگاری کرد. *مصدر دیگر این باب <فِعال> می باشد: جِهَاد، دِفَاع، ...*	فَاعِلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ	مُفَاعَلَةٌ
۲	در ترجمه‌ی این باب معمولاً از عبارت با یکدیگر استفاده می شود. تَقَاتَلَ العُقرَبان (دو عقرب با یکدیگر جنگیدند)	تَفَاعَلٌ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَ	تَفَاعُلٌ
۲	این باب از تعداد مفعولات می گاهد: عَلَّمْتُ التلمیذَ الدرسَ فَتَعَلَّمَ الدرسَ (در این مثال عَلَّمْتُ دو مفعولی و تَعَلَّمَ یک مفعولی می باشد.)	تَفَعَّلٌ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَّ	تَفَعُّلٌ
۲	فعلها در این باب همواره لازم می باشند و در نتیجه مجهول نمی شوند.	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ	اِنْفِعَالٌ
۲	اگر فعل مثال به این باب رود <واو> تبدیل به <ت> می شود: وَحَد: اِتَّحَدَ اگر پس از نون، <تاء> بیاید حتماً باب اِفْتَعَال است نه اِنْفَعَال: اِنْتِشَار، اِنْتِباَه	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ	اِفْتِعَالٌ
۳	این باب معمولاً برای نشان دادن درخواست بکار می رود. اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ: از خدا طلب بخشش می کنم.	اِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَ	اِسْتَفْعَالٌ

۱. اِجْعَلِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ لَصِيغَةَ الْغَائِبِ: «رَبُّنَا آتِنَا الْحَسَنَاتِ وَ زَيِّنَا بِنُورِ الْفَهْمِ»: «رَبُّنَا.....»

(۱) يُؤْتِينَا الْحَسَنَاتِ وَ يُزَيِّنُنَا بِنُورِ الْفَهْمِ

(۲) يُؤْتِيْنَا الْحَسَنَاتِ وَ يُزَيِّنُنَا بِنُورِ الْفَهْمِ

(۳) يَأْتِيْنَا الْحَسَنَاتِ وَ يُزَيِّنُونَنَا بِنُورِ الْفَهْمِ

۲. عَيِّنْ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «فَلَمَّا آسَفُونَا فَاِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَ اَغْرَقْنَاهُمْ اَجْمَعِينَ»

(۱) فعل بزیاده حرفین (۲) فعل مین باب اِنْفَعَال (۳) فعل ماضٍ لِلْغَائِبِينَ (۴) ۳ فعل مزید ثلاثی

فعل لازم و متعدی: فعلی را که نیاز به مفعول به داشته باشد، متعدی و در غیر این صورت، لازم گویند.

نکات:

(۱) فعل در باب «إفعال» و «تفعیل» و «إستفعال» غالباً متعدی می‌باشد.

دقت: برخی فعلها اینگونه نیستند؛ مانند:

أفلح: رستگار شد / أنصت: ساکت شد / أسلم: اسلام آورد

سَلَّمَ: تسلیم شد (کرد) / صَلَّى: نماز خواند / كَبَّرَ: تکبیر گفت

إستيقظ: بیدار شد / استسلم: تسلیم شد / استقر: استقرار یافت

(۲) فعل در باب «إنفعال» همواره لازم می‌باشد و در نتیجه این باب هیچگاه مجهول نمی‌شود.

(۳) اگر به فعل، ضمیری متصل شده باشد حتماً متعدی می‌باشد چرا که ضمیر در حکم مفعول به است.

(۴) فعل مجهول در حکم فعل متعدی می‌باشد. ← مَن قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ: ۲ فعل متعدی

(۵) فعلی که ماضی آن بر وزن فَعُلَ باشد، حتماً لازم است. مثال: كَثُرَ - حَسُنَ - عَظُمَ - كَبُرَ ...

(۶) بعضی از افعال متعدی هستند ولی به دلیل داشتن حرف اضافه، مفعول آنها به صورت مجرور به حرف جرّ ظاهر می‌گردد؛ مانند:

شَعَرَ بِـ، بَحَثَ عَنِ، فَتَشَّ عَنِ، عَبَّرَ عَنِ (بیان کرد) و ...

(۷) فعل جاء و آتی می‌توانند متعدی نیز باشند که در این صورت قبل از مفعول آنها در معنا، از کلمه‌ی «نزد - به سوی» استفاده می‌شود.

مثال ۱: إلهی فقیرٌ أتاک: خدای من! فقیری به سوی تو آمده است.

مثال ۲: جاؤوا أباهم عشاءً: شب نزد پدرشان آمدند.

۱. عَيْنَ العبارة التي جاء فيها فعل متعدٍ:

(۲) يَحْتَرِقُ الْكُفَّارُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ أَبَدًا

(۱) هاجر شماسٌ مع جماعة إلى يثرب

(۴) فأما من ثقلت موازينه فهو في عيشة راضية

(۳) الطَّيْبِيُّ بَلَغَ قَمَّةَ أَحَدِ التَّلَالِ الرَّمَلِيَّةِ

۲. ما هو الصحيح عن أفعال الآية الشريفة: «وإذا قرئ القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلكم ترحمون»؟

(۱) قرئ: لازم (۲) استمعوا: فعل ماضٍ (۳) أنصتوا: مجرد ثلاثي (۴) ترحمون: متعدٍ

فعل معلوم و مجهول: در این قسمت فقط طرز مجهول کردن فعل متعدی را شرح می دهیم.

مجهول کردن ماضی: عین الفعل را مکسور کرده و حروف متحرک قبل آن را مضموم می نماییم. ← اسْتُخْرِجَتْ: اسْتُخْرِجْتُ

مجهول کردن مضارع: عین الفعل را مفتوح کرده و حرف مضارعة را مضموم می نماییم. ← يَتَقَبَّلُونَ: يَتَقَبَّلُونَ

۱. عین الخطأ وفق قواعد الفعل المبني للمجهول:

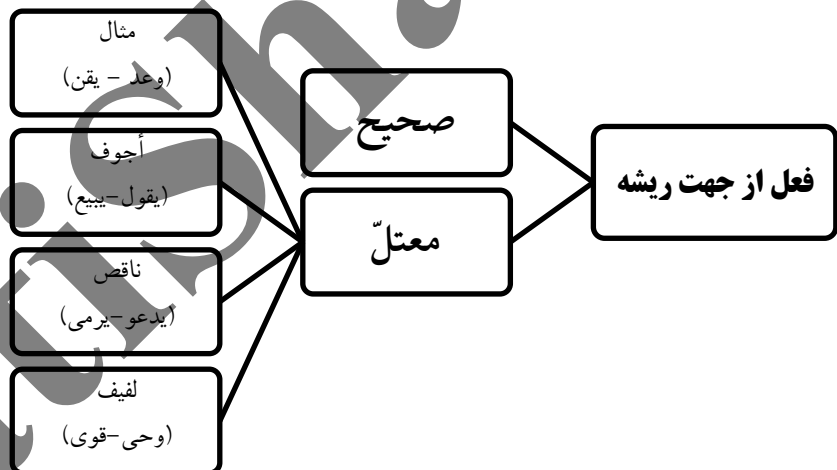
(۱) أَفْعَلُ ← أَفْعُلُ (۲) تَقْبَلُ ← تَقْبُلُ (۳) يُقَاتِلُونَ ← يُقَاتِلُونَ (۴) اِنْجَمَدَ ← اِنْجَمَدَ

۲. عین عدد الافعال المبنية للمجهول في العبارة التالية: « يُجَاهِدُ الْمُجِدُّونَ فِي سَبِيلِهِمْ وَ لَا يُضَيِّعُونَ عُمْرَهُمْ وَ هُمْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ مِنْ نِعْمِهِ يُرْزَقُونَ »

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳. ما هو غير المناسب للفراغ: « إِنَّ الْأَصْدِقَاءَ الْأَوْفِيَاءَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ » ؟

(۱) أَعْرِفُهُمْ (۲) عَرَفْتُ (۳) يُعْرِفُونَ (۴) قَدِ عَرَفُوا



دقت: فعلهای صحیح یا معتل چنانچه در ریشه همزه داشته باشند مهموز و چنانچه حرف تکراری داشته باشند مضاعف نامیده می شوند.

مهموز: رأى - وما - سأل و ... مضاعف: ودد - كفف - حجج و ...

۱. عین العبارة التي ما جاء فيها فعل صحيح:

(۱) تَحْمَلُ الْمَشَقَّةَ يُقْوَى رُوحِي (۲) مَنْ جَدَّ وَجَدَ (۳) مَنْ جَعَلَهُ إِمَامًا لَا يَضِلُّ (۴) مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ اتَّقَى فَهُوَ حَسْبُهُ

۲. ما هو الخطأ عن أفعال الآية الشريفة: « إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ » ؟

(۱) متعد - مضارع مرفوع (۲) اعرابه أصلي - أجوف (۳) صحيح - معتل (۴) مرفوع بالضممة - مرفوع بثبوت نون

۳. عین عدد الأفعال المعتلة في العبارة التالية: « الْأَزْكَى لَنَا هُوَ السَّعْيُ إِلَى مَا هُوَ صَالِحٌ لِشَأْنِنَا وَ عَدَمُ الْحُزْنِ عَلَى مَكْرُوهِ يُوَجِّهُنَا »

(۱) اثنان (۲) واحد (۳) ثلاثة (۴) دون فعل معتل

■ عَيْنُ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱- «اتخذ الله في القرآن أساليب مختلفة لدعوة الناس إلى دينه، لأنهم مختلفون في ثقافتهم!»:

- ۱) اختلاف در فرهنگ‌ها باعث شده تا خداوند در قرآن، مردم را به شیوه‌های متفاوت به دین خود فرا خواند!
 - ۲) خداوند مردم را به شکل‌های متفاوت به دین خود فرا می‌خواند، زیرا مردم دارای فرهنگ‌های مختلفی هستند!
 - ۳) از آنجایی که مردم فرهنگ‌های متفاوتی دارند، روش‌های خداوند در قرآن برای دعوت آنان، با یکدیگر تفاوت دارد!
 - ۴) خدا در قرآن برای دعوت مردم به دین خود روش‌های مختلفی بکار گرفته، زیرا آنها در فرهنگ‌های خویش مختلفند!
- ۲- «على الإنسان أن يُساعد من يستعينه لكي لا يبقى وحيداً حينما أُصيب بمصيبة!»:

- ۱) وظیفه هر انسانی است که به کسی که کمک می‌خواهد، یاری کند تا اگر روزی خودش نیازمند شد تنها نباشد!
 - ۲) انسان نباید کسی را که به او یاری کرده کمک نکند و گرنه وقتی دچار مصیبت شود، تنها خواهد ماند!
 - ۳) انسان باید به کسی که از او یاری می‌طلبد کمک کند تا اگر زمانی دچار مصیبتی شود تنها نماند!
 - ۴) بر هر انسان واجب است به کسی که یاریش کرده، کمک کند تا اگر دچار گرفتاری شد تنها نماند!
- ۳- «من الناس من يُشبه المصباح، يُنور الطريق لك ثم يزول نوره شيئاً فشيئاً، فيجعلك مصباحاً لإضاءة طريق الآخرين!»:
- ۱) از بین مردم برخی به چراغ می‌مانند، در حالی که راه را نورانی می‌کنند و سپس بی نور و خاموش می‌شوند، آن‌گاه تو را چراغ راه دیگران می‌کنند!
 - ۲) کدام دسته از مردم مثل چراغ، راه را روشن می‌کنند، اما کم‌کم نور خود را از دست می‌دهند، و از تو چراغی می‌سازند که راه دیگران را روشن کنی!
 - ۳) بعضی از مردم شبیه چراغ هستند، راه را برای تو روشن می‌کنند و کم‌کم نور آن از بین می‌رود، آن‌گاه تو را چراغی برای روشن کردن راه دیگران قرار می‌دهد!
 - ۴) بعضی مردم چون چراغی هستند که راه را برایت روشن می‌کنند ولی کم‌کم نور آنها محو می‌گردد، و تو در این هنگام چراغی می‌شوی که راه دیگران را روشن می‌کنی!
- ۴- «هؤلاء شاعرات و لهنَّ أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عميق!»:

- ۱) اینها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!
- ۲) اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساسی عمیق دارد!
- ۳) این شاعران را اشعاری است با عاطفه‌ی تاثیرگذار و احساس عمیق!
- ۴) این شعرا اشعاری دارند با عواطف تاثیرگذار و احساسی عمیق!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عَيْنِ الْخَطَأُ:

- ۱) حين يُهددني خطر من الوحوش في الغابة أتسلق أشجارها الباسقة! زمانی که وجود حیوانات درنده در جنگلی مرا تهدید می‌کند از درخت‌های بلند بالا می‌روم!
- ۲) هؤلاء العلماء كانوا دؤوبين في أعمالهم فوصلوا إلى غاياتهم بعزّة! این دانشمندان در اعمال خویش پایدار بودند لذا با سربلندی به اهداف خود رسیدند!
- ۳) قال قائد الجيش لجنوده: نحن جبال صامدة و لا ننحنى أمام الأعداء! فرمانده سپاه به سپاهیانش گفت: ما کوه‌های پایداری هستیم و در برابر دشمنان سر خم نمی‌کنیم!
- ۴) يا عجب! كيف أشاهد قوآت العدو من بعيد، بينما أنت لم تشاهدها من قريب؟! عجباً، چگونه است که من نیروهای دشمن را از دور می‌بینم، در حالی که تو از نزدیک آنها را ندیدی!؟

۶- عَيْنِ الْخَطَأُ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) إنّما الدنيا خيالٌ عارض! دنیا را هر طور بگیری می‌گذرد!
 - ۲) و المرء بالجبن لا ينجو من القدر! با قضا سود کی کند حذرت!
 - ۳) إنّ الحياة دقائق و ثوان! حاصل از حیات ای دل یکدم است دانی!
 - ۴) إنّ من كسر مؤمناً فعليه جبره! تبجیل المؤمن مثل احترام بیت الله!
- ۷- «اگر با اتکای به پروردگار خود به حل مشکلات خویش مبادرت کنی، بدون شک گره‌های پیچیده‌ی آنها را خواهی گشود!» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) إذا أقدمت لحلّ المشكلات بنفسك متوكلاً على إلهك، بلا شك ستفتح العقد المعقّدة منها!
- ۲) إن بادرت بحلّ المشكلات لنفسك بالتوكّل على ربّك، تفتح عقدتها المعقّدة بلا ريب!
- ۳) لمّا تُقدم لتحلّ مشاكل نفسك بتوكّل على إلهك، بلا ريب تفتح عقدها المعقّدة منها!
- ۴) لو تبادر بحلّ مشاكلك متوكلاً على ربّك، ستفتح عقدها المعقّدة بلا شك!

۸- عَيْنِ الْخَطَأُ:

- ۱) دروغگو اعتماد نزدیکان خود را از دست خواهد داد! إنّ المكذّبين يزيل اعتماد أقربائه لنفسه!
- ۲) نتیجه اعمال ما همان است که زود یا دیر خواهیم دید! نتیجه اعمالنا هی الّتی سراها قريباً أم بعيداً!
- ۳) اما آن که عمل می‌کند، اگرچه ساکت باشد محترم است! لكنّ الّذی يعمل فهو محترم و لو كان صامتاً!
- ۴) آن که زیاد حرف بزند و کم عمل کند نزد مردم محترم نیست! من يتكلم كثيراً و يعمل قليلاً ليس محترماً عند الناس!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۹- عین الخطأ في صيغة الأفعال:

- (۱) الشعراء في محفل الشعر كان يُنشدون قصائدهم!
- (۲) كان المطر ينزل كثيراً فكادت جميع السيارات تتصادم!
- (۳) بعد وفاة جدّي العجوز، شرع أفراد العائلة يعملون بوصيته!
- (۴) عسى إطاعة الله ورسوله أن تكون سبباً لنجاة الناس من النار!

۱۰- عین الصحيح في صيغة الأفعال:

- (۱) أسرار الكائنات كان و يكون مجهولة علينا!
- (۲) هذا التلميذ لا تتكاسل في دروسه!
- (۳) من المؤمنين من يساعدون الآخرين!
- (۴) التكبر تبعد الإنسان عن الله!

۱۱- عین الخطأ في صيغة الأفعال:

- (۱) لا تستصغر العدو أمامك و إن كان واحداً!
- (۲) يا أمي العزيزة، أنت ساعدتني في حياتي فأشكرک!
- (۳) هناك تلاميذ أذكيا يعرفون الحقائق حولهم!
- (۴) لن يستطيع الأعداء أن يهزمنا في ساحة المعركة!

۱۲- عین الخطأ (في الفعل):

- (۱) يجب علينا أن نقوم بأمر ينفع الناس في الدنيا!
- (۲) إن الذين يستكبرون عن عبادة ربهم سيدخلون جهنم!
- (۳) أختي! لا تتكاسلي في أداء واجباتك واجتهدي!
- (۴) نادى المعلم تلميذته حتى تستمع إلى الدرس بدقة!

۱۳- «... فاقا... في الدرس». عین الخطأ للفراع:

- (۱) أخوای / هما / أخویک
- (۲) حسن و تقي / زمیلیهما
- (۳) فاطمة و مریم / کم
- (۴) فاطمة و مریم / کم

- ۱۴- «أديت امتحان اللغة العربية و وجدتها صعبة فتحدثت مع معلّمتي في هذا الأمر لكنّها قالت: لا تخافي أنت تقدرين أن تنجحي!». كم فعلاً مزيداً في العبارة؟

- (۱) اثنان
- (۲) واحد
- (۳) أربعة
- (۴) ثلاثة

۱۵- عین الصحيح عن أبواب الأفعال:

- (۱) نحن نستمع إلى كلام المعلم تعلماً للدرس! (استفعال)
- (۲) عليكم أن تنتهزوا اكتساب التجارب! (افتعال)
- (۳) انتصر المجاهدون مع قائدهم في القتال! (انفعال)
- (۴) أيها المؤمنون! تعاونوا على الإحسان بالفقراء! (مفاعلة)

۱۶- عین ما ليس فيه مزيد من باب استفعال:

- (۱) أستمع إلى كلام أستاذي دائماً فإنه يعظني و يقول لي عن تجاربه!
- (۲) استقام مجاهدو الإسلام أمام الظالمين حتى يزول الظلم و الجور!
- (۳) قد استفاد البشر من العلوم النافعة في حياته منذ القرون الماضية!
- (۴) أستغفر الله من ذنوبي و أطلب منه أن يستجيب دعواتي كل ليلة!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۷- «انتخب القائد جيشاً و أرسله إلى الحرب ليُحاربوا الأعداء و الغاصبين بعد أن جربه و اقتنع بقدرته!». في العبارة
من الأفعال المزيدة بحرف واحد:

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) واحد (۴) اثنان

۱۸- عین ما ليس فيه فعل مزيد:

(۱) اليوم لنهية أنفسنا للسفر إلى مكة المكرمة!
(۲) أنشدت أبياتاً حول جدتي التي توفيت قبل ميلادي!
(۳) لا يمكن الوصول إلى المكانة الرفيعة دون الاجتهاد!
(۴) قلت للشيطان: لا توسوس لي في أن أسعى لأدخل المعاصي!
۱۹- عین العبارة التي ما جاء فيها فعل متعد:

(۱) إنتخبنا معلمنا لإجراء المسرحية!
(۲) حان الآن وقت انعقاد مراسم التكريم!
(۳) وفر أبونا لنا اللوازم المدرسية!
(۴) ساعدني أحد أصدقائي في فهم الدروس!
۲۰- عین ما فيه الفعل اللازم:

(۱) الأمهات اللاتي يسهرن الليل على راحتنا، ملتزمات!
(۲) هذه الأم ليس لها الأولاد الذين يساعدونها في أمور منزلها!
(۳) سألت هؤلاء الصيادين عن سبب رجوعهم من البحر!
(۴) يا رئيس! لماذا لا تدفع الآن لهؤلاء الموظفين أجرتهم؟!
۲۱- عین العبارة التي لا يمكن بناء فعلها للمجهول:

(۱) هل تنزل النعم من السماء جاهزة؟!
(۲) حياة العلماء خلدت أسماءهم في العالم!
(۳) لقد أنزل الله الماء فأصبحت الطبيعة مخضرة!
(۴) توفر النباتات الأطعمة للإنسان و الحيوان!
۲۲- ما هو الصحيح عن فعل «باحثن» و بابه؟

(۱) امر للمخاطبات/مفاعلة (۲) ماضٍ للغائبات/مفاعلة (۳) ماضٍ للمخاطبات/مفاعلة (۴) و ۱ و ۲

۲۳- عین الصحيح عن فعل العبارة التالية: «أما هؤلاء الجماعة يُفقهون الجاهل!»

(۱) مزيد ثلاثي، متعد (۲) باب تفعّل، فعل سالم (۳) باب تفعيل، فعل مضاعف (۴) مزيد ثلاثي، فعل معتل

۲۴- اجعل فعل الأمر المناسب من «أعطى- يعطى» في الفراغ: «يا أختي! كلّ ذي حقّ حقّه!»

(۱) أعطى (۲) إعط (۳) أعط (۴) أعطى

۲۵- «خلق الله الانسان و جعله زوجين و لم يقتصر هذا النظام على الإنسان بل شمل كل العالم!». عدد الأفعال متعدية

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۲۶- ميّز الجواب الذي ما جاء فيه فعل متعد:

(۱) لا تحسب المجد تماًراً جاهزاً!
(۲) بعثت لأتمم مكارم الأخلاق!
(۳) اندفع الأبناء نحو المعركة!
(۴) هل يرحم المبتلى إلا المعافى!

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

قال أمير المؤمنين (ع): «ولا يستحيين أحد منكم إذا سئل عما لا يعلم أن يقول لا أعلم»:

و هیچ‌یک از شما نباید هنگامی که از او سوالی شد که جواب آن را نمی‌داند از گفتن "نمی‌دانم" شرم کند.

فصل دوم

صرف فعل

۲۷- میز العبارة التي جاء فيها فعل لازم:

(۱) الصلاة تصعد بالإنسان إليه!

(۲) قد تبين الرشد من الغي!

(۳) كتبنا الصيام على جميعنا!

(۴) أسس هذا المسجد بأمر الله!

۲۸- عين ما فيه الفعل الذي بُني للمجهول:

(۱) كبر مقتاً عند الله أن يواجه الناس بخلق سيئ!

(۲) لا تعلقن هنا شيئاً إلا محفظاتكن!

(۳) يا أيها الذين آمنوا إذا نودى للصلاة فاسعوا!

(۴) إنه لم يؤسس هذا المكان إلا تقرباً إلى ربه!

۲۹- عين عدد الأفعال التي يمكن أن تقرأ بالحالتين المعلوم والمجهول: «نزل الوحي وفتح الصراط المستقيم فعرفت السعادة»

(۱) دون فعل

(۲) واحد

(۳) اثنان

(۴) ثلاثة

۳۰- عين الخطأ حول العبارة التالية: «ولا يستحيين أحد منكم إذا سئل عما لا يعلم أن يقول لا أعلم»

(۱) فيها أربعة أفعال مجردة (۲) فيها أربعة أفعال متعدية (۳) فيها فعلا مجهولان (۴) فيها فعل مبنی

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١-٩) بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ:

(سراسری - هنر ٩٠)

خير ما يفعله المرء من الحرف هو أن يختار حرفة يحبها! في الإنسان قدرات وإمكانات كثيرة فإذا استجاب الإنسان لها فإنه قد فتح المجال لنفسه أن يبرز نفسه، لكننا نتصور أن الكثيرين من الناس قد وُضِعُوا في المكان الذي لا يوافق ميولهم و مواهبهم! و مما لا شك فيه أن لكل شخص استعداداً معيناً لعمل خاص؛ فمن الطبيعي أن نستجيب لهذا الاستعداد دون سواه. و إذا تتبنا حالات الفشل التي أصيب بها أفراد كثيرون لوجدنا في طليعة أسباب هذا الفشل اختيار أعمال لم يُخلق الأفراد لها. إذن فالعقل يحكم أن الإنسان حين أجبر بالقيام بعمل مثل هذا فعليه أن لا يستمر فيه!

١- متى يحكم عقلنا بترك العمل؟ يحكم حين

(٢) نحس أن العمل يُتعب جسمنا!

(١) نشعر بأنه لا يستجيب لذاتنا و راحتنا!

(٤) يوافق أهواءنا و أميالنا!

(٣) فهمنا أننا لم نخلق لذلك العمل!

٢- المدير الناجح هو الذي

(٢) يضع كل عامل فيما خلق له!

(١) يطرد الفاشلين من العمل!

(٤) يجذب الموظفين بشهادات عالية!

(٣) حين أجبر بالقيام بعمل لا يُدبمه!

٣- من أسباب الكآبة و الضجر هو

(٢) عدم استجابة أهوائنا و ميولنا!

(١) القيام بأعمال لا نُحبها!

(٤) محاولة الإنسان لكشف قدراته!

(٣) اختيار حرفة نميل إليها!

٤- على حسب النص:

(٢) علينا أن نستجيب بجميع استعداداتنا و قدراتنا!

(١) من أسباب الفشل فقدان الإمكانيات و القدرات!

(٤) لا يمكن أن نجد إنساناً لا يكون له عمل يناسب مواهبه!

(٣) مجال بروز الاستعدادات قد فُتِحَ لكثيرين من الناس!

■ عيّن الصحيح في التشكيل (٥ و ٦):

٥- «في الإنسان قدرات و إمكانات كثيرة فإذا استجاب الإنسان لها فإنه قد فتح المجال لنفسه»:

(٢) الإنسان - قُدرات - كَثيرة - استجاب

(١) كَثيرة - الإنسان - المَجَال - نَفْس

(٤) إمكانيات - استجاب - فَتَح - المَجَال

(٣) قُدرات - إمكانيات - المَجَال - نَفْس

٦- «لوجدنا في طليعة أسباب هذا الفشل اختيار أعمال لم يخلق الأفراد لها»:

(٢) أسباب - اختيار - أعمال - يَخْلُق

(١) طليعة - أسباب - اختيار - أعمال

(٤) اختيار - أعمال - يَخْلُق - الأفراد

(٣) وَجَدْنَا - طليعة - اختيار - أعمال

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

■ عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۷-۹):

۷- «وَضَعُوا»:

- ۱) فعل ماضٍ - للغائبين - مجرد ثلاثي - معتل و مثال - مبني / نائب فاعله «الناس» و الجملة خبر «أن» و منصوب محلاً
- ۲) ماضٍ - متعدّ - مبني للمجهول - مبني / فعل و نائب فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية و خبر «أن» و مرفوع لفظاً
- ۳) مجرد ثلاثي - معتل و مثال - متعدّ - مبني للمجهول / فعل و نائب الفاعل، و الجملة فعلية و وصفية و منصوب محلاً
- ۴) للغائبين - مجرد ثلاثي - معتل و مثال - متعدّ / فعل و نائب فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية

۸- «تَتَبَعْنَا»:

- ۱) ماضٍ - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين من باب تفعيل - مبني / فاعله ضمير «نا» البارز
- ۲) مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب تفعّل - صحيح - لازم - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «حالات»
- ۳) للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح - متعدّ - مبني للمعلوم / فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية
- ۴) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح - متعدّ / فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية

۹- «استعداداً»:

- ۱) مفرد مذكر - جامد - نكرة - معرب - منصرف / حال و منصوب
- ۲) اسم - مفرد - مصدر (من باب استفعال) - معرب / تمييز و منصوب
- ۳) جامد و مصدر (من باب استفعال) - نكرة - معرب / اسم «أن» المؤخّر و منصوب، و الجملة اسمية
- ۴) اسم - مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبهة - نكرة - معرب - منصرف / اسم «أن» المؤخّر، و الجملة اسمية

❖ عین الصحیح فی التحلیل الصرفی عن الأفعال التي أشير إليها بخط رقم ۱۰ حتى ۳۳:

۱۰- «يَسْتَخْدِمُ الْفَيْلُ خَرْطُومَهُ لَعَدَّةِ أَغْرَاضٍ.»

- ۱) مزيد من باب إفتعال، صحيح، معرب، مضارع مرفوع
- ۲) مزيد بزيادة حرفين من باب إستفعال، للغائب، متعدّ، المعلوم
- ۳) فعل، مزيد، للغائب، صحيح، متعدّ، مضارع مرفوع
- ۴) مضارع، صحيح، لازم، مبني للمعلوم، مبني على الضمّ

۱۱- «العصافير تشعّر بأذى كثير من الإنسان.»

- ۱) مضارع مزيد ثلاثي، صحيح، متعدّ، معرب، فعل مرفوع
- ۲) مجرد ثلاثي، للمخاطب، لازم، المبني للمعلوم، مضارع مرفوع
- ۳) للغائبين، مزيد ثلاثي من باب إفعال، صحيح، المعلوم
- ۴) مضارع، مجرد ثلاثي، للغائبة، مبني للمعلوم، صحيح، معرب

۱۲- «الوحي لم يأمر رسول الله إلا أن يتّجه المسلمون في صلاتهم إلى الكعبة.»

- ۱) للغائب، مزيد ثلاثي من باب إفعال، معتل، معرب
- ۲) مجرد ثلاثي، معتل و مثال، متعدّ، مبني للمعلوم، فعل مجزوم
- ۳) مجرد ثلاثي، للغائب، صحيح، معرب، المبني للمعلوم
- ۴) مجرد ثلاثي، صحيح، لازم، معلوم، معرب، منصوب بالفتحة

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

قال أمير المؤمنين (ع): إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرَّبُ عَنْكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ:

از دوستی با دروغگو پرهیز زیرا مانند سراب می ماند. دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور می نمایاند.

فصل دوم

صرف فعل

۱۳- « عندما هاجر إلى المدينة إستمرّ على هذا سبعة عشر شهراً.»

- (۱) مزيد، للغائب، صحيح، مجهول، متعدّد، مبنيّ على السكون (۲) مزيد بزيادة حرف من باب مُفاعلة، معتلّ و أجوف، متعدّد
(۳) مزيد من باب فِعال، معرب، صحيح و سالم، لازم

(۴) ماضٍ، للغائب، صحيح و سالم، مبنيّ على الفتح، جملة فعلية

۱۴- « كان العابرون يُشاهدونه و هو غارقٌ في أفكاره.»

- (۱) مضارع، للغائبين، أجوف، لازم، مبنيّ للمعلوم، معرب
(۲) مضارع، مزيد ثلاثي من باب تفاعل، مبنيّ للمعلوم، متعدّد
(۳) للغائبين، مزيد ثلاثي من باب مُفاعلة، معرب، مرفوع
(۴) مزيد ثلاثي، معتلّ و أجوف، متعدّد، مبنيّ للمعلوم، منصوب

۱۵- « إلهي نبّهني لِذِكْرِكَ في أوقات الغفلة.»

- (۱) أمر للمخاطب، مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد، صحيح، المبنيّ للمعلوم، متعدّد، مبنيّ على السكون
(۲) فعل مضارع مجزوم، مزيد ثلاثي من باب تَفْعِيل، صحيح، للغائب، مبنيّ على الكسر
(۳) فعل أمر، صحيح و مضاعف، متعدّد، معرب، المبنيّ للمعلوم، مضارع مجزوم
(۴) فعل من مصدر تنبيه، بزيادة حرفين، معتلّ، للمخاطب، المبنيّ للمعلوم، مبنيّ على الفتح

۱۶- « مُشكلة نقص الغذاء تُهدّد عدداً كثيراً من الشعوب.»

- (۱) مضارع، مزيد ثلاثي من باب تَفْعِيل، متعدّد، مبنيّ للمعلوم (۲) مزيد ثلاثي بزيادة حرف من باب تَفْعِيل، صحيح، مبنيّ
(۳) للمخاطب، مزيد من باب تَفْعِيل، صحيح، معلوم، معرب (۴) صحيح، لازم، مبنيّ للمجهول، معرب و مرفوع

۱۷- « هذا المستشفى مجهّز بكلّ ما يَحْتَاجُهُ المريض.»

- (۱) للغائب، مجرد ثلاثي، أجوف، متعدّد، المبنيّ للمجهول
(۲) مضارع، مزيد بحرفين من باب إِفْتَعَال، معتلّ و مثال، معرب
(۳) مضارع، للغائب، مزيد ثلاثي، معتلّ و أجوف، متعدّد
(۴) مزيد ثلاثي بزيادة حرفين، متعدّد، مبنيّ للمعلوم، مبنيّ على الضّمّ

۱۸- « يا زميلي! للطّبّ قوانين تُمنع الاستفادة منها إلاّ للأطباء.»

- (۱) للمخاطب، مجرد ثلاثي، المبنيّ للمجهول، صحيح، مبنيّ (۲) مضارع، للغائبة، معرب، المبنيّ للمجهول، متعدّد، مجرد
(۳) مجرد من مصدر مَنع، صحيح، لازم، معرب، للغائبة
(۴) فعل مضارع، مزيد ثلاثي من باب إِفْعَال، المبنيّ للمعلوم، متعدّد

۱۹- « يُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ.»

- (۱) مضارع، للغائب، المبنيّ للمجهول، متعدّد، مجزوم
(۲) للغائب، صحيح، المبنيّ للمعلوم، من مصدر إِنْفَاق، منصوب
(۳) مضارع مجزوم، مزيد ثلاثي بزيادة حرف، معرب
(۴) من باب إِفْعَال، متعدّد، المبنيّ للمجهول، مبنيّ على السكون

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۲۰- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْقُرْآنَ لِزَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ.»

- ۱) للغائب، مزيد ثلاثي من باب تَفَعَّل، متعدِّ، المبني للمعلوم، مبني على الفتح
- ۲) فعل ماضٍ، للغائب، مزيد ثلاثي من باب تفاعل بزيادة حرفين، المبني للمعلوم، مبني على الفتح
- ۳) للمخاطب، بزيادة حرفين، صحيح، المبني للمجهول، متعدِّ، معرب، منصوب
- ۴) مضارع، مزيد ثلاثي من باب تفاعل، المبني للمعلوم، لازم، مرفوع

۲۱- «أَسْرَعَ الْفَتَى نَحْوَ شَجْرَةٍ وَتَسَلَّقَهَا.»

- ۱) مزيد ثلاثي بزيادة حرفين، للمخاطب، صحيح، لازم
 - ۲) ماضٍ، للغائبة، مبني على الفتح، صحيح، مزيد ثلاثي (تَفَعَّل)
 - ۳) مضارع مرفوع، للغائبة، متعدِّ، معلوم، معرب، صحيح
 - ۴) فعل ماضٍ، للغائب، صحيح و سالم، معلوم، مبني على الفتح
- ۲۲- «يَجِبُ عَلَى التَّلْمِيذِ أَنْ يَعْتَمِدَ عَلَى نَفْسِهِ وَ لَا يُحَاكِي الْآخِرِينَ.»

- ۱) فعل نفي، للغائبين، مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد، المبني للمجهول
- ۲) فعل مضارع، معرب، متعدِّ، معتل و ناقص، المبني للمجهول، مرفوع
- ۳) فعل نهى، للغائب، معتل و مثال، المبني للمعلوم، مبني على السكون
- ۴) مضارع منصوب، للغائب، مزيد ثلاثي من مصدر مُحاكاة، المبني للمعلوم، متعدِّ

۲۳- «حَاوَلِي الْيَوْمَ لِتَهْذِيبِ نَفْسِكَ لِكَيْ تَتَقَدَّمَ غَدًا.»

- ۱) حَاوَلِي: فعل أمر، للمخاطبة، مزيد ثلاثي، معتل و أجوف، مبني
- ۲) تَتَقَدَّمَ: مضارع منصوب، مزيد ثلاثي بزيادة حرفين، متعدِّ، المبني للمعلوم
- ۳) تَتَقَدَّمَ: للمخاطبة، صحيح، مصدره تَقَدَّمَ، لازم، معرب و مجزوم
- ۴) حَاوَلِي: مزيد ثلاثي بزيادة حرفين من باب مُفاعلة، أجوف واوي، مجزوم، متعدِّ

۲۴- «هَذَا الْإِنْسَانُ لَا يَبِئْسُ وَإِنْ رَأَى أَنْ قُوَى الظُّلْمُ مُسَيِّطِرَةً عَلَى الْعَالَمِ.»

- ۱) يَبِئْسُ: فعل مضارع، صحيح، مجرد ثلاثي، المبني للمعلوم، معرب و مجزوم
- ۲) رَأَى: فعل ماضٍ، معتل و ناقص، من مصدر رُؤْيَةٍ، مبني، متعدِّ
- ۳) رَأَى: للغائب، معتل العين، مجرد ثلاثي، المبني للمعلوم، لازم، مرفوع
- ۴) يَبِئْسُ: فعل نفي، معتل و مثال، للغائب، متعدِّ، مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد

۲۵- «أَحْسَ الشَّاعِرُ أَنْ الْبِلَادَ لَا تُعَانِي إِلَّا الْخُمُولَ.»

- ۱) أَحْسَ: للمتكلم وحده، مزيد ثلاثي من مصدر إحساس، صحيح، مبني
- ۲) تُعَانِي: فعل نفي، للغائبة، من باب مُفاعلة، معتل و ناقص، المبني للمجهول، لازم
- ۳) تُعَانِي: مضارع مرفوع، مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد، المبني للمعلوم، معرب
- ۴) أَحْسَ: فعل ماضٍ، للغائب، مزيد ثلاثي من باب تَفَعَّل، صحيح، لازم، المبني للمعلوم

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۲۶- « النَّاسُ جَاؤُوا عَمِّي لِيُهَيِّئُوا لَهُمُ هَذِهِ الْمَوْقِفِيَّةَ. »

- ۱) جاؤوا: مجرد ثلاثی، للغائبین، المبنى للمعلوم، لازم، صحیح
- ۲) لِيُهَيِّئُوا: مضارع منصوب، المبنى للمعلوم، متعدّد، صحیح، مزيد ثلاثی من باب تفعیل
- ۳) لِيُهَيِّئُوا: للغائبین، متعدّد، المبنى للمجهول، مهموز، مزيد بزيادة حرفین، معرب
- ۴) جَاؤُوا: فعل ماضٍ، معتلّ و ناقص، متعدّد، المبنى للمعلوم، مبنى على الضمّ

۲۷- « أَهْيَيْءُ نَفْسِي لِلْعَمَلِ فِي السُّوقِ وَ لَكِنْ أُتْلِفُ مَالِي وَ عَمْرِي. »

- ۱) أَهْيَيْءُ: فعل مضارع، للمتکلم وحده، مهموز اللّام، معتلّ و أجوف، معرب
- ۲) أُتْلِفُ: فعل ماضٍ، للغائب، مجرد ثلاثی، صحیح، متعدّد، مبنى على الفتح
- ۳) أُتْلِفُ: للمتکلم وحده، معرب، المبنى للمعلوم، متعدّد، مزيد بزيادة حرف واحد
- ۴) أَهْيَيْءُ: مضارع مرفوع، مزيد ثلاثی من باب تفعیل، صحیح، متعدّد، المبنى للمجهول

۲۸- « فَسِيرِي عَلَى الْمَوْتِ لَا تَنْحَنِي فَأَنْتِ الصَّمُودُ الَّتِي لَا يَلِينُ! »

- ۱) سِيرِي: فعل أمر، للمخاطبة، مجرد ثلاثی، معتلّ و أجوف، مبنى، المبنى للمعلوم، لازم
- ۲) تَنْحَنِي: مضارع مجزوم، مزيد ثلاثی بزيادة حرفین، معتلّ و ناقص، معرب، لازم
- ۳) يَلِينُ: فعل نفي، مجرد ثلاثی من مصدر لين، للغائب، معتلّ و أجوف، معرب، لازم
- ۴) ۳ و ۲ و ۱

۲۹- « وَ إِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا. »

- ۱) جَاهَدَا: فعل ماضٍ، للمخاطبتين، مزيد ثلاثی، لازم، المبنى للمعلوم، صحیح
- ۲) تُشْرِكُ: فعل مضارع، للمخاطب، مزيد من باب إفعال، المبنى للمعلوم، متعدّد
- ۳) لَيْسَ: من الافعال الناقصة، للمخاطب، معتلّ و أجوف، مبنى على الفتح
- ۴) تُطِعُ: فعل نهی، مزيد ثلاثی بزيادة حرفین، المبنى للمجهول، متعدّد، معرب

۳۰- « كُنْتُ أَظُنُّ أَنَّ أَبِي قَدْ نَسِيَ وَ لَمْ يَبْقَ لَهُ ذِكْرٌ. »

- ۱) كُنْتُ: فعل ماضٍ، للمتکلم وحده، مجرد ثلاثی، معتلّ و أجوف، مبنى على الضمّ
- ۲) أَظُنُّ: فعل مضارع، مزيد ثلاثی من باب إفعال، المبنى للمعلوم، لازم
- ۳) نَسِيَ: فعل ماضٍ، للمتکلم مع الغير، معتلّ، المبنى للمجهول، لازم، مبنى على الفتح
- ۴) يَبْقَ: مضارع مجزوم، للغائب، مجرد ثلاثی، معتلّ و ناقص، لازم، المبنى للمعلوم، معرب

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۳۱- « أَلْقَيْتُ وَالدَى الَّذى لَمْ يُشْفَ مِنْ مرضه إلى زاوية و وَدَعْتَهُ و ها أنا الآن أَلْقَى جزءاً عملياً.»

(۱) أَلْقَيْتُ: فعل ماضٍ، للمتكلم وحده، المبنى للمعلوم، لازم، معتلّ اللام

(۲) يُشْفَى: فعل مضارع، مزيد ثلاثى من باب إفعال، لازم، مجزوم بحذف حرف العلة

(۳) وَدَعْتُ: فعل ماضٍ، للمخاطب، مجرد ثلاثى، متعدّد، مبنى على الضمّ

(۴) أَلْقَى: فعل مضارع، مجرد ثلاثى، معرب، المبنى للمعلوم، متعدّد

۳۲- « تَقَدَّمَ المشركون و هم يَظُنُّونَ أنّ نهاية الإسلام قد أصبحت تقترب.»

(۱) تَقَدَّمَ: فعل مضارع، للغائب، مزيد ثلاثى من باب تفعيل، لازم، المبنى للمعلوم

(۲) يَظُنُّونَ: فعل مضارع، صحيح، مجرد ثلاثى، متعدّد، المبنى للمعلوم، معرب

(۳) أصبحت: فعل ماضٍ، للغائبة، مزيد ثلاثى بزيادة حرفين، المبنى للمجهول

(۴) تقترب: فعل مضارع، مزيد ثلاثى من باب إفتعال، متعدّد، المبنى للمعلوم

۳۳- « قالت الأعراب آمناً قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا.»

(۱) آمناً: فعل ماضٍ، للمتکلم مع الغير، معتلّ، مزيد ثلاثى، المبنى للمعلوم

(۲) تؤمنوا: فعل مضارع مجزوم، مزيد ثلاثى من باب إفعال، المبنى للمعلوم، لازم

(۳) قولوا: فعل ماضٍ، للغائبين، مجرد ثلاثى، متعدّد، مبنى، المبنى للمعلوم

(۴) أسلمنا: فعل أمر، للمخاطب، مزيد ثلاثى من باب إفعال، مبنى على السكون

۳۴- « لا أحسبُ المجد تماًراً أنا آكله و لكن أصل إلى المجد حتى ألعق الصبراً.» الخطأ هو:

(۱) أحسبُ: فعل مضارع، للمتکلم وحده، مزيد ثلاثى من باب إفعال، متعدّد، المبنى للمعلوم

(۲) آكلُ: مضارع مرفوع، صحيح، مجرد ثلاثى، متعدّد، معرب، المبنى للمعلوم

(۳) أصلُ: فعل منصوب، للمتکلم وحده، معتلّ و مثال، مجرد، لازم، معرب

(۴) ألعقُ: مضارع، مجرد، صحيح، متعدّد، معرب، المبنى للمعلوم

۳۵- ما هو الخطأ حول أفعال العبارة التالية: « و أعدوا لهم ما استطعتم من قوّة؟»

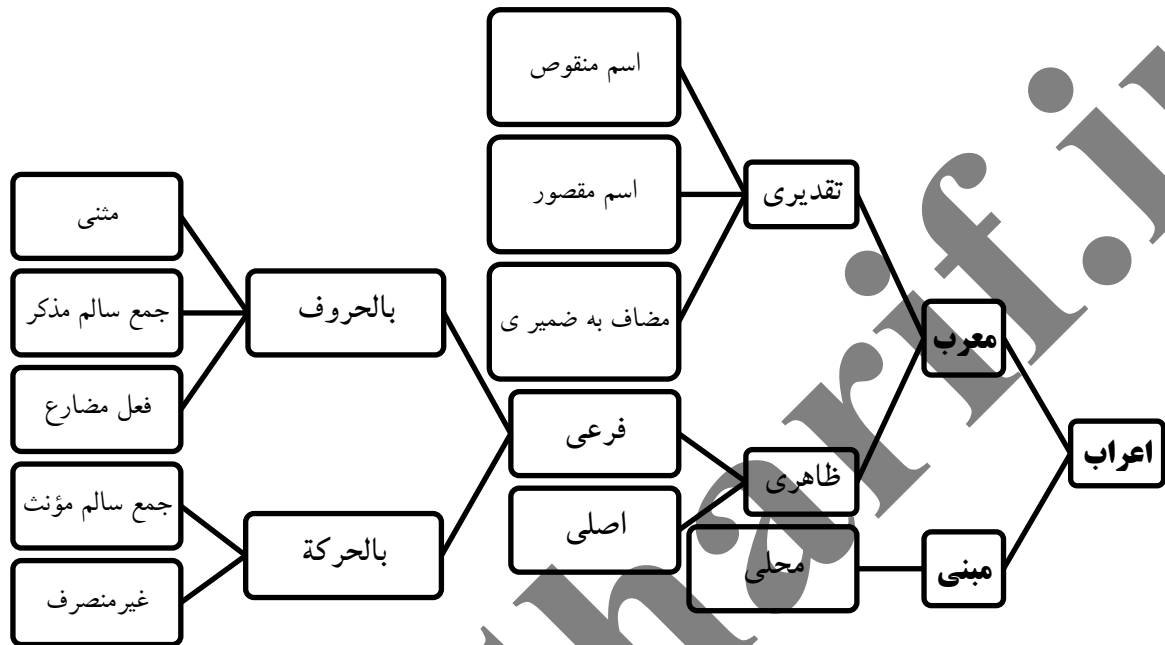
(۱) فعل أمر - للمخاطبين (۲) متعدّد - معتلّ (۳) للمخاطبين - فعل أمر (۴) صحيح - مبنى على السكون

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

انواع اعراب و بناء:

اسامی، افعال و جملات با توجه به نقششان در جمله دارای یکی از چهار حالت اعراب رفع، نصب، جرّ و جزم می‌باشند که عبارتند از:



نکات:

۱) اعراب محلّی مخصوص اسامی مبني، جملات و شبه جملات می‌باشد.

مثال: لا خیر فی دین لا تَفَقَّهَ فیهِ ← خیر: اسم لای نفی جهش، مبني بر فتح و محلاً منصوب

فی دین: خبر از نوع شبه جمله و محلاً مرفوع

لا تَفَقَّهَ فیهِ: جمله وصفیه و محلاً مجرور

ه در فیه: ضمیر و اسم مبني و محلاً مجرور (فیه: خبر از نوع شبه جمله و محلاً مرفوع)

۲) در مواردی که اعراب تقدیری است علامت اعراب نباید دیده شود و موارد آن عبارتند از:

الف) اسم منقوص: در دو حالت رفع و جرّ دارای اعراب تقدیری و در حالت نصب دارای اعراب اصلی است.

مثال ۱: الرَّاضِي عَنْ عَمَلِهِ لَا يَتَقَدَّمُ مثال ۲: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيَ مثال ۳: دَفَعْتُ الْخَطَرَ عَنِ الرَّاحِي

مرفوع تقدیراً

منصوب لفظاً

مجرور تقدیراً

*) اسم منقوص، اسمی است که به «باء ماقبل مکسور بدون تشدید» ختم می‌شود مانند: قاضی، مُتَوَالِي، مَعَانِي و ...

ب) اسم مقصور: در هر سه حالت اعرابی دارای اعراب تقدیری می باشد.

مثال ۱: هذه الوصايا من الامام الخميني (به تبعیت از هذه که مبتدا است، تقدیراً مرفوع)

مثال ۲: قدمت الهدايا لولدي يوم ولادته (مفعول به - تقدیراً منصوب)

مثال ۳: رأيتُ تلك المطالب في كتاب عيسى (مضاف الیه - تقدیراً مجرور)

ج) اگر مضاف الیه اسمی «ضمیر یاء متکلم» باشد، آن اسم در همه حالات اعرابی دارای اعراب تقدیری می باشد.

مثال ۱: هذا قلمي الجميل (خبر - تقدیراً مرفوع)

مثال ۲: إن أخى يدعوني إلى الله (اسم إن - تقدیراً منصوب)

مثال ۳: هل سلمت علي معلمتي؟ (مجرور تقدیراً)

اعراب ظاهری: دارای تقسیم بندی زیر می باشد:

۱) اصلی (لفظی): همان اعراب به حرکات اصلی است، یعنی رفع را با ضمه، نصب را با فتحه، جر را با کسره و جزم را با ساکن نشان دهیم.

۲) فرعی (نیایی): به این معناست که رفع و نصب و جر و جزم را به ترتیب با علامت هایی غیر از ضمه، فتحه، کسره و ساکن نشان دهیم.

اعراب فرعی، مربوط به اسم ها و فعل های زیر است:

علامت اعراب در حالت رفع	علامت اعراب در حالت نصب	علامت اعراب در حالت جر (و جزم)
الف	ی	ی
مثال: المعلمان ذهبوا (مبتدا)	مثال: رأيتُ المعلمين (مفعول)	مثال: سلمتُ علي المعلمين (مجرور)
و	ی	ی
مثال: المعلمون ذهبوا (مبتدا)	مثال: رأيتُ المعلمين (مفعول)	مثال: سلمتُ علي المعلمين (مجرور)
ضمه (اعراب اصلی)	کسره	کسره (اعراب اصلی)
مثال: المعلمات ذهبن (مبتدا)	مثال: رأيتُ المعلمات (مفعول)	مثال: سلمتُ علي المعلمات (مجرور)
ضمه (اعراب اصلی)	فتحه (اعراب اصلی)	فتحه
مثال: جاءت فاطمة (فاعل)	مثال: رأيتُ فاطمة (مفعول)	مثال: سلمتُ علي فاطمة (مجرور)
ثبوت نون اعراب	حذف نون اعراب	حذف نون اعراب - حذف حرف علة
مثال: التلاميذ يذهبون إلى المكتبة	مثال: يريدون أن يذهبوا إلى بيتك	مثال ۱: لا تكذبوا آيات الله مثال ۲: لم نزل سورة الواقعة

نکات:

(* افعال مضارعی که به نون عوض رفع ختم نمی‌شوند دارای اعراب اصلی هستند! ← نَجْلِسُ / لَنْ تَكْتُبَ / لَمْ أَسْمَعْ

(* باید دقت شود که جمع سالم مؤنث در هیچ حالتی فتحه نمی‌گیرد و در واقع تنها در حالت نصب دارای اعراب فرعی است!

(* اسم مثنی و جمع سالم مذکر در همه‌ی حالات، اعرابشان فرعی باقی می‌ماند!

(* به حذف نون اسم مثنی و جمع سالم مذکر در حالت اضافه حتماً دقت کنید!

۱. عین العبارة التي جاء فيها اسم اعرابه فرعی:

(۲) يَكُونُ لَهُ أَخٌ يُحِبُّ الدَّرَاسَةَ كَثِيرًا

(۱) كَانَتْ الْأَخَوَاتُ يَسْأَلْنَ عَنِ الْمَعْلَمَاتِ

(۴) وَ مِنْهُنَّ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعِ

(۳) يَا سَيِّدِي شَبَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِشْفَعْنَا عِنْدَ اللَّهِ

۲. عین العبارة المناسبة لكلمة « والد »:

(۲) أَعْطَيْنَا نَا هَدِيَّةً تَكْرِيماً لَهُ

(۱) الْأَبْنَاؤُ يَجِيئُونَ هُمْ عِنْدَ الْمَشْكَالَاتِ

(۴) عَلَيَّ هُ رَجُلٌ صَالِحٌ

(۳) إِنِّي أَحَبُّ سِي كَثِيرًا

۳. عین العبارة غير الصحيحة:

(۲) الْقَرْنَ الْعِشْرُونَ قَرْنٌ تُوَصَّلُ الْبَاحِثُونَ فِيهِ إِلَى تَقَدُّمِ

(۱) دَرَسْتُ فِي مَدَارِسَ عِلْمِيَّةٍ فِي إِصْفَهَانَ

(۴) مَا شَاهَدْتُ فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ إِلَّا ثَمَانِي تَلْمِيذَاتٍ

(۳) هَلْ رَأَيْتَ تَلَامِيذًا خَيْرًا مِنْ مُحَمَّدٍ

۴. عین العبارة التي ماجاء فيها اسم اعرابه تقديری:

(۳) مَا بَلَغْتُ تِلْكَ الرَّوَابِي فِي خَارِجِ الْمَدِينَةِ (۴) يَكُونُ الدَّاعِي إِلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلُهُ

(۱) رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا (۲) إِنَّ الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ

۵. عین العبارة الصحيحة:

(۲) كَلِّمَ يَكُونُ الرَّاعِي وَ كَلِّمَ مَسْؤُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ

(۱) إِنَّ الْحَسِينَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النِّجَاةِ

(۴) الْعِلَاجُ الْوَاقِي خَيْرٌ مِنَ الدَّوَاءِ الشَّافِي

(۳) آثَارُ أَيَدِي الذُّبِّ مَشْهُودَةٌ فِي سَرَقَةِ النَّعَاجِ

▪ عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم (۱-۸):

(سراسری - منحصرأ زبان ۹۰)

۱- « إن هناك مفاهيم بسيطة في القرآن ندرکها و لكن لا تقدر أن نصفها! »:

(۱) مفاهیم ساده ای که در قرآن است قابل فهم برای ما می‌باشند ولی قابل وصف نیستند!

(۲) در قرآن مفاهیم ساده‌ای وجود دارد که درکش می‌کنیم ولی قادر به توصیفش نیستیم!

(۳) ما مفاهیم ساده‌ای را که در قرآن است هر چند درک می‌کنیم ولی قادر نیستیم آنها را وصف کنیم!

(۴) قرآن مفاهیمی دارد که هر چند ساده است و قادر به فهم آنها هستیم اما برای ما قابل وصف نیستند!

۲- « الأفضل للطالب أن ينتخب فرعه الجامعی بدقّة حتى لا يندم في المستقبل! »:

(۱) دانش آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!

(۲) دانش آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!

(۳) بهتر برای دانش آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!

(۴) برای هر دانش آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

۳- « لا يمكن الاعتماد على بعض الناس إلا مرة واحدة، لأن الإنسان يبأس منهم في تلك المرة الأولى، فإنهم لا يحسنون عملاً! »:

(۱) به بعضی مردم حتی یک بار هم نمی‌شود اعتماد کرد، برای اینکه آنها همان بار اول انسان را ناامید می‌کنند، و

در نتیجه هیچ کاری را خوب انجام نمی‌دهند!

(۲) به بعضی از مردم فقط یکبار می‌شود اعتماد کرد، چون انسان در همان بار اول از آنها ناامید می‌شود، چه آنها

هیچ کاری را خوب انجام نمی‌دهند!

(۳) برخی مردم اصلاً قابل اعتماد نیستند حتی برای یک بار، چون همان دفعه اول انسان را ناامید می‌کنند و از

عهده هیچ کاری خوب بر نمی‌آیند!

(۴) برخی مردم فقط دفعه اول قابل اعتماد هستند چون سبب ناامیدی انسان می‌شوند و از عهده هیچ کار درستی بر نمی‌آیند!

۴- « أخذتني الدهشة عندما شاهدت اجتهاد زميلاتي في أداء واجباتهن أكثر من غيرهن! »:

(۱) آن‌گاه که تلاش دوستان خود را که بیش از دیگران در ادای وظایف خویش می‌کوشیدند می‌بینم در شگفت می‌شوم!

(۲) وقتی سعی رفقایم را بیشتر دیدم که در انجام دادن وظایفشان تلاش می‌کنند، تعجب و حیرت مرا فرا گرفت!

(۳) آن‌گاه که فعالیت همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیف بیشتر از سایرین دیدم سخت حیرت کردم!

(۴) وقتی تلاش همکلاسی‌هایم را در انجام تکالیفشان بیش از دیگران دیدم حیرت مرا فرا گرفت!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) واجِه حَقَائِقِ الْحَيَاةِ الْمُرَّةِ بِالنَّفَاوِلِ!؛ بَا حَقِيقَتِ هَاي تَلِخِ زَنْدَاگِي بَا خَوْشِ بِيْنِي رُوْبُرُو شُو!
 - ۲) اِبْتَعَدَ عَنِ دَاعٍ يَدْعُوكَ اِلَى الشَّرِّ!؛ اَز دَعْوَتِ كَنْدِه اِي كِه تُو رَا بَه بَدِي فِرَا مِي خَوَانْد، دُورِي كُن!
 - ۳) الْمَكَّارُ مِنْ يَظُنُّ اَنَّ الْمَكْرَ مِفْتَاحُ اَرْزَاقِهِ!؛ حِيْلِه گَر كَسِي اسْتِ كِه كَلِيْدِ رُوْزِيْشِ رَا فِقْطُ دَر مَكْرِ مِي يَابْد!
 - ۴) لِيَطْهَرُ مِنَ السَّيِّئَاتِ فَم تَخْرُجُ مِنْهُ اَيَاتُ الْقُرْآنِ!؛ دِهَانِي كِه اَز اَن اَيَاتِ قُرْآنِ خَارِجِ مِي شُوْد بَايْد اَز پَلِيْدِيْهَا پَاكِ شُوْد!
- ۶- « فِي الْجَبْنِ عَارُو فِي الْاِقْدَامِ مَكْرَمَةٌ وَ الْمَرْءُ بِالْجَبْنِ لَا يَنْجُو مِنَ الْقَدْرِ! ». عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) بَا قِضَا كَارِزَارِ نَتُوَانِ كَرْد!
 - ۲) چُو قِضَا اَبِيْدِ چِه سُوْد اَز اِحْتِيَاظ!
 - ۳) گَر نَگْهَدَارِ مِنْ اَنْسْتِ كِه مِنْ مِي دَانَم
 - ۴) ز دِشْمَنِ كِي حِذْرِ جُوِيْدِ هَنْرِجُوِي
- ۷- « نُوِيْسَنْدِه دَر چَاپِ سُوْمِ اِبْنِ كِتَابِ، مَوْضُوْعِ جَدِيْدِي بَرِ فِصْلِ دُوْمِ اَن اِضَاْفَه كَرْدِه اسْتِ! ». عَيْنِ الصَّحِيْحِ:

- ۱) قَدْ اُضِفَ الْكَاتِبُ فِي الطَّبْعِ الثَّلَاثِ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ مَوْضُوْعًا جَدِيْدًا اِلَى الْفِصْلِ الثَّانِي مِنْهُ!
- ۲) قَدْ يَزِيْدُ الْكَاتِبُ فِي الطَّبْعِ هَذَا الْكِتَابِ الثَّلَاثِ مَوْضُوْعًا جَدِيْدًا فِي الْفِصْلِ الثَّانِي مِنْ ذَلِكَ!
- ۳) الْكَاتِبُ قَدْ اُضِفَ مَوْضُوْعَ جَدِيْدٍ فِي طَبْعِ هَذَا الْكِتَابِ الثَّلَاثِ عَلَيَّ فِصْلِهِ الثَّانِي مِنْ ذَلِكَ!
- ۴) قَدْ زَادَ كَاتِبُ هَذَا الْكِتَابِ مَوْضُوْعًا جَدِيْدًا لِّلْفِصْلِ الثَّانِي فِي طَبْعِهِ الثَّلَاثِ مِنْهُ!

۸- عَيْنِ الصَّحِيْحِ:

- ۱) پِزِشْكَ مِعَالِجِ خَانُوَادِهِي مَا سَالِ پَنْجَمِ رَا دَر خَارِجِ اَز كِشُوْرِ گِذْرَانْدِه اسْتِ!؛ قَدْ قِضِيَ طَبِيْبِ اَسْرَتِنَا الْمِعَالِجِ السَّنَةِ الْخَامِسَةَ خَارِجَ الْبِلَدِ!
- ۲) مَطَالِبِ اِبْنِ فِصْلِ كِتَابِ مَسْتَلْزَمِ اَنْسْتِ كِه بَرَايِ فِهْمِيْدِنِ اَن شَبِ زَنْدِه دَارِي شُوْد!؛ تَسْتَلْزَمِ مَوْضُوْعِ الْفِصْلِ مِنْ هَذَا الْكِتَابِ اَنْ تَسْهَرُ اللَّيَالِي لِفِهْمِهَا!
- ۳) مَطَالِعَاتِ دَانِشْمَنْدَانِ دَر زَمِيْنِه پِيْدَايِشِ هَسْتِي بَه نَتِيْجِه دَقِيْقِي نَرَسِيْدِه اسْتِ!؛ لَمْ تَوْصَلِ الدِّرَاسَاتِ الْعِلْمِيَّةُ فِي مَجَالِ نَشْأَةِ الْكُوْنِ اِلَى نَتِيْجَةِ مَقْبُوْلَةٍ!
- ۴) اَشْعَارِ جَدِيْدِ اِبْنِ شَاعِرِ پِيْجِيْدِگِي هَاي بَسِيَاْرِي دَارْدِ كِه جِزْ بَا تَأْمَلِ بَسِيَاْرِ رُوْشَنِ نَمِي شُوْد!؛ لِأَشْعَارِ هَذَا الشَّاعِرِ الْجَدِيْدِ مِعْقَدَاتِ مَتَعَدَّةٍ لَا يَفْهَمُ اِلَّا بِتَأْمَلِ كَثِيْرٍ!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۹- عین ما لیس فیہ من العلامات الفرعیة للإعراب:

- (۱) النَّاسُ يُكْرَمُونَ صَاحِبِي الْأَخْلَاقِ الْكَرِيمَةِ.
 (۲) الطِّفْلُ الْمُؤَدَّبُ يَكْتَسِبُ مَحَبَّةَ وَالِدِيهِ.
 (۳) كَرَّرَتِ الْمَعْلَمَاتُ شَرْحَ الدَّرْسِ عَلَى الطَّالِبَاتِ.
 (۴) هَذَانِ الْفَلَّاحَانِ يَحْصِدَانِ الزَّرْعَ بِسُرُورٍ.

۱۰- «أرفع و أدعو الله أن يحفظني و يحفظ من كل سوء!» عین الصحيح للفراغين:

- (۱) يَدِيَّ / وَالِدِيَّ (۲) يَدَانِي / وَالِدِيَّ (۳) يَدِيَّ / وَالِدِيَّ (۴) الْيَدِيَّ / وَالِدِيَّ

۱۱- عین الخطأ:

- (۱) يوم أمس وصلت إلى البيت قبل أن يصل والداي.
 (۲) اليوم شاهدت حمامتان تطيران في السماء الصافية.
 (۳) الموظفان فهما من ظاهر رئيسهما أنه منظم في عمله.
 (۴) جاءت أم تلميذتي إلى و سألتني عن دراسات بنتها.

۱۲- عین العبارة التي لها علامة فرعية للإعراب:

- (۱) لنشاهد المساكين في مجتمعنا و نساعدهم في الحياة.
 (۲) دخلنا ميادين الشجاعة و الاستقامة حتى ننجح.
 (۳) يطلب الناس المخلصون من الله أن يغفر لهم.
 (۴) يريد الشياطين إبعاد الإنسان عن حقيقة الحياة.

۱۳- «علينا أن نحترم ...». عین الخطأ للفراغ:

- (۱) آباءكم الصالحين! (۲) صاحبو الآراء المفيدة! (۳) العلماء الجديرين! (۴) أخويكم المجتهدين!

۱۴- مبرز الخطأ:

- (۱) أبواي جالسان عند ضيوفهما.
 (۲) الحمامتان ابتعدتا عن عشهما.
 (۳) قرأ التلميذان هذه المجالات العلمية.
 (۴) صاحب الأفكار الرائعة هو الذي ينفع الآخرون.

۱۵- «بشر الأب بجائزة ثمينة بعد القيام بالواجبات المدرسية!» عین الخطأ للفراغ:

- (۱) بنتاه (۲) بناته (۳) أولاده (۴) ولديه

۱۶- عین الصحيح في علامات الإعراب:

- (۱) ساعدوا أمهاتكم حتى يرضى عنكم الله الغفور.
 (۲) أكرمتني هاتان الضيفتان بطبق مملوء من الفواكه.
 (۳) لنا أخوين يعملان من أجل راحتنا بكل سرور.
 (۴) انتظرنى هذين الركابين حتى نركب السيارة.

۱۷- عین ما لیس فیہ الأسماء إلتاً بالعلامات الأصلية للإعراب:

(۱) لا تبطلوا أعمالكم الحسنة بالمن و الأذى.

(۳) المسلمون هم الذين وضعوا مباحث علمية جديدة.

۱۸- عین الخطأ في إعراب الممنوع من الصرف:

(۱) طوبى له؛ فإنه مشهور بمكارم أخلاقية بين زملائه.

(۳) إن قصة يوسف الجميلة أحسن قصص القرآن.

(۲) سجادات كرمات النفيسة مناسبة للتصدير إلى خارج البلاد.

(۴) في هذا الرسم تستخدم أنواع الألوان منها لون أحمر.

نكات اضافی در تستها:

.....

انواع اعراب

فصل سوم

۱۹- عین الفعل بعلامة فرعية للإعراب:

- (۱) ایمنکن لأبی أن یزورکما یوم غد.
(۲) أرجو الله أن یعافینی من هذه الأفكار السيئة.
(۳) أطع والديک لیرضیا عنک.
(۴) علينا أن نخافه خوفاً لیس فیہ إعدار.

۲۰- عین الخطأ فی علامات الإعراب:

- (۱) موظفی دائرتنا یعملان فی دائرتهما بأحسن شکل.
(۲) أهدیت کتابین إلى أصدقائی یوم أمس.
(۳) سنذهب مع والدينا إلى الشارع لشراء حذاءین.
(۴) تنور مصابیح هذا المسجد ساحته فی اللیالی.

۲۱- عین الخطأ:

- (۱) شاهدت مدیره مدرستی فی الطريق و سلمت علیها.
(۲) یصلی مسلمون مدینتنا فی مساجدٍ مختلفة.
(۳) حضر والداي فی المدرسة لیتکلما مع معلّمینا.
(۴) لن أحضر فی الصفّ قبل أن أطلع دروسی کلّها.

۲۲- « رأیت فی القرآن إشاراتاً علميةً عن أسرارٍ غامضةٍ اكتشفَ المُحقّقین حقیقته! ». عین الصحیح للأخطاء:

- (۱) علمياً / اكتشف / حقیقته
(۲) غامض / المحقّقون / حقیقتهما
(۳) الإشارات / العلمیة / اکتشفوا
(۴) إشارات / المحقّقون / حقیقتها

۲۳- ما هو الصحیح عن إعراب <الذی> فی العبارة التالية: « لکُنّا الجیل الذی یحصل علی الدرجات العلی » ؟

- (۱) تقدیراً مرفوع (۲) محلاً مرفوع (۳) محلاً منصوب (۴) تقدیراً مجرور

۲۴- « هناك فأرتان ذکیتان تُفکران فی حيلة حتى تظفرا علی القطّة ». کم کلمة مرفوعة بالألف؟

- (۱) واحدة (۲) اثنتان (۳) ثلاث (۴) أربع

۲۵- « أتعرفین السماوات و الأرض و أنّهما کانتا مُلتصقتین ثم فصل الله بینهما ». کم کلمة لها علامات فرعية للإعراب؟

- (۱) أربع (۲) ثلاث (۳) اثنتان (۴) واحدة

۲۶- عین الصحیح:

- (۱) علّقت الفأرتین العاقلین جرساً علی رقبة القطّة.
(۲) الجواد هو الذی ما عرفه صاحبی الحاجة إلّا بعد وفاته.
(۳) أخوانا صاحبنا النعمة و هما شاکرا ربّهما دائماً.
(۴) للفلاح یدین یحبّها الله لأنّها خشنتان من العمل.

۲۷- میز الخطأ عن إعراب الكلمات فی العبارة التالية: « إن الله أنزل الآيات التي تؤمرنا بإطاعة الانبياء و الرسل »

- (۱) الايات / إطاعة (۲) الايات / الانبياء (۳) تؤمر / الانبياء (۴) أنزل / الرسل

۲۸- عین الصحیح فی علامات الإعراب:

- (۱) إن مديرات المدارس سمعن أصوات التلميذات.
(۲) كان أبی و صديقهُ موظّفان لاتقان فی شركتهما.
(۳) كنتُ أنا أوّل من قبل حکم الحكّمين فی هذه المسابقة.
(۴) ليتنى كنتُ مع حجّاج بيت الله الحرام فی نهاية السنة القمرية.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۲۹- عین علامه الرفع الفرعية:

- (۱) المُساعد للفقراء يُجزى برضائتين: رضایة الفقیر و رضایة الله.
- (۲) المنفق في سبيل الله له أجران: أجر في الدنيا و أجر في الآخرة.
- (۳) على الكاتبين ألا يغفلوا عن إلهامات تُلهم إليهم في الكتابة.
- (۴) ليعلم أن الإنسان العاقل لا يُجرب خطأ مرتين.

۳۰- عین الخطأ في العلامات الفرعية للإعراب:

- (۱) عندما اعترضت أخواتك على عملي، فكرت حول ذلك عميقاً.
- (۲) لأصفهان مساجد و أبنية تاريخية لا نجدها في المدن الأخرى.
- (۳) اليوم استطعت أن أساعد صاحب حاجة ليهي حاجاته من السوق.
- (۴) ما أَرشدنا أحد في الاختيار حول درس الكيمياء إلا أستاذين.

۳۱- عین الخطأ في العلامات الفرعية للإعراب:

- (۱) إن الصفات الحسنة فيك جعلتك من المحسنين.
- (۲) أليست أختك بأحق منك بالنجاح في المسابقات.
- (۳) شاهد العالم في السماء ذراتاً منورة فتعجب كثيراً.
- (۴) قصة أيوب النبي في القرآن الكريم تعلمنا درس الصبر.

۳۲- عین الموصوف، له علامة إعراب فرعية:

- (۱) كنت غارقة في أفكارى، ثم دخلت السكينة في نفسي.
- (۲) كان المعلم يشرح قصتين تعجبنا منهما كثيراً في الصف.
- (۳) بدأ الخيرون في بناء مستشفى مزود بمعدات حديثة.
- (۴) تزين بالأخلاق الحسنة تُقربك من رضى الله تعالى.

۳۳- عین الصحيح على حسب علامات الإعراب:

- (۱) قال أبى: نصيحة أختك بملك الصالح أفضل من التكلم معهما.
- (۲) أنتم تعلمون أن احترام أمهاتكم واجب عليكم في كل الأحوال.
- (۳) ليس في المكتبة كتابين قيمين حول موضوع رسالتى.
- (۴) إن اللغة العربية أفصح لغات العالم للتعلم.

۳۴- عین ما ليس فيه من علامات الإعراب الفرعية:

- (۱) أختى! إرحمنى فأنا أحوج إلى معونتك.
- (۲) رأيتك في ليلة ظلماء فما عرفتك.
- (۳) أختى! لماذا لا تعملين عملاً يساعد أمك.
- (۴) أتعتمدون على بخلاء الناس و أنتم تعرفونهم.

۳۵- عین ما ليس فيه علامات محلية للإعراب:

- (۱) إنى أصبر على ما يصيبنى، لأن الله مع الصابرين.
- (۲) يوزع بائع الصحف صحفاً متعددة كل أسبوع.
- (۳) أنزل الله الوحي على الأنبياء فذلك هدى من رحمته.
- (۴) كثير من هؤلاء الناس يفرحون من زيارة أقربائهم.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۳۶- ما هو الخطأ للفراغ في العبارة التالية: « ليس في المدرسة إلا _____ » ؟

(۱) تلميذ (۲) معلّمون (۳) معلّمان (۴) تلاميذ

۳۷- ميّز نوع الإعراب الذي ماجاء في العبارة التالية: « و اتق الله فتقوى الله ما جاورت قلب امرئ إلا وصل »

(۱) فرعى (۲) اصلى (۳) تقديرى (۴) محلى

۳۸- عيّن ما فيه علامات تقديرية للإعراب أقلّ من الباقي:

(۱) لكنّ الساعى يقول من طلب العلى يسهر الليالى (۲) فاستقيمي أيّتها المؤمنة لأنّ هذه الدنيا محفوفة بالرزايا

(۳) قاتل الغازى الاعداء لكى يحذف المعتدى من بلادنا (۴) ربّ وفقنى لطاعتك و خدمة أهل بيتى

۳۹- إجعل في الفراغ كلمة إعرابها فرعى: « إن في هذه المجلة قد طرحت حول موضوع قرائن المادة »

(۱) آراء (۲) مباحث مختلفة (۳) نظريات (۴) أسئلة

۴۰- عيّن عدد الكلمات التي إعرابها أصلى في العبارة التالية: «على المظلومين في العالم أن يتحدوا ضدّ الظالمين و المستكبرين»

(۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

(سراسری - منحصراً زبان ۹۰)

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱-۹) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

من عجائب الدنيا التي لم تكتشف بكاملها لحد الآن هي الأهرام. و أكبر هذه الأهرام يبلغ ارتفاعه ۱۴۶ متراً و يحتوى على أكثر من مليونى قطعة من الصَّخُور، يبلغ وزن القطعة الواحدة منها أكثر من طُنَيْن. و قد جعلت الواحدة جنب الأخرى من دون استخدام أية مادة! و كانت هذه الصَّخُور تُنْقَلُ بِالزُّورِقِ (قايق) عن طريق بحر النيل، حيث يُمَلَأُ الزُّورِقُ بِالماء لينخفض (ضدّ «ارتفع») و يصبح مساوياً لمستوى اليابسة، و حينئذٍ تُجَرُّ الصَّخُورُ إِلَى داخل الزُّورِقِ. فبعد الوصول إلى المقصد كانوا يقومون بإخلاء الماء منه و جَرُّ الصَّخُورِ إِلَى مكان قريب بالأهرام، ثم ترفع بالحبال لتجعل فى محلّها المناسب!

۱- «جَرَّتْ الصَّخْرَةُ وَ فِي الزُّورِقِ بِالماء، ثُمَّ بِالحبل وَ فِي محلّها!». عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَغَاتِ:

(۲) جُعِلَتْ / الملىء / ارتفعت / نُصِبَتْ

(۱) وُضِعَتْ / مَلَأَ / جُرَّتْ / بُنِيَتْ

(۴) أَدْخِلَتْ / المملوء / رُفِعَتْ / وُضِعَتْ

(۳) أَدْخِلَتْ / يَمَلَأُ / انخفض / جعلت

۲- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(۲) عدد الصَّخُورِ فِي الأهرام يصل إلى مليونين!

(۱) يبلغ وزن مجموع صخور الأهرام طُنَيْن!

(۴) ما كان أحد يقدر أن يحمل هذه القطعات بنفسه!

(۳) كان العمال يجرون الصَّخُورَ مِنْ تَحْتِ المياهِ!

۳- عَيِّنِ الخَطَأَ:

(۲) من دون إخلاء الماء لم يمكن إخراج الصخرة!

(۱) كانت الأحجار فى مكان بعيد عن الأهرام!

(۴) هناك أسرار بقيت، لم يقدر العلماء أن يجيبوا عليها!

(۳) بِالزُّورِقِ ترفع الصخرة إلى محلّها المناسب!

۴- أعجب شىء فى النص هو:

(۲) كثرة الأهرام و حجمها و ارتفاعها و قربها بمياه النيل!

(۱) رفع الصخرة بالحبال!

(۴) اتّصل الصخور بعضها ببعض من دون مادة إضافية أخرى!

(۳) حمل الصخور بالزُّورِقِ!

■ عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّشْكِيلِ (۵ و ۶):

۵- «تَجَرَّ الصَّخُورُ إِلَى داخل الزُّورِقِ، فبعد الوصول إلى المقصد كانوا يقومون بإخلاء الماء منه»:

(۲) الوُصُولِ - المَقْصَدِ - إِخْلَاءِ - المَاءِ

(۱) دَاخِلِ - الزُّورِقِ - بَعْدَ - يَقومُونَ

(۴) الصَّخُورِ - الوُصُولِ - المَقْصَدِ - إِخْلَاءِ

(۳) الزُّورِقِ - فَبَعْدَ - يَقومُونَ - المَاءِ

۶- «و جَرَّ الصَّخُورَ إِلَى مكان قريب بالأهرام، ثم ترفع بالحبال لتجعل فى محلّها المناسب»:

(۲) الأهرام - الحبال - تُجَعَلُ - مَحَلٌّ

(۱) مَكَانَ - قَرِيبَ - تُرْفَعُ - الحبال

(۴) الصَّخُورِ - مَكَانَ - قَرِيبَ - تُرْفَعُ

(۳) قَرِيبَ - الأهرام - تُرْفَعُ - تُجَعَلُ

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

■ عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۷-۹):

۷- «جُعِلت»:

- ۱) مجرد ثلاثی - صحیح - مبني للمعلوم / نائب فاعله ضمير «هی» المستتر و الجملة فعلية و وصفية
- ۲) ماضٍ - للغائبة - مجرد ثلاثی - مبني للمجهول - مبني / فعل و نائب فاعله «الواحدة» و الجملة فعلية
- ۳) فعل ماضٍ - صحیح - متعدّد - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله ضمير «هی» المستتر، و الجملة فعلية
- ۴) ماضٍ - للغائبة - مجرد ثلاثی - متعدّد - مبني / فاعله «الواحدة» و الجملة فعلية و وصفية و منصوب محلاً

۸- «يُصِح»:

- ۱) مضارع - مزيد ثلاثی من باب إفعال - صحیح - معرب / فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ
- ۲) فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثی - صحیح / فعل من الأفعال الناقصة و اسمه ضمير «هو» المستتر
- ۳) للغائب - مزيد ثلاثی بزيادة حرف واحد من باب إفعال - معرب / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية
- ۴) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثی بزيادة حرف واحد من باب إفعال / فعل من النواسخ و اسمه «مستوى» و الجملة فعلية

۹- «أكثر»:

- ۱) اسم - مفرد مذكّر - مشتق و صفة مشبهة (مصدره: كثرة) - معرب / مجرور بحرف «على»
 - ۲) مفرد مذكّر - مشتق و اسم تفضيل (مصدره: كثرة) - منصرف / «على أكثر»: جار و مجرور
 - ۳) مشتق و اسم تفضيل - نكرة - معرب - ممنوع من الصرف / مجرور بالفتح بحرف جرّ «على»
 - ۴) اسم - معرّف بالإضافة - معرب - ممنوع من الصرف / «على أكثر»: جار و مجرور و خبر مقدّم
- ۱۰- «كأن أخوى واقفان أمامى و يداهما تمتدان إلى السماء و يدعوان الله لحاجتى!» كم علامة فرعية و تقديرية فى الأسماء؟

- ۱) ثلاث / اثنتان ۲) خمس / واحدة ۳) أربع / ثلاث ۴) أربع / اثنتان

۱۱- عین الخطأ فى إعراب الاسم المنقوص:

- ۱) مكانة الانسان الساعى فى الخير رفيعة عند جميع الناس. ۲) وجدت فى الصحراء راعياً يُفتش عن أغنامه المفقودة.
- ۳) يجب عليك أن تكون إنساناً على الهمة فى حياتك. ۴) يدعو الجنود ربهم فى ليالى الهجوم حتى ينصرهم الله.

۱۲- عین ما ليست فيه علامة تقديرية للإعراب:

- ۱) أنشدت ثمانى أبيات من كتابى فى وصف الربيع.
- ۲) إن النبى عيسى من أعظم الأنبياء.
- ۳) إنى أسهر الليالى عادةً من أجل تأمين المعاش.
- ۴) طوبى لمن لم يتغلب عليه هواه.

۱۳- عین الموصوف له علامة إعراب تقديرية:

- ۱) إتكا على عصاً كانت تحفظه من أن يسقط.
- ۲) نحّ نفسك عن عمل يُبعدك عن الخير.
- ۳) قرأت قصةً تتحدّث عن التاريخ فأعجبت بها.
- ۴) زين نفسك بالزينة الحسنة، زينة الصابرين.

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل سوم

انواع اعراب

۱۴- «يساعد هذه القرية النَّاسَ الَّذِينَ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِمْ». عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْفِرَاقِ:

(۱) أهالي (۲) أهالي (۳) أهالٍ (۴) الأهالي

۱۵- عَيِّنِ الْخَطَأَ بِالنِّسْبَةِ لِلِاسْمِ الْمَنْقُوصِ:

(۱) النَّبِيُّ (ص) هُوَ الدَّاعِي إِلَى الْحَقِّ، يَدْعُو النَّاسَ إِلَى اللَّهِ. (۲) هُوَ الرَّاضِي عَنْ عَمَلِهِ لِأَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَرْضَى عَنْهُ.
(۳) وَالِدُ زَمِيلَتِي قَاضِيٌ عَادِلٌ يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ. (۴) دَعَا الْمَدِيرَ تَلْمِيزاً سَاعِياً لِيَتْلُو الْقُرْآنَ أَمَامَ التَّلَامِيذِ.

۱۶- عَيِّنِ مَا لَيْسَتْ فِيهِ عِلَامَةٌ تَقْدِيرِيَّةٌ لِلْإِعْرَابِ:

(۱) اشْتَرَى هَذَا الْوَلَدَ عَصاً جَمِيلَةً لَوَالِدِهِ الْمَرِيضِ. (۲) رَأَيْتَ الْمُعْتَدِيَّ لَمْ يَنْدَمْ وَ لَمْ يَتْرِكْ عَمَلَهُ السَّيِّئِ.
(۳) مَرِحَباً بِالْفَتَى الَّذِي يَرْحَمُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ الْعَجُوزَيْنِ. (۴) الصَّدِيقُ الصَّالِحُ هُوَ الدَّاعِي إِلَى الْخَيْرِ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ.

۱۷- عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(۱) اَطْلُبُوا الْعُلَى فَإِنَّ لَا تَطْلُبُوهُ تَبْتَعِدُوا مِنَ الْمَعَالِي. (۲) رَبِّمَا يَهْلِكُ النَّاسَ بِسَبَبِ الْهَوَى وَ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ.
(۳) أَنَا رَاضٍ بِتَقَدُّمِكُمْ وَ أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ بِرِضَايَ. (۴) الدَّاعِي إِلَى الْهَدْيِ وَ هُوَ لَا يَعْمَلُ بِهِ غَيْرَ مَحْبُوبٍ.

۱۸- عَيِّنِ الْخَبَرَ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي عِلَامَاتِ الْإِعْرَابِ:

(۱) أَنْتُمْ مَوْظَّفُونَ فِي الدَّوَائِرِ وَ تَقُومُونَ بِأُمُورٍ مَهْمَةٍ. (۲) إِنَّهُ الْمَاشِي فِي الشَّرِّ وَ يَدْعُو الْآخِرِينَ إِلَيْهِ.
(۳) هَاتَانِ طَالِبَتَانِ، تَحَاوَلَانِ حَتَّى تَصِلَا إِلَى أَهْدَافِهِمَا. (۴) أَنْتُمْ صَاحِبُونَ شَأْنٍ عَظِيمٍ بَيْنَ زُمَلَائِكُمْ مِنَ التَّلَامِيذِ.

۱۹- عَيِّنِ الْمَنْقُوصَ إِعْرَابَهُ أَصْلِيًّا:

(۱) أَجَابَ التَّلْمِيذُ عَنِ سَوَالِ مَعْلَمِهِ حَوْلَ الْفِعْلِ الْمَاضِي. (۲) إِنْ بَيْتاً عَالِياً تَهْدَمُ بِسَبَبِ زَلْزَلَةٍ شَدِيدَةٍ.
(۳) إِنْ نَبِيَّنَا الْأَكْرَمَ (ص) هُوَ النَّاهِي عَنِ الْمُنْكَرِ. (۴) لِعَمِّي بَيْتٌ حَوْلَهُ النَّهْرُ الْجَارِي.

۲۰- عَيِّنِ الْعِلَامَاتِ التَّقْدِيرِيَّةَ لِلْإِعْرَابِ أَقْلَ مِنَ الْبَاقِي:

(۱) لَمَّا بُعِثَ النَّبِيُّ (ص) كَانَتْ الدُّنْيَا مَحْفُوفَةً بِالْمَعَاصِي. (۲) أَعْرَضِي يَا أُخْتِي عَنِ الْمَنِّ وَ الْأَذَى، فَهُمَا مُبْطِلَا صَدَقَاتِكَ.
(۳) أَنْفَقُوا مِمَّا عِنْدَهُمْ عَلَى الْأَطْفَالِ الْيَتَامَى فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. (۴) إِنْ أَخِي تَلْمِيذٌ مِثَالِي وَ وَالِدَتِي مَسْرُورَةٌ بِاجْتِهَادِهِ.

۲۱- « يَا رَبِّ! يَسْتَغْنِي فَوَادِي بَفَضْلِكَ، لِذَلِكَ أَنَادِيكَ فِي اللَّيَالِي فَأُدْرِكُنِي » عَيِّنِ الْخَطَأَ:

(۱) «رَبِّ» مُنَادِي مِضَافٌ وَ مَنْصُوبٌ بِعِلَامَةِ فَرْعِيَّةٍ (۲) فَعْلَانِ مِنْهَا مَعْرَبَانِ
(۳) ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءٌ مِنْهَا تَعْرَبُ بِعِلَامَاتِ تَقْدِيرِيَّةٍ (۴) سِتُّ كَلِمَاتٍ مَعْرَبَةٌ

۲۲- عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا عِلَامَاتٌ تَقْدِيرِيَّةٌ لِلْإِعْرَابِ أَكْثَرَ مِنْ غَيْرِهَا:

(۱) اللَّهُمَّ اجْعَلِ السَّعَادَةَ حِطِّي وَ أَبْعِدْ قَلْبِي عَنِ الْأَذَى. (۲) وَهَبْ اللَّهُ عَيْسَى مَعْجَزَاتٍ مِنْهَا شِفَاءَ الْمَرْضَى وَ إِحْيَاءَ الْمَوْتَى.
(۳) يَا مُوسَى! احْفَظْ يَدَيْكَ مِنَ الْأَذَى وَ احْتَرَمْ وَالِدَيْكَ. (۴) أَهْبِئِي جَوَارِحِي لِخِدْمَةِ رَبِّي لِلْوَصُولِ إِلَى تَقْوَى اللَّهِ.

۲۳- عَيِّنِ الْمَفْعُولَ لَيْسَتْ فِيهِ عِلَامَةٌ نَصْبِهِ تَقْدِيرِيَّةٌ:

(۱) رَبَّنَا اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي. (۲) رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي.
(۳) لَيْتَنِي أَمْلِكُ مَا أَتَصَدَّقُ بِهِ لِلَّهِ. (۴) يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۲۴- عین المنقوص بعلامة ظاهرية للإعراب:

- (۱) ينبغي لنا أن يحكم بيننا القاضى العادل.
 (۲) أنت داعى الآخرين إلى الخير و لا تعمل به نفسك.
 (۳) لا أحبك أبداً إلا أن تصبح على الهمة.
 (۴) هناك الراعى الشاب يحرس غنمه أحسن من الآخرين.

۲۵- عین « اللیالی » بعلامة تقديرية للإعراب:

- (۱) إن الليالى و الأيام فى حياتنا تمرّ مرّ السحاب.
 (۲) بعض الناس يسهرون الليالى فى العبادة و التفكير.
 (۳) أحب ليالى القدر لأنها تمنحنا السكينة و الهدوء.
 (۴) هذه الليالى مهمة جداً لنا، و علينا أن ننتفع بها.

۲۶- مَيِّز العبارة التي جاء فيها إعراب فرعى:

- (۱) التلميذات سلّمن على معلّمتهم
 (۲) و الله الغنى و أنتم الفقراء إليه
 (۳) فى زيارة الاخ المؤمن حسنات كثيرة
 (۴) لقد كان فى يوسف آيات للسائلين

۲۷- عین العبارة التي جاء فيها إعراب تقديرى:

- (۱) نريد أن نقاتل الظالمين و أياديهم
 (۲) هاتان شجرتا حديقتنا قد سقيتا أمس
 (۳) أمام مدرستى مدينتنا مرّ هذا النهر الجارى
 (۴) قال النبى: أنا مدينة العلم و على بابها

۲۸- عین عدد الأسماء التي إعرابها فرعى فى العبارة التالية: « كان يعقوب النبى بنون فمن بينهم أحب يوسف كثيراً.»

- (۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۲۹- مَيِّز الخطأ عن كلمة « نوح » فى العبارة التالية: « كانت امرأة نوح من الفاسقين »

- (۱) مجرور بالكسرة (۲) ممنوع من الضرف (۳) مذکر حقيقى (۴) اعرابها لفظى

۳۰- مَيِّز الكلمة التي إعرابها فرعى فى العبارة التالية: « الأمهات يدعون بناتهن و أبناءهن إلى السعى و العمل »

- (۱) الامهات (۲) يدعون (۳) بنات (۴) أبناء

۳۱- عین عدد الإعراب التقديرى: « وجدت فى كتابى الثانى معانى جديدة لكلمة "الغوالى" .»

- (۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳۲- مَيِّز الخطأ عن كلمات العبارة التالية: « ساعدنى فى هذا الصيد أحد ساكنى الجزيرة و هو خير بمسالك غاباتها »

- (۱) ساعد: إعرابها تقديرى (۲) ساكنى: الجمع السالم (۳) غابات: إعرابها أصلى (۴) مسالك: ممنوع من الضرف

۳۳- مَيِّز الخطأ عن كلمات العبارة التالية: « شاهدته ليلى و قالت له: هذا المعتدى الذى سرق نعالنا قوىّ حتماً »

- (۱) ليلى: تقديراً مرفوع (۲) المعتدى: اسم منقوص (۳) الذى: تقديراً مرفوع (۴) قوىّ: صحيح الآخر

۳۴- عین عدد الإعراب المحلّى فى العبارة التالية: « المؤمنون لن يكذبوا من أجل زخارف هذه الدنيا الدنيّة »

- (۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳۵- عین عدد الأسماء مع الإعراب التقديرى: « و هذه المعانى جاءت فى وصايا الإمام الخمينى (ره) لشباب شعبنا الإسلامى »

- (۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

نكات اضافى در تستها:

.....

۳۶- میز الصّحیح فی تعیین نوع الإعراب :

- (۱) فقولاً أنا رسولاً ربك : اصلی
(۲) شاهدتُ مناظر جميلة : فرعی
(۳) إسودَّ وجه ذلك الطاغى : محلی
(۴) دَعَوْتُ الَّذِي يُحِبُّنِي : تقدیری

۳۷- ما هو الخطأ عن كلمة «أبوا» فيما يلي: «أنا و أنت يا علىّ أبوا هذه الأمة» ؟

- (۱) المعرّف بالإضافة (۲) المرفوع بالواو (۳) المثني (۴) إعرابها فرعی

۳۸- میز عدد الأسماء التي إعرابها تقدیری فی العبارة التالية: «إن أغنى مصادر الثروة يُنحصرُ في قارتيّ آسيا و إفريقيا»

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) أربعة (۴) خمسة

۳۹- عین عدد الأخطاء فی العبارة التالية: «أمر لقمان الحكيم ولده بطاعة الوالدان» :

- (۱) اثنان (۲) واحد (۳) ثلاثة (۴) دون الخطأ

۴۰- عین ما فيه علامات فرعية للاعراب أكثر من الباقي:

- (۱) أعطى ربّي لفاطمة فضائل لا يعرفها المسلمون
(۲) الصالحون و الصالحات حفظوا أيديهم عن إيذاء الآخرين
(۳) يلقي إخواننا المسلمون في فلسطين مصائب كثيرة
(۴) نرى الحجّاج الكثيرين السنوات الماضية في مكّة المكرّمة

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

مجرورات: }
مجرور به جرّ
مضاف إليه

برخی حروف جرّ: « بِ، كَ (مانند)، لِ، رُبَّ (چه بسا)، مِنْ، فِي، عَن، عَلَيَّ، حَتَّى، إِلَى، مُنْذُ (از، از زمان) »

نکات:

(۱) حرف جرّ « لِ » اگر بر سر ضمائر بیاید، مفتوح می شود. ← لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ

(۲) حرف « لَ » بر سر اسامی یا افعال حرف تأکید است و غیر عامل می باشد. ← إِنْ لَنَا لِأَجْرًا عَظِيمًا لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ

(۳) شرایط مضاف: }
الذمی گیرد
تتوین نمی گیرد

(۴) اسم مثنوی و جمع سالم مذکر در حالت اضافه نون خود را از دست می دهند:

مثال: قُلْتُ لَصَدِيقِيَّ: هَذَانِ مَعْلَمَايَ (صَدِيقِيَّ) در اصل صَدِيقِيَّ در حالت جمع بوده و مَعْلَمَايَ در اصل مَعْلَمَانِي بوده است!

(۵) اسامی مبنی هیچگاه مضاف واقع نمی شوند.

(۶) بعضی از اسامی همواره مضاف واقع می شوند (اسم بعد از آنها همیشه مضاف إليه است)؛ مانند: كُلٌّ، بَعْضٌ، ذُو، مِثْلٌ، جَمِيعٌ، غَيْرٌ، ..

(۷) تعداد زیادی از قیود مکان و زمان (ظروف) نیز همیشه مضاف إليه می خواهند. (بدلیل اینکه به تنهایی از نظر معنایی ناقص هستند.)

مثال ۱: إِنْ اللهُ مَعَ الصَّابِرِينَ مثال ۲: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ مثال ۳: وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

(۸) هر ضمیری که به یک اسم متصل شود حتماً مضاف إليه است. ← يَذْهَبُ التَّلَامِيذُ بِكُتُبِهِمْ

۱. عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا مِضاف:

(۱) أَمْرَ اللَّهِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى (۲) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ

(۳) الْمُؤْمِنُونَ لَنْ يَكْذِبُوا مِنْ أَجْلِ زَخَارِفِ الدُّنْيَا (۴) حَاوَلَتِ الطَّالِبَاتُ أَنْ يَجْتَهِدْنَ فِي سَبِيلِ النَّجَاحِ

۲. عَيْنُ عِدَدِ الْأَسْمَاءِ الْمَجْرُورَةِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: « إِنْ دِينِنَا مِنْذُ ظَهْوَرِهِ قَدْ شَجَعْنَا عَلَى التَّفَكُّرِ وَ التَّعَلُّمِ »

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) ستة (۴) خمسة

توابع: }
صفت
معطوف

صفت در چهار چیز با موصوف خود مطابقت می‌کند: الف) جنس ب) تعداد ج) اعراب د) معرفة یا نكرة بودن

مثال: إيران الجميلة ← ایران اسم کشور است پس مؤنث است و ضمناً علم است پس معرفه است.

نکات:

۱) اسم منسوب به شرطی صفة واقع می‌شود که موصوف داشته باشد، در غیر اینصورت نقشهای دیگری می‌پذیرد.

مثال ۱: جاء رجل إيراني ← صفة

مثال ۲: الخوارزمي رجل كبير ← مبتدا

یادآوری: برای ساخت اسم منسوب کفایت به انتهای اسم، «یای مشدّد» بیفزاییم. اگر اسم «ة» داشت آن را ابتدائاً حذف می‌نماییم.

مثال: مكة ← مكي ← ایران ← ایرانی

۲) اگر اسمی هم صفة و هم مضاف إليه داشت ابتدا مضاف إليه بکار می‌رود. (برخلاف زبان فارسی!)

مثال ۱: اسماء الله الحسنى: الله مضاف إليه / الحسنى صفت (اسمهای نیکوی خداوند)

مثال ۲: أمة إيران المسلمة: ایران مضاف إليه / المسلمة صفت (امت مسلمان ایران)

۳) موصولات خاص اگر معنای «که» بدهند، حتماً صفة هستند؛ در غیر این صورت نقشهای متفاوتی می‌پذیرند.

مثال ۱: الكتب التي أقرأ مفيدة: صفة: کتابهایی را که می‌خوانم، مفید هستند.

مثال ۲: سبحان الله الذي هدانا: صفة: سپاس خدایی را که ما را هدایت نمود.

مثال ۳: صراط الذين أنعمت عليهم: مضاف إليه: راه کسانی که به آنها نعمت دادی!

مثال ۴: الأمهات هن اللاتي يتبعن من أجلنا: (خبر: مادران همان کسانی هستند که به خاطر ما به سختی می‌افتند).

* به جمله‌ی پس از موصولات، جمله صله می‌گویند که در اعراب کردن عبارت، باید آن را مستقلاً اعراب نمود.

۴) اسامی الـدار پس از اسامی اشاره از نظر اعراب، جنس و تعداد، تابع اسم اشاره هستند.

مثال ۱: رأيتُ تلكَ المعلمةَ في المدرسة

۵) اعداد ۱ و ۲ (واحد- إثنان) و اعداد ترتیبی معمولاً در حکم صفة هستند. (به شرط وجود موصوف!)

مثال: كان الشخصُ الأوَّلُ و الثاني من قريةٍ واحدةٍ (الثاني: معطوف!)

یادآوری:

- اعداد ترتیبی عبارتند از: أوَّل - ثاني - ثالث - رابع - خامس - سادس - سابع - ثامن - تاسع - عاشر - الحادی عشر - الثاني عشر - ...
- اعداد اصلی عبارتند از: واحد - إثنان - ثلاث - أربع - خمس - ستّ - سبع - ثمانی - تسع - عشر - أحدَ عشر - إثنَا عشر - ...
- برای مونث کردن اعداد کافی است به انتهای آنها بیفزاییم. (مانند ستّة ، عاشره و ...). (مونث أوَّل، أولى می باشد).

* جمله و صفیه:

صفت می تواند به صورت جمله نیز بکار رود که در این صورت ترجمه‌ی آن حتماً با که شروع می شود و موصوف آن نیز همواره نکره است.

مثال ۱: كنتم خير أمةٍ أُخرجتٍ للنَّاسِ : شما بهترین امتی هستید که از میان مردم برانگیخته شدید.

مثال ۲: ذلك ظبيٌّ يسكنُ هنا: آن آهوئی است که در اینجا زندگی می کند.

* جمله و صفیه طبق الگوی زیر ترجمه می شود:

نمونه ترجمه	ترجمه فعل جمله و صفیه	فعل جمله و صفیه	فعل اصلي جمله
إشترينا كُتُباً قَدْ عَرَفَها المعلمُ: کتابهایی را که معلم معرفی کرده بود، خریدیم.	ماضی ساده یا بعید	ماضی	ماضی
نحنُ لَمْ نَسْمَعْ نداءً يَدْعونا إلى إجتناب الكذب: ما صدایی را که ما را به دوری از دروغ دعوت می کرد(می کند)، نشنیدیم.	ماضی استمراری (مضارع اخباری)	مضارع	ماضی
هل تَعْرِفُ كتاباً يُساعدنا في حلِّ هذه المسائل؟ آیا کتابی را که ما را در حل این سوالات یاری دهد، می شناسی؟	مضارع التزامی	مضارع	مضارع

معطوف: اسمی را گویند که بوسیله‌ی یکی از حروف عطف به اسم ماقبل خود عطف شود و فقط از نظر اعراب تابع ماقبل خود است.

مثال: إنَّ الحسنَ و الحسینَ سَيِّدا شبابِ أهلِ الجنَّةِ (الحسن اسم إنَّ و منصوب / الحسین معطوف و به تبعیت از الحسن منصوب)

حروف عطف عبارتند از: « وَ , فَ (پس) , ثُمَّ (سپس) , لَكِنْ , لَا , بَلْ (بلکه) , أَمْ (یا) , أَوْ (یا) »

نکته: حروف عطف , غیر عامل هستند.

۱. ما هو المناسب للفرغ في العبارة التالية: « لا تُصادقوا الاشرار _____ صادقوا الابرار! » ؟

۱) لا ۲) بل ۳) أم ۴) ثم

۲. عین العبارة التي جاء فيها جملة وصفية:

۱) نَزَلَ الطَّائِرُ عَلَى شَجَرَةٍ يَحْمِلُ الطَّعَامَ ۲) إِنَّ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا يُضَاعَفَهُ لَكُمْ

۳) هذه جهنم التي كنتم بها تكذبون ۴) هل تأمرني أن اكسر صناديق قوم قد توكلوا على الله ؟

۳. عین الخطأ:

۱) هذا كتابٌ أحتاجُ إليه في الفهم النصوص العربي ۲) إن الطلبة المجتهدين يسرون والديهم المؤمنين

۳) رأيتُ غزالاً له قرنٌ جميلٌ على أحدِ التلالِ الرمليةِ ۴) الأفضلُ لنا مواجهةُ حقائقِ الحياةِ المريرةِ بالرضا

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (١-٨):

(سراسری- انسانی- ٩٠)

۱- «يُحَاسِبُ اللَّهُ الْخَلْقَ عَلَى كَثْرَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، كَمَا يَرْزُقُهُمْ عَلَى كَثْرَتِهِمْ فِي الدُّنْيَا!»:

(١) روز قیامت حسابرس همه‌ی مردم خداوند می‌باشد، به گونه‌ای که در دنیا همه‌ی آنها را روزی عطا می‌کند!

(٢) روز قیامت خداوند به حسابرسی اکثریت خلق می‌پردازد، همچنان که اکثریت آنها را در دنیا روزی عطا می‌کند!

(٣) خداوند به حساب مردم در روز قیامت می‌رسد، هر چند تعدادشان کثیر است، چنان که در دنیا نیز با توجه به

کثرتشان به آنها روزی داده می‌شود!

(٤) خداوند مردم را با وجود بسیار بودن تعداد آنها، روز قیامت محاسبه می‌کند همانگونه که با وجود زیاد بودن

تعدادشان در دنیا، به آنها روزی می‌دهد!

۲- «شَعَرْتُ بِأَنَّ الشَّيْطَانَ يَقْهَقُهُ وَ يَسْخَرُ مِنِّي عِنْدَ عَصْيَانِي رَبِّي!»:

(١) گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!

(٢) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!

(٣) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه‌ی شیطان واقع شده‌ام!

(٤) احساس کردم گویی این قهقهه‌ی شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

۳- «قَدْ تَعَلَّمْتُ أَنْ لَا أُعْجَلَ فِي مَعَابَةِ أَحَدٍ بِذَنْبِ ارْتِكَابِهِ، فَلَعَلَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يَغْفِرَ ذَنْبَهُ!»:

(١) یاد گرفته‌ام که در سرزنش کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!

(٢) مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آنها تعجیل کنم بسا خدا بخواهد از گناه آنها گذشت کند!

(٣) فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص بخاطر گناه کردشان نباید شتاب داشته باشم، بسا خدا بخواهد آنها را بیامزد!

(٤) به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی بخاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده‌ی خداوند باشد!

۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

(١) أَوَّلُ مَسْئُولِيَّةِ الْمَرْأَةِ الْمَهْمَةُ الْإِهْتِمَامُ بِالْأُسْرَةِ،: نخستین مسؤولیت مهم زن توجه به خانواده است،

(٢) فَالْأَخْلَاقِيَّاتُ الَّتِي نَشَاهِدُهَا خَارِجَ الْبَيْتِ نَتِيجَةُ تَرْبِيَةِ الْأُمِّ،: پس اخلاقیاتی که بیرون خانه دیده می‌شود در نتیجه‌ی

تربیت مادران است،

(٣) لِذَلِكَ نَعْتَقِدُ أَنَّ إِصْلَاحَ الْمَجْتَمَعِ الْحَقِيقِيِّ يَتَرَكِّزُ عَلَى الْمَرْأَةِ،: به همین خاطر معتقدیم که اصلاح جامعه‌ی حقیقی بر

وجود زن متمرکز می‌باشد،

(٤) وَ مِنْ مَسْئُولِيَّاتِ الْمَرْأَةِ الْأُخْرَى مَشَارِكَتِهَا فِي الْخِدْمَاتِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ،: و از دیگر مسؤولیت‌های زنان حضور آنان

در خدمات اجتماعی خواهد بود!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عین الخطأ:

۱) لَمَّا كُنْتَ طفلاً ما زال هذا السؤال يشغل فكري: از زمانی که طفلی بیش نبودم مسأله‌ای پیوسته ذهن مرا به خود مشغول کرده بود،

۲) نحن الموجودات الحيّة لم نتولد و لم لا نعيش إلاّ لزمان محدود فنموت؟! ما موجودات زنده چرا متولد می‌شویم و چرا فقط برای زمانی محدود زندگی می‌کنیم سپس می‌میریم؟!

۳) ولكنني عندما أصبحت أكبر بمرور الزمن، وجدت دليل ذلك، ولي به مرور زمان وقتی بزرگتر شدم دلیل آن را یافتم،

۴) كان الدليل يرجع إلى مسألة تكامل الإنسان و حكمة باري الكون!؛ دليل، به موضوع تکامل انسان و حکمت خالق هستی مربوط می‌شود!

۶- «إنّ النميمة تزرع الضغينة!». عین الصحيح في المفهوم: (النميمة: سخن چینی)

۱) لا حبذا الإنسان النّميم، فإنه يُبعد عنك أصدقاءك!

۲) ما أقبح السّعاية! فإنّها تنشر بدور الحقد بين الناس!

۳) مده نزد خود راه، بدگوی را نه مرد سخن چین دو روی را!

۴) میان دوکس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم‌کش است!

۷- «فقط انسان ضعیف به نومییدی اجازه می‌دهد که در قلبش نفوذ کند!»

۱) إنّما الضعیف يسمح للقلب أن يتسرّب فيه اليأس! ۲) لا يسمح الضعیف لليأس أن لا يتسرّب في قلبه!

۳) إنّما يسمح الضعیف لليأس أن يتسرّب إلى قلبه ۴) لا يأذن اليأس أن يتسرّب في القلب إلاّ الضعیف!

۸- عین الخطأ:

۱) به مادر سالخورده‌ات احترام بگذار تا خوشنودی خدا را بدست آوری!؛ احترام می‌آمک العجوز لتتالی رضا الله!

۲) معلّم به من پیشنهاد کرد که به دوستم در فهم زبان عربی کمک کنم!؛ اقترح معلّمی علیّ أن أساعد صديقي في فهم اللّغة العربية!

۳) برادر خردسالم هرگز در اتاق تاریک نمی‌خواهد زیرا از تاریکی می‌ترسد!؛ لا ینام أخی الصغیر فی الغرفة المظلمة أبداً لأنّه یخاف من الظلمة!

۴) ما به علت زیادی تکالیف درسیمان نمی‌توانیم به مهمانی برویم!؛ نحن لم نقدر بسبب كثرة الواجبات المدرسیّة حتّى نذهب إلى ضیافة!

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

فصل چهارم

مجرورات و توابع

۹- ما هو المناسب للفراغ: « من _____ شَعِبْنَا أَنْ يُطْلَبَ _____ مِنْ الظَّالِمِينَ » ؟

- (۱) الحقّ - الحقّ (۲) حقّ - حقّ (۳) الحقّ - حقّ (۴) حقّ - الحقّ

۱۰- مَيِّزُ الصَّحِيحِ فِيمَا يَلِي:

- (۱) الكتابُ المَعْلَمُ (۲) مدينةُ بيروتَ (۳) يدانُ الرَّجْلِ (۴) مفتاحُ البابِ

۱۱- ما هو الخطأ للفراغ في العبارة التالية: « _____ حَقَّقُوا بطولاتٍ رائعةٍ في التاريخ » ؟

- (۱) الشَّبَابُ المسلمون (۲) شَبَابُنَا المسلمون (۳) الشَّبَابُ المؤمنون (۴) شَبَابُ المؤمنون

۱۲- مَيِّزُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ فِي الْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ: « هذا كتابٌ _____ »

- (۱) تلميذة (۲) مريم (۳) أكبر (۴) المفيدُ

۱۳- عَيِّنِ الصَّحِيحَ: « وَ نَعْلَمُ أَنَّ هَذِهِ الْإِشَارَاتِ الْعِلْمِيَّةَ فِي آيَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ لَيْسَتْ هَدَفًا بَحْدَ ذَاتِهَا »

- (۱) الاشارات: مضاف اليه (۲) العلمیّة: صفة (۳) آيات: مضاف اليه (۴) ذات: صفة

۱۴- مَيِّزُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) الايَّامُ الدَّرَاسَةُ مِنَ الْايَّامِ الْجَمِيلِ (۲) إِنِّي أَحَبُّ إِخْوَانِي الْمَجْدُونَ

- (۳) الْكُتُبُ النَّافِعُ مَفِيدَةٌ لِلطُّلَّابِ (۴) إِنَّهُمْ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ

۱۵- مَيِّزُ عَدَدِ الصِّفَاتِ فِي الْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ: « إِنَّ الْإِيثَارَ صِفَةٌ إِنْسَانِيَّةٌ كَرِيمَةٌ يَجِبُ أَنْ تَتَحَلَّى بِهَا »

- (۱) إثنين (۲) ثلاث (۳) أربع (۴) واحدة

۱۶- مَيِّزُ عَدَدِ الْمُضَافِ فِي الْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ: « فِي إِحْدَى هَذِهِ الرَّحَلَاتِ سَاعَدَنِي أَحَدُ سَاكِنِي الْجَزِيرَةِ وَ هُوَ خَيْرٌ بِمَسَالِكِ غَابَاتِهَا »

- (۱) خمسة (۲) أربعة (۳) ستة (۴) ثلاثة

۱۷- عَيِّنِ الْعِبْرَةَ الَّتِي مَاجَأَ فِيهَا الْمُضَافِ إِلَيْهِ:

- (۱) فَدَلِيلُ الْعَقْلِ تَقْصِيرُ الْأَمَلِ (۲) مَا أَبْعَدَ الْخَيْرِ عَنْ أَهْلِ الْكَسَلِ

- (۳) إِنَّمَا أَصْلُ الْفَتَى مَا قَدْ حَصَلَ (۴) إِنَّمَا مَنْ يَتَّقَى اللَّهَ الْبَطْلُ

۱۸- مَيِّزُ الْعِبْرَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا جُمْلَةٌ وَصَفِيَّةٌ: « فِي الْمَكْتَبَةِ رَأَيْتُ _____ . »

- (۱) التَّلْمِيذَةُ تَكْتَبُ تَكَالِيفَهَا جَيِّدًا (۲) تَلْمِيذُ الْمَدْرَسَةِ يَقْرَأُ الدَّرْسَ

- (۳) التَّلْمِيذَاتُ اللَّاتِي يَكْتَبْنَ تَكَالِيفَهُنَّ (۴) تَلَامِيذُ يَقْرَؤُونَ الدَّرْسَ

۱۹- ما هو الخطأ عن كلمات الآية الشريفة: « أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ » ؟

- (۱) السَّمَاءُ: لفظاً مجرور (۲) ماء: ممنوع من الصِّرف (۳) حَدَائِقُ: ممنوع من الصِّرف (۴) ذات: لفظاً منصوب

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل چهارم

مجزوات و توابع

۲۰- عدد التوابع: « قَالَ الرَّسُولُ الْاَكْرَمُ فِي حَقِّ هَذَا الرَّجُلِ حِينَ سَقَا الْكَلْبَ الْعَطْشَانَ: الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَانُ »

(۱) إثنان (۲) ثلاثة (۳) أربعة (۴) خمسة

۲۱- عین عدد المضاف فی هذه الآية: « تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض »:

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) دون مضاف

۲۲- ما هو الخطأ عن كلمة «مَنان» في العبارة التالية: « أنت المَنان بالعطيات على أهل مملكتك »؟

(۱) صيغته مبالغة (۲) المضاف اليه (۳) إعرابها اصلي (۴) معرفة

۲۳- عدد المضاف و الصفة: « لَمَّا جَلَسْنَا تَحْتَ الشَّجَرَةِ ظَهَرَتْ أَشَعَّةُ الْقَمَرِ الْفَضِيَّةِ وَ أَصْبَحَ الْمَنْظَرُ مَنْظَرًا رَائِعًا يَخْلِبُ الْقُلُوبَ »

(۱) إثنان , إثنان (۲) واحد , ثلاث (۳) ثلاثة , إثنان (۴) إثنان , ثلاث

۲۴- ميّز جملة و صفة ليست في محلّ النصب:

(۱) لم أصد غزاة تسكن في هذه المنطقة
(۲) إن لكل مأموم إماماً يقتدى به
(۳) إن تقرر لله قرصاً يضاعفه لك
(۴) نرغب إليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام

۲۵- في أيّ العبارة جاء « المبدّرون » مضافاً؟

(۱) الاشخاص المبدّرون يُسرفون النعم
(۲) يكون مبدّرو الاموال مَغضوبين
(۳) المبدّرون إخوان الشياطين
(۴) سلك المبدّرون في سبيل غير مُستقيم

۲۶- ميّز الجواب الذي جاء فيه من التوابع:

(۱) اللهم ارزقنا إجتهد المجتهدين
(۲) لا خير في ودّ من يكذب
(۳) بطلّة كربلاء هي زينب الكبرى
(۴) جولة الحق إلى قيام الساعة

۲۷- ميّز العبارة التي يكون الموصول فيها صفة:

(۱) هو الذي أرسل رسولَه بالهدى
(۲) صراط الذين أنعمت عليهم
(۳) المؤمنات هن اللاتي جاھدن في الله
(۴) هذه جهنم التي كنتم بها تكذبون

۲۸- عین ما ليس فيه نعت:

(۱) كان الأطفال يلعبون يوماً ينزل المطر فيه.
(۲) و كانوا يرمون كرة مملوءة بالتراب و الماء.
(۳) فجأة وقعت الكرة فوق شجرة كانت في الشارع.
(۴) و الأطفال كلهم كانوا فرحين بهذا اللعب.

۲۹- ميّز العبارة التي جاء فيها المضاف اليه :

(۱) الكتاب هو الذي قرأته أمس.
(۲) لمثل هذا فليعمل العاملون.
(۳) لتذهب إلى الصفّ الآن.
(۴) في البركة سمكات صغيرات.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

توابع و مجرورات

فصل چهارم

۳۰- کم اسماً مجروراً فی العبارة التالية: « من سعادة القائل أن يكون المستمع إليه فهيماً » ؟

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳۱- کم خطأً فی العبارة التالية: « الأفضل الجهاد هو الكلمة عدل عند إمام جائر » ؟

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳۲- میز الصحیح فیما یلی:

- (۱) تلك تلميذة المدرسة. (۲) ذلك تلميذ مدرسة. (۳) هذا طالب مدرسة. (۴) هذه طالبة مدرسة.

۳۳- عین عدد المضاف فی هذه الآیة: « یا أيها الذین آمنوا لا ترفعوا أصواتکم فوق صوت النبی » :

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳۴- عین الصفات فی العبارة التالية: « إن الخوارزمی هو العالم الاسلامی الشهیر ولد فی القرن التاسع الهجری »

- (۱) الخوارزمی، الاسلامی، القرن، الهجری
(۲) العالم، الشهیر، التاسع، الهجری
(۳) الاسلامی، الشهیر، التاسع، الهجری
(۴) الخوارزمی، العالم، الشهیر، التاسع

۳۵- میز العبارة التي ماجاء فيها التركيب الوصفي:

- (۱) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
(۲) أَعَدَّ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّالِحِينَ
(۳) العلماء المسلمون ألقوا كتباً كثيرةً
(۴) يا أيُّها النفس المطمئنة إرجعي إلى ربِّك

۳۶- عین العبارة التي جاء فيها من المجرورات:

- (۱) بل الله فاعبدوا وكونوا شاكرين
(۲) أستخدم موظف لائق و هو شاب جداً
(۳) سلامٌ هي حتى مطلع الفجر
(۴) القرآن هو النور المبين و الصراط المستقيم

۳۷- میز الجملة الصحيحة:

- (۱) فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ قَلِيلٌ
(۲) أشخاص المبدرون إخوان الشيطان
(۳) مرٌّ موكبٌ هارونٌ بدار هذا الزاهد
(۴) امتنا الاسلامی قدمت شبابها المجتهدان

۳۸- عین عدد التوابع فی العبارة التالية: « ذلك الأسد وحشٌ مفترسٌ لا طيبٌ مُعالجٌ »

- (۱) خمسة (۲) أربعة (۳) ثلاثة (۴) اثنان

۳۹- عین عدد المضاف اليه فی العبارة التالية: « أعط كل ذي حق حقه فهو من العدل » :

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۴۰- میز جملة وصفية مجرورة:

- (۱) لهم جنات تجري من تحتها الأنهارُ خالدین فيها.
(۲) و جاء إخوة يوسف عند رجل يبكي.
(۳) بعد الثورة أشعة شمس طالعة أشرقت على بلداننا.
(۴) إنه شيخ ذو وجهٍ صبيح يعيش في المدينة.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

■ اقرأ النص التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة (١-٩) بما يناسب النص:

أرأيتَ حتّى الآن خلال سفرتك طائراً واقفاً على سلك (ما يمرّ به الكهرباء) من دون أن يهدّده خطر؟ فكثيراً ما نشاهد طيوراً تحطّ (تنزل) على أسلاك الكهرباء لكنّها لا تصاب بالصاعقة! لماذا؟! تنتقل الطاقة الكهربائية من مراكز الانتاج إلى المنازل من خلال سلكين، أحدهما يحمل الإلكترونات و الآخر يُرجعها، و لكي يصاب الطائر بالصاعقة لا بدّ له أن يلامس السلكين معاً أو يلامس سلك القوة الكهربائية و الأرض! فلهذا مخطر على أى شخص يقف مُلامساً الأرض أن يلمس أسلاك الكهرباء، حيث يمرّ الكهرباء من السلك إلى الأرض خلال جسمه! (الكهرباء: جريان برق)

١- عيّن الخطأ:

(١) مبدأ السلك مصانع إنتاج الكهرباء!

(٢) لا يوجد فاصل بين السلكين، بل هما ملتصقان!

(٣) من أحد السلكين تعود الإلكترونات المستخدمة في المقاصد!

(٤) لا يهدّدا خطر إذا لبسنا حذاء مناسباً و قد لمسنا سلكاً فيه الكهرباء!

٢- عيّن الصحيح:

(١) الطيور لا تصاب بالصاعقة أبداً!

(٣) الأرض قادرة على أن تنقل الكهرباء!

(٤) يمكن انتقال الكهرباء بسلك واحد!

٣- عيّن الخطأ: «لا يصاب الطائر الذي يقف على السلك الكهربائي بالصاعقة لأنه.....»

(١) حينئذ لا يلامس الأرض!

(٢) لا يقف على سلك فيه الكهرباء!

(٣) يقف على سلك واحد لا اثنين!

(٤) لا يلامس السلكين في آن واحد!

٤- عيّن المقصود من النص:

(١) بيان كيفية عمل الأسلاك الكهربائيّة.

(٢) تبين خطرات الصاعقة للإنسان و الطيور.

(٣) توضيح خطرات الأسلاك الكهربائيّة.

(٤) عدم السماح للطيور أن تقف على الأسلاك.

■ عيّن الصحيح في التشكيل (٥ و ٦):

٥- «تنتقل الطاقة الكهربائيّة من مراكز الانتاج إلى المنازل من خلال سلكين، أحدهما يحمل الإلكترونات!»:

(١) الكهربائيّة - الإنتاج - المنازل - يحملُ

(٢) مراكز - المنازل - يحملُ - الإلكترونات

(٣) تنتقلُ - الطّاقة - مراكز - الإنتاج

(٤) الطّاقة - مراكز - الإنتاج - خلال

٦- «مخطر على أى شخص يقف ملامساً الأرض أن يلمس أسلاك الكهرباء!»:

(١) مُخطرُ - شخص - يقفُ - مُلامساً

(٢) مُخطرُ - يقفُ - مُلامساً - يلمسُ

(٣) شخص - يلمسُ - أسلاك - الكهرباء

(٤) يقفُ - الأرض - يلمسُ - الكهرباء

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٧-٩):

٧- «يَهْدِدُ»:

- ١) للغائب - صحيح - متعدّد - مبني للمجهول - معرب / فعل منصوب بـ«أن» و نائب فاعله ضمير «هو» المستتر
- ٢) فعل مضارع - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين من باب تفعل - مضاعف - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل و فاعله اسم ظاهر
- ٣) مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي - صحيح - لازم - مبني للمجهول / فعل منصوب، و نائب فاعله «خطر» الاسم الظاهر
- ٤) مزيد ثلاثي من باب تفعيل - صحيح و مضاعف - متعدّد - مبني للمعلوم / فعل منصوب بـ«أن» و فاعله «خطر»

٨- «يَقِفُ»:

- ١) فعل مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - معرب / فاعله «شخص» و الجملة فعلية
- ٢) مجرد ثلاثي - متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع و فاعله الضمير المستتر و الجملة فعلية
- ٣) للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و مثال (له إعلال، حذف حرف العلة فيه) - لازم / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر
- ٤) مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - معتل و مثال - معرب / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية

٩- «مَلَامَسًا»:

- ١) مفرد مذكر - مشتق و اسم فاعل (من باب مفاعلة) - نكرة - معرب - صحيح الآخر / حال مفردة و منصوب و هو عامل للمفعول به: «الأرض»

- ٢) اسم - مفرد مذكر - مشتق و اسم مفعول - صحيح الآخر - منصرف / حال و منصوب و ذوالحال الضمير المستتر في «يقف»

- ٣) مشتق و اسم فاعل (مصدره: ملامسة) - نكرة - معرب / تمييز النسبة و منصوب و «الأرض»: مفعول به و منصوب

- ٤) اسم - مشتق و اسم مفعول (من باب مفاعلة) - صحيح الآخر - منصرف / تمييز و منصوب

١٠- مَيِّزَ الْعِبَارَةِ الَّتِي يَكُونُ الْمَوْصُولُ فِيهَا صَفَةً:

٢) هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا فَإِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا.

١) الْإِمَّ هِيَ الَّتِي أَلْبَسَتْ أَوْلَادَهَا لِبَاسِ الْحَرْبِ.

٤) يَا أَيُّهَا الَّذِي نَزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ اسْتَغْفِرْ لَنَا.

٣) إِنَّا نَحِبُّ أَخَوَاتِنَا اللَّاتِي يَحْفَظْنَ حِجَابَهُنَّ.

١١- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِيمَا يَلِي:

٢) عِنْدَمَا عَلِمْتَ إِنتِصَارَ مُجَاهِدِ الْإِسْلَامِ فَرِحْتَ كَثِيرًا.

١) إِندَفَعَتِ الْجِيُوشُ الْإِيْمَانِ فِي الْمَوَاجِهَةِ الظَّلَامِ.

٤) هَذِهِ دَعْوَةٌ لِلْمَهَاتِ لِإِشْتِرَاكِ فِي الْحَفْلَةِ التَّكْرِيمِ.

٣) إِعْلَمُوا أَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ خَيْرٌ مِنَ الدَّارِ الْفَانِيَةِ.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

مجرورات و توابع

فصل چهارم

۱۲- عین العدد غیر صفة:

- (۱) نبدأ دروسنا فی اليوم الأول من فصل الخريف،
(۲) و فی کلّ أسبوعین اثین نقرأ خمسة دروس،
(۳) و فی الأسبوع السابع نصل إلى الدرس الثامن،
(۴) أما الدرس العاشر فنقرأه فی الأسبوع الثاني عشر.

۱۳- عین الصحيح فيما يلي:

- (۱) فی تلك الفترة أشعة شمس جدیدة أشرقت علی شبه الجزيرة.
(۲) كان لهؤلاء الطالبین معلّمون كرامٌ يدرّسون جيّداً.
(۳) الصّورة الآخر من البحر هي وجود طبقاتٍ مختلفة من الظلمة.
(۴) هل كنت تعلم أن القرآن الكريم يستخدم براهيناً متنوعاً؟!

۱۴- عین الصحيح فيما يلي:

- (۱) الشعوب المسلمة تكره الاستسلام أمام الفاسقين.
(۲) يا طالبة حاولي للاكتساب العلوم الجديدة.
(۳) ضوء الشمس قويّة و أشعة القمر ضعيف.
(۴) رأت الكلاب القرية ثعلباً مريضاً فی المزرعة.

۱۵- عین الصحيح فيما يلي:

- (۱) كان صديقي ينظر إلى تلاميذ الصفّ المُجدّد.
(۲) لَنْ نَرْضَ بشيءٍ أقلّ من تحقيق ثقافة الاسلاميّة.
(۳) الاحسنُ الاعمال للوالدين تربية الأبناء البلد.
(۴) فی إنشائك الجميل خطأ صغير فاقراه مرةً أخرى.

۱۶- عین الخطأ فيما يلي:

- (۱) يتسم نبينا الاكرم للاطفال إبتسامة أبا الحنون.
(۲) هذان أمران لم يُكتشفا إلاّ في القرن الماضي.
(۳) يكون الشعاع الضوئي سبعة ألوانٍ مختلفة.
(۴) القرآن يُخاطبُ جميع بني البشر بثقافاتهم المتنوعة.

۱۷- عین الخطأ فيما يلي:

- (۱) يا صديقاتي المحترمت لا خير في ودّ امرئ متلون.
(۲) لكنّ الخنساء ربّت أبناءها المجاهدين على القيم القبلية.
(۳) بعد مدة قليل نحن بلغنا قمة أحد التلال الرملی.
(۴) أيمن لأولئك التلميذات أن یؤمنَ بجميع هذه الأعمال.

۱۸- « للفلاحين وجهٌ أسمرٌ و يدين خشنين و هذا بسبب أعمالهم الصعب ». صحّ الأخطاء:

- (۱) يدان - خشنان - هذه (۲) يدان - خشنان - الصعبة (۳) أسمر - يدان - هذه (۴) وجهة - خشنان - الصعبة

۱۹- عین عدد الصفات المرفوعة: « هو العامل الذي ما جمعت فيه خصال حسنة و لكنّ له توصيات عديدة »

- (۱) أربع (۲) ثلاث (۳) إثنان (۴) واحدة

۲۰- عین عدد الأخطاء: « إن صديقيّ العقلاء طالبون مباحث علمية في مجال الموضوعات التربوية »

- (۱) ثلاثة (۲) إثنان (۳) واحد (۴) دون الخطأ

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

مجرورات و توابع

فصل چهارم

۲۱- عین ما لیس فيه الإضافة:

- (۱) وجدتهم مشغولين بالعمل الذي يحبونه.
- (۲) نجد دائماً ما عند الله أفضل لنا.
- (۳) أعدت الأم غرفة الضيوف لحضورهم.
- (۴) ليعرف الإنسان نفسه المطمئنة.

۲۲- عین ما لیس فيه نعت:

- (۱) قال بائع الأحذية لي: هذا الحذاء جميل و أنيق.
 - (۲) كنت قد بدأت دراساتي العلمية في العشرين من عمري.
 - (۳) شجع أخي للمرة الثانية في المدرسة لنجاحه في الدرس. (۴) يا رب، إنك تعلم أن لي مشكلة لا يعلمها أحد حتى والداي.
- ۲۳- «لنا في القرية بيت فيه». عین الصحيح للفرغ:

- (۱) غرفتان اثنتان جميلتان (۲) واحدة غرفة واسعة (۳) شجرتان اثنتان طويلتان (۴) اثنتان شجرتان طويلتان

۲۴- عین العدد نعتاً:

- (۱) إن السنة الكاملة تتشكل من أربعة فصول،
- (۲) و كل فصل يتكون من ثلاثة أشهر.
- (۳) نطالع في الحصّة الثالثة من هذه السنة الأدب الفارسی.
- (۴) لكن اللغة العربية اثناعشر درساً و سنقرؤها طول السنة.

۲۵- عین العبارة التي لیس فيها الوصف:

- (۱) لنحاول أن نكون إنساناً موقفاً ينفع مجتمعه.
- (۲) أعطتني صديقتي كتابها و كانت أوراقه ممزقة.
- (۳) هناك كتب مختلفة في مكتبات جامعات مدينتنا.
- (۴) خير لحظات الحياة أوقات يشتغل الإنسان فيها بذكر الله.

۲۶- عین ما فيه نعت أكثر:

- (۱) في الشارع شاهدتُ عاملاً مجداً يحفر بئراً فسلمتُ عليه باحترام.
- (۲) الأغلط المطبعية في رسالتي صُححت بمساعدة أستاذنا الفاضل.
- (۳) حدثت في مدينتي المعمورة زلزلة شديدة شَعرت بها قِطتي قبل وقوعها.
- (۴) صباح كل يوم أستيقظ باستنشام رائحة طيبة لوردة المزهرية الحمراء. (المزهريّة: كلدان)

۲۷- عین ما فيه أخطاء:

- (۱) فنش الصياد عن آثار حيوان له قرون جميلة ليصيده، (۲) و حينما شاهده الحيوان أختفى خلف تل رملي قريبه،
- (۳) كانت قرون الحيوان تحت أضواء القمر و كأنها فضة براقّة، (۴) فتأثر الصياد بالمنظر الرائع و انصرف عن صيده.

۲۸- عین ما لیس فيه نعت:

- (۱) كان يفتش عن العيوب في الناس و قد كان مثلها فيه.
- (۲) يرجو الأبوان لأولادهما حياة كريمة تضمن دنياهم و آخرتهم.
- (۳) رأيت مؤمناً لا يشعر بالضعف عند مواجهة المشاكل.
- (۴) أحزنتني موضوع ما كنت واجهته حتى الآن.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل چهارم

مجرورات و توابع

۲۹- عین الصحيح في أسلوب الإضافة:

- (۱) ما حضر في حفلة المدرسة معلّمان الصّفّ الثّاني.
(۲) نجحت صديقتاي في امتحان الدرس الفيزياء بمساعدتي.
(۳) أهدت إلى أمي الحنون في يوم التلميذ كتابي قصّة.
(۴) لم يستطع مسافرون القطار أن يركبوا فيه بسبب الازدحام.

۳۰- عین الجملة الوصفية:

- (۱) أتكلّم مع أستاذي دائماً و هو يرشدني في الحياة.
(۲) أهل الكتاب هم الذين آمنوا بما أنزل الله عليهم بواسطة أنبيائه.
(۳) لبلاد ايران غابات واسعة كثيرة فيها أنواع الحيوانات.
(۴) ذهبتُ إلى المكتبة لأشترى كتاباً و قد كانت فيها أنواع الكتب.

۳۱- عین الخطأ (عن المضاف و المضاف إليه):

- (۱) هذان البدويان وجدنا في طريقهما بئراً سمعا منها صوتاً ... النّجدة النّجدة.
(۲) الأجل الحيوانات في رأيي ظبي يسكن في إحدى الجزر الإستوائية.
(۳) الجوّ الحارّ جفّف وردة المزهريّة التي اشتراها لي والدي من السوق.
(۴) صيادو البحار لا يذهبون عادةً إلى قرب البحر إذا كان هائجاً.

۳۲- عین ما ليس فيه نعت:

- (۱) ما ترك لي جدّي لأيام شبابي إلا كتبه النفيسة.
(۲) رأيت سفينةً من بعيد تجيء إلى الساحل بسرعة.
(۳) يا بني! اجعل سمكتك الحمراء في النّهر لتسيح فرحةً.
(۴) لمّا عملنا الخير، قلنا في أنفسنا: عسى الله أن يتقبّله منّا.

۳۳- عین ما ليس فيه معطوف:

- (۱) شاوري أباك و أمك قبل أن تعزمي في أمورك.
(۲) أ تريدین أن تشترکی في الامتحان و لم تطالعي دروسک؟!
(۳) قرأت درس النحو من اللغة العربية ثمّ درس الصرف منه.
(۴) ليست اللغة العربية أجنبيّة لنا بل هي لغة القرآن و دين الإسلام.

۳۴- عین ما ليس فيه معطوف:

- (۱) اشتركتُ في كلّ المسابقات العالميّة ثم نلتُ جوائز.
(۲) أعلمي أن العالم بلا عمل كشجر بلا ثمر.
(۳) أيّها الإنسان! لم تفرح بالذي لا تملكه أو تعتمد عليه؟
(۴) صديقك الحقيقي من يصدقك لا من يصدّقك دائماً.

۳۵- عین الخطأ:

- (۱) لأشعة القمر الفضية منظر جميل.
(۲) كيف يقتل الإنسان ظبي الغابات الجميل؟
(۳) كلمات الحق المرأة أفضل من حلاوة الباطل.
(۴) نظرتُ مدّة إلى قمر الجميل السّماء بإعجاب.

۳۶- عین العبارة التي ليس فيها جملة وصفية:

- (۱) إن الدنيا طريق يُملاً دائماً بالأشواك المختلفة.
(۲) إنّها اطمأنت بنفسها و هي تهديها الى الدّنيا.
(۳) إنّني أجد نظريّات كانت تطرح لأول مرة.
(۴) هذا الرّجيل أثار مصاييح كانت في المعابر.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

فصل چهارم

مجرورات و توابع

۳۷- عین الموصول فی محلّ الجبرّ:

- (۱) إحترم من يعمل الخير.
- (۲) ما تُرکَ ما أَرَادَهُ اللهُ مِنْهُ فِي حَيَاتِهِ.
- (۳) يعلم الله ما تفعلون في الخلوة.
- (۴) يا ربّ صفحت عن كلّ من شتمني.

۳۸- عین ما لیس فیہ نعت:

- (۱) كانت رسالتك أجمل هديّة أخذتها في هذا العيد.
- (۲) خير الأعمال لك هو ما يقربك من الكمال و السعادة.
- (۳) كان في إحدى المدارس معلّم يسعى في تربية تلاميذه.
- (۴) يحتاج المريض إلى استراحة تتبعها سلامة الجسم و الروح.

۳۹- عین الصحيح فی النعت و الإضافة:

- (۱) أتتما نموذجان صفكّما في الدراسة.
- (۲) أحتاج إلى جرأة أكثر منك في هذا اليوم.
- (۳) تستعمل كلمات العربية كثيرة في أدبنا.
- (۴) أولاد بلادنا الساعون يتعدون عن الكسل.

۴۰- عین الصحيح عن الصفة و الإضافة:

- (۱) استحسّن المعلّم أعمال الطلاب الحسنة في الصّفّ.
- (۲) دعونا ربّنا أن يدخلنا الجنة مع القوم الصّالحون.
- (۳) علينا أن نتبع عقيدتنا الإسلاميّ في كلّ حال.
- (۴) شاهدت أختك الصّالح في المسجد المدينة.

۴۱- عین الصحيح حول الصّفة و الإضافة:

- (۱) أيامنا الدراسيّة من أيام الجميل في حياتنا
- (۲) تلوت آيات من القرآن أثر في قلبي
- (۳) شاهدت في الطريق المزرعة فلاحين القرية
- (۴) كادت الشمس تحرق أبدان الناس

۴۲- عین الصحيح:

- (۱) أفتش عن صديق أولى منك للرحلة.
- (۲) كنت أحاول أن أعتد على نفسي لمرّة آخر.
- (۳) دافع أخى كبير عن فتى صغيرة في الشّارع.
- (۴) وجدت الطالبة الأفضل معتمدة على قدراتها.

۴۳- عین النعت لیس مجروراً:

- (۱) يُحمل النّفط بالنّاقلات الكبيرة إلى خارج البلاد.
- (۲) زاد ورق الأشجار الربيعيّة و زُيّنّت الحدائق.
- (۳) تألّفت كلّ فئاتنا الدراسيّة بهمة أستاذاتنا الفاضلات.
- (۴) علينا أن نعرف منتجاتنا الوطنيّة إلى الآخرين.

۴۴- عین النعت يختلف نوعه عن الباقي:

- (۱) إنّ أصدقائي الأغنياء يُنفقون من ثروتهم.
- (۲) أنا راضٍ عند مواجهة حوادث الحياة المرّة.
- (۳) إنّ نافذة غرفتي العريضة مشرفة على الحديقة.
- (۴) لحظة رجوعى إلى حضن أمي لحظةً أنتظرها منذ سنوات!

۴۵- عین الجملة الوصفية:

- (۱) خير الناس من هو مؤمن مجاهد بنفسه و ماله.
- (۲) من يدعُ بغير عمل فهو مثل الذي يرمى بلا وتر.
- (۳) هؤلاء الطلاب أكثرهم ممتازون و يأخذون جوائز.
- (۴) إنّ للشّمس فوائد يجب علينا أن نعرفها.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

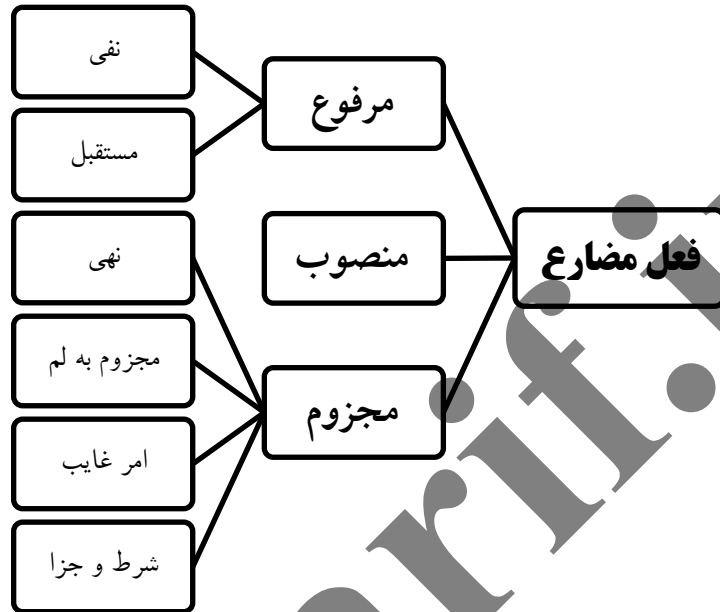
.....

قال النبي - (ص): **عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِنْ اتَّبَعْتُمُوهُ هَدَاكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ أَدْخَلَكُمْ الْجَنَّةَ:**

اگر از علی بن ابی طالب پیروی کنید شما را هدایت می کند و اگر از او اطاعت کنید شما را به بهشت وارد می سازد.

فصل پنجم

انواع فعل مضارع



نکات:

۱) حرف 'لا' در حالت نفی غیر عامل و در حالت نفی عامل می باشد. ← والداک لا یذهبان فلا تذهباً ایضاً (اولی نفی - دومی نفی)

۲) سَ و سَوْ حروف استقبال هستند و هر دو غیر عامل می باشند.

۳) حرف 'لا' به همراه ادوات نصب و جزم حتماً لای نفی است نه نفی!

مثال: لا تَسْبُوا النَّاسَ حَتَّى لَا يَسْبُوكُمْ (اولی نفی - دومی نفی)

۴) حروف ناصبهی فعل عبارتند از: اَنْ (که) - كِي (تا اینکه) - لِ (برای اینکه) - حَتَّى (تا). تا اینکه) و لَنْ (هرگز)

۵) مضارع منصوب معمولاً معادل مضارع التزامی در فارسی است، غیر از لَنْ که معادل آینده منفی است.

مثال ۱: اُرِيدُ أَنْ أَرَجَعَ دَرُوسِي: میخواهم درسهایم را مرور کنم. مثال ۲: لَنْ يُؤْمِنُوا: هرگز ایمان نمی آورند.

۶) گاهی اوقات می توان مضارع منصوب را به صورت مصدر ترجمه کرد و بالعکس.

مثال ۱: أَحَبُّ أَنْ أَتَعَلَّمَ لُغَةَ الْقُرْآنِ: یادگیری زبان قرآن را دوست دارم. (دوست دارم زبان قرآن را یاد بگیرم).

مثال ۲: كُنْتُ أَقْصِدُ الرَّجُوعَ إِلَى بَيْتِي: می خواستم که به خانه ام برگردم. (كنتُ أَقْصِدُ أَنْ أَرْجِعَ إِلَى بَيْتِي)

۷) کم معنای فعل مضارع را به ماضی منفی (ساده یا نقلی) تبدیل می‌کند.

مثال: کم یلد و لم یولد: نزیاید و زاییده نشد. (نزیاییده است و زاییده نشده است.)

نتیجه: ما + ماضی = کم + مضارع مجزوم مثلاً ما کان و کم یکن معادل هستند!

۸) تشخیص <لِ> امر غائب از <لِ> ناصبه، با توجه به معنای عبارت است. (به معنای باید: جازمه / به معنای تا، برای اینکه: ناصبه)

مثال ۱: جئتُ لأزورك: آمدم برای اینکه (تا) تو را ببینم. مثال ۲: فلیعبدوا ربَّ هذا البیت: باید پروردگار این خانه را پرستند.

دقت: حواسمان به حرف جرّ باشد؛ در واقع سر اسم یا فعل بودن لِ را بررسی نماییم: جئتُ إلى المطعم لتناول الطعام.

۹) ادوات شرط عبارتند از: <ان، من، ما، متی ما، اینما >

مثال ۱: مَنْ يُطِيعَ اللَّهَ نَفَرًا: هرکس از خدا اطاعت کند، رستگار می‌شود.

دقت: هرگاه دو ساکن به هم برسند ساکن اول تبدیل به کسره می‌گردد. مثلاً در مثال بالا يُطِيعُ و اللَّهُ که يُطِيعُ شد.

مثال ۲: و ما تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ: و هر آنچه را که از کارهای خیر انجام دهید، خدا آن را می‌داند.

۱۰) در بین ادوات شرط <إن > حرف و بقیه اسم می‌باشند، یعنی به جز إن، بقیه در جمله نقش می‌پذیرند.

۱۱) مَنْ و ما اگر در وسط عبارت به کار روند حتماً موصول هستند. (شرط و استفهام در ابتدای عبارت به کار می‌روند!)

۱۲) فعل شرط چه ماضی و چه مضارع باشد به صورت فعل مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

مثال: مَنْ طَلَبَ وَجَدَ: هر کس بخواهد می‌یابد. (خواهد یافت.)

۱۳) اگر جواب شرط با قَد همراه شود می‌توان آن را بصورت ماضی نقلی نیز ترجمه نمود.

مثال: مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا: هرکس به من سخنی بیاموزد مرا بنده خویش ساخته است.

۱۴) فعل شرط یا جواب شرط می‌توانند بیش از یکی باشند.

مثال: إِنْ تَدْرُسْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ تَنْجَحْ: اگر درس بخوانی و بر خدا توکل کنی، موفق خواهی شد. (۲ فعل شرط و ۱ فعل جواب شرط)

۱۵) جواب شرط اگر جمله اسمیه یا فعل امر و نهی باشد بر سر آن از حرف فَ استفاده می‌شود. در این حالت جواب شرط محلاً مجزوم است.

مثال: و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ: و هرکس بر خدا توکل کند، خداوند برای او کافیهست.

۱۶ «لو» حرف شرطی است که غیر عامل است (یعنی مجزوم نمی‌کند!) و می‌تواند جمله‌ی شرطی در معنای گذشته بسازد.

مثال: لو كنتَ فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك: اگر درشتخوی سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

۱۷ «إذا» نیز معنای جمله را شرطی می‌سازد ولی جازم نیست؛ یعنی فعلهای بعد از آن به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند.

مثال: إذا أردتَ وصلتَ: هرگاه اراده کنی خواهی رسید!

۱۸ فعلهای اجوف و ناقص در حالت جزم حرف عله‌ی خود را از دست می‌دهند. (بر خلاف حالت نصب!)

مثال ۱: لم ترضَ و لم تقل (ترضی - تقول مجزوم)

مثال ۲: لن ترضى و لن تقول (منصوب)

۱. میز الخطأ فی الترجمة:

۱) لم يكن يهبُ: نمی بخشید

۲) لمّا ذهبْتِ: وقتیکه رفتی

۳) فليعبدوا: باید بپرستند

۴) لا يقل: نمی گوید

۲. عین نوع «لا» فی العبارة التالية: «لا تسبوا الناس حتى لا يسبوكم»

۱) نهی - نهی

۲) نهی - نهی

۳) نفی - نفی

۴) نفی - نهی

۳. عین الجملة التي لها معنى المضارع:

۱) من لم يسهر الليالي لم ينل غايته

۲) من ساعدَ مظلومي العالم؟

۳) أن ما دعوت من دون الله هو الباطل

۴) ما أجبك كان إعتقادی

۴. عین الصحيح عن أفعال البيت التالي: «لا تحسبنَّ المجد تمراً أنت تأكله»

۱) لا تحسبنَّ: محلاً مجزوم

۲) تأكل: من باب إفعال

۳) لن تبلغ: مبنی علی الفتح

۴) تلحق: للغائبة

۵. ما هو غير المناسب للفراغ: «..... لم تتأمل قبل كلامك من الخطايا»؟

۱) إن - لم تسلّم

۲) من - تسلّم

۳) إن - فما سلّم

۴) لو - لما سلّم

۱- «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى الْإِنْسَانَ كَثِيرًا مِنَ النِّعَمِ حَتَّى يَسْتَطِيعَ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهَا فِي حَيَاتِهِ!»:

۱) خداوند نعمت‌های کثیری به انسان بخشیده است تا در زندگی از این نعمت‌ها بهره‌مند شود!

۲) خداوند بسیاری از نعمت‌ها را به انسان عطا کرده است تا بتواند در زندگی خود از آنها بهره‌مند شود!

۳) نعمت‌های کثیری را خداوند به انسان می‌دهد و او قادر خواهد بود در زندگی خود از آنها استفاده کند!

۴) بسیاری از نعمت‌های الهی به انسان عطا شده است تا او بتواند از آنها به نفع خود در زندگی استفاده کند!

۲- «عَدَدُ الَّذِينَ يُوَاجِهُونَ مَرَارَةَ الْحَيَاةِ بِالرِّضَا، وَ طَرِيقَهُمُ الدَّائِمِي هُوَ الْإِتِّكَاءُ عَلَى التَّفَاؤُلِ، قَلِيلٌ جَدًّا!»:

۱) بسیار اندک هستند کسانی که تلخی زندگی را با رضایت پست سر می‌گذارند و اتکای بر خوشبینی، مسیر همیشگی آنهاست!

۲) تعداد کسانی که با تلخی زندگی با رضایت مواجه می‌شوند و راه همیشگی آنها اتکا بر خوشبینی است بسیار کم می‌باشد!

۳) عددهای اندک هستند کسانی که از تلخی‌های زندگی با رضایت عبور می‌کنند و مسیرشان پیوسته با تکیه بر خوشبینی طی می‌شود!

۴) کسانی که با سختی‌های زندگی رضایتمندانه مواجه می‌شوند، و نیز آنها که تکیه بر خوشبینی راه همیشگی آنهاست تعدادشان بسیار اندک است!

۳- «إِنْ تُرِدُ أَنْ تَكُونَ إِمَامًا لِلنَّاسِ فَعَلَيْكَ أَنْ تَبْدَأَ بِتَهْذِيبِ نَفْسِكَ قَبْلَ أَنْ تَنْصَحَ الْآخِرِينَ!»:

۱) اگر بخواهی پیشوای مردم بشوی باید قبل از مَهْدَبِ ساختن دیگران، برای تعلیم خود اقدام نمایی!

۲) هرگاه خواهی رهبر مردم باشی پس شروع به مَهْدَبِ ساختن خود کن پیش از آن که دیگران را بیاموزی!

۳) اگر بخواهی برای مردم پیشوا باشی، باید قبل از این که دیگران را نصیحت کنی به تهذیب نفس خود بپردازی!

۴) هرگاه خواهان رهبری مردم بودی پس بر تو لازم است که به تهذیب خویش قبل از نصیحت دیگران فکر کنی!

۴- «تَفَسَّحْنَا لَهُ فِي مَكَانِنَا وَأَجْلَسْنَاهُ إِلَى جَانِبِنَا وَ رَحَبْنَا بِهِ وَ كُنَّا قَدْ تَعَجَّبْنَا مِنْ كَفَّيْهِ الْخَشْتَيْنِ!»:

۱) وقتی کنار ما جایی برای او باز شد پیش ما نشست و ضمن خیر مقدم به او از دستان زبرش متعجب شدیم!

۲) در کنار خود جایی باز کردیم تا نزد ما بنشیند و با تعجب از دستان او که خشن بود، به او خیر مقدم گفتیم!

۳) وقتی برای او نزد خودمان جا باز کنیم کنار ما می‌نشیند در حالی که به او خوش آمد می‌گوییم و از دستان زبر او تعجب می‌کنیم!

۴) نزد خودمان برای او جا باز کردیم و او را کنار خود نشانیدیم و به او خوش آمد گفتیم، و ما از دستان خشن او تعجب کرده بودیم!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عین الخطأ:

- ۱) كان النبي^(ص) يؤكد دائماً على تربية الأطفال: پیامبر^(ص) بر تربیت دائمی کودکان تأکید می‌کرد،
- ۲) على أساس الاحترام المتساوی بين البنين و البنات: بر اساس احترام برابر بین پسران و دختران،
- ۳) و لا يكتفى بالقول فقط، بل يحترم بنفسه الصغار و يكبرهم: و فقط به حرف اکتفا نمی‌کرد بلکه خود، کوچکترها را احترام می‌کرد و بزرگ می‌داشت،
- ۴) و يُبدي انزعاجه من الذين يفرقون بين أولادهم: و ناراحتی خود را از آنهایی که بین فرزندان خویش فرق می‌گذارند، نشان می‌داد!

۶- «طبيب يداوى الناس و هو مريض!». عین غیر المناسب للمفهوم:

- ۱) پندم چه دهی نخست خود را محکم کمری ز پند در بند!
 - ۲) درد در عالم ار فراوان است هر یکی را هزار درمان است!
 - ۳) پزشکی که باشد به تن دردمند ز بیمار چون باز دارد گزند!
 - ۴) پزشکی که خود باشدش زرد روی از او داروی سرخ رویی مجوی!
- ۷- «این معجزه‌ی قرآن است که تا روز قیامت در هر زمان و برای هر امتی جدید و تازه است!».

- ۱) هذه معجزة قرآنية أن القرآن إلى اليوم القيامة حديث في كل زمان و طرى لكل قوم!
- ۲) هذه المعجزة قرآنية كأن هو حتى القيامة حديث و طرى لكل زمن و لكل قوم!
- ۳) هذه معجزة القرآن أنه في كل زمان و لكل أمة جديد و غض إلى يوم القيامة!
- ۴) هذه المعجزة للقرآن كأنه جديد لكل زمن و هو غض لكل أمة حتى القيامة!

۸- عین الخطأ:

- ۱) خدا به وعده‌اش کریمانه عمل می‌کند نه برای سود بردن!؛ الله یفی بوعده کریماً لا لانتفاع!
- ۲) اگر به عهد خدا وفا کنی او نیز به عهد خود وفا می‌کند!؛ إن تف بعهد الله فهو یفی بعهده أيضاً!
- ۳) با خدای کریم عهد بستن به نفع انسان است!؛ المعاهدة مع الله الکریم تنفع الإنسان!
- ۴) هرگاه به یاد خدا باشی او نیز به یاد تو خواهد بود!؛ إذا یذکرک الله فانت تذکره كذلك!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۹- عین الخطأ في الأفعال المضارعة:

- (۱) قال الطائر لصغاره: لفتش عن حل لهذه المشكلة.
(۲) طلبت من أقربائي ليساعدوني في الحصاد غداً.
(۳) من لم يجعل حياة العظماء مشعلاً لهدايته يهلك.
(۴) حين يعتمد الإنسان على الآخرين لن يعمل عملاً مهماً.

۱۰- عین المضارع المنصوب:

- (۱) يا أيها المسلمون! اتحدوا تزل موانعكم.
(۲) لا تظن الحياة عبثاً عليك حتى لا تضل عن طريقك.
(۳) إن تتوسطوا في حياتكم فالشر لا يتغلب عليكم.
(۴) كادت السيارة تسرع ولكن الموانع منعتها.

۱۱- عین اللام الناصبة:

- (۱) ليتحمل الإنسان مصاعبه لأنه موجود صبور ويتغلب عليها.
(۲) المسلمون ليستطيعوا أن يواجهوا المشاكل العديدة في حياتهم.
(۳) في فصل الخريف ليقطف الفلاحون ثمار الأشجار و يعرضوها للبيع.
(۴) المعلمات يهدين الطالبات إلى الطريق الصحيح ليصبحن أسوة في المستقبل.

۱۲- عین «من» ليس موصولاً:

- (۱) الأبرار من يتقون الله و يجاهدون في سبيله.
(۲) من لا يكتسب الأدب في حياته فقد أدبه الدهر.
(۳) من كان قد جلس جنبى في الحفلة ما كنت أعرفه.
(۴) سيحىء إلينا من كنا ننتظره زمناً طويلاً.

۱۳- عین حرف «لام» الجازمة:

- (۱) ذهبوا إليه ليهنئوه على نجاحه في الدراسة.
(۲) اليوم لترجم هذه النصوص إلى اللغة العربية.
(۳) تحاول أمتنا دائماً لتصل إلى الاكتفاء الذاتى.
(۴) حاولنا كثيراً لتهديب نفوسنا لنكون أسوة للآخرين.

۱۴- عین «تصل» غير منصوبة:

- (۱) أطلب الحق بخلوص تصل إليه بحول الله.
(۲) ثبت قدرتك العلمية حتى تصل إلى ما تستحقه.
(۳) ابحت عن العلوم كى تصل إلى معالمها و آثارها.
(۴) أبعد الظلم عن نفسك لتصل إلى كل الفضائل.

۱۵- عین حرف «لام» الجازمة:

- (۱) هو يهيبء ملزومات السفر لذهبوا جميعاً إليه.
(۲) هى تدرّس التاريخ ليفهم الطلاب حقائق القرون الماضية.
(۳) تعلم اسرار العالم الغامضة لتحصل على ما تريد.
(۴) يا أيها الناس! لندع الله حتى يستجيب لنا.

۱۶- عین حرف «لام» الناصبة:

- (۱) الكذب عمل قبيح؛ لنجتنبه.
(۲) لأتعلم من أمى درس الحياة، لأنها أعلم منى.
(۳) لنحاول أن نوصل أنفسنا إلى الأهداف العالية.
(۴) تساعد المعلمة تلميذاتها ليفهمن الدرس جيداً.

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۷- «يبدأ العالم عمله في الأسبوع القادم». عيّن الصحيح في نفي العبارة:

- (۱) لن يبدأ... (۲) لمّا يبدأ... (۳) ما بدأ... (۴) لم يبدأ...

۱۸- عيّن حرف «لام» الجازمة:

(۱) إن نشأ أن نهتدى إلى الصراط المستقيم، لتتبع قوانيننا الدينية.

(۲) ألا يتعلّم الطلاب اللّغة العربيّة في مجتمعنا ليتكلّموا بهذه اللّغة؟

(۳) هل يمكن أن تفتحوا التّوافذ قليلاً لتغيّر هواء داخل الغرفة؟

(۴) بعث الله الأنبياء ليهدوا أبناء البشر في حياتهم الدنيويّة.

۱۹- عيّن الخطأ في إعراب المضارع:

(۱) أمّهات بلدى يفرحن بتقديم الهدايا لهنّ في عيد الأمّ.

(۲) المظلومون سيستردّون حقّهم من الظالمين عاجلاً أم آجلاً.

(۳) يا أختي! يمكن أن تكونين على حقّ، ولكن الشواهد تدلّ على شيء آخر.

(۴) أظنّ أنّ هؤلاء التلميذات لن يستطعن أن يقمن بأداء واجباتهنّ قبل نهاية السّنة.

۲۰- عيّن حرف «لا» الجازمة:

(۱) اليوم لا ترى الشمس لأنّ السماء مملوءة بالمسحب.

(۲) لا أتعب من العمل الكثير الذي يوصل الإنسان إلى أهدافه.

(۳) ألا تقصدين أن تقرّئي هذه الكتب المفيدة لك؟

(۴) لا تتبعنّ النّفس الأمّارة، لأنّها تضرّ الإنسان.

۲۱- عيّن عامل الجزم لفعليّن:

(۱) يا صديقتي! لمّ لمّ تحضري في مراسيم الحفلة أمس؟

(۲) يا أولادى! اعلّموا ما تطلبوه في حياتكم تجدوه.

(۳) لآتناول الدّواء حتّى أشفى من هذا المرض المهلك.

(۴) حفظت أختي الصغيرة القرآن و لمّا تعرف القراءة و الكتابة.

۲۲- عيّن حرف «لام» الجازمة:

(۱) جالس العلماء لتتخلّص من الجهل.

(۲) ليستغفر المذنب التائب عن ذنوبه حتّى يفلح.

(۳) ساعدت الأمّ ولدها ليقوم بأعماله كلّها.

(۴) هي أحضرت أسلحة الأبناء ليبدفوعوا الى الحرب.

۲۳- عيّن حرف «لا» الجازمة:

(۱) أنا وقعت في الحفرة لأنّي لا أعرف الطريق.

(۲) قالت أمّي لى: لا بأس، لكنّك تعال عندى في الحال.

(۳) لا تتولّين المتملّقه أبداً لأنّها ليست صادقة.

(۴) هؤلاء ممرّضات نشيطات لا طبيبات حاذقات.

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۴- عین «ما» بعلامه اعراب محلّیه:

- (۱) ما على التلاميذ أآ الجدّ و المتابرة.
(۲) ما سأل المعلم الدّرس ففرح التلاميذ.
(۳) ما عمل الطالب طول السّنة يجد ثمرته فى النهاية.
(۴) ما بسط البخيل يده فى إعطاء الهدية الى أصدقائه.

۲۵- عین الخطأ فى علامات اعراب المضارع:

- (۱) إن تغرب الشمس تظهر أشعة القمر الفضيّة.
(۲) إن ترحموا الضّعفاء و تساعدوهم يرحمكم الله.
(۳) إن تعمل عملاً حسناً و لا تنطق به يحترمك الناس.
(۴) إن كنت لله لم يجعل للشيطان على عقلك سبيل.

۲۶- عین الخطأ فى اعراب المضارع:

- (۱) إن خرجت الغيبة من فمك، سببت نقتك فى الحياة.
(۲) التلميذات يكررن الدّرس بإرشاد معلّمتهن ليتعلّمنه.
(۳) أستعمل البصل فى طعامى كى يطهر فمى من الجراثيم.
(۴) يا مريم! لا تعاشرين فى حياتك من تمدح نفسها كثيراً.

۲۷- عین الصحيح (فى اعراب الفعل):

- (۱) الطّلاب المجدّون هم الذين لا يهملوا فى أداء واجباتهم.
(۲) خرجت الطالبتان من المدرسة لتذهبا الى سفرة علميّة.
(۳) من صبر على تعب الصّيام فله أجر عظيم عند الله.
(۴) أراد الطالبان أن يشتركان فى المسابقات القرآنية.

۲۸- عین لام الأمر:

- (۱) لأحفظ خمس صفحات من موضوعات هذا الكتاب.
(۲) علينا أن ندعو الله ليوفّقنا فى حفظ ديننا و كرامتنا.
(۳) للعسل خواصّ متعدّدة و هو أفضل أنواع السكّريات.
(۴) أهمل هؤلاء الأشخاص حتّى اليوم للحصول على الخير.

۲۹- عین المضارع مجزوماً:

- (۱) يحتاج الطّلاب إلى زمان أكثر ليفهموا هذا الدّرس.
(۲) حاولوا أن تدرسوا لتحصلوا على مكانة رفيعة بين الناس.
(۳) هؤلاء معلّمو اللّغة العربية، فليصبروا فى تعليم طلبّاهم.
(۴) اجتلبوا الأسرار و صادقوا الأخبار لتكونوا منهم.

۳۰- عین الأفعال مجزومة كلّها:

- (۱) كثير من الشّباب لم يُحبّوا أن يلتحقوا بالجامعات الكبيرة.
(۲) ما تفعلن من خير فى سبيل الله يذكره الناس لكنّ، أيّتها السيّدات.
(۳) شجّعت صديقى على الرّياضة و لكنّه لم يستطع أن يتعلّمها.
(۴) لنحترم إنساناً ذا مروءة حتّى تكثر هذه الصفة المحموده بيننا.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱-۹) بِمَا يَنْسَبُ النَّصَّ:

إنَّ الصِّدِّيقَ الْوَفِيَّ كَنْزٌ ثَمِينٌ مِنَ الصَّعْبِ الْحَصُولِ عَلَيْهِ، فَهَذَا فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَحْيَانِ خَيْرٌ مِنَ الْأَخِّ! فَهُوَ وَسِيلَةٌ فِي الشَّدَّةِ وَ قَبْسٌ هِدَايَةٌ وَ نُورٌ فِي ظِلْمَةِ الْأَيَّامِ وَ مُعِينٌ فِي الشَّدَائِدِ. وَ الصَّدَاقَةُ لَا تَكُونُ خَالِصَةً إِلَّا إِذَا خَلَّتْ مِنْ شَائِبَةِ الْأَنَانِيَّةِ. فَلَا مَعْنَى لِلصَّدَاقَةِ إِذَا لَمْ يَنْبُضِ الْقَلْبُ بِشُعُورِ الْأَلَمِ عِنْدَمَا يَصَابُ الصِّدِّيقُ بِمَا يُؤْلِمُهُ!
الشَّدَائِدُ مُحَكَّ الْأَخْوَةِ، وَ الصِّدِّيقُ الْوَفِيُّ لَا يُعْرَفُ إِلَّا فِي الشَّدَّةِ وَ لَا يُخْتَبَرُ إِلَّا فِي الْحَاجَةِ. فَإِذَا كَانَ الْمَرْءُ فِي نِعْمَةٍ يَأْتِي الْأَصْدِقَاءَ إِلَيْهِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ، بَلْ قَدْ يَنْقَلِبُ الْعَدُوُّ صَدِيقًا؛ وَلَكِنْ إِذَا قَلَّتْ نِعْمُهُ فَيَلْتَفِتُ حَوْلَهُ بَاحْتِثًا عَنْ أَوْلِيَّكَ الْأَصْدِقَاءِ فَلَا يَجِدُ لَهُمْ أَثْرًا! وَ عَلَى أَيْ حَالٍ لَقَدْ قَلَّ الْمَخْلُصُونَ وَ كَثُرَ الْمُتَمَلِّقُونَ!
فَعَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَكُونَ مُنْتَبِهًا فِي مَجَالِ الصَّدَاقَةِ وَ لِيَعْلَمَ أَنَّ صَدِيقَ الْحَقِّ مِنْ إِذَا قَالَ صَدَقَ وَ إِذَا طُلِبَ أَجَابَ. فَالصَّدَاقَةُ لَا تَرْتَعِشُ بِالْحَوَادِثِ وَ لَا تَضَعْفُهَا حَوَادِثُ الْأَيَّامِ!

۱- عَيْنُ الْخَطَأِ: الصِّدِّيقُ هُوَ

(۱) المساعد في النوائب! (۲) صاحب الكنز الثمين! (۳) المونس في أيام الوحشة! (۴) نجم يهتدى به الإنسان!

۲- على أساس النصّ متى ينقلب العدو صديقاً؟ إذا

(۱) كان الإنسان يتمتع بالنعم (۲) كان خلق الإنسان و أعماله طيبة!

(۳) لم ير العدو أنانيّة فينا! (۴) قلت مواهب العدو و توقع إعانتنا!

۳- عَيْنُ الْوَصْفِ الَّذِي لَمْ يَأْتِ فِي النَّصِّ عَنِ الصِّدِّيقِ:

(۱) أفضل من الأخ للإنسان! (۲) إذا ناديته لأمر يسمع و يجيب!

(۳) يرجح صديقه على نفسه! (۴) يحترمننا في الغيبة و الحضور!

۴- عَيْنٌ مَا لَا يَرْتَبِطُ بِمَفْهُومِ النَّصِّ:

(۱) عليك بالصدق في كلّ الأمور!

(۲) بعد اختبار المرء فاذمّم أو احمدا!

(۳) جزى الله الشّدائد كلّ خير عرفت بها صديقي من عدوي!

(۴) و لا خير في ودّ امرئ متلّون إذا الرّيح مالت مال حيث تميل!

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ (۵ وَ ۶):

۵- «لَا مَعْنَى لِلصَّدَاقَةِ إِذَا لَمْ يَنْبُضِ الْقَلْبُ بِشُعُورِ الْأَلَمِ عِنْدَمَا يَصَابُ الصِّدِّيقُ بِمَا يُؤْلِمُهُ!»:

(۱) شُعُورِ - الْأَلَمِ - الصِّدِّيقِ - يُؤْلِمُ (۲) الصَّدَاقَةُ - يَنْبُضُ - يُصَابُ - الصِّدِّيقُ

(۳) الْقَلْبُ - شُعُورِ - الْأَلَمِ - الصِّدِّيقُ (۴) مَعْنَى - الصَّدَاقَةُ - يَنْبُضُ - الْقَلْبُ

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۶- «إذا كان المرء في نعمة يأتي الأصدقاء إليه من كل جانب بل قد ينقلب العدو صديقاً!»:

- (۱) الأصدقاءُ - كُلٌّ - يَنْقَلِبُ - العَدُوُّ
(۲) نِعْمَةٌ - الأصدقاءُ - كُلٌّ - جَانِبٍ
(۳) كَانَ - المرءُ - نِعْمَةٌ - يَأْتِي
(۴) المرءُ - يَأْتِي - جَانِبٍ - العَدُوُّ

■ عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۷-۹):

۷- «يعلم» (ليعلم):

- (۱) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب إفعال - مبني للمجهول / نائب فاعله ضمير «هو» المستتر
(۲) مزيد ثلاثي - صحيح - مبني للمعلوم - معرب / فاعله ضمير «هو» المستتر و مرجعه «الإنسان»
(۳) مضارع - مجرد ثلاثي - مبني للمعلوم - مبني / فعل مجزوم محلاً، و فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية
(۴) للغائب - مجرد ثلاثي - صحيح - معرب / فعل مجزوم بلام الأمر، فاعله ضمير «هو» المستتر، و الجملة فعلية

۸- «تضعف»:

- (۱) مضاعف - متعد - مبني للمعلوم - معرب / فاعله ضمير «هي» المستتر، و مرجعه «حوادث»
(۲) فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي - صحيح / فعل مرفوع و فاعله «حوادث» و الجملة فعلية
(۳) للغائبة - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح - متعد / مجزوم بحرف «لا» و مع فاعله جملة فعلية
(۴) مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - مضاعف - لازم / فعل و فاعله اسم ظاهر، و مفعوله ضمير «ها»

۹- «المخلصون»:

- (۱) جمع سالم للمذكر - معرّف بأل - معرب / نائب الفاعل لفعل «قل» و مرفوع
(۲) جمع سالم - معرّف بأل - معرب - منصرف / نائب الفاعل و مرفوع بالواو
(۳) مشتق و اسم فاعل (مصدره: إخلاص) - معرب - صحيح الآخر / فاعل و مرفوع بالواو
(۴) اسم - جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم مفعول (مصدره: خلوص) - معرب / فاعل و مرفوع

۱۰- عین لام الأمر:

- (۱) لتطهير الفم من الجراثيم يستفيد الناس من الثوم.
(۲) علينا أن نحاول لمجد بلدنا الكبير و عزته.
(۳) لا يبحث التلميذ عن حلّ لهذه المسألة ليتخلص منها.
(۴) لينتخب الوالدان الاسم المناسب لأولادهما.

۱۱- عین حرف «لام» الناصبة:

- (۱) المؤمنون ليتوكلوا على الله في جميع الأوقات.
(۲) يحتاج جسم الإنسان إلى تغذية مناسبة ليتمتع بها في الحياة.
(۳) الإنسان الجاهل ليستيقظ من نوم الغفلة.
(۴) لنبحث عن عوامل تقدّم البلاد الأخرى و نجعلها أمام أعيننا.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۲- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْأَفْعَالِ:

- (۱) وقفت المعلمتان حتى تتحدثان مع التلميذات.
(۲) كانت تمنى أن تزور قريتها كل ربيع و خريف.
(۳) هل جئت لكي تساعدني في حل مشاكل حياتي.
(۴) وصل التلاميذ باكراً لكي يهيئوا أنفسهم للامتحان.

۱۳- عَيْنُ حَرْفِ «لَا» الْجَازِمَةِ:

- (۱) لا يجوز للمؤمن أن يهين مؤمناً آخر.
(۲) قال الأب لى: لا قول أجمل من الحق.
(۳) الظالم لا يستحق التكريم و لا العناية.
(۴) لا تسألن الجاهل، فإنه لا يستطيع أن يُرشدكن.

۱۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) إن تجتهد التلميذات في الدروس ينجحن بلا شك.
(۲) إن يتعلم التلاميذ دروسهم يتقدمون في حياتهم.
(۳) من جد في سبيل الخير يسعد في دنياه و آخرته.
(۴) تعلمي دروسك جيداً تنجحن في امتحاناتك.

۱۵- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مَرْفُوعٌ:

- (۱) لا تكسل أخواتي في أعمالهن اليومية.
(۲) أقدم لك أحسن ما عندي مع دعائي الخير.
(۳) لم تضيع أوقاتك عبثاً و لا تهتم بدراساتك؟
(۴) تأملت كثيراً لأجد طريقة لحل مشكلتي.

۱۶- عَيْنُ الْمَاضِي لَيْسَ فِي مَحَلِّ الْجَزْمِ:

- (۱) ما مر في قلبك جرى على لسانك.
(۲) إن كانت لك أفكار عالية فانشرها بين الآخرين.
(۳) إن تواضعت لمن يعلمك عظمت شأنك.
(۴) من تكلمت معه و أعطاك الكتاب مسؤول عن المكتبة.

۱۷- عَيْنُ حَرْفِ اللَّامِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

- (۱) ليعلم الإنسان أن العقل السليم مصلح كل أمر.
(۲) لا بُدَّ نفسي عن الغضب، حاولت كثيراً.
(۳) لأجعل الجهد نصب أعيني حتى أصل إلى هدفي.
(۴) لتجنب مساورة كل مشفق جاهل.

۱۸- عَيْنُ الْأَفْعَالِ مَجْزُومَةٌ كُلُّهَا:

- (۱) عندما أنزل القرآن لم يستطع أحد أن يأتي بمثله حتى الآن.
(۲) من لم يقصر في أداء واجباته اليوم يصل إلى أهدافه غداً.
(۳) ليستيقظ كل المسلمين من نوم الغفلة حتى يأخذوا حقهم من الظالمين.
(۴) يناديني صديقي أن أشاهده و لكنني لم أفهم ما كان قصده من هذا النداء.

۱۹- عَيْنُ «مَا» الْجَازِمَةِ:

- (۱) ما تعمل اليوم تحصده غداً حتماً.
(۲) ما عرفتنى زميلتي حين مررت من جنبها.
(۳) ما الفخر إلا لأهل العلم؛ إنهم على الهدى.
(۴) ما نوع الرائحة التي كانت تفوح في الشارع.

۲۰- مَيِّزُ نَوْعِ «لَا» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «صَدِيقِي! لَا تُجَالِسِ الْإِنْسَانَ السَّوِّءَ حَتَّى لَا تُتَّهَمَ»

- (۱) ناهية ، ناهية (۲) ناهية ، نافية (۳) نافية ، ناهية (۴) نافية ، نافية

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

انواع فعل مضارع

فصل پنجم

۲۱- عین ما ليس فيه مضارع منصوب:

- (۱) هوئی عليك و لا تحزنی و تأكّدي بأنّ الفرج قريب!
(۲) ما خلقتنا في الدنيا إلاّ لنتمحن حتّى يتبينّ أنحن من الصّابرين!
(۳) إذا جاءك أحد بنبأ فتبينّ قبل أن تقبله تماماً!
(۴) لم لم تُساعدني على أن تُشجّع الأطفال على القراءة و الكتابة؟

۲۲- عین المضارع المنصوب:

- (۱) هذا الدرس صعب؛ ليساعدك أخوك.
(۲) أمرت الأمّ بناتها أن لا يكسُننَ في أعمالهنّ.
(۳) في السّموات و الأرض عجائب كثيرة لتنبّه الإنسان.
(۴) إن تعرفوا حلاوة عاقبة الحقّ تصبروا على مرارته.

۲۳- عین العبارة التي لها معنى المضارع:

- (۱) تزین الطالب بالأخلاق الحسنة.
(۲) لم ير الإنسان نتيجة ظلم الجبابة.
(۳) إن قرأت الدروس بدقّة انتفعت بها.
(۴) ما نجح من لم ينظر في عواقب عمله.

۲۴- ما هو الخطأ في العبارات التالية؟

- (۱) تتعلّم العربيّة لكي نفهموا لغة حيّة
(۲) بعث النبيّ ليهدى الناس إلى طريق الحقّ
(۳) حاولت التلميذات أن يدرسن لله
(۴) المؤمنون لن يكذبوا من أجل زخارف الدنيا

۲۵- عین حرف «لام» الناصبة:

- (۱) لنعرف ما حولنا حتّى نتسلط على أنفسنا و على أعمالنا. (۲) يقول لنا الأستاذ: إنّنا نأمل غداً مُشرقاً لشعبنا؛ فلنحاول لذلك.
(۳) صحبنا أصدقاءنا إلى القاعة لنشارك في فرحة العيد.
(۴) تتهيأ المدرسة للاحتفال الكبير كما جرت عليه العادة كلّ عام.

۲۶- ما هو المناسب للفراغ: « مظلومي العالم يرضى الله عنا » ؟

- (۱) لنُساعد - حتّى (۲) لنُساعد - لكي (۳) لنُساعد - لن (۴) لم نساعد - كي

۲۷- عین الجملة التي ليس لها معنى المضارع:

- (۱) و ما قدّمت لنفسك من خير، وجدته عند الله
(۲) من لم يجتهد في أموره لم تنجح
(۳) إنّ حفرت بئراً لاخيك وقعت فيها
(۴) من الذي أنزل من السماء ماءً مباركاً

۲۸- ما هو الخطأ عن لام الأمر؟

- (۱) هي تسعى: لتسع (۲) أنت تبيعين: لتبيعي (۳) هم يرْمون: ليرموا (۴) هن يرضين: ليرضين

۲۹- ما هو الصحيح عن الأفعال في العبارة التالية على الترتيب: « أتمنى أن أصبح معلماً لأرَبِيّ أبناء شعبي » ؟

- (۱) مضارع مرفوع، مضارع منصوب، مضارع مجزوم
(۲) مزيد ثلاثي، مبني للمجهول، مضارع منصوب
(۳) فعل ناقص، مضارع منصوب، مضارع مجزوم
(۴) للمتكلم وحده، مزيد ثلاثي، مضارع منصوب

۳۰- عین ما ليس فيه مضارع مجزوم:

- (۱) عليكم أن لا تدعوا في حياتكم إلاّ الله.
(۲) فليجعل الإنسان يقينه أفضل اليقين أمام ربّه دائماً.
(۳) من يواصل أعماله الحسنة يعطه الله أجرها.
(۴) لا تفسد عبادتك بالعجب يُجر الله على يدك الخير.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

جمله فعلیه:

جمله فعلیه با در نظر گرفتن فعل جمله (لازم باشد یا متعدی، معلوم باشد یا مجهول) دارای ارکان اصلی زیر می باشد:

فعل - فاعل (نائب فاعل) - مفعول به

حال به بررسی اجزای این ساختار می پردازیم:

الف) فاعل: فاعل کننده کار است و از نظر اعرابی مرفوع، که دارای اقسام زیر می باشد:

لل (۱) اسم ظاهر: جلس حميدٌ على الكرسي (فقط مخصوص صیغه او ۴ است!)

لل (۲) ضمیر بارز: الفلاحون يعملون جداً

لل (۳) ضمیر مستتر: فاطمة ذهبت إلى المدرسة: (هی المستتر)

نکات:

(۱) فاعل همواره پس از فعل می آید و با فعل جمله از نظر جنس مطابقت دارد.

(۲) فاعل در جواب «چه کسی - چه چیزی» می آید.

(۳) در صیغ ۱ و ۴ ماضی و مضارع اگر اسم ظاهر نداشتیم فاعل حتماً ضمیر مستتر است که در این صورت معمولاً نیازمند مرجع ضمیر است

مثال: الدفَاعُ يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ: فاعل: هو مستتر و مرجع آن الدفَاعُ است.

(۴) در صیغ ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضارع و امر حاضر، فاعل حتماً ضمیر مستتر است. ← إِذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي: (ضمیر مستتر أَنْتَ)

(۵) فاعل اگر ضمیر بارز باشد حتماً ضمیر متصل است. (همان شناسه ی افعال)

(۶) اگر فاعل بصورت اسم ظاهر باشد، فعل حتماً بصورت مفرد بکار می رود، به عبارت دیگر در شش صیغه غائب، فعل با فاعل از نظر جنس

مطابقت دارد ولی از نظر تعداد مفرد است. ← تَعَلَّمِ الْأُمّهَاتُ أولادهن آداب الحياة

دقت: تمامی قواعد و نکاتی که برای فاعل داریم، برای نائب فاعل نیز وجود دارد.

ب) مفعول به: اسمی است که عمل و فعل بوسیله فاعل، روی آن انجام می گیرد و از نظر اعرابی منصوب می باشد.

نکات:

۱) مفعول برخلاف فاعل می تواند قبل از فعل بیاید. ← إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ / وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ

۲) متمم فارسی در عربی مفعول محسوب می شود مشروط بر آنکه قبل آن حرف جر نیاید.

مثال ۱: نَحْنُ نَخَافُ اللَّهَ: ما از خدا می ترسیم: الله مفعول به است.

مثال ۲: إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا: در این جمله ربّ مجرور به حرف جر است نه مفعول به!

۳) هر ضمیری که به وزن فعل اضافه شود حتماً مفعول به است. ← إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

۴) مفعول فعل «قال» معمولاً بصورت جمله می باشد. ← قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

۵) بعضی افعال، دو مفعولی هستند که عموماً به دو دسته کلی زیر تقسیم می شوند: (همان جملات چهارجزیی زبان فارسی!)

۵-آ) فعلهایی که مفعولهای آنها در فارسی معادل مفعول و متمم هستند که غالباً معنای بخشیدن و عطا کردن می دهند.

مثال ۱: أَلْبَسْتُهُمْ لِبَاسَ الْحَرْبِ وَهُمْ يَدْعُونَ اللَّهَ أَنْ يُرْزِقَهُمُ الشَّهَادَةَ (پوشاندم - روزی دهد)

مثال ۲: رُبِّينَا آيَاتِهِ وَ يُعْطِينَا هِدَايَتَهُ (نشان می دهد - می بخشد)

۵-ب) فعلهایی که مفعولهای آنها در فارسی معادل مفعول و مسند هستند. (نباید آنها را حال در نظر گرفت!) که مهمترین آنها

عبارتند از: جَعَلَ، حَسِبَ، وَجَدَ، إِتَّخَذَ

مثال ۱: جَعَلَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ زَوْجَيْنَ: خداوند انسان را جُفَّت قرار داد: زوجین مفعول دوم است.

مثال ۲: يَوْمَ يَجِدُونَ مَا عَمِلُوا حَاضِرًا: روزی که آنچه را که انجام داده اند، آماده می یابند: حاضر مفعول دوم است.

مثال ۳: الَّذِي صَادَقَ الْأَخْيَارَ نَحْسَبُهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ: کسی که با خوبان همنشینی کند، یکی از آنها محسوب میشود: واحد مفعول دوم است.

مثال ۴: لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ: مومنان نباید کافران را سرپرست بگیرند: اولیاء مفعول دوم است.

فعل معلوم و مجهول :

یادآوری: فعل مجهول را از فعل متعدی بشرح زیر می‌سازیم:

مجهول کردن ماضی: عین الفعل را مکسور کرده و بقیه حروف متحرک ماقبل آن را مضموم می‌نماییم. ← اِسْتَكْبَرْتُ : اُسْتُكْبِرْتُ

مجهول کردن مضارع: عین الفعل را مفتوح کرده و حرف مضارعة را مضموم می‌نماییم. ← يَتَقَدَّمُونَ : يُتَقَدَّمُونَ

مراحل مجهول نمودن جمله:

حذف فاعل
مرفوع نمودن مفعول
مطابقت فعل مجهول با نائب فاعل

مثال: نحنُ جَعَلْنَا الكُتُبَ فِي الصَّفِّ ← جُعِلَتِ الكُتُبُ فِي الصَّفِّ

نکته: اگر فعل دو مفعولی، مجهول شود مفعول اول به نائب فاعل تبدیل شده و مفعول دوم، مفعول باقی می‌ماند.

مثال: إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الكَوْثَرَ : ← أُعْطِيَ الكَوْثَرَ (ک: مفعول به اول، الكوثر: مفعول دوم و ت: نائب فاعل)

دقت: با توجه به مثال بالا می‌بایم که اگر مفعول، بصورت ضمیر بود، پس از حذف آن ضمیر کافیسف فعل مجهول ما از نظر صیغه معادل

صیغه‌ی آن ضمیر باشد. (ک صیغه‌ی ۷ بود که پس از حذف آن، فعل مجهول صیغه‌ی هفتم بکار بردیم).

۱. عین العبارة التي ما جاء فيها مفعولان لفعل واحد :

(۲) وَ جَاؤُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

(۱) مَنْ رَزَقَهُ اللهُ عَقْلاً كَامِلاً فَقَدْ أَعْطَاهُ الْفَضِيلَتَيْنِ

(۴) وَ أَنْذَرَ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ

(۳) أذَاقَهُمُ اللهُ الْجُوعَ وَ الْخَوْفَ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

۲. مَيِّز العبارة التي فاعلها ضمير مستتر < أنت > :

(۲) أَخْرَجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ

(۱) لِمَاذَا أَخْرَجْتَهُمْ مِنَ الْبَيْتِ

(۴) فَاطِمَةُ لَا تَنْسَى أَبَاهَا أَبَداً

(۳) تُخْرَجُ مِنَ سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ

۳. ما هو الصحيح عن إعراب كلمات العبارة التالية: « مَنْ ذَاقَ حُلُوَ الْحَيَاةِ وَ مُرَّهَا نَالَ مَا يَطْلُبُهُ » ؟

(۲) حُلُو: مفعول به، تقديرأ منصوب

(۱) مَنْ: فاعل، محلاً مرفوع

(۴) ما: مفعول به، محلاً منصوب

(۳) < ها >: مفعول به، منصوب

▪ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأُجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (١-٨):

(سراسری- زبان ٩١)

۱- «لم أدع الاجتهاد في دروسى فلهذا تقدمت على الآخرين و أصبحت إنساناً ناجحاً!»:

- ١) تلاشم در درس‌هایم هرگز ترک نشده است لذا از دیگران جلو افتادم و انسان موفقى شدم!
- ٢) کوشش من در درس‌ها رها نشد به‌خاطر آن بر دیگران برتری یافتم و انسان موفقى گردیدم!
- ٣) کوشش خود را در درس‌ها رها نکردم بنابراین از دیگران سبقت گرفتم و انسانی موفق شدم!
- ٤) تلاش را در درس‌هایم رها نکردم بدین سبب بر دیگران پیشی گرفتم و انسان موفقى گردیدم!

۲- «احذر ممّا يجرّك إلى تبعيّة الآخرين، لأنّها ستسبّب لك الأسر و الضلال و الذلّة!»:

- ١) بر حذر باش از آن‌چه تو را به دیگران وابسته می‌کند، زیرا اسارت و ضلالت و خواری را برای تو می‌آورد!
- ٢) مراقب آن‌چه که تو را به دیگران وابسته می‌کند باش، تا برایت قید و بند اسارت و گمراهی و مذلت نیاورد!
- ٣) از آن‌چه تو را به سمت وابستگی به دیگران سوق می‌دهد بر حذر باش، زیرا سبب اسارت و گمراهی و ذلت تو خواهد شد!
- ٤) مواظب هر چیزی که تو را به سوی وابستگی دیگران می‌کشانند باش، تا در آینده تو را در قید اسارت و گمراهی و خواری قرار ندهد!

۳- «إنّ المعلمين كالأنبياء يستفيدون من كلّ فرصة ليشجعوا الناس على أن يهتمّوا بـمكارم الأخلاق!»:

- ١) معلمان چون پیامبران از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق اهتمام ورزند!
- ٢) آموزگاران و انبیاء از هر فرصتی استفاده می‌کنند که مردم تشویق شوند به مکارم اخلاق اهتمام بیشتری بورزند!
- ٣) آموزگاران و پیامبران از همه‌ی فرصت‌ها استفاده می‌کنند تا مردم را تشویق کنند به مکارم اخلاق توجه بیشتری کنند!
- ٤) معلمان چون پیغمبران هستند که از همه‌ی فرصت‌ها برای تشویق مردم و جلب آنها به مکارم اخلاق استفاده می‌کنند!

۴- «من يسمعون كلام الأنبياء الحقّ قليلون؛ أولئك هم الفائزون و المرشدون إلى طريق الحقّ!»:

- ١) آنها که سخنان درست را از پیامبران شنیده‌اند کم می‌باشند؛ و آنان رستگارانند که به طریق حق راهنمایی شده‌اند!
- ٢) کسانی که سخن حق انبیاء را می‌شنوند اندک هستند؛ آنها همان رستگاران و هدایت‌شدگان به راه حق می‌باشند!
- ٣) آنها که حقیقتاً کلام انبیاء را بشنوند اندک هستند؛ آنها همان رستگاران و راهنمایان به طریق حق می‌باشند!
- ٤) کسانی که سخن حق را از انبیاء بشنوند کم‌اند؛ ولی آنها همان رستگاران و هدایتگران به راه حق‌اند!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عین الصحیح:

- ۱) العمل القبیح ستعقبه عواقب سیئة لفاعله! هر کار زشتی برای انجام دهندگانش عاقب بد در پی خواهد داشت!
- ۲) للحصول علی العزة الأبدیة يجب أن یدفع ثمن باهظ! برای دستیابی به عزت ابدی باید بهای سنگین پرداخت می‌کرد!
- ۳) السعادة شیء ثمین یمکن أن یوجد فی زوایا گرفتنا! خوشبختی چیز گرانبهایی است که شاید در گوشه اتاقمان پنهان باشد!
- ۴) نهاية السعادة هی أن لا تظلم و لا تظلم فی هذه الدنيا! نهایت سعادت این است که در این دنیا نه ظلم کنی و نه مورد ظلم واقع شوی!

۶- «أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا آمناً و هم لا یفتنون» عین غیر المناسب فی المفهوم:

- ۱) آتش کند پدید که عود است یا حطب!
 - ۲) حاسبوا أنفسکم فی الدنيا قبل أن تُحاسبوا!
 - ۳) بر امتحان کردن ضرری مترتب نشود!
 - ۴) یُعرف إیمان المرء عند الامتحان الإلهی!
- ۷- «او حقیقتاً کودکان را دوست می‌داشت و پیوسته با آنان با لبخند و مهربانی برخورد می‌کرد!»

- ۱) كان حقاً یحبّ الأطفال حباً و یواجههم دائماً مبتسمین و حنونین!
- ۲) إنه دائماً یحبّ الصغار و یشاهدهم حقیقةً ضاحکین و حنونین!
- ۳) إنه یحبّ الصغار حقیقةً و یزورهم ضاحکاً و حنوناً دائماً!
- ۴) كان یحبّ الأطفال حقاً و یلقاهم مبتسماً و حنوناً دائماً!

۸- عین الخطأ:

- ۱) آرزوهای طولانی سبب زوال عقل می‌شود! إن طول الأملیة سبب زوال العقل!
- ۲) بیشتر از آنچه به آن نیاز دارید از دنیا نخواهید! لا تطلبوا من الدنيا أكثر ممّا تحتاجون إليه!
- ۳) کسی که اراده‌اش قوی شود بدن وی احساس ضعف نمی‌کند! من قویت إرادته، فلا یُحسّ جسمه بالضعف!
- ۴) قلب مؤمن حتی با لذت بخش ترین امور، از یاد خدا دور نمی‌شود! لا یتعد قلب المؤمن عن ذکر الله حتی بالذّ الامور!

۹- میز الفاعل فی العبارة التالية: «إنما من یتقی الله البطل»

- ۱) من (۲) الله (۳) البطل (۴) هو المستتر

۱۰- «أختی إرحمی امّک العجوزة». عین الصحیح:

- ۱) فاعل: ضمیر بارز (۲) إعراب المفعول: اصلی (۳) أخت: تقدیراً منصوب (۴) ۱ و ۲ و ۳

۱۱- عین عدد الأسماء المنصوبة فی عبارة: «اعتزل الغزل و ذکر الأغانی و قلّ الفصل و جانب من هزل»

- ۱) واحد (۲) إثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل ششم

جمله فعلیه

۱۲- فی آی الأجرية يكون الموصول مفعولاً؟

(۱) لم أشاهد من يشبهك (۲) هلك من ليس له مرشد (۳) طلب العلى من يجتهد (۴) ما تفعل في الصف؟

۱۳- «إنَّ طَلِبَةَ المدرسة ----- ----». المناسب للفراغين هو:

(۱) تَسْرُ / زميلتها (۲) يَسْرُرَنَ / زميلاتها (۳) يَسْرُ / زميله (۴) يَسْرُونَ / زملاءهم

۱۴- «هناك موجودات خلقت في العالم لا تعرف إلا بعد أن تُشاهد تصويرها في هذه المجلة». عيّن عدد الفاعل:

(۱) دون فاعل (۲) واحد (۳) إثنان (۴) ثلاثة

۱۵- ما هو الصحيح عن أنواع الفاعل في العبارة التالية: «ظَهَرَ الفساد في البرِّ و البحر بما كَسَبَتْ أيدى الناس»؟

(۱) اسم ظاهر , اسم ظاهر (۲) اسم ظاهر , ضمير مستتر (۳) اسم ظاهر , ضمير بارز (۴) ضمير مستتر , اسم ظاهر

۱۶- عيّن الفاعل ليس اسماً ظاهراً:

(۱) لا يقتصر هذا النظام على الانسان فقط (۲) ما كان المدير يقبل الطالب المتكاسل أبداً

(۳) العقلاء من تعظّم تجارب الآخرين (۴) أخذتني معلّمتي إلى مكتبة المدرسة

۱۷- ميّز العبارة التي ماجاء فيها المفعولان لفعل واحد:

(۱) كأنّ الايمان يهب الحياة معنى جميلاً (۲) الأمّهات المؤمنات يعلّمن أولادهنّ الأدب

(۳) وقد جعل الله الانسان خليفته في الأرض (۴) إنّ الأرض تدور دورة واحدة كل يوم

۱۸- عيّن غير المناسب للفراغ: «إنّ هذا البيت يرثه».

(۱) أخی (۲) أبناء المساكين (۳) أولادى الصالحون (۴) والداك العجوزان

۱۹- ميّز الفاعل في الآية الشريفة: «كَتَبَ اللهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي»

(۱) الله, أنا ضمير بارز (۲) هو مستتر, رُسُل (۳) هو مستتر, أنا ضمير بارز (۴) الله, ضمير مستتر

۲۰- ميّز الفاعل في العبارة التالية: «لم يجب علينا العمل بهذه الوصية حتى الآن»

(۱) ضمير بارزنا (۲) هو مستتر (۳) العمل (۴) الوصية

۲۱- ما هو الفاعل في العبارة التالية: «المسلم من سلم الناس من يده ولسانه»؟

(۱) المسلم (۲) الناس (۳) هو مستتر (۴) من

۲۲- عيّن المناسب للفراغ: «لم يهمل في مساعدة العالم»

(۱) فاطمة / مساكين (۲) صديقي / مظلومين (۳) المسلمين / مظلوم (۴) هؤلاء الطلاب / مُستضعفى

۲۳- عيّن الفاعل: «لئن لم يهدني ربّي لأكوننّ من القوم الظالمين»

(۱) ربّ (۲) مستتر أنا (۳) ضمير بارز ن (۴) ضمير مستتر هو

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۴- عین الفاعل على الترتيب: «يا فاطمة لا تنسى أن صديقاتك يرجون رحمة ربهن كثيراً»

(۱) ضمير بارز - ضمير بارز (۲) ی بارز - ضمير واو (۳) هی مستتر - ضمير بارز (۴) ضمير مستتر - ضمير بارز ن

۲۵- عین الفاعل اسماً ظاهراً:

(۱) هل تعلم كيف خلقت الإبل (۲) لا يسبقكم بالعمل بالقرآن غيركم (۳) الإسلام يعدُّ المجاهد حبيب الله (۴) أعلم أن من طلب العلى سهر الليالى

۲۶- عین الخطأ:

(۱) إشتعلت المحاصيل بعد هروب الذئب (۲) لكن آيات البعث و النشور ذوقتني حياة جديدة (۳) لا يريدون لكم الغريون إلا غفلتكم (۴) كيف يدوم للتلميذات المتكاسلات الصفاء و الفرح

۲۷- عین الصحيح عن نوع الكلمات التي أشير إليها بخط: «و ما أردتم تجدوه حاضراً»

(۱) مبتدا - مفعول ثان (۲) مبنى على السكون - مشتق به - لفظاً منصوب (۴) محلاً مرفوع - حال

۲۸- عین الجملة التي يختلف فيها إعراب المفعول:

(۱) ما تفعلوا من خير يعلمه الله (۲) لا يشرك الإنسان بعبادة ربه أحداً (۳) ما علم الناس ما تحملت من المشاكل (۴) إياك نعبد و إياك نستعين

۲۹- عین أنواع الفاعل: «هناك جسيم مجهول يحمل شحنة تخالف شحنة الإلكترون».

(۱) ضمير مستتر - ضمير مستتر (۲) اسم ظاهر - ضمير مستتر (۳) ضمير مستتر - ضمير مستتر (۴) اسم ظاهر - اسم ظاهر

۳۰- عین نوع الفاعل للأفعال: «و اتق الله فتقوى الله ما جاورت قلب امرئ إلا وصل»

(۱) اسم ظاهر - ضمير بارز - ضمير مستتر (۲) ضمير مستتر - ضمير مستتر - ضمير مستتر

(۳) اسم ظاهر - اسم ظاهر - ضمير مستتر (۴) ضمير مستتر - اسم ظاهر - اسم ظاهر

۳۱- عین «من» منصوبة:

(۱) يساعدا من هو أقوى التلاميذ في المدرسة (۲) عاشري مل يتواضع عند الآخرين

(۳) يسأل الله من في السماوات و الأرض (۴) من يتوكل على الله فهو حسبه

۳۲- عین الخطأ في تعيين نوع الفاعل:

(۱) يا تلميذة المدرسة لا تنسى تكاليفك: أنت المستتر (۲) أبوهما سمع هذا الكلام فسأل الفأرتين: ضمير مستتر هو

(۳) أصبحت نادماً بعد أن أسمع هذا الخبر: ضمير مستتر أنا (۴) فشرب من هذه البئر كلب عطشان: اسم ظاهر

۳۳- عین الصحيح عن كلمات الآية التالية: «وعد الله الذين آمنوا و عملوا الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار»

(۱) الذين: محلاً مرفوع (۲) الصالحات: مفعول به (۳) جنات: إعرابه أصلى (۴) الأنهار: مفعول به

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۳۴- عین العبارة التي يختلف فيها إعراب المفعول به:

- (۱) الناس يعلمون ما أعد الله للمسلمين
(۲) لا تبطلوا صدقاتكم بالمن والأذى
(۳) الإسلام شجع المسلمين على التفكير والتعلم
(۴) إن الله لا يحب المعتدين والعاصين

۳۵- عین الفاعل ليس اسماً ظاهراً:

- (۱) سألتني عن سني من هو أكبر مني سناً.
(۲) اشتركت هؤلاء النساء في مباراة كرة السلة.
(۳) بنتي العزيزة! لماذا لم تكتبي واجباتك حتى الآن؟
(۴) تقيم عائلتي مراسيم نجاح لأولادها في نهاية كل سنة.

۳۶- عین ما ليس فيه مفعولان اثنان:

- (۱) هل علمتم هذين التلميذين قراءة القرآن والتدبر فيه؟
(۲) رب! أعطني سجيّة الأحرار من السلف الصالح.
(۳) تعلمت هذه الطالبة كيفية تدوين المعاجم العربية جيداً.
(۴) قلت لها: عدی تلميذاتك الساعات جوائز نفيسة.

۳۷- عین الفاعل ليس ضميراً بارزاً:

- (۱) العظماء قد سهروا الليالي و تجرعوا مر الحياة.
(۲) ما كنت أظن صديقتي تذكرني بعد سنوات.
(۳) هذان المتكاسلان هربا من تعلم الدروس.
(۴) إن المعلمات يربين تلميذاتهن على الفضيلة.

۳۸- عین الموصول في محل الرفع:

- (۱) أحب ما يوصلني إلى أهدافي.
(۲) أحسن أبي الكريم إلى من هو فقير.
(۳) ساعدني من لم أعرفه إلا بعد وفاته.
(۴) إن عمي لا يعرف من عنده كتاب.

۳۹- عین الفاعل ليس اسماً ظاهراً:

- (۱) بينت لنا الآيات القرآنية فوائد الإحسان إلى إخواننا.
(۲) تسهر الأمهات لأطفالهن الصغار طول الليل أحياناً.
(۳) أنت تحاولين أن تجعلي نفسك مشهورة عند الناس.
(۴) أيها الناس! أشكروا الله فقد جاءكم منه هدى و بينات.

۴۰- عین الفاعل اسماً ظاهراً:

- (۱) عرفوا قدر من اكتسبتم منه العلم.
(۲) قد جاني من الأصدقاء من هو قرين لي.
(۳) زين خصالك بالحلم والوقار.
(۴) أنت ترفع مقام من تعلمه العلم في كلامك.

۴۱- ميم ضمير «ي» مرفوعاً:

- (۱) لا تصاحب سيئ الخلق.
(۲) ساعدني في كتابة هذه الرسالة.
(۳) أحب أختي الوفيين.
(۴) إنني أحتاج إلى إخواني المشفقين.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۴۲- عین ما فيه مفعول واحد:

(۱) يجعل الصبى صياحه أسلحة للحصول على مطلوبه.

(۲) إنما أعطى الله الإنسان عقلاً يفكر به.

(۳) جعل الله درجة عباده من أفضل الدرجات.

(۴) قد يُعطيكم الله ولداً صالحاً رزقاً لكم.

۴۳. عین العبارة التي المفعول به فيها أكثر من واحد:

(۱) اللهم ارزقنا شفاعة الحسين عليه السلام

(۲) أعطينا للطالب المجده هدية قيمة

(۳) واجعلني من أحسن عبيدك نصيباً

(۴) بعث الله الأنبياء مبشرين

۴۴. في أيّ الأجوبة لا يكون إعراب نائب الفاعل محلياً؟

(۱) ينزل من القرآن ما هو شفاء للمؤمنين

(۲) أمة الإسلام قد حُفِظَتْ بيد الواحد القهار

(۳) في الحرب جرح كل من كان في غزوة

(۴) الساعي يُرزق في حياته ما يطلبه

۴۵- عین نائب الفاعل مرفوعاً بالعلامة الظاهرية الأصلية:

(۱) العلماء وهبوا الذكاء لخدمة الإنسانية.

(۲) يُحمد ربّي ليلاً و نهاراً في كل صلاة.

(۳) يُكرّم العاملون في حفلة التكريم بيومهم.

(۴) إن يُزرع شرٌّ فتُحصَد ندامة؛ هذا هو قانون الحياة.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١-٩) بِمَا يَنْسَبُ النَّصِّ:

(سراسری- زمان ٩١)

من عاش في الدنيا فلا بد أن يرى من الغيظ ما يصفو و ما يتكدر! كل شديدة نزلت بقوم لها من بعد شدتها رخاء. الإنسان العاقل هو الذي يعود نفسه على لقاء الشدائد. يجب أن تؤمن بأن الإنسان لا يملك لنفسه ضرراً و لا نفعاً و إن حاول أن تكون عاقبته في منتهى الحكمة.

نعم! هناك كثير من الناس يحاولون أن يجعلوا حياتهم كلها سروراً و بهجة مستمرة، فيها نعيم لا تُكدره الأيام! و هذا ممّا يمكن أن يتحقق إلى حد، لكننا لا نعرف فيمن سبق منا من استطاع أن يُحقق هذا الأمل! الإنسان في غالب الأحيان ورقة في هجوم الرياح. حين أمن المرء بكلّ هذا لا ييأس في الشدة و لا يُصاب بالغرور في الرخاء. سفينة الحياة تعلق في زمن و تهبط في زمن آخر، و العاقل هو الذي لا يرتعش بهذه الصعودات و النزولات!

١- العاقل هو الذي يعود نفسه على لقاء الشدائد. لماذا؟ لأنّ

(١) لكلّ نزول صعوداً! (٢) من صبر ظفراً! (٣) الفرح لا يدوم! (٤) الصبر مفتاح الفرج!

٢- عيّن الخطأ:

(١) كلما صعبت الشدة يبتعد الفرح من الإنسان! (٢) استمرار السرور لا يتحقق للإنسان بشكل كامل!

(٣) الويل لمن في نعيمه لا يحاسب حساباً لتبدل الأحوال! (٤) النعيم و البؤس يأتيان إلينا إتيان النهار و الليل!

٣- عيّن الصحيح في الاستنباط من العبارة التالية: «الإنسان في غالب الأحيان ورقة في هجوم الرياح»:

(١) الإنسان يدبر و الله يقدر! (٢) زمام الإنسان بيد الآخرين؛ فلا تدبير له!

(٣) تقدّم الإنسان و تأخره بيد حوادث الدهر! (٤) لا تعتمد على عقليتك فالأمور دائماً تجري على خلاف رأيك!

٤- عيّن ما لا يرتبط بمفهوم النص:

(١) يوم السرور قصير! (٢) الدهر يومان يوم لك و يوم عليك!

(٣) دوام الحال من المحال! (٤) عند الشدائد يُعرف الإخوان!

■ عيّن الصحيح في التشكيل (٥ و ٦):

٥- «من عاش في الدنيا فلا بد أن يرى من العيش ما يصفو و ما يتكدر!»:

(١) بُدَّ - يَرَى - العَيْشِ - يَصْفُو (٢) مِنْ - يَرَى - يَصْفُو - يَتَكَدَّرُ

(٣) عَاشَ - لا بُدَّ - أَنْ - يَرَى (٤) الدُّنْيَا - العَيْشِ - يَصْفُو - يَتَكَدَّرُ

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۶- «... أن الإنسان لا يملك لنفسه ضرراً ولا نفعاً وإن حاول أن تكون عاقبته في منتهى الحكمة!»:

- (۱) يَمْلِكُ - نَفْسِهِ - حَاوَلَ - تَكُونُ
(۲) الْإِنْسَانَ - يَمْلِكُ - نَفْسِهِ - الْحِكْمَةَ
(۳) نَفْسٍ - حَاوَلَ - تَكُونُ - عَاقِبَةً
(۴) حَاوَلَ - أَنْ - عَاقِبَةً - مُنْتَهَى

عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۷-۹):

۷- «عاش»:

- (۱) معتل و أجوف - متعدّ - مبني على الفتح / فاعله ضمير «هو» المستتر و مرجعه «من»
(۲) ماضٍ - للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف - لازم / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
(۳) فعل ماضٍ - مجرد ثلاثي - لازم - مبني للمعلوم - مبني على الفتح / فاعله «من» و الجملة فعلية
(۴) متعدّ - مبني للمعلوم - مبني / فعل و فاعله ضمير «هو» السمتتر، و الجملة فعلية و خبر و مرفوع محلاً

۸- «يعود»:

- (۱) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعل - معتل و أجوف / فاعله ضمير «هو» المستتر، مرجعه «الذي»
(۲) مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعيل / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر، و الجملة فعلية
(۳) معتل و مضاعف - متعدّ - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع و فاعله الضمير المستتر
(۴) للغائب - معتل و أجوف - متعدّ / فعل و فاعله «نفس» و الجملة فعلية

۹- «الأيام»:

- (۱) جمع تكسير (مفردة: يوم، مذكر) - جامد - معرّف بأل / فاعل و مرفوع
(۲) معرّف بأل - معرب - منصرف / مفعول فيه أو ظرف للزمان و منصوب
(۳) اسم - جامد - معرّف بأل - معرب - منصرف / ظرف للزمان و منصوب
(۴) اسم - جمع مكسّر - مشتق و اسم زمان - معرّف بأل - معرب / فاعل و مرفوع

۱۰. عین العبارة التي نائب فاعلها ضمير مستتر:

- (۱) أصبح ناجحة ما دمت مجتهدة
(۲) علمت بأنه قد أتلف مالي جداً
(۳) الصديق الوفي يعرف عند الشدائد
(۴) على لم يشاهد أخى في المسجد

۱۱- عین المبني للمجهول:

- (۱) نزل الله القرآن على النبي طوال ثلاث و عشرين سنة.
(۲) سأصلي العصر في المسجد القريب من بيتنا.
(۳) متى عرف الإنسان الحياة المادية حوله؟
(۴) تفهم مشكلة الجوع و الفقر في العالم.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۲- عین ما فيه المبني للمجهول أكثر من الباقي:

- (۱) كان لي أخ يحب أن يستشهد في سبيل الله تعالى.
- (۲) كان جدّي قد وُلد في مدينة و لكنه توفّي في مدينة أخرى.
- (۳) الضيوف يكرمون في أسرتنا فتصبح إقامتهم عندنا متواليّة.
- (۴) غرست شجرة تفاح في حديقة قرب دارنا فسوف تورق بعد مدّة.

۱۳- عین الفعل الذي حذف فيه الفاعل:

- (۱) أيمكن لك أن تُغيّر عزمك للذهاب إلى خارج المدينة؟ (۲) هؤلاء يُجالسن من في أموالهنّ حقّ معلوم للسائلين.
 - (۳) الآن أرسل لأسرة فقيرة مقداراً من فواكه بستاني.
 - (۴) لم يؤيّد اختباري حول احتراق الكحول و الملح.
- ۱۴- «إذا يتبع ما أنزل من الوحي إلينا و يعمل به، نهدي إلى الصراط المستقيم!». كم من الأفعال يمكن أن يكون مبنياً للمجهول؟
- (۱) أربعة (۲) ثلاثة (۳) اثنان (۴) واحد

۱۵- عین الموصول منصوباً:

- (۱) يُطلب من كلّ الأفراد ما يقدرّون إجرأه.
- (۲) يُجاهد في سبيل الله من يؤمن بالله و بسبيله.
- (۳) ينتخب المدير من حصل على الدّرجات العلميّة.
- (۴) إن الصّفات الحسنة ما تكسبونها تدريجياً طول حياتكم.

۱۶- عین المبني للمجهول أكثر:

- (۱) المحرومون لا يُرحمون إذا لم يكن بيننا من يُنفقون من أموالهم.
- (۲) علينا أن نحاول حتّى يُبنى هذا البناء الرّفيع لسكونتنا جميعاً.
- (۳) لتُصلح سريرتكم لأنّ حقيقة أعمالكم يُظهرها تحوّل الأيام.
- (۴) قد سلب حقّ المستضعفين و مُنعوا من الاجتهاد و المُثابرة.

۱۷- عین المبني للمجهول:

- (۱) كلّ سنة تُجرى مباراة رياضية في كلّ دول العالم.
- (۲) لم يُنفق الغنيّ أمواله على الفقراء لأنّه يُحبّها كثيراً.
- (۳) كانت ظلمات البحر تُروّع الإنسان في القرون الماضية.
- (۴) نزيّن أنفسنا بأثواب جميلة و زينة الإنسان ليست بظاهره.

۱۸- عین العبارة التي لا يمكن أن تكون أفعالها مبنية للمجهول:

- (۱) إن لا تُقبل صلاة الإنسان رُدّت بقيّة أعماله.
- (۲) إنّ المؤمنين يُصلّون و يُنفقون أموالهم قربة إلى الله.
- (۳) قيل إنّ سوالات الامتحان كانت سهلة جداً.
- (۴) نقلت أخبار عن مسابقات قد أُجريت في مدينتنا.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۹- عین الفعل الذی يمكن أن يُبنى للمجهول:

- (۱) نصح المدير التلاميذ بالاجتهاد.
- (۲) إتمد الشاب على قدراته فنجح.
- (۳) أصبح تلاميذى مستعدين لامتحانات.
- (۴) الإنسان قد يفخر بنفسه كثيراً دون عمل.
- (۱) لقد توفيت جدتي الحنون قبل سنتين.
- (۲) أوفر الآن العنب والتين والرطب للضيوف.
- (۳) اللبن الخالص غذاء يعتبر أفضل المواد الغذائية.
- (۴) هذه فواكه بستان صديقى وقد بيعت بسعر مناسب.

۲۰- عین العبارة التي ليس فيها النائب للفاعل:

- (۱) يكرمونى الناس لأن أصيد لهم
- (۲) تكرمنى أبوك لأن أصيد لهم
- (۳) الصيادون يكرمونى لأن أصيد لهم
- (۴) هم تكرمونى لأن أصيد لهم

۲۱- ما هو المبنى للمعلوم لهذه العبارة: « أكرم لأن أصيد لهم »؟

« كان الكافرون يحسبون أن يتركوا حتى يعملوا السيئات! »

- (۱) يتركهم المؤمنون
- (۲) يتركوا المؤمنون
- (۳) يتركهم الله
- (۴) يتركوا الله

۲۲- عین الخطأ فى المبنى للمعلوم: « قصد أن تختبر معلومات التلاميذ »:

- (۱) قصدت المعلمة أن تختبر معلومات التلاميذ
- (۲) المعلم قصد أن يختبر معلومات التلاميذ
- (۳) قصدت المعلمة أن تختبر معلومات التلاميذ
- (۴) قصد معلمونا أن يختبروا معلومات التلاميذ

۲۳- عین ما ليس فيه المبنى للمجهول:

- (۱) نصرتما ولكن ما شكرتما ربكما
- (۲) من أذب ولده صغيراً سر به كبيراً
- (۳) لم نبعث لجمع المال وإنما بعثنا لإنفاقه
- (۴) يجاهد الطالبون ولا يضيعون عمرهم

۲۴- عین الفعل المبنى للمجهول:

- (۱) أكرم والدي بإطاعتها والاهتمام بأوامرها.
- (۲) أريد ألا تخبر الآخرين بما أنفقته فى سبيل الله.
- (۳) لا يمكن لنا أن نغير يوم إجراء المسرحية.
- (۴) لا تسمح أن يترك احترام الصغار بسبب صغرهم.

۲۵- عین الخطأ فى البناء للمجهول:

- (۱) هذا المركزان لم يؤسس إلا لعلاج المرضى.
- (۲) تستعمل الأمثال السائرة لبيان ما فى سريرة الإنسان.
- (۳) أنتخب هذا الشاب لأنه يعتمد على نفسه وقدراته.
- (۴) هذه الأيام يُسمع خبر نجاح شبابنا فى المجالات العلمية.

۲۶- عین نائب الفاعل:

- (۱) أكرم ذو النعمة لأنه كان يُنفق نعمه على المساكين.
- (۲) أزين حديقتى الصغيرة بالأزهار الحمراء الجميلة.
- (۳) يُنفق ذو السعة كل ما يكون عنده من سعته.
- (۴) تعلمنى الحياة أن لا أعتد إلا على نفسى فقط.

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۸- عین نوع النائب للفاعل: «الإمام يريد من الناس أن يكتب على جدار المسجد هذا الحديث حتى يتعلموه جميعاً و يعلموه»

(۱) اسم ظاهر (۲) ضمير بارز (۳) ضمير مستتر (۴) ۱ و ۲ و ۳

۲۹- عین الفعل الذى يمكن له البناء للمجهول:

(۱) أشرفت على شبه الجزيرة أشعة شمس جديدة (۲) يصبح الحسين معلماً فى مدرستنا قريباً (۳) الآن انكسر ظهري و انقطع رجائي (۴) ما عرفه الفقراء و المساكين إلا بعد وفاته

۳۰- عین الخطأ فى بناء المجهول:

(۱) أن الأرض يرثها عبادى الصالحون ← أن الأرض تورث (۲) كيف يبلغهم هذا الخبر ← كيف يبلغون هذا الخبر (۳) إن أطعت الواشى ضيعت الصديق ← إن أطعت الواشى ضيع الصديق (۴) الكفار لم يستغفروا الله للأعمال السيئة ← لم يستغفر الله للأعمال السيئة

۳۱- عین الصحيح فى المبنى للمجهول:

(۱) تختبر أُمى ميزان جدى فى الدروس. ← تختبر ميزان جدى فى الدروس. (۲) ملأ عملك قلبى بمحبتك. ← ملئ قلبى بمحبتك. (۳) طرقت الضيف باب دارنا. ← يطرق باب دارنا. (۴) تؤيد كلام الحق فقط. ← تؤيد كلام الحق فقط.

۳۲- عین الخطأ فى المبنى للمجهول:

(۱) يحب أبوك ابنتك الصغيرة. ← أحب ابنتك الصغيرة. (۲) ترسل صديقتى رسائل كثيرة إلى. ← ترسل رسائل كثيرة إلى. (۳) يشتري الأب منضدة جميلة للبيت. ← تشتري منضدة جميلة للبيت. (۴) أسس الخيرون مدارس فى المناطق المحرومة. ← أسست مدارس فى المناطق المحرومة.

۳۳- عین الخطأ فى البناء للمجهول:

(۱) ضيعت ساعات الحياة، فكر بدقة! ← ضيع ساعات الحياة، فكر بدقة! (۲) اتبعت البنات الطريقة الصحيحة للحياة. ← أتبعت الطريقة الصحيحة للحياة. (۳) تسمع الأم أصوات الأطفال من الشارع. ← تسمع أصوات الأطفال من الشارع. (۴) أنصره فى أداء الواجبات حتى ينجح. ← ينصر فى أداء الواجبات حتى ينجح.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۳۴- عین الخطأ في المبنى للمجهول:

- ۱) لا يتركك الوالدان عند الشّدائد في حياتك أبداً. ← لا تُترك عند الشّدائد في حياتك أبداً.
- ۲) نادتنى صديقتى لمُساعدتها في الواجبات الدراسيّة. ← أنادى لمُساعدتها في الواجبات الدراسيّة.
- ۳) انتخبهم المعلم لهداية سائر أصدقائهم في الدّروس. ← أنتخبوا لهداية سائر أصدقائهم في الدّروس.
- ۴) يرفع الله المؤمنات درجات في الدّنيا والآخرة. ← تُرفع المؤمنات درجات في الدّنيا والآخرة.

۳۵- عین الصحيح في البناء للمجهول:

- ۱) المعلم حبيبنا نريدُ تعليمه في جميع الاحوال ← المعلم حبيبنا يراد تعليمه في جميع الأحوال
- ۲) و الله يغفر لكم ذنوبكم جميعاً ← و الله تُغفر لكم ذنوبكم جميعاً
- ۳) أنفقنا أموالاً كثيرةً في سبيل الله ← أنفقَ أموالاً كثيرةً في سبيل الله
- ۴) جعلَ صديقي مسؤوليّة هذا الأمر على ظهري ← جعلَ الأمرُ مسؤوليته على ظهري

۳۶- عین الصحيح في المبنى للمجهول: « و ما تجمَعوا اليومَ تجِدوا ثمرته غداً »

- ۱) و ما يجمَعون اليومَ يوجِدُ ثمرته غداً
- ۲) و ما يجمَعُ اليومَ تُوجِدُ ثمرته غداً
- ۳) و ما يجمَعُ اليومَ تُوجِدُ ثمرته غداً
- ۴) و ما تُجمَعُ اليومَ يوجدِ الثمرة غداً

۳۷- عین الخطأ في المبنى للمجهول:

- ۱) نظّفتُ الدّار بالماء الجارى. ← نظّفتُ الدّار بالماء الجارى.
- ۲) أحصى المعلم الحاضرين في الصّف. ← أحصى الحاضرين في الصّف.
- ۳) ينهى المعلم جميع التلاميذ من الخمول. ← يُنهي جميع التلاميذ من الخمول.
- ۴) يُبدى أحد التلاميذ فكرة المخالفين في الجلسة. ← تُبدى فكرة المخالفين في الجلسة.

۳۸- عین الصحيح في البناء للمجهول:

- ۱) تحمّلنا المصاعب حتّى وصلنا إلى أهدافنا. ← تُحمّلنا المصاعبُ حتّى وصلنا إلى أهدافنا.
- ۲) تحترم المؤمنة الوالدين من أجل أتعابهما. ← يُحترم الوالدان من أجل أتعابهما.
- ۳) المطرُ نعمة الله نرجو نزوله كثيراً. ← المطرُ نعمة الله نرجى نزوله كثيراً.
- ۴) تنصح الأم بنتها إلى ما فيه خيرها. ← نُصحت بنتها إلى ما فيه خيرها.

۳۹- عین غير المناسب للفراغ: « صاحبی الحاجة إيماناً بالله. »

- ۱) ساعدوا
- ۲) نساعد
- ۳) ساعدى
- ۴) يساعدون

۴۰- عین المناسب للفراغ: « إنّ الرّسل لهداية النّاس »

- ۱) يبعثهم الله
- ۲) قد بعثوا
- ۳) يبعثُ
- ۴) بعثوهم الله

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

جمله اسميه:

ساختار اصلی: مبتدا + خبر (مبتدا و خبر هر دو مرفوع هستند!)

مبتدا همواره مفرد است (یعنی جمله یا شبه جمله نیست و فقط یک اسم است!) ولی خبر به سه صورت بکار می رود که عبارتند از:

﴿ ۱ ﴾ مفرد: هُوَلاء التّلاميدُ نَشيطونَ (هُوَلاء: مبتدا - التّلاميدُ: تابع - نَشيطونَ: خبر مفرد)

﴿ ۲ ﴾ جمله فعلية: الاسلامُ يَعدُّ العلماءَ مِنَ المَجاهدينَ في سَبيلِ اللّهِ (خبر فعلية)

﴿ ۳ ﴾ شبه جمله (جار و مجرور یا ظرف) : هذا الكتابُ لِي (جار و مجرور) يَدُ اللّهِ فَوْقَ أَيديهِم (شبه جمله)

نکته ۱: اگر هم اسم داشتیم و هم شبه جمله، آن اسم، خبر مفرد است.

مثال: البلاء للمؤمنين إمتحان : در این جمله خبر إمتحان است نه للمؤمنين !

نکته ۲: ممکن است چندین شبه جمله در یک جمله بیاید که با توجه به معنا باید تشخیص داد کدام یک خبر است.

مثال: العلماء في الارض كالنجوم في السماء : دانشمندان در زمین مانند ستارگان هستند در آسمان.

در این مثال با توجه به معنا كالنجوم خبر می باشد.

نکته ۳: خبر اگر مشتق باشد از نظر جنس و تعداد با مبتدا مطابقت دارد؛ ولی اگر جامد باشد نیازی به مطابقت نیست.

مثال ۱: حقوقنا مُغتَصَبَةٌ ← (حقوق , جمع غیر عاقل است و در حکم مفرد مؤنث)

مثال ۲: الحياءُ زينةٌ لِكُلِّ إنسان ← (الحياء , مذکر است ولی چون زینة جامد است نیازی به مطابقت نیست!)

نکته ۴: در جملاتی مانند « علیُّ هو العالمُ », خبر از نوع مفرد است و ضمیر، تاثیری در نوع خبر ندارد. به چنین ضمیر منفصلی که از

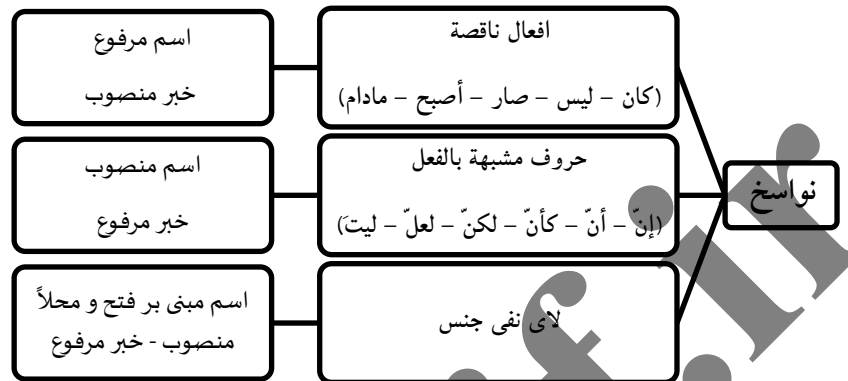
نظر جنس و تعداد مطابق مبتدا است ضمیر فصل گویند که نقشی در جمله ندارد.

مثال: المؤمنات هنّ اللّاتی یعلّمن أولادهنّ حبّ الشّهادة : در این جمله خبر اللّاتی می باشد.

دقت: ضمیر فصل بین مبتدا و خبر معرفه قرار می گیرد.

نکته ۵: خبر در صورتی که شبه جمله باشد می تواند قبل از مبتدا بیاید .

مثال: هناک أَسرار کثیرة : هناک ظرف مکان است و خبر شبه جمله محسوب می شود و أَسرار, مبتدای مؤخّر است.



نکات:

(۱) در افعال ناقصه نیز مانند افعال معمولی، مطابقت بین فعل و اسم آن باید رعایت شود و با اسم آن مانند فاعل رفتار می‌شود.

یعنی اسم آنها نیز مانند فاعل قبل فعل نمی‌آید و به صورتهای ضمیر مستتر، بارز یا اسم ظاهر به کار می‌رود.

مثال ۱: أبو الفضل كان أبا الحسين : در این مثال اسم کان، هو مستتر است که به أبو الفضل برمی‌گردد و خبر آن آخا می‌باشد.

مثال ۲: مادام التلاميذ متكاسلين ليسوا ناجحين : التلاميذ اسم مادام و خبر آن متكاسلين و اسم ليس ضمير بارز واو و خبر آن ناجحين

(۲) در تحلیل فعلهای ناقصه باید دقت داشت که معلوم مجهول و لازم متعدی برای این فعلها مطرح نیست.

(۳) اسم حروف مشبهة اگر ضمير باشد، حتماً ضمير متصل منصوبی است. ← **إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كِيداً كَأَنَّهُ أَخْوَك**

(۴) اسم لاء نفي جنس همواره نكرة است.

(۵) اسم لاء نفي جنس هیچگاه ال و تنوين نمی‌گیرد.

(۶) خبر لای نفي جنس هیچگاه بر اسم آن مقدم نمی‌شود. (ولی این مورد در بقیه نواسخ امکانپذیر است!)

(۷) لای نفي جنس اگر با إلاً همراه شود، خبر آن می‌تواند حذف شود. ← **لا سيف إلا ذو الفقار**

روش ترجمه نواسخ:

(* إن در متنهای ادبی، به معنای « همانا - برآستی، ... » می‌باشد ولی در متون امروزی، می‌تواند ترجمه نشود!

مثال: إن نیوتون قد اکتشف قانون الجاذبیة : (همانا) نیوتون قانون جاذبه را کشف کرده است.

(* إن هیچگاه در وسط جمله بکار نمی‌رود و بجای آن از أن به معنای « که - اینکه » استفاده می‌شود.

مثال: قد أثبتَ الماضي أن المسلمین قادرون على التقدّم (إن : نادرست!)

(* در ترجمه إنما از کلماتی همچون « تنها - بی شک - فقط » استفاده می‌شود!

مثال: إنما العزّة لله جميعاً : بی شک، عزت از آن خداست. (یا) عزت تنها از آن خداست.

(* خبر لیت و لعل اگر فعل مضارع باشد، معمولاً به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود و در غیر این صورت ماضی هستند.

مثال ۱: لعل السرور یدوم فی حیاتنا : شاید، شادمانی در زندگی ما ادامه یابد. (مضارع التزامی)

مثال ۲: لیت الطلبة نشیطون : ای کاش دانش‌آموزان با نشاط بودند. (ماضی)

(* در ترجمه، به تفاوت كان و أصبح دقت شود.

مثال: می‌خواهم دانش آموز موفق باشم: أريد أن أكون تلميذاً ناجحاً

مثال: می‌خواهم دانش آموز موفق بشوم: أريد أن أصبح تلميذاً ناجحاً

۱. عین العبارة التي لا يكون خبرها مفرداً:

(۱) إن الله على كل شيء قدير (۲) لكن فرعونَ علا في الارض (۳) ليت كلامنا ما قلّ و دلّ (۴) كأن إرضاء الناس غاية لا تُدرک

۲. مَبْرُور العبارة الصّحيحة:

(۱) لعل هذه الطالبة تنجح (۲) إنکم تكونون شهداء عليهم (۳) ليس الاعداء منصورون (۴) كان ملاسيه بسيطةً و لكنها نظيفةً

۳. عین الخطأ حسب قواعد الخبر و المبتدا:

(۱) لقد كانت لنا أسوة حسنة في أهل بيت النبوة (۲) ليست هناك تلميذات كثيرات

(۳) و اعلموا أن لكلّ المأمومين إماماً يقتدون به (۴) لا في الدار رجل إلا يوسف

۴. ما هو المناسب للفراغين في العبارة التالية: « أكرمُ _____ العلم إن كان _____ أخلاقٍ رضيّةٍ » ؟

(۱) صاحب / صاحب (۲) صاحب / صاحب (۳) صاحب / صاحب (۴) صاحب / صاحب

(سراسری - انسانی ۹۱)

■ عَيْنُ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأُجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱- «لنحارب الأفكار السيئة والمزعجة دائماً حتى تبسم لنا الحياة!»:

(۱) باید با افکار بد و ناراحت کننده پیوسته بجنگیم تا زندگی به ما لبخند بزند!

(۲) همیشه افکار منفی و نومید کننده با ما می‌جنگند تا نتوانیم به زندگی بخندیم!

(۳) برای جنگیدن دائمی با افکار منفی و نومید کننده می‌کوشیم و زندگی به ما لبخند می‌زند!

(۴) برای اینکه زندگی به ما لبخند بزند باید دائم افکار منفی و ناراحت کننده را از خود دور کنیم!

۲- «الصورة الحسنه لا دوام لها، فكن ذا سيرة حسنة ليدركك الناس بالخير في المستقبل!»:

(۱) روی زیبا بادوام نیست، پس سیرت نیک داشته باش، تا بعدها مردم از تو به خوبی یاد کنند!

(۲) صورت زیبا هیچ دوامی ندارد، پس نیکو سیرت باش تا در آینده مردم تو را به نیکی یاد کنند!

(۳) روی خوب دوام اندکی دارد، پس سیرت را نیک بدار که مردم در آینده از تو به خوبی یاد خواهند کرد!

(۴) برای چهره زیبا ثباتی نیست، پس خوش اخلاق باش، که مردم پس از این، تو را به نیکی یاد خواهند کرد!

۳- «على البخيل أن لا يشتكى حياته المحقرة لأنه قد انتخبها بنفسه!»:

(۱) کسی که بخیل است زندگی محقر را خود پذیرفته، پس نباید از آن شکایتی کند!

(۲) بر بخیل واجب است که زندگی فقیرانه‌ای که خود انتخاب کرده بپذیرد و شکایتی نکند!

(۳) انسان بخیل نباید از زندگی حقیرانه خود شکایت کند، زیرا خود آن را انتخاب کرده است!

(۴) انسان بخیل لازم نیست از زندگیش که محقر است شکایت کند، زیرا انتخاب خود اوست!

۴- «وجدت طريق علاجى فى مقالات المجلات الطبيّة التي قد كتبت عن عوامل تسكن آلام المفاصل!»: راه درمان را در

(۱) مقاله‌های پزشکی پیدا کردم که در مجله‌ها نوشته شده است، راجع به عواملی که دردهای مفاصل را کم می‌کند!

(۲) مقالات مجلات پزشکی پیدا کردم که درباره عواملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند نوشته شده است!

(۳) مقاله‌هایی که درباره عوامل کاهش دهنده دردهای مفاصل، در مجلات پزشکی نوشته می‌شود، پیدا کردم!

(۴) مقالات پزشکی مجله‌ها پیدا کردم، آن‌جا که درباره عوامل آرام کننده‌ی دردهای مفاصل نوشته شده است!

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۵- عین الخطأ:

- ۱) لا يستطيع الباطل أن يصرح الحقّ في الميدان أبداً: باطل هرگز نتوانسته است که با حق در میدان درگیر شود،
- ۲) لأنّ الحقّ موجود و الباطل زهوق إن شاء الله: زیرا حق موجود است و باطل نابودشدنی است اگر خدا بخواهد،
- ۳) لا يستطيع الفرد الواحد في العصر الواحد أن يهدم بناء الباطل: یک فرد واحد در یک زمان واحد نمی‌تواند بنای باطل را ویران کند،

۴) وهدمه إنّما يحصل بواسطة أفراد متعدّدين و في عصور متعدّدة! و ویران کردن آن فقط توسط افرادی متعدد و در زمان‌هایی متعدد رخ می‌دهد!

۶- «بد اصل گدا، چو خواجه گردد نه نکوست مغرور شود، نداند از دشمن دوست!». عین المناسب للمفهوم:

- ۱) كل إناء يترشح بما فيه! لا يصير العدوّ صديقاً بالتعطف!
- ۲) طار الوشاة على صفاء واداهم! من قصد البحر استقل السواقيا!

۷- «او تاکنون دوازده کتاب چاپ کرده است، کتاب پنجم او را در کتابخانه دیدم و برای مدت هفت روز به امانت گرفتم!».

- ۱) كانت طُبعت اثنتا عشرة كتب منه حتى الآن، شاهدت الكتاب الخامس منه في المكتبة و استعرتها لمدة سبع أيام!
- ۲) كان قد طبع اثنا عشر كتاباً حتى الآن، أشاهد خمسة كتب منه في المكتبة و استعرتها لمدة اليوم السابع!
- ۳) إنّها طبعت اثنتي عشرة كتاب حتى الآن، رأيت الكتاب الخامس في المكتبة و استعرتها لمدة سبعة أياماً!
- ۴) إنّّه قد طبع اثني عشر كتاباً حتى الآن، شاهدت كتابه الخامس في المكتبة و استعرتها لمدة سبعة أيام!

۸- عین الخطأ:

۱) بعد از مسافرتِ مادر بزرگم وقتی جای او را خالی دیدم به سختی گریستم! بعد سفره جدّتی لمّا رأیت مکانها فارغاً بکیت بشده!

۲) من عمیقاً تحت تاثیر آیات قرآن کریم قرار گرفتم و روش زندگی‌ام را تغییر دادم! ایّی قد تأثرت بآیات القرآن الکریم عمیقاً و غيّرت أسلوب حیاتی!

۳) مدرسه ما مملو از نمونه‌های والایی از دانش آموزانی است که بسیار تلاش نموده‌اند! إنّ مدرستنا مملوءة بنماذج مثالیّة من التلميذات اللّاتی قد اجتهدن كثيراً!

۴) بهترین دروس آن است که آن‌ها را بخاطر تقرب به خداوند متعال می‌آموزیم نه برای بالا رفتن رتبه! خیر الدروس هی اللّاتی کنا نتعلّمها قرّبه إلى الله تعالی لا لرفع الدرجة!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۹- میّز نوع الخبر فی العبارة التالية: « خیر النَّاسِ مَنْ یأخذُ بِیدکَ فی المشکلاتِ »

(۱) جملة اسمية (۲) جملة فعلية (۳) مفرد (۴) شبه جملة

۱۰- میّز نوع الخبر للفعل الناقص: « كانت ذمّته التي جرّت علی وجهه مُنبهَةً لأبنائه المجاهدين »

(۱) جملة اسمية (۲) جملة فعلية (۳) مفرد (۴) شبه جملة

۱۱- میّز الخبر فی الآیة الکریمة: « و عباد الرَّحمان الَّذینَ یَمْشونَ علی الارضِ هوناً »

(۱) الرَّحمان (۲) الَّذینَ (۳) یَمْشونَ (۴) علی الارضِ

۱۲- میّز نوع الخبر فی العبارة التالية: « المؤمن ما وصفَ عیوب النَّاسِ أمامَ الآخِرینَ »

(۱) مفرد (۲) فعلية (۳) اسمية (۴) شبه جملة

۱۳- ما هو الصّحیح عن کلمات العبارة التالية: « هؤلاء المُقاتِلون ثابتون کما تثبتُ الاصابعُ فی الیدِ » ؟

(۱) هؤلاء : مبتداً و محلاً مرفوع

(۲) المُقاتِلون : خبر و مرفوع

(۳) ثابتون : نعت و مرفوع

(۴) الید : مضاف إليه و مجرور

۱۴- میّز الخطأ حسب قواعد المبتدا و الخبر:

(۱) اولئك طالباتُ أقمن الصلاة

(۲) البئرُ ماءُها صافٍ جداً

(۳) حقوقُ المحرومين مُغتصبون

(۴) الأمُّ حنانها شديدٌ دائماً

۱۵- صحّح الأخطاء: « علينا تدارک هذا الموضوع قبل فوات الوقت لانّ الحقّ البيئيّ ذو وجهان »

(۱) تدارک، البيئيّ، وجهين

(۲) الموضوع، فوات، وجهين

(۳) تدارک، قبل، ذا

(۴) الموضوع، البيئيّ، ذاتُ

۱۶- عین الضمير مبتداً:

(۱) اولئك علی هدى من ربهم و اولئك هم المفلحون

(۲) الَّذين كانوا من قبلهم كانوا هم أشدّ منهم قوّة

(۳) الَّذين يقيمون الصلاة و يؤتُونَ الزكاة و هم راکعون

(۴) و أعلم أنّ ربکم الرحمان هو العليّ الكبير

۱۷- عین نوع الخبر فی العبارة التالية: « و أعلموا أنّ ما تدعون من دون الله هو الباطل »

(۱) مفرد (۲) جملة اسمية (۳) شبه جملة (۴) جملة فعلية

۱۸- ما هو الخطأ عن کلمات الحديث الشريف: « تعلّموا العلم فإنّ تعلّمه حسنة و طلبه عبادة » ؟

(۱) العلم : مفعول به (۲) تعلّم : فعل و فاعله حسنة (۳) طلب : لفظاً منصوب

(۴) عبادة : خبر و مرفوع

۱۹- عین الصحيح عن إعراب ما أشير إليه بخطّ: « فی تلك القاعة مصباح واحد كبير »

(۱) خبر / نعت (۲) مبتداً مرفوع / خبر مرفوع (۳) مبتداً مؤخر / نعت

(۴) مبتداً / مبتداً

۲۰- میّز الخطأ عن اعراب العبارة التالية: « فتلك أسماء الله الحُسنى »

(۱) تلك : مبتداً , محلاً مرفوعاً (۲) أسماء : خبر , مرفوع

(۳) الله : خبر , مرفوع

(۴) الحُسنى : صفة , تقدیراً مرفوع

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۲۱- میز الخیر فیما یلی: « الثمن الذی ندفعه هو حریتنا »

(۱) الذی (۲) ندفع (۳) هو (۴) حریة

۲۲- ما هو نوع الخبر فی البيت التالی بالترتیب: « و فی کل شیء له آیهٌ تدلُّ علی أنه الواحدُ » ؟

(۱) شبه جملة - مفرد (۲) شبه جملة - شبه جملة (۳) مفرد - جملة اسمیه (۴) مفرد - جملة فعلیه

۲۳- عین تعداد الخبر فی العبارة التالیة: « من قال اننی عالم فهو جاهل »

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۲۴- میز الصحیح للفراغ: « الحیاء »

(۱) شجرة تنبت فی القلوب (۲) ضالة المؤمن (۳) كنز المؤمنون (۴) جمیلة لجميع الناس

۲۵- فی آی عبارة یكون الخبر جملة ؟

(۱) ثورتنا صارت قدوة (۲) هؤلاء معلّمون یصدقون (۳) یا أيها النبیّ إفعل ما تؤمر (۴) کل شیء تُرید جاهز

۲۶- عین الخطأ فیما یلی:

(۱) الحیاء الدتیا لعب و لهو (۲) شعب ایرانیّ لیس ضعیف (۳) هذه الاخبار مهمّة (۴) مدینتنا سراج المدين فی العالم

۲۷- عین عدد الجمل فی العبارة التالیة: « من قال اننی أعلم ما لا تعلمون فهو جاهل »:

(۱) سبعة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) ستة

۲۸- عین الخبر المقدم علی المبتدأ:

(۱) هناك أنا رأیت الصیاد الذی ملئت شبکته بالأسماك.

(۲) عندي حضر الضیوف الذین دعوتهم إلی بيتی قبل أسبوعین.

(۳) لمدرستنا أكثر من اثنی عشر صفًا، و لكنّها صغيرة مع هذا.

(۴) فی السماء هؤلاء الفلكیون شاهدوا عدداً كبيراً من الأجرام السماویة.

۲۹- عین الخطأ فی نوع الخبر:

(۱) خلف بیوتنا جبال عالیة قد ملئت بالثلج: شبه جملة (۲) هی التي اكتسبت مكانة رقیعة فی العلم: مفرد

(۳) هناك إخوان یسبقوننا بالعمل الخیر: مفرد (۴) هذان التلمیذان سلّما علی معلّمهما: جملة

۳۰- میز الخطأ فیما یلی:

(۱) الغیبة حرام (۲) الأمان نعمة (۳) الحیاء جمیلة (۴) الاحتكار رهیلة

۳۱- عین نوع الخبر الذی یختلف عن الباقي:

(۱) كُن صادقاً فی وعدك حتّى یعتمد الناس علیك. (۲) إن یكن لسانك یؤذی الناس یغضب الله.

(۳) كنت أرید أن أبيع كتبی لأحصل علی النقود. (۴) إن كان كل الأغنیاء یساعدون الفقراء لا یبق فقیر.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

فصل هفتم

جمله اسمیه

۳۲- عَيْنَ الْخَبْرِ الَّذِي تَخْتَلِفُ عَلَيْهِ إِعْرَابُهُ عَنِ الْبَاقِي:

- (۱) اولئك أصدقاؤى ينتظروننى هناك.
- (۲) هذه أستاذتى واقفة فى الصّف.
- (۳) هؤلاء إخوانى فى الدّين فأحترّمهم.
- (۴) هناك تلميذات مجتهدات فى المدارس.

۳۳- عَيْنَ الْخَبْرِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ الْبَاقِي:

- (۱) فى الحديقة وُروِدٌ جميلة قد غُرست فى الربيع.
- (۲) الشّكر لخالقنا أقلّ شىء يمكن أن نعمله له.
- (۳) لنا صيوف كثيرون فى بيتنا الأسبوع القادم.
- (۴) كتابى على المنضدة الّتى اشتَرْتها أُمى يوم أمس.

۳۴- عَيْنَ الْخَبْرِ لَيْسَ جُمْلَةً فَعْلِيَّة:

- (۱) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ الطَّمْعَ يَهْلِكُ؟
- (۲) كَأَنى رأيتك فى المكتبة طول اللّيل.
- (۳) أَتَظُنُّ أَنَّ السَّرَّورَ يَبْقَى دَائِمًا؟
- (۴) كَأَنَّ لتهذيب النّفس قدرًا لا تعرفه أنت.

۳۵- عَيْنَ الْخَطَا:

- (۱) قوّة العقل و سلامة البدن تُصلحان أمور حياتنا.
- (۲) العقل الكامل و اللّسان الفصيح، فضيلتان للإنسان.
- (۳) الفتى الذكى العطشانُ فى طلب العلم، ليس له فناء.
- (۴) القراءة و الكتابة، هما مفاتيح اثنان للابتعاد عن النّسيان.

۳۶- عَيْنَ الْخَبْرِ مَفْرَدًا:

- (۱) التّلميد الذى يتعلّب على المصاعب يصبر فى كلّ الأمور.
- (۲) هذه التّلميذة الّتى تخرج من الصّف من نجحت فى المسابقات.
- (۳) فى يوم من الأيام أخذ التّلاميذ نصح صديقه بالدراسة.
- (۴) الرّجل الغنى ردّ السّلام على الرّجل الفقير ببرودة.

۳۷- عَيْنَ مَا فِيهِ الْجُمْلُ أَكْثَرُ مِنْ غَيْرِهِ:

- (۱) المؤمن يشاهد نتيجة عمله حين يشتغل به.
- (۲) كلّ شىء فى الحياة نعمة قد تُرشدنا إلى الصّراط المستقيم.
- (۳) المؤمن ذو وجه ضاحك و إن كانت نفسه باكية.
- (۴) يُحاسب الله الخلق فى ذلك اليوم لَمَّا يرزقهم فى هذا اليوم.

۳۸- عَيْنَ الْعِبَارَةِ الّتى لَيْسَتْ فِيهَا ثَلَاثُ جُمَل:

- (۱) أنت ناجحة مادمت تجتهدين.
- (۲) أصبحت فَرِحًا لَمَّا كُنْتَ ذَاهِبًا.
- (۳) لَعَلَّهُ يَكُونُ قَدْ اشْتَرَى الْكِتَابَ.
- (۴) لَيْتَهُمْ يَكُونُونَ قَدْ عُلِمُوا الْمَوْضُوعَ.

۳۹- عَيْنَ الْمَوْصُولِ مَرْفُوعًا:

- (۱) يهدى الأنبياء من يعصون الله.
- (۲) أبقى أعمالك ما تعمله لله خالصًا.
- (۳) ربّى أعلم منى بما أحتاج إليه.
- (۴) هل يستوى العالم فى عينك مع من هو جاهل؟

۴۰- عَيْنَ الصّحِيحِ فِي نَوْعِ الْخَبْرِ:

- (۱) كان الله بما يعملون محيطًا: جملة فعلية
- (۲) لا جنّة لمن لا يعمل: شبه جملة
- (۳) إنّ تعظيم شعائر الله من تقوى القلوب: مفرد
- (۴) المؤمنون يتعاونون على البرّ و التّقوى: شبه جملة

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱-۹) بما يناسب النَّصَّ:

اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ هِيَ لُغَةٌ تَمَيَّزَتْ بِبَعْضِ الْمِيزَاتِ الْخَاصَّةِ؛ مِنْهَا أَنَّ أَسَالِيْبَ كَلَامِهَا وَصِيَاغَةَ عِبَارَاتِهَا لَمْ تَتَغَيَّرْ بِتَغْيِيرِ السَّنَوَاتِ وَالْقُرُونِ! فَمَا نَقَرْنَا فِي عَصْرِنَا الْحَالِي هُوَ الَّذِي كَانَ يَسْتُخْدَمُ قَبْلَ قُرُونٍ، وَهَذَا الْأَمْرُ قَلَّمَا نَجِدُهُ فِي بَقِيَّةِ اللُّغَاتِ وَالْأَلْسِنِ! وَالسَّبَبُ الْوَحِيدُ لِبُرُوزِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ هُوَ نَزُولُ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ بِهَذِهِ اللُّغَةِ.

فَهَذَا طَبَعًا لَا يَعْنِي أَنَّ الْمَفْرَدَاتِ لَمْ تَتَغَيَّرْ، بَلْ هِيَ تَأْتِي وَتَذْهَبُ وَتَكْبُرُ وَتَمُوتُ وَتُولَدُ وَتُحْيَى؛ أَمَّا بِنَاءُ الْجُمْلَةِ وَكَيْفِيَّةُ صِيَاغَتِهَا فَقَدْ أَصْبَحَ مَصُونًا مِنَ التَّغْيِيرَاتِ. وَهِنَاكَ سَلْبِيَّاتٌ وَإِجَابِيَّاتٌ لِبُرُوزِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ، فَمِنْ جُمْلَةِ سَلْبِيَّاتِهَا عَدَمُ تَأْتُرِهَا فِي صِيَاغَةِ الْجُمْلَةِ بِاللُّغَاتِ الْأُخْرَى وَتَكْيِفِهَا مَعَ الزَّمَانِ، وَ أَمَّا مِنْ مَحْسَنَاتِهَا فَهِيَ حَيَوِيَّتُهَا وَنِظَامُهَا مِنْذُ أَنْ جَاءَتْ؛ فَهِيَ لَمْ تَمُتْ بَلْ تَرَسَّخَتْ وَثَبَّتْ فِي حَافِظَةِ الْمُتَكَلِّمِ بِهَذِهِ اللُّغَةِ.

فَبِنَاءِ عَلَى هَذَا عَلَى مُتَعَلِّمِي النُّصُوصِ الْأَدْبِيَّةِ لِهَذِهِ اللُّغَةِ أَنْ يَهْتَمُّوا بِتَعْمِيقِ مَكْتَسَبَاتِهِمُ اللُّغَوِيَّةِ مِنْ خِلَالِ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ الْأَدْبِيَّةِ التَّرَاتِيْبِيَّةِ!

۱- عَيِّنِ الصَّحِيْحَ:

- (۱) إِذَا عَزَمْنَا أَنْ نَقْرَأَ وَنَدْرِكَ مَا كُتِبَ فِي الْإِنْجِلِيزِيَّةِ قَبْلَ قُرُونٍ لَا نَشْعُرُ بِصُعُوبَةٍ خَاصَّةً!
 - (۲) مَوْضُوعُ تَغْيِيرِ قَوَاعِدِ اللُّغَةِ وَكَيْفِيَّةُ صِيَاغَةِ الْأَسَالِيْبِ أَمْرٌ جَارٍ وَ سَارٍ فِي جَمِيعِ لُغَاتِ الْعَالَمِ!
 - (۳) يُمْكِنُ الْقَارِئُ الْمَعَاوِرُ أَنْ يَدْرِكَ مَا أَلْفٌ قَبْلَ أَلْفِ سَنَةٍ فِي الْعَرَبِيَّةِ مِنْ دُونِ الشُّعُورِ بِمَشْكَلَةٍ خَاصَّةً!
 - (۴) كَمَا أَنَّ الْمَفْرَدَاتِ تَمُوتُ وَتَحْيَى، صِيَاغَةُ الْجُمْلِ أَيْضًا لَمْ تَخْرُجْ فِي جَمِيعِ اللُّغَاتِ عَنِ هَذَا الْقَانُونِ الْعَامِّ!
- ۲- السَّبَبُ الْمَهْمُ فِي عَدَمِ تَغْيِيرِ جُذُورِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ هُوَ

(۱) عَدَمُ تَأْتُرِهَا فِي صِيَاغَةِ الْجُمْلَةِ بِاللُّغَاتِ الْأُخْرَى وَتَكْيِفِهَا مَعَ الزَّمَانِ!

(۲) أَنَّهَا إِذَا كَانَتْ تَتَغَيَّرُ، عِنْدئذٍ مَا كُنَّا قَادِرِينَ عَلَى فَهْمِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

(۳) أَنَّهَا لَا تَتَحَمَّلُ التَّغْيِيرَاتِ الْأَسَاسِيَّةَ؛ فَبُورُودِهَا تَضْمَحَلُّ اللُّغَةَ!

(۴) فَقْدَانُ الْإِمْكَانِيَّاتِ اللَّازِمَةِ فِي اللُّغَةِ لِقَبُولِ هَذِهِ التَّغْيِيرَاتِ!

۳- اَمَلًا الْفَرَاغَ: اللُّغَةُ إِذَا تَغَيَّرَ بِنَاؤُهَا وَصِيَاغَتِهَا فَإِنَّهَا

(۱) تَوْجِبُ إِحْيَاءِ الْمَفْرَدَاتِ الْجَدِيدَةِ وَ مَوْتِ الْمَفْرَدَاتِ الْقَدِيمَةِ!

(۲) بَعْدَ زَمَنِ لَا تَدْرِكُ النُّصُوصُ الَّتِي أَلْفَتْ عَلَى أَسَاسِهَا!

(۳) تُزَلِّمُ قَارِئِهَا بِأَنْ لَا يَهْتَمُّوا بِفَهْمِ الْأَسَالِيْبِ الْقَدِيمَةِ أَدْبًا!

(۴) تَسَبَّبَ أَنْ أَصْحَابَ اللُّغَةِ يَدْرِكُونَ تَرَاثِمَهُمْ وَ ثِقَاتِهِمْ!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۴- ما هو المقصود من «تعميق المكتسبات اللغوية التراثية»؟

- ۱) تکمیل جهود علماء اللغة و مكتسباتهم في المجالات اللغوية!
 - ۲) توسيع دائرة الدراسات اللغوية التي وصلت إلينا من العلماء الماضين!
 - ۳) لزوم الحاجة إلى مراجعة الكتب اللغوية التراثية و فهمها و استخدامها!
 - ۴) اكتساب القدرات اللازمة للاهتمام بفهم المحاولات المبذولة في المجالات التراثية!
- عین الصحيح في التشكيل (۵ و ۶):

۵- «صياغة عباراتهم لم تتغير... فما نقرأ في عصرنا الحالي هو الذي كان يستخدم قبل قرون!»:

- ۱) صياغة - عبارات - تتغير - نقرأ
- ۲) الحالي - كان - يُستخدم - قرون
- ۳) نقرأ - عصر - الحالي - يُستخدم
- ۴) عصرنا - الحالي - يُستخدم - قبل

۶- «هناك سلبيات و إيجابيات لبروز هذه الظاهرة، فمن جملة سلبياتها عدم تأثرها...»:

- ۱) إيجابيات - الظاهرة - جملة - عدم
- ۲) هناك - سلبيات - بروز - جملة
- ۳) سلبيات - فمن - جملة - تأثر
- ۴) بروز - الظاهرة - فمن - سلبياتها

■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (۷-۹):

۷- «تتميز»:

- ۱) معتل و أجوف و مضاعف - متعدّد - معرب / فاعله الضمير المستتر و حال و منصوب محلاً و ذوالحال «لغة»
- ۲) مزيد ثلاثي من باب تفعّل - معتل و أجوف / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر، و الجملة فعلية و نعت و مرفوع محلاً
- ۳) فعل مضارع - للمخاطب - معتل و أجوف و مضاعف - لازم / فاعله الضمير المستتر، و الجملة نعت للمنعوت «لغة»
- ۴) للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - لازم - مبني للمعلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية و خبر و مرفوع محلاً

۸- «نجد»:

- ۱) مضارع - معتل و أجوف - لازم - مبني / فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و نعت و مرفوع محلاً بالتبعية
- ۲) فعل مضارع - للمتكلم مع الغير - لازم - معرب / فعل مرفوع، و فاعله ضمير «نحن» المستتر و الجملة فعلية و خبر
- ۳) مجرد ثلاثي - معتل و مثال - متعدّد - مبني للمعلوم / نائب فاعله الضمير المستتر، و الجملة فعلية و خبر و مرفوع محلاً
- ۴) للمتكلم مع الغير - مجرد ثلاثي - معتل و مثال - متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع و فاعله «نحن» المستتر

۹- «متعلّمی»:

- ۱) مشتق و اسم فاعل (مصدره تعلّم) - معرّف بالإضافة - معرب / مجرور بحرف الجرّ و علامة جرّه الياء
- ۲) اسم فاعل (من باب تفعيل) - نكرة - معرب - صحيح الآخر / مجرور بالياء، على متعلّمی: جار و مجرور
- ۳) جمع مذكر سالم - معرّف بالإضافة - معرب - منقوص - منصرف / مجرور بعلامة الياء الفرعية و قد حذف تونه بالإضافة
- ۴) اسم - جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم فاعل (مصدره: تعليم) - صحيح الآخر / مجرور بحرف الجرّ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۱۰- الصحيح للفراغات هو: « قال في نفسه: أصبحت الآن _____ و ليس للفرار _____ مادام _____ هنا »

(۱) وحيداً , مجالاً , الدبُّ (۲) وحيداً , مجالاً , الدبُّ (۳) وحيداً , مجالاً , الدبُّ (۴) وحيداً , مجالاً , الدبُّ

۱۱- ما هو الصحيح عن كلمات العبارة التالية: « أقلُّ الناس مروءةً من كان كاذباً »؟ (مروءة : جوانمردی)

(۱) النَّاسُ : خبر و مرفوع (۲) مَنْ : مبتدا و محلاً مرفوع

(۳) كَانَ كاذباً: خبر و محلاً مرفوع (۴) كاذباً : خبر كان و منصوب

۱۲- ميّز الجملة الصحيحة:

(۱) الحقيقة ما زالت مخفياً عن العيون (۲) إنكم لستم طامعون بالدنيا

(۳) كونوا داعين إلى البرِّ بأعمالكم (۴) إنهم متفرقون مادام بعيدون عن الاسلام

۱۳- كيف تكون الجملة التالية مع « كأن »: « الحمامتان الصغيرتان نائمتان »؟ (الحمامة : كيوتر)

(۱) كأنَّ الحمامتان الصغيرتان نائمتين (۲) كأنَّ الحمامتين الصغيرتين نائمتان

(۳) كأنَّ الحمامتين الصغيرتين نائمتان (۴) كأنَّ الحمامتان الصغيرتين نائمتين

۱۴- عيّن اسم الأفعال الناقصة في العبارة التالية: « عدوُّ الله كان قلبه بين أصابع الشيطان » (أصابع : انگشتان)

(۱) هو المستتر (۲) ضمير ه (۳) بين (۴) قلب

۱۵- عيّن الخطأ في الأفعال الناقصة:

(۱) اللائق ليس من كانت له أموال كثيرة. (۲) المؤمنات صابرات ما من متمسكات بحبل الله.

(۳) كان اولئك الطلاب يطالعون الصحيفة كل يوم. (۴) أصبحا المسلمان متقدمين في اكتساب الدرجات الرفيعة.

۱۶- كيف تكون الجملة التالية مع « أصبح »: « نحن أختان حقاً »؟

(۱) أصبحَ نحنُ أختينِ حقاً (۲) أصبحنا أختينِ حقاً (۳) أصبحتما أختينِ حقاً (۴) أصبحنا أختانِ حقاً

۱۷- كيف تكون الجملة التالية مع « لا النافية للجنس »: « الملك ليس له صديق »؟

(۱) لا صديقٌ للملك (۲) لا صديقاً للملك (۳) لا الصديق للملك (۴) لا صديق للملك

۱۸- ميّز إعراب كلمة « أعمى » في العبارة التالية: « لى عينٌ ثالثة في قلبى بدونها أكون أعمى »

(۱) تقديراً مرفوع (۲) لفظاً منصوب (۳) تقديراً منصوب (۴) نيباً مرفوع

۱۹- ما هو المناسب للفراغ في العبارة التالية: « نحن نشكرُ أعمالَ الخير _____ »؟

(۱) و لو كان قليلاً (۲) و لو كانت قليلةً (۳) و لو كان قليلاً (۴) و لو كانت قليلةً

۲۰- ما هو الصحيح عن الجملة التالية « للمخاطبات »: « كُنْ مُعِيناً لأختك المسلمة »؟

(۱) كُنْتينَّ معيناتٍ لأختك المسلمة (۲) كُنَّ معيناتٍ لأختك المسلمة

(۳) كُنْ أتنَّ معيناتٍ لأختك المسلمة (۴) كُنَّ معيناتاً لأخواتك المسلمات

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۱- ما هو المناسب للفراغ حتى لا يكون الخیر جملة: « في الدار أطمعت قطة صغيرة » ؟

(۱) إمراة (۲) أنا (۳) كنتُ (۴) هذه البنت

۲۲- ما هو الصحيح للفراغين في العبارة التالية: « صارت هؤلاء _____ , _____ في دروسهن » ؟

(۱) التلاميذُ / ناجحين (۲) التلميذاتُ / ناجحات (۳) التلميذتانُ / ناجحتين (۴) التلميذاتُ / ناجحات

۲۳- عین عدد الأخطاء في العبارة التالية: « يا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّ دَقَّاتَ قَلْبِكَ تَقُولُ : تكون الحياةُ دقائقَ و ثوانٍ »

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) إثنان

۲۴- عین الصحيح:

(۱) للكذبُ في العاجلة عارٌ (۲) إنما الحزمُ طاعةُ الله (۳) أنا كنتُ أولُ المسلمين (۴) إنَّ البلاءَ للفجَّارِ جاهزةٌ

۲۵- عین الجملة التي لا يكون اسم الأفعال الناقصة فيها ضميراً مستتراً:

(۱) فقانونُ الجاذبيةِ كأنه كانَ معروفاً عند هؤلاء العلماء (۲) هلكَ مَنْ ليس له حكيمٌ يرشده

(۳) إنَّ ثورتنا صارت مصباحِ نِجاةٍ للمستضعفين في العالم (۴) إعلَمِي أن بنتكِ ناجحةٌ مادامت ساعية

۲۶- ما هو المناسب للفراغين في الآية الشريفة: « ان موعدهم ... أليس ... بقريب » ؟

(۱) الصبحُ - الصبحُ (۲) الصبحُ - الصبحُ (۳) الصبحُ - الصبحُ (۴) الصبحُ - الصبحُ

۲۷- ما هو المناسب للفراغين في العبارة التالية: « كُنْ لِلظَّالِمِ ... و لِلْمَظْلُومِ ... » ؟

(۱) خصمٌ - عونٌ (۲) خصماً - عونٌ (۳) خصمٌ - عوناً (۴) خصماً - عوناً

۲۸- كم خطأً يوجد في هذه العبارة: « المسلمون متفرقون مادام بعيدون عن الاسلام » ؟

(۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) اربعة

۲۹- ميّز نوع الاسم للفعل الناقص و إعرابه في الآية الشريفة: « لئن لم يهدني ربِّي لأكوننَّ من القوم الظالمين »

(۱) اسم ظاهر , تقديرى (۲) ضمير بارز , محلى (۳) ضمير مستتر , محلى (۴) اسم ظاهر , فرعى

۳۰- عین الصحيح:

(۱) لا جمال أكثر من جمال العلم و الأدب. (۲) مكانة العامل في المجتمع لا مكانة أرفع منها.

(۳) لا عندنا شيء يُغنيننا من الجوع. (۴) عندما رأيت لا الفاكهة في البستان تعجبت كثيراً.

۳۱- عین الخطأ:

(۱) إنما من يتقى الله البطلُ. (۲) إن من يتقى الله هو البطلُ. (۳) إن يتقى الله البطلُ. (۴) إنما يتقى الله البطلُ.

۳۲- «..... في المباراة». عین الخطأ للفراغ:

(۱) كنتم فائزين (۲) أصبحتم فائزين (۳) إنكن فائزات (۴) أنتن فائزات

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۳۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي «لَا» النَّافِيَةِ لِلْجِنْسِ:

- (۱) لَا ذُو مَالٍ أَفْضَلُ مِنْ ذِي عَقْلِ،
(۲) وَلَا الْعِلْمُ كَالْتَفَكْرِ،
(۳) وَلَا وَحْدَةٌ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ،
(۴) وَلَا مِفْتَاحُ السَّعَادَةِ كَحُسْنِ الْخُلُقِ.

۳۴- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ نَوْعِ «لَا»:

- (۱) لَا فَائِزَةٌ فِي الْمَسَابِقَاتِ الْعِلْمِيَّةِ هَذَا الْعَامِ: نَافِيَةٌ لِلْجِنْسِ
(۲) لَا تَحَاوِلْ إِلَّا لِاِكْتِسَابِ الْمَجْدِ وَ التَّقَدُّمِ: نَافِيَةٌ
(۳) لَا تَنْجِحِينَ فِي الدَّرُوسِ مَا دُمْتَ لَا تَجْتَهِدِينَ: نَافِيَةٌ
(۴) لَا أُقِيمُ الصَّلَاةَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ: نَافِيَةٌ

۳۵- عَيْنِ الْخَطَا حَوْلَ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ:

- (۱) إِنْ أَصْدِقَاءُنَا كَانُوا دَوَّابِينَ فِي أَعْمَالِهِمُ الدِّرَاسِيَّةِ.
(۲) الطَّالِبَاتُ كُلُّهُنَّ نَاجِحَاتٌ مَا دَامَتْ مَجْتَهِدَاتٌ.
(۳) صَارَ الْجَوُّ بَارِدًا وَ هُوَ لَيْسَ مَنَاسِبًا لِلخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ.
(۴) الْمُؤْمِنُونَ أَصْبَحُوا مُتَّصِرِينَ لِأَنَّهُمْ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ.

۳۶- عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) إِنْ الْمَعْلَمَاتُ تَبَدَّلْنَ بِالذَّرْسِ وَ تَسْأَلِ التَّلْمِيزَاتِ.
(۲) كَأَنَّكَ مُتَرَدِّدٌ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِكَ.
(۳) لَيْتَنِي قَادِرَةٌ عَلَى مَسَاعِدَةِ مَظْلُومِي الْعَالَمِ.
(۴) شَاهَدْتَ أَنَّكُمْ مَشْغُولُونَ بِمَطَالَعَةِ دُرُوسِكُمْ.

۳۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) حَيَاةُ الْعُلَمَاءِ كَانَتْ مَصْبَاحَ هِدَايَةِ الْمُسْلِمِينَ.
(۲) عَلَيْكَ أَنْ لَا تَكُونَ جَاهِلًا فِي أُمُورِكَ.
(۳) إِنْ الطَّلَابَ كَانَ قَدْ خَرَجُوا مِنْ صَفُوفِهِمْ.
(۴) أَيُّهَا النَّسَابُ! أَنْتُمْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فِي كَلَامِكُمْ.

۳۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) لَا كَبِيرَ إِلَّا وَرَاءَهُ نِدَامَةٌ.
(۲) لَا فِي هَذَا الْإِمْتِحَانِ سَوْأَلٌ صَعَبٌ.
(۳) لَا الْمَصِيبَةَ إِلَّا وَرَاءَهُ فَرَجٌ.
(۴) لَا عَهْدًا لِمَنْ لَا دِينَ لَهُ.

۳۹- عَيْنِ «لَا» غَيْرِ عَامِلَةٍ:

- (۱) إِعْلَمِ أَنَّكَ لَا تَحْصِلُ عَلَى النَّجَاحِ دُونَ اجْتِهَادِكَ.
(۲) لَا شَكَّ فِي أَنَّ هَوَاءَ الْبَحْرِ هَذِهِ الْأَيَّامِ هَائِجٌ بِشَدَّةٍ.
(۳) لَا تَعِشْ فِي حَيَاتِكَ كَالَّذِي يَأْمُرُ النَّاسَ بِالْبِخْلِ.
(۴) ذَهَبْنَا إِلَى شَارِعٍ لَا حَانُوتَ فِيهِ فَلِذَلِكَ لَمْ نَشْتَرِ شَيْئًا.

۴۰- عَيْنِ الْخَبَرِ لَيْسَ مُقَدَّمًا:

- (۱) لَمْ يَكُنْ فِي غُرْفَتِي مَكَانٌ خَالٍ لِأَجْلِسَ فِيهِ.
(۲) لَيْسَ فِي أَسْرَتِنَا الْكَبِيرَةِ مَنْ لَا يُحَاسِبُ أَعْمَالَهُ.
(۳) سَتُصْبِحِينَ بَيْنَ طَالِبَاتِ الصَّفِّ تَلْمِيزَةٌ مِثَالِيَّةٍ.
(۴) تَنَاوَلَ الضَّيْفُ مِنْ طَعَامٍ كَانَتْ فِيهِ أَمْلَاحٌ مَفِيدَةٌ.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

۴۱- عین «لا» النافية للجنس:

(۲) لا أعلم أن أخی هل نَجَحَ في الامتحان أم لا؟!

(۱) ألا كلُّ شيءٍ غير الله باطل!

(۴) لا عجب أنك نجحت، لأنك درستَ جيِّداً!

(۳) هو و أسرته فقراء لا أغنياء!

۴۲- عین الخطأ:

(۲) نحن فائزون ماؤمنا آمرین بالمعروف و ناهین عن المنکر.

(۱) إنَّ هاتین الشجرتین مثمرتان ماداما يُسْقیان.

(۴) استقبلت المديرة التلميذات بحفاوة فأصبحن مسرورات.

(۳) الأمهات كنَّ منتظراتٍ ليصل أولادهنَّ إلى البيت.

۴۳- ما هو الصحيح في التشكيل و صياغة الجملة؟

(۲) ليت المعلمين حاضرون في المدرسة

(۱) إنَّ المعلمات حاضرات في المدرسة

(۴) كان المعلمون حاضرين في المدرسة

(۳) المعلمات كانت حاضرات في المدرسة

۴۴- عین الصحيح في تشكيل العبارة التالية: « إن مياه البحار و المحيطات ليست جارية كالأنهار »

(۲) البحار - المحيطات - جارية - أنهار

(۱) مياه - المحيطات - جارية - أنهار

(۴) مياه - البحار - أنهار - جارية

(۳) مياه - البحار - المحيطات - جارية

۴۵- عین الصحيح في تشكيل العبارة التالية: « لتكن هذه الثروات العلمية غنائم للمسلمين »

(۲) هذه، الثروات، العلمية، غنائم

(۱) تكن، الثروات، العلمية، غنائم

(۴) تكن، الثروات، العلمية، غنائم

(۳) تكن، هذه، العلمية، غنائم

نکات اضافی در تستها:

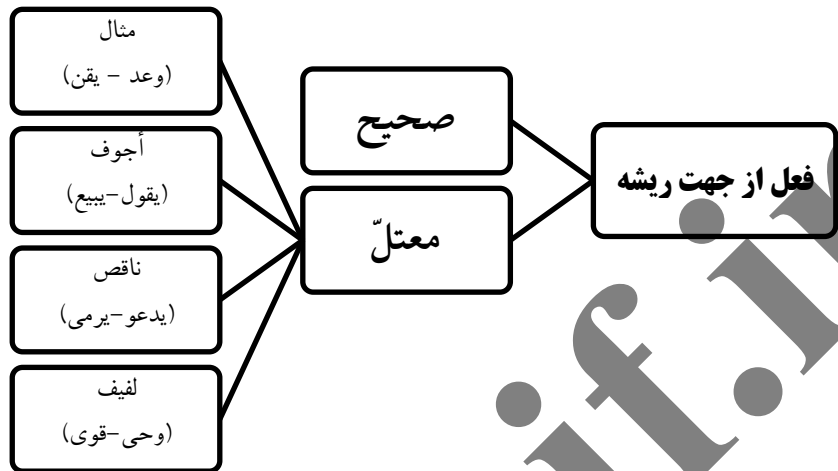
.....

.....

.....

.....

.....



نکات معتلات:

۱) در مضارع معلوم و امر حاضر از فعل مثال واوی در ثلاثی مجرد حرف علة حذف می‌شود.

مثال ۱: تَعِدَنَّ (در اصل: تَوَعِدَنَّ) مثال ۲: ضَعَّ (فعل امر از تَضَعُّ)

۲) در فعل امر مجرد از فعلهای مثال و اجوف، نیازی به همزه نداریم ولی در فعل ناقص، حتماً همزه نیاز دارد.

* به عبارت دیگر اگر در مضارع، حرف دوم متحرک باشد قطعاً این فعل ناقص نیست!

مثال ۱: تَعِدُونَ: عِدُوا (مثال) مثال ۲: تَخَافان: خَافا (اجوف) مثال ۳: تَدْعِين: ادْعِي (ناقص)

۳) در جزم فعل اجوف و ناقص (در صیغه هایی که به نون ختم نمی‌شوند) حرف علة حذف می‌شود.

مثال ۱: لَمْ يَتَلَوْا و لَمْ يَقُولُوا و لَمْ يَتَلَّوْا و لَمْ يَقُلُّوا مثال ۲: تَهْدِي (أمر) ← اِهْدِيْ مثال ۳: اِنْ تَسْعُ تَنْلُ (از تَسْعِي و تَنْلُ)

دقت: در فعلهای مضارع منصوب حرف علة حذف نمی‌گردد. ← لَنْ نَدْعُوَ غَيْرَ اللَّهِ و لَنْ نَقُولَ غَيْرَ الْحَقِّ

۴) صیغه‌های جمع مؤنث در فعل ناقص اعلال ندارند. ← هُنَّ يَتَلَوْنَ (در واقع صیغه ۶ = صیغه ۱+ن!)

۵) برای تعیین علامت همزه امر صیغه‌های هفتم ملاک است. ← أَنْتِ تَدْعِينَ: ادْعِي (ادْعِي نادرست است چون صیغه ۷ ادْعُ می‌شود)

۶) در فعل مضارع اجوف، فقط در صیغه‌های جمع مؤنث حرف عله حذف می‌گردد. مثلاً: يَقُلْنَ - تَقُلْنَ

۷) در ثلاثی مجرد از افعال أجوف، از صیغه ششم به بعد در فعل ماضی، علامت فاء الفعل آن، بستگی به علامت عین الفعل مضارع دارد؛

یعنی اگر عین الفعل مضارع مضموم بود، فاء الفعل ماضی نیز مضموم می‌شود و اگر مفتوح یا مکسور بود، فاء الفعل مکسور می‌شود.

مثال ۱: باعَ (عین الفعل مضارع , مکسور است) : بَعَتَ (صیغه ۷ ماضی معلوم)

مثال ۲: ذاقَ (عین الفعل مضارع , مضموم است) : ذُقْنَا (صیغه ۱۴ ماضی معلوم)

مثال ۳: خافَ (عین الفعل مضارع , مفتوح است) : خِفْتُمْ (صیغه ۹ ماضی معلوم)

دقت: برای ساختن فعل امر از این افعال، قواعد معمول ایجاد فعل امر را دنبال می‌نماییم.

مثال ۱: تَنَامُ ← نَامَ (إلتقاء ساکنین) ← نَمَ مثال ۲: تَقُولُ ← قَوْلُ (إلتقاء ساکنین) ← قُلْ

* به عبارت دیگر در امر اجوف در صیغه اول و آخر، حرف علة حذف می‌گردد ولی در بقیه‌ی صیغه‌ها حرف علة حذف نمی‌شود!

مثال: خَفَ / خَافَا / خَافِي / خَافُوا / خَفَنَ

۸) در فعل ماضی ناقص اگر وزن آن فَعِلَ باشد، فقط در صیغه‌های ۳ و ۴ و ۵ حرف عله حذف می‌گردد و اگر وزن آن فَعِلَ باشد،

فقط در صیغه‌ی ۳ حرف عله حذف می‌گردد. (جدول زیر را ببینید!)

نمونه‌ای از فعل ناقص		نمونه‌ای از فعل ناقص		نمونه‌ای از فعل أجوف		نمونه‌ای از فعل مثال	
يَرْضَى	رَضِيَ	يَدْعُو	دَعَا	يَعُودُ	عَادَ	يَعِدُّ	وَعَدَ
يَرْضِيَانِ	رَضِيَا	يَدْعَوَانِ	دَعَوَا	يَعُودَانِ	عَادَا	يَعِدَانِ	وَعَدَا
يَرْضَوْنَ	رَضُوا	يَدْعُونَ	دَعَوْا	يَعُودُونَ	عَادُوا	يَعِدُونَ	وَعَدُوا
تَرْضَى	رَضِيَتْ	تَدْعُو	دَعَتْ	تَعُودُ	عَادَتْ	تَعِدُّ	وَعَدَتْ
تَرْضِيَانِ	رَضِيَتَا	تَدْعَوَانِ	دَعَتَا	تَعُودَانِ	عَادَتَا	تَعِدَانِ	وَعَدَتَا
يَرْضَيْنَ	رَضِيْنِ	يَدْعَوْنَ	دَعَوْنَ	يَعُدْنَ	عُدْنَ	يَعِدْنَ	وَعَدْنَ
تَرْضَى	رَضِيَتْ	تَدْعُو	دَعَوَتْ	تَعُودُ	عُدَتْ	تَعِدُّ	وَعَدَتْ
تَرْضِيَانِ	رَضِيْتَمَا	تَدْعَوَانِ	دَعَوْتَمَا	تَعُودَانِ	عُدْتَمَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتَمَا
تَرْضَوْنَ	رَضِيْتُمْ	تَدْعَوْنَ	دَعَوْتُمْ	تَعُودُونَ	عُدْتُمْ	تَعِدُونَ	وَعَدْتُمْ
تَرْضَيْنَ	رَضِيْتِ	تَدْعَيْنِ	دَعَوْتِ	تَعُودَيْنِ	عُدْتِ	تَعِدَيْنِ	وَعَدْتِ
يَرْضِيَانِ	رَضِيْتَمَا	تَدْعَوَانِ	دَعَوْتَمَا	تَعُودَانِ	عُدْتَمَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتَمَا
تَرْضَيْنَ	رَضِيْتِنَّ	تَدْعَوْنَ	دَعَوْتِنَّ	تَعُدْنَ	عُدْتِنَّ	تَعِدْنَ	وَعَدْتِنَّ
أَرْضَى	رَضِيْتُ	أَدْعُو	دَعَوْتُ	أَعُودُ	عُدْتُ	أَعِدُّ	وَعَدْتُ
نَرْضَى	رَضِينَا	نَدْعُو	دَعَوْنَا	نَعُودُ	عُدْنَا	نَعِدُّ	وَعَدْنَا

■ عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱- «اللَّهُمَّ؛ قَدْ وَهَيْتَنِي كُلَّ مَا كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لَهُ، لِأَنَّ فَضْلَكَ يَشْمَلُ كُلَّ عِبَادِكَ!»:

- ۱) خدایا؛ هر آن چه سزاوار آن نبودم به من عطا کرده‌ای، زیرا لطف تو همه‌ی بندگانت را شامل می‌شود!
- ۲) پروردگرم؛ آن چه را شایسته‌ی آن بودم به من داده‌ای، چون بخشندگی تو شامل همه بندگان است!
- ۳) پروردگارا؛ به من می‌دهی همه‌ی آن چه را شایسته آن نیستم، زیرا فضل تو شامل همه‌ی بندگانت می‌شود!
- ۴) خداوند؛ به من عطا کن هر چیزی را، حتی اگر سزاوار آن نباشم، چون مهربانی تو به همه‌ی بندگان رسیده است!

۲- «إِذَا تَعَوَّدَ النَّاسُ أَنْ يَعْمَلُوا الْحَسَنَاتِ لَا يَشْقَوْنَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ عِبْثًا!»:

- ۱) هرگاه عادت مردم بر کارهای نیک باشد بیهوده بر نفس خود سخت نمی‌گیرند!
- ۲) هرگاه مردم عادت کنند که کارهای نیک بکنند بیهوده خود را به مشقت نمی‌اندازند!
- ۳) هنگامی که مردم به کارهای نیک عادت کنند سختی را بی‌جهت به خود راه نخواهند داد!
- ۴) هنگامی که کار نیک کردن، عادت مردم شود مشقت بی‌جهت را بر خود تحمیل نمی‌کنند!

۳- «لَا دِينَ لِلْمَلْتُونَ وَ إِنْ أَلْقَاكَ فِي الْخَطَا وَ تَظَاهَرَ بِكَمَالِ دِيانتِهِ!»:

- ۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی‌نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!
- ۲) هیچ دینی ندارد آن کس که دو رنگ است و به کمال دینداریش تظاهر کرده باعث اشتباه تو شود!
- ۳) انسان دورو هیچ دینی ندارد اگر چه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!
- ۴) آن که دو رو است دین ندارد هر چند ظاهری با دین و بی‌نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!

۴- «إِنْ كَسَرْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مَنْكَ بِدَرَجَاتٍ وَ حَمَلْتَ عَلَيْهِ مَا لَا يَطِيقُ، فَقَدْ كَسَرْتَ نَفْسَكَ حَقًّا!»:

- ۱) هر زمان شخصی را که از تو مراتبی پایین‌تر است بخواهی بشکنی و چیزی را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقیقتاً خود را می‌شکنی!

- ۲) وقتی فردی از تو چند درجه‌ای پایین‌تر باشد و تو او را شکستی و آن چه را تحمل آن را ندارد بر او بار کنی، به حق که فقط خود را می‌شکنی!

- ۳) زمانی که کسی از تو مراتبی پایین‌تر بود و او را شکستی و بر او چیزهایی بار کردی که تحمل ندارد، در واقع خودت را شکسته‌ای!

- ۴) اگر کسی را که درجاتی از تو پایین‌تر است بشکنی و آن چه را که توانایی آن را ندارد بر او تحمیل کنی، حقا خود را شکسته‌ای!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عین الخطأ:

- ۱) إن الذين يطلبون حياة طيبة يعيشون بقدرة: آنان که زندگی شرافتمندانه‌ای می‌خواهند با قدرت زندگی می‌کنند،
- ۲) و يتحملون مشقاتها و لا ينسون الآخرين في حياتهم: و سختی‌هایش را تحمل کرده دیگران را در زندگیشان فراموش نمی‌کنند،

۳) ولكنهم لا يتوقعون من الناس شيئاً: اما آنها از مردم توقع چیزی نداشته‌اند،

۴) هؤلاء هم يؤمنون بأن الله كفيلاً لرزق عباده: اینها همان‌ها هستند که ایمان دارند به این‌که خداوند روزی بندگان را عهده دار است!

۶- «المرء على دين خليله و قرينه!». عین غیر المناسب للمفهوم:

۱) هر که با دیگر نشیند بکند جامه سیاه!

۲) تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که تو کیستی!

۳) با بدان کم نشین که درمانی خوی پذیر است نفس انسانی!

۴) همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید!

۷- «ما نباید خود را با هر نوع شوخی مشغول کنیم، زیرا بعضی از آنها ما را به راه باطل می‌کشاند!».

۱) علينا أن لا نشغل أنفسنا بكل نوع من أنواع المزاح، فإن بعضه يجرنا إلى الطريق الباطل!

۲) يلزم علينا أن لن نشغل بكل أنواع المزاح، لأن البعض منه يجر المسير الباطل لنا!

۳) يجب علينا عدم الاشتغال بأي نوع من أنواع المزاح، فبعضه يجر لنا التهج الباطل!

۴) علينا عدم الانشغال بكل نوع من أنواع المزاح، حتى لا يجر السبيل الباطل لنا!

۸- «امسال برای بار چهارم برنده‌ی یک جایزه در تألیف سه کتاب در زمینه‌ی زبان و ادبیات شدم!»:

۱) هذا العام أصبحت للمرة الرابعة حائزاً على جائزة واحدة في تأليف ثلاثة كتب في مجال اللغة و الأدب!

۲) أنا في هذه السنة لأربع مرّات أصبحت ناجحاً على جائزة في كتابة ثلاث كتاب في مجال اللغة و الأدب!

۳) هذه السنة سوف كنت لأربع مرّات صرت موفّقاً على واحدة جائزة في كتابة ثلاث كتاب عن اللسان و الأدب!

۴) أنا في هذا العام كنت للمرة الرابعة قد أصبحت فائزاً على جائزة في مجال الكتاب الثالث في اللسان و الأدب!

۹- عین ما فيه ثلاثة أفعال معتلة من نوع واحد:

۱) إذا شاهدك من نسيك زمن طويل، فهل تُعاتبه؟! ۲) ماذا نسمي الذين يعفون الخاطئين كرامة، و ينسون أخطاءهم?!

۳) اشترينا اللحم و هيأنا الطعام؛ فهل تناول العشاء معنا؟ ۴) إن تدع صديقك في الشدائد وحده، ألا تخاف أن يصيبه خطر?!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل هشتم

اعلال

۱۰- عین عدد الأفعال المعتلة في العبارة التالية: « قال الله تبارك و تعالی: إن كنت جئت بالحق فأت به »

- (۱) خمسة (۲) أربعة (۳) ثلاثة (۴) إثنان

۱۱- میز الصیغة التي من فعل « مَشَى » يُحذف حرف العلة (ماض):

- (۱) للغائبين (۲) للمخاطبين (۳) للغائبين (۴) للمخاطبات

۱۲- ما هو الصحيح عن فعل « دَعَى » في العبارة التالية: « يا رُقِيَّةُ دَعَى كَلامَ النَّاسِ »؟

- (۱) ماضٍ / ناقص يائي (۲) أمر / ناقص يائي (۳) أمر / مثال واوى (۴) ماضٍ / أجوف واوى

۱۳- میز الصَّحیح حسب قواعد الأمر:

- (۱) أنتم تمشون ← أمشوا (۲) أنتن ترمين ← إرمي (۳) أنتن تنسين ← إنسي (۴) أنت تقضي ← أقض

۱۴- ما هو الخطأ للفراغين: « من _____ إحترام الوالدين _____ نفسه إلى النار »؟

- (۱) ودَع - يدَع (۲) يدَع - دَعَا (۳) ودَع - دَعَا (۴) يدَع - يدَع

۱۵- ما هو الصحيح من « نال ينال » و « جاد يوجد »؟

- (۱) أنتن نلن (۲) أنتم جادوا (۳) هم جودوا (۴) هن نلن

۱۶- غير الجملة التالية مع ضمير « أنت »: « إن تلق من تهوى دَع الدنيا و أهملها »: « إن »

- (۱) تلقى من تهوى دَعى الدنيا و أهملتها (۲) تلقى من تهوين دَعى الدنيا و أهملها

- (۳) تلقوا من تهوين دَعوا الدنيا و أهملوها (۴) تلقين من تهوى دَع الدنيا و أهملها

۱۷- ما هو الصحيح عن فعل أمر الأفعال « تَعَوَّدُ - تَعِيدُ - تَعِدُ » بالترتيب؟

- (۱) عُدَّ - أَعِدَّ - عَدَّ (۲) أَعِدَّ - أَعِدَّ - عُدَّ (۳) عُدَّ - عُدَّ - عُدَّ (۴) أَعِدَّ - عِدَّ - عِدَّ

۱۸- ما هو الخطأ من « باع يبيع » و « خاف يخاف »؟

- (۱) هن بعن القلم. (۲) خفن الله أيتها النساء. (۳) هن خفن الله. (۴) بعن الكتب أيتها التلميذات.

۱۹- ما هو الخطأ حسب قواعد فعل الأمر؟

- (۱) هو يعوِّد ← ليعد (۲) أنا أهب ← لاهب (۳) أنت تخاف ← لتخفن (۴) هي تسير ← لتسير

۲۰- عین العبارة الصحيحة:

- (۱) نحن نخافون من ربنا القهار

- (۲) هم يهدون إخوتهم إلى الله

- (۳) أنا أرمى بالشر و لا أنساه

- (۴) ۳ و ۲

۲۱- ما هو فعل الأمر من فعل « خلا - يخلو » للمخاطبين؟

- (۱) خولوا (۲) أخلون (۳) خولى (۴) أخلوا

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۲- ما هو المناسب للفراغين: « إن _____ بالقرآن _____ كِ القرآن »؟

(۱) تَسْتَهْدِ - يَهْدِ (۲) يَسْتَهْدِ - يَهْدِي (۳) تَسْتَهْدِين - يَهْدِي (۴) تَسْتَهْدِي - يَهْدِ

۲۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « أَتَنْ دَرُوسَكَ صَبَاحَ أَمْسٍ »

(۱) تَتَلَقَّيْنِ (۲) تَلَقَّيْنِ (۳) تَتَلَقَّيْنِ (۴) تَلَقَّيْتِنِ

۲۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

(۱) هُمْ يَهْتَدُونَ، نَحْنُ نَهْتَدُونَ (۲) أَنَا أَهْتَدِي، أَنْتِ تَهْتَدِي (۳) أَنْتِنِ تَهْتَدِينَ، أَنْتِ تَهْتَدِينَ (۴) هُمَا لَمْ يَهْتَدَا، أَنْتَمَا لَمْ تَهْتَدِيَا

۲۵- عَيْنِ الْخَطَأِ:

(۱) جِئْنَا لِنَدْعُوكُمْ (۲) لِنَدْعُ اللَّهَ خَاشِعِينَ (۳) لَمْ نَرْضَى بِالذُّلِّ (۴) لَمَّا يَذُقْنَ طَعْمَ الْإِيمَانِ

۲۶- عَيْنِ الْخَطَأِ:

(۱) أَنْتَ لَمْ تَقُلْ وَأَنْتِ لَمْ تَقُولِي (۲) نَحْنُ بَعْنَا وَأَنْتُمْ لَمْ تَبِيعُوا
(۳) هُنَّ يَقُلْنَ وَأَنْتِنَ لَا تَقُلْنَ (۴) قُلْتُ لَهُ: بَعْ وَقُلْتُ لَهَا: بَعْ!

۲۷- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ:

(۱) الزَّمِيلَاتُ سَيُقِيمُونَ حَفْلَةً رَائِعَةً وَيَدْعُونَ إِلَيْهَا (۲) هُنَّ لَمْ يَرْجُونَ بِكُمْ وَلَكِنْ يَعْفُونَ عَنْكُمْ
(۳) لَمْ تَسِيرِينَ بِهَدْوٍ وَتَقُولِينَ كَلَامَكَ بِعَجَلَةٍ؟ (۴) هُمْ لَمْ يَدْعُوا إِلَى الصَّدَقِ وَأَنْتِنَ تَدْعُونَ إِلَى السَّعْيِ

۲۸- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْإِعْلَالِ:

(۱) يَا طَالِبَاتِ! لَا تَقُلْنَ الْقَوْلَ الْبَاطِلَ (۲) هُنَّ يُطِيعِينَ أَمْرَ اللَّهِ فَيَرْضَوْنَهُ
(۳) النَّسَاءُ يَسْتَقِمْنَ عَلَى سَبِيلِهِنَّ (۴) أَيَّتُهَا الطَّالِبَةُ! أَقِيمِي الْقِيَمَ الرَّفِيعَةَ

۲۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمُعْتَلَاتِ:

(۱) لَا تَخَافِ! وَاللَّهِ مَعَكَ دَائِمًا (۲) قُلْتُ لِلْمُذْنِبَاتِ: تُبْنَ إِلَى اللَّهِ
(۳) الطِّفْلَةُ لَمْ تَعُودَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ (۴) كُنْتُ لَا أَوْدَعُ إِحْتِرَامَ وَالِدِي

۳۰- مَيِّزِ الْخَطَأَ عَنِ الْأَفْعَالِ: « قَالَ - يَقُولُ / نَالَ - يَنَالُ »

(۱) نَلْنِ الْهَدَفَ أَيَّتُهَا الطَّالِبَاتُ (۲) قُلْنَ الْحَقَّ أَيَّتُهَا الْأَخْوَاتُ (۳) هُوَلَاءِ النَّسَاءِ قُلْنَ الْحَقَّ (۴) أَوْلَتْكَ الزَّمِيلَاتُ نَلْنَ الْهَدَفَ

۳۱- ما هو الخطأ حسب قواعد الإعلال؟

(۱) أَنْتِنَ أَطِيعَنَّ اللَّهَ وَأَتَّبِعَنَّ أَمْرَهُ (۲) أَنْتُمْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَتَّبِعُوا أَمْرَهُ
(۳) أَنْتِ أَطِيعِي اللَّهَ وَأَتَّبِعِي أَمْرَهُ (۴) أَنْتِ أَطِيعِ اللَّهَ وَأَتَّبِعِ أَمْرَهُ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۳۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَعْتَلَاتِ:

(۱) هُنَّ مَا خِيفَ مِنَ الْمَصَائِبِ (۲) تَرَكْتَهُ وَ لَمْ تَرْجُوْهُ هِدَايَتَهُ (۳) إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ , فَلَا تَخَافُ (۴) يَا تَلْمِيذَةَ! لَا تَنْسِ الْاِمْتِحَانَ

۳۳- عَيْنِ الْخَطَا فِي الْاِعْلَالِ:

(۱) اَنْتَنَّا تَخَافِيْنَ مِنْ عَاقِبَةِ النَّكَاسِلِ
(۲) لَمْ اَتْلُ آيَةً فَلَنْ اَعْفُو نَفْسِي
(۳) هُنَّ لَمْ يَخْشَيْنَ اَحَدًا وَ لَمْ يَرْجُوْهُ
(۴) دَعِ الْكِذْبَ وَ اِدْعُ اِلَى الصَّدَاقَةِ فِي الْحَيَاةِ

۳۴- عَيْنِ الْعِبَارَةِ الصَّحِيحَةِ:

(۱) اِنِّي لَا اَنْسُ الْيَوْمَ الَّذِي زُرْتُ مَرْقَدَ الْحُسَيْنِ (ع).
(۲) يَا اُخْوَاتِي هَلْ تَرْجُونَ اللَّهَ وَ لَا تَخْشَوْنَهُ؟
(۳) يَا مَرْيَمُ قُومِي فِي اللَّيْلِ وَ اَقِمِي الصَّلَاةَ اِقَامَةً!
(۴) لَا تَسْتَشِرْ فِي اُمُورِكَ مِنَ الْجَاهِلِ حَتَّى لَا تَيَاسَ!

۳۵- عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) مَنْ يَهْدِنِي فِي الْحَيَاةِ يَرْتَمِرْهُ فِي الْآخِرَةِ
(۲) الَّذِي يَدْعُ الْحِرْصَ يَعْيشُ فِي الرَّاحَةِ
(۳) قَلْتُ لَطَيْبَتِي: صِفْ لِي دَوَاءً لِيَشْفِيَنِي سَرِيْعًا
(۴) نَحْنُ لَنْ نَنْسِيَ ذِكْرِيَّاتِ الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ

۳۶- عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) اَرْسَلَ اللَّهُ الْاَنْبِيَاءَ لِيَهْدِيَ بِهِمُ النَّاسَ اِلَى الْحَقِّ.
(۲) عِنْدَمَا اَعُوْدُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ لَنْ اُسْتَرْحِ اَبَدًا.
(۳) الْاُمُّ رَبَّتْ اَوْلَادَهَا وَ هِيَ دَعَتْ لَهُمْ دُعَاءً كَثِيْرًا.
(۴) قَلْتُ لَزَوْجَتِي: رُحْتُ لِاَشْتَرِيَ الْفَاكِهَةَ.

۳۷- ما هو الصحيح عن فعل هذه الآية: « وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ » ؟

(۱) مثال واوی - مضارع مرفوع
(۲) ناقص - مضارع مجزوم
(۳) ناقص - مضارع مرفوع
(۴) مثال واوی - مضارع مجزوم

۳۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَعْتَلَاتِ:

(۱) لِمَ لَا تَخْلُو حَيَاتِي مِنَ الْمَشَاكِلِ الْعَدِيْدَةِ، يَا اَبْتِ؟
(۲) لَنْ اُخْشَى كَثْرَةَ اَعْدَائِي، لِاَنْنِي اَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ.
(۳) اَبْتِهَا الْمُدْنِبَةُ؛ خَفِيَ اللَّهُ حِيْنَ تَرْتَكِبِيْنَ الْمَعَاصِيَ.
(۴) مَنْ كَانَ يُرِدُ اَكْثَرَ مِنْ حَقِّهِ لَمْ يَصِلْ اِلَى الْقَلِيْلِ مِنْهُ.

۳۹- عَيْنِ الْخَطَا فِي صِيغَةِ الْاَفْعَالِ:

(۱) لَمْ نَرْضَ اَنْ نَبْقِيَ فِي الْجَهْلِ فَلِهَذَا نَسْعَى اَنْ نَتَقَدَّمَ دَائِمًا.
(۲) يَا بِنْتِي، سِيرِي اِلَى طَرِيْقِ الْحَقِّ تَنْجِحِي فِي اُمُورِكَ وَ حَيَاتِكَ.
(۳) اِنْ تَهْدِي اِنْسَانًا ضَالًّا اِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ، يَفْتَحُ اللَّهُ لَكَ اَبْوَابَ رَحْمَتِهِ.
(۴) هُنَّ لَنْ تَنْسِيْنَ تَضْحِيَّاتِ الْاَمْهَاتِ اللَّاتِي سَهْرْنَ طُوْلَ اللَّيَالِي مِنْ اَجْلِهِنَّ.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

۴۰- عین الخطأ في الإعلال:

- (۱) أنتن تتالين التقدم و العزة بجهدك و تضحيتك.
(۲) هن لم ينهين أولادهن عن الذهاب إلى ساحة القتال.
(۳) قف أمام معلمك بتواضع و أجب عن سؤاله.
(۴) لم أنس الذين علموني دروس الحياة أبداً.

۴۱- عین الخطأ في أسلوب الشرط:

- (۱) من يتبع غير الحق في حياته يكن نادماً من عمله غداً.
(۲) إن لا يقبل الإنسان مشاكل الحياة لم ينل آماله أبداً.
(۳) إن يحن وقت الامتحانات يجب علينا أن نهئ أنفسنا.
(۴) من لا يرد صعود الجبال يعيش أبد الدهر بين الحفر.

۴۲- عین الخطأ في صيغ الأفعال:

- (۱) أيتها النساء؛ سيفرن في القادم إن يردن.
(۲) يا بنتي؛ عودي إلى بيتك لأن أمك تنتظر وصولك.
(۳) هن قلن كلام الحق لأنه أحسن الأقوال.
(۴) ذقنا حقائق حياتنا المرة و نطلب من الله أن يوفقنا في فهمها.

۴۳- عین الخطأ في الإعلال:

- (۱) أيها المسلمون؛ عليكم أن تهدوا الآخرين إلى الحق.
(۲) على الأمهات أن يهدين أبناءهن لأنهم أمل المستقبل.
(۳) إن تناجي المسلمة ربها يجعل الله لها الفرج.
(۴) من يتل القرآن فلا شك أنه يؤثر في قلبه.

۴۴- عین العبارة التي ليس فيها «معتلّ مثال»:

- (۱) نرى في القرآن الكريم حقائق مهمة و دقيقة.
(۲) نجد في أعماق البحر طبقات مختلفة من الظلمة.
(۳) قالت لنا المعلمة: صنف المنظر الجميل الذي أمامك.
(۴) توقفت أمام الصف لكي يدخل الآخرون فيه أولاً.

۴۵- عین الخطأ (في إعراب الفعل):

- (۱) كانت هذه الإبنة لم تخشين من الليل.
(۲) من يرج لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً.
(۳) أنت تدعو الله و تظهر حبه و لكن تعصيه.
(۴) يا ولدي، أعف عن الناس يرضوا عنك.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

قال أمير المؤمنين (ع): من أشدَّ عُيوبِ المرءِ أنْ تخفى عليه عُيوبُه: از سخت‌ترین عیبهای انسان آن است که عیبهایش بر او پنهان باشد.

اعلال

سری دوم

فصل هشتم

(سراسری - هنر ۹۲)

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱-۹) بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ:

کثيرون ممَّا لا يهتمُّون بصغائر الأمور و لا يتنبهون لخطئهم و غفلتهم إلَّا بعد أن ينزل بهم الأذى، فيسارعون إلى تلافى ما حدث عنهم، ولكن لا يظفرون بشيء و لا يصلون إلى نتيجة! ذلك لأنهم لم يتدبَّروا الأمر و هو صغير لاعتقادهم أنه غير مهمّ لا يستحقّ الالتفات! و كثير من الحوادث المرّة التي تحدث بين الأصدقاء و الأقارب تنشأ في الغالب عن أسباب حقيرة، لو سارع أصحابها إلى حلِّها قبل أن تعظم لزالّت و مُحيت دون أن تترك أثراً أليماً أو تنتهي إلى شرّ عظيم! و الأمة كالفرد، إذا أهملت شؤونها تصبح الصغائر كبيرة فينفذ في صفوفها الاضطراب و الخلل فيطمع فيها الآخرون!

۱- متى تظهر مطاعم الأعداء علينا؟ - عندما

(۲) يسيطر الخوف و الاضطراب على أفراد الأمة!

(۱) ضعفت أسباب استحكام صفوف الشعب!

(۴) نهتمّ بصغائر الأمور و لا ننتبه إلى الأخطاء و الغفلات!

(۳) لا نتدبّر الأمور و لم نسع لتعظيمها و هي صغيرة!

۲- ما هو واجبنا أمام الأخطاء؟

(۲) يلزم أن نهملها حتّى لا تعظم و تكبر!

(۱) يجب أن نحاول حتّى لا نرتكب خطأ!

(۴) التدبّر حتّى نجد أسباب نشوئها لنجتنها!

(۳) المحاولة لمحوها و جبرائها حين صدرت عنّا!

۳- عيّن الصحيح:

(۲) رفع الشّور العظيمة أسهل من إيجادها!

(۱) سبب جميع الخلافات أمر صغير حقير!

(۴) سبب اهتمامنا بصغائر الأمور خطؤنا و غفلتنا!

(۳) إذا كبر الخطأ الصغير فلا يمكن تصحيحه!

۴- عيّن الأقرب إلى مفهوم النصّ:

(۲) أعظم الذنوب استصغار الذنب!

(۱) فمن نام لم تنتظره الحياة!

(۴) العلى وقف على من لم ينم!

(۳) أفضل المجد استحقال الشور!

■ عيّن الصحيح في التشكيل (۵و۶):

۵- «لأنهم لم يتدبّروا الأمر و هو صغير لاعتقادهم أنه غير مهمّ لا يستحقّ الالتفات!»:

(۲) الأمر - صغير - الالتفات

(۱) اعتقاد - غير - الالتفات

(۴) صغير - اعتقادهم - غير

(۳) يتدبّروا - غير - يستحقّ

۶- «لأمة كالفرد، إذا أهملت شؤونها تصبح الصغائر كبيرة فينفذ في صفوفها الاضطراب!»:

(۲) الأمة - أهملت - الصغائر

(۱) تصبح - كبيرة - صفوف

(۴) الصغائر - ينفذ - الاضطراب

(۳) أهملت - شؤون - صفوف

نکات اضافی در تستها:

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْأَعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٧-٩):

٧- «يَتَنَبَّهُونَ»:

(١) فعل مضارع - صحيح - لازم - مبني / فاعله ضمير الواو و البارز، و الجملة فعلية

(٢) معتل و أجوف (له أعلال الحذف) - مبني للمعلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية

(٣) للغائبين - مزيد ثلاثي من باب تفعّل / فعل و فاعله ضمير الواو البارز

(٤) مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعيل / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب

٨- «تُنشَأُ»:

(١) للمخاطب - متعدّ - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و نائب فاعله ضمير «أنت» المستتر

(٢) للغائبة - متعدّ - مبني للمجهول - معرب / فعل مرفوع و نائب فاعله ضمير «هي» المستتر

(٣) فعل مضارع - مزيد ثلاثي من باب أفعال - معتل و ناقص / فعل و نائب فاعله الضمير المستتر

(٤) مزيد ثلاثي من باب مفاعلة - صحيح - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله ضمير «هي» المستتر

٩- «أصحاب»:

(١) معرّف بأل - معرب - منصرف / مبتدأ مؤخر و مرفوع، و الجملة اسمية

(٢) جمع مكسّر (مفردة: صاحب) - معرّف بالإضافة - معرب / مفعول به و منصوب

(٣) مشتق و اسم فاعل (مصدره: صحبة) - معرب - ممنوع من الصرف / فاعل و مرفوع

(٤) جمع تكسير (مفردة: صاحب، مذكّر) - مشتق (اسم فاعل) / فاعل و مرفوع لفعل «سارع»

١٠- عَيْنُ الْخَطَأِ (فِي الْمَعْتَلِّ):

(١) نحن نرجع إلى البيت و نقوم بواجباتنا.

(٢) هن يرمين الكرة في السّاحة.

(٣) أرجو الله تعالى أن يوفّقكم في الحياة.

(٤) أتننّ تخشون أعمالكن السيّئة.

١١- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَائِغِ: «..... في اللَّيْلِ و..... الصلاة و..... عليها،..... في الدّنيا و الآخرة!»

(١) قومي / أقمي / ثابري / تفوزين

(٢) قوموا / أقيموا / ثابرن / تفوزوا

(٣) قوما / أقيما / ثابرا / تفوزا

(٤) قُمن / أقمن / ثابرن / تفوزن

١٢- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي فِعْلِ «نَاجِيَ، يُنَاجِي»:

(١) من ناجى الله يعبده في سبيل طاعته.

(٢) إن تُناجِ الله فأنت عابد في سبيله.

(٣) إن تُناجِ رَبَّكَ تَعْبُدِيهِ في سبيل طاعته.

(٤) من يُناجِ الله فهو عابد في سبيله.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل هشتم

اعلال

۱۳- عَيْنُ الْخَطَا فِي أفعالِ الْأَمْرِ:

- (۱) اِرْمِينَا مَا بِيَدِكَ إِلَى السَّمَاءِ.
 (۲) خَفَنَ مِنْ عَاقِبَةِ هَذَا الْعَمَلِ السَّوِّءِ.
 (۳) دَعَى التَّجَسُّسَ فِي أَعْمَالِ الْآخِرِينَ.
 (۴) جُودُوا عَلَى الْمَسَاكِينِ حَتَّى يَجُودَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ.

۱۴- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) كَانَ الرَّسُولُ الْأَكْرَمُ (ص) لَمْ يَدْعَ احْتِرَامَ الصَّغَارِ.
 (۲) أَنَا كُنْتُ أَحْسَنَ مِنْ عَاقِبَةِ أَمْرِ أَوْلَادِي فَهَدَيْتُهُمْ إِلَى الْحَقِّ.
 (۳) لَمْ يَنْهَى الْمُعَلِّمُ طُلَّابَهُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ لِأَنَّهُ يَرْجُو هِدَايَتَهُمْ.
 (۴) إِذَا قَدَّرَ الْإِنْسَانُ أَنْ يَسْتَفِدَّ مِنَ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ فَيُفِزْ فِي حَيَاتِهِ.

۱۵- عَيْنُ الْخَطَا عَنِ الْفِعْلِ الْمَنْصُوبِ:

- (۱) نَحْنُ لَنْ نَرْضَى أَنْ يُحْكَمَ عَلَيْنَا الْمُسْتَكْبِرُونَ.
 (۲) عَلَيْكُمْ أَنْ تُحَقِّقُوا آمَالَ الْمَظْلُومِينَ.
 (۳) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيَهْدِيَ بِهِمُ النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ.
 (۴) اِقْرَأُوا الْقُرْآنَ لِأَسْمَعِ أَصْوَاتِكُمْ، أَيُّهَا الطُّلَّابُ.

۱۶- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مَعْتَلٌ نَاقِصٌ:

- (۱) يَا مُؤْمِنُ! اِمْسِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا.
 (۲) إِنْ تُرِدُ أَنْ تَبْتَسمَ دَائِمًا اجْتَنِبِ التَّشَاؤْمَ.
 (۳) إِحْذَرِ مِنْ نَفْسِ عَبُوسٍ فَإِنَّكَ لَا تَرَى الْجَمَالَ.
 (۴) لَا تَحْسَبِ الدُّنْيَا تَخْلُو مِنْ الْمُتَاعِبِ.

۱۷- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أَنْتُمْ قُلْتُمْ كَلَامًا وَ نَسِيتُمْ ذَلِكَ.
 (۲) أَنْتَنْ وَعَدْتَنْ وَ لَمْ تَعْمَلَنْ بِوَعْدِكَنْ.
 (۳) هُمَا دَعَا زَمَلَاءَهُمَا إِلَى بَيْتِهِمَا لِلْمُطَالَعَةِ.
 (۴) اِهْدِي زَمِيلَاتِكَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ يَا مَرْيَمُ.

۱۸- عَيْنُ مَا لَا يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ مَاضِيًا:

- (۱) صِفِنِ الْأَدْوِيَةَ (۲) قُمْنِ احْتِرَامًا (۳) خَافُوا اللَّهَ (۴) سِرِنِ إِلَى الْبَيْتِ

۱۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) هَلْ تُرِيدِينَ أَنْ تَقُولَ قِصَّتِكَ يَا فَاطِمَةُ؟
 (۲) لِيَخْشَى الْمُؤْمِنُونَ اللَّهَ وَ لَا يَخْشَوْا غَيْرَهُ
 (۳) إِنَّا كُنَّا لَا نُوْعِدُكُمْ إِلَّا وَعَدًّا حَسَنًا
 (۴) الْأَمْهَاتُ لَا يَرْضُونَ عَنْ أَوْلَادٍ غَيْرِ صَالِحِينَ
 ۲۰- عَيْنُ عَدَدِ الْأَجُوفِ: «رَأَيْتُ هَذِهِ الْآيَةَ الْكَرِيمَةَ وَ هِيَ تَقُولُ: فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»

- (۱) خَمْسَةٌ (۲) اِثْنَانِ (۳) ثَلَاثَةٌ (۴) أَرْبَعَةٌ

۲۱- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْإِعْلَالِ:

- (۱) يَا مَذْنِبُ! اِبْكِي عَلَى حَالِكِ!
 (۲) لِمَ لَا تَمْشِي فِي الْأَرْضِ مُتَوَاضِعًا؟
 (۳) قَلْتُ لَأُمِّي: اِرْضَى عَنِّي!
 (۴) وَرَثْنَا مَقْدَارًا كَثِيرًا مِنَ الْمَالِ.

۲۲- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) أَنْتَنْ تَدْعِينَ رَبِّكَ. (۲) إِنَّكَ تَهْدِينِ الطَّالِبَاتِ. (۳) أَنْتَنْ تَدْعُونَ رَبِّكَ. (۴) أَنْتُمْ تَخْشَوْنَ رَبِّكُمْ.

نکات اضافی در تستها:

.....

۲۳- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ فِعْلٌ مُعْتَلٌّ:

- (۱) اِبْقَ هُنَاكَ قُرْبَ الشَّجَرَةِ لِتَسْتَرِيحَ.
(۲) أَحَبَّ مَنْ لَا يَدْعُ احْتِرَامَ الصَّغَارِ.
(۳) اللَّهُمَّ اذِقْنَا طَعْمَ رَحْمَتِكَ وَاعْفُ عَن خَطَايَانَا.
(۴) هُوَلَاءُ يَسْتَعِدُّونَ لِلْبَحْثِ فِي مَوْضِعَاتٍ أُدْبِيَّةٍ.

۲۴- عَيْنُ الْمُعْتَلِّ مَنْصُوبًا بِفَتْحَةِ ظَاهِرَةِ:

- (۱) مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ حَقًّا، فَإِنَّهُ لَا يَنْهَى عَن شَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَمْنَعَ مِنْهُ نَفْسَهُ أَوْلًا.
(۲) مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ إِيمَانًا حَسَنًا، فَإِنَّهُ يَعْفُو فِي حَالَةِ الْقُدْرَةِ وَ يَنْفِقُ فِي حَالَةِ الْغِنَاءِ.
(۳) الْعَبْدُ الصَّالِحُ لَا يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ مَرْحًا، فَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْرُقَ الْجِبَالَ طَوْلًا.
(۴) الْإِنْسَانُ لَنْ يَسْتَعْنَى عَنِ الْآخِرِينَ وَ إِنْ كَانَ ذَا ثَرَوَةٍ عَظِيمَةٍ، فَإِنَّهُ عَلَى أَىِّ حَالٍ يَحْتَاجُ إِلَى النَّاسِ.

۲۵- عَيْنٌ حَذَفَ حَرْفَ الْعَلَّةِ عِلْمًا لِلْجُزْمِ:

- (۱) لَمْ يَنْقُضِ يَوْمٌ عَلَى مَرَضِهِ حَتَّى شَعَرَ بِالصَّحَّةِ.
(۲) إِذَا نَظَرْتَ فِي نِظَامِ الْعَالَمِ بِدَقَّةٍ، لَمْ تَجِدْ فِيهِ اخْتِلَافًا.
(۳) لَمْ تَدْمِ الْكَاتِبَةُ فِي نَفْسِهِ كَثِيرًا، حَتَّى تَخْلُصَ مِنَ الْمَرَضِ.
(۴) فَلْيَقُمْ كُلُّ إِنْسَانٍ بِوَجِبِهِ، حَتَّى نَسْتَطِيعَ أَنْ نَعِيشَ فِي عَالَمٍ مِثَالِيٍّ.

۲۶- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْلَالِ:

- (۱) لِنُتُوبَ مِنْ ذُنُوبِنَا أَمَامَ رَبِّنَا الْكَرِيمِ.
(۲) تَلَيْتُ التَّلْمِيزَةَ الْقُرْآنَ أَمَامَ الصَّفِّ صَبَاحَ الْيَوْمِ.
(۳) أَعَفُ عَنِ خَطِيئَتِي، يَا أُخْتِي الْعَزِيزَةَ.
(۴) إِنَّ الْمُعَلِّمَاتِ يَدْعُونَ التَّلْمِيزَاتِ لِيُطَالَعْنَ دُرُوسَهُنَّ.

۲۷- عَيْنُ الْمُعْتَلِّ يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ الْبَقِيَّةِ:

- (۱) صَدِيقَاتِي إِنْ يَعِدْنَ يَحْضُرْنَ فِي الْمِيعَادِ.
(۲) الْمُعَلِّمَاتُ لَا يَعُدْنَ إِلَى الْبَيْتِ قَبْلَ السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ.
(۳) إِنْ الْمُؤْمِنَاتُ إِذَا يُصَبْنَ بِمَعْصِيَةِ يَصْبِرْنَ.
(۴) هُنَّ إِنْ يَخْطَأْنَ يُبْنَ وَ يَرْجِعْنَ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.

۲۸- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمُعْتَلِّ:

- (۱) أَنْتِ تَنْلُنَ أَهْدَافَكَ الْعَالِيَةَ.
(۲) هُنَّ يَخْشَيْنَ مِنْ أَعْمَالِهِنَّ السَّيِّئَةَ.
(۳) أَنْتِ لَا تَرْجِينَ إِلَّا لَطْفَ رَبِّكَ دَائِمًا.
(۴) أَنْتُمْ تَنْهَيْنَ النَّاسَ عَنِ خَطَايَاهُمْ.

۲۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمُعْتَلَّاتِ:

- (۱) إِنْ يَرَى الْإِنْسَانُ حَقَائِقَ الْحَيَاةِ فَلَنْ يَخْسِرَ.
(۲) لَنْ تَجْرَى أُمُورَ حَيَاتِكَ كَمَا تُرِيدِينَ.
(۳) لَمْ تَخْلُو الدُّنْيَا مِنَ الْمَتَاعِبِ الْمَخْتَلِفَةِ أَبَدًا.
(۴) خَرَجْتَ الْمُعَلِّمَةَ وَ لَمْ تَعُودِ إِلَى الصَّفِّ.

۳۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمُعْتَلِّ:

- (۱) لَمْ يُرِيدِ أَخِي الْيَوْمَ شَيْئًا مِنِّي.
(۲) يَا أُمُّ؛ لَنْ أُنْسَ جَمِيعَ أَعْتَابِكَ.
(۳) بِنْتِي؛ أَدْعُوكَ أَنْ تَقُومِي بِأَدَاءِ وَظِيفَتِكَ.
(۴) لِيرَى الْحَقِيقَةَ مَنْ يَرْجُ غَايَةَ سَامِيَةِ.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

۳۱- عین ما فيه أكثر من المعتلات:

- (۱) جُرحت یدی و سال منها الدّم و لم أرَ ذلك إلّا بعد ساعة.
- (۲) لَقِيتُ في طريقي سائلاً محزوناً ودَعَوهُ خارج المدينة وحيداً.
- (۳) يا أمّاه، إرضى عنيّ و أدعى لي ربّك لعلّه يعفو ذنوبي الكثيرة.
- (۴) كان المسلمون قد نالوا منزلةً رفيعةً في العلوم و الفنون بين شعوب العالم.

۳۲- عین الخطأ في الإعلال (مال، نسی، ودع، رضی، جاد، كان):

- (۱) لا تميلى إلى الكذب في حياتك.
- (۲) إنسى صعوبة الحياة لأنّ بعد العسر يسراً.
- (۳) لأدع الغيبة حتى يرضى الله عنيّ.
- (۴) جُدوا على إخوانكم حتى تكونوا خير الناس.

۳۳- عین الخطأ في الإعلال:

- (۱) يَهَبُ اللهُ لنا علماً إن شاء.
- (۲) لِلألق صديقتي اليوم لأنّها أصبحت مريضة.
- (۳) حاولن أن تجدن بما تعدن.
- (۴) طلبتُ منه أن يجيء عندي و لكنّه لم يأتني.

۳۴- عین ما ليس فيه فعل معتل:

- (۱) من يُساعد أخاه ينصره الله في حياته.
- (۲) إذا أصابتنى مصيبة فلا أقنط من فضل الله.
- (۳) ما يئس المريض الذي لم يشف من مرضه الصعب.
- (۴) واجه الصياد في الغابة ظيباً جميلاً و لكن ما صاده.

۳۵- عین الخطأ:

- (۱) يا ولدي أعط لصديقك ما وعدته.
- (۲) تُبنا من معاصينا عسى أن يعفونا ربنا.
- (۳) من يُحاك الآخرين فلن يكون معتمداً على نفسه.
- (۴) نَسَتُ زميلتي أن تأتي إلى حفلة التكريم في مدرستنا.

۳۶- عین ما ليس فيه معتل:

- (۱) يا معلّمنا، أرنا أسهل طريق للوصول إلى الهدف.
- (۲) لَمّا سقطتُ من جبل مرتفع صِحتُ و طلبتُ النجدة.
- (۳) رَنّت جدّتي المؤمنة إلى منائر المسجد الجميلة العالية.
- (۴) ما يُهدئُ أعصابي كثيراً، صوت أذان يُسمَع من بعيد.

۳۷- عین الخطأ في الاعلال:

- (۱) أَلَمْ تَلقَ جزاء عملك في الدنيا؟!
- (۲) هُنَّ يَرْضون عن أعمالهنّ الصّحيحة.
- (۳) أَيْتِها الطّفلة! قومي لأداء الواجبات.
- (۴) لا ترمين كتبك في زاوية من السّاحة.

۳۸- عین ما فيه أفعال معتلة من نوع واحد:

- (۱) إن صديقك محتاجاً فحاول أن تُساعده.
- (۲) وَعَدْتَنِي زميلتي وعداً لم أجد وفاءً منها.
- (۳) يتوقّع الإنسان من عشيرته و إن كان ذا مال.
- (۴) لا يَنسى المؤمن الشكر حينما تصل إليه النعم.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۳۹- عین الصحیح فی الإعلال:

- (۱) لِنَسْتَفِيدَ مِنْ أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ وَ نَكْتَسِبُ الْعِلْمَ.
(۲) إِنَّ الْحَاكِمَ لَمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى طَاعَتِهِ.
(۳) الضَّالُّونَ لَمْ يَمْشُوا فِي الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ.
(۴) لَا تَسْئَلْنِي أَنْ تُخْبِرَنِي عَنْ قَضِيَّتِكَ.

۴۰- عین العبارة التي ليس فيها فعلاّن معتلان:

- (۱) لَيْلَةَ أَمْسٍ قَرَأْتُ حَوْلَ الطَّيْرَانِ كِتَابًا فَرَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَطِيرُ.
(۲) إِذْهَا أَرَدْتُ أَنْ تُرْسَلِيَ بِنْتِكَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فَهَيَّئِي لَهَا لَوَازِمَهَا.
(۳) عِنْدَمَا نَكُونُ فِي مُحَضَّرِ أَسْتَاذِنَا نُنْصِغِي كَلِمَاتِهِ الثَّمِينَةَ.
(۴) ذَاتَ يَوْمٍ صَادَفَنِي لَصٌّ يَتَسَلَّقُ جِدَارَ بَيْتِ، فَخَافَ وَ نَزَلَ مِنْهُ.

۴۱- عین ما ليس فيه معتل:

- (۱) أَعْطَيْتُ أَحْسَنَ الْكُتُبِ هَدِيَّةً لِأَحَدِ أَصْدِقَائِي.
(۲) مَا تَبَيَّنَ الْوَالِدَانُ أَنَّ وَلَدَهُمَا سَيَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانِ.
(۳) نَصَلُ إِلَى أَهْدَافِنَا فِي الْقَادِمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.
(۴) أَثَّرَتْ أَخْلَاقُهُ وَ أَقْوَالُهُ فِي حَيَاةِ زَمَلَانِهِ الْآخِرِينَ.

۴۲- عین ما ليس فيه معتل:

- (۱) أَنْتَ لَمْ تُمْضِ أَيَّامَ شَبَابِكَ عَيْتًا بَلِ اسْتَفَدْتَ مِنْهَا حَسَنًا. (۲) بَقِيْتُ فِي مَدِينَةِ أَصْفَهَانَ مَعَ أُسْرَتِي سَبْعَ لَيَالٍ وَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ.
(۳) بَعْضُ الْأَوْقَاتِ لَا تَأْكُلُ الْمَجْتَمَعَاتُ الْبَشَرِيَّةُ أَطْعَمَةً مَفِيدَةً. (۴) عِنْدَ وَقُوعِ الزَّلْزَالِ يُنْجِي فِرْقُ الْإِنْقَاذِ النَّاسَ مِمَّا أَصَابَهُمْ.

۴۳- عین الخطأ عن نوع المعتل:

- (۱) أَدْعُو أَنْ يَعْفُوَ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا: نَاقِصٌ - نَاقِصٌ
(۲) نَحْنُ نَقُومُ بِوِاجِبَاتِنَا وَ لَا نَشَارِكُ فِي الْحَفَلَاتِ: مِثَالٌ - نَاقِصٌ
(۳) يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَأْتُوا إِلَى مَرَامِسِ التَّكْرِيمِ غَدًا: مِثَالٌ - نَاقِصٌ
(۴) أَنَا لَا أُنْسِي مَسْئُولِيَّتِي وَ لَا أُخُونُ الْمُسْلِمِينَ: نَاقِصٌ - أَجُوفٌ

۴۴- عین جواباً ليس فيه إعلال:

- (۱) اشْتَرَتِ أُخْتِي لِنَفْسِهَا حِذَاءً أُنَيْقًا رَخِيصًا لَوْنُهُ أَزْرَقٌ.
(۲) فِي يَوْمِ الْأُمِّ أَهْدَيْتُ عَقْدَ لَوْلُو لَأُمِّي وَ قَبَّلْتُ يَدَيْهَا.
(۳) الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَدْعُونَ الْمَعَاصِيَ يُفْلِحُونَ فِي الْآخِرَةِ.
(۴) لَمْ تُشَفِّ وَالِدَتِي مِنْ مَرَضِهَا فَوَصَفَ الطَّبِيبُ لَهَا دَوَاءً آخَرَ.

۴۵- عین جواباً ليس فيه إعلال:

- (۱) إِنَّ صَاحِبَ الْبَيْتِ هَيِّأَ لَنَا الْأَطْعَمَةَ وَ الشَّايَ.
(۲) وَقَفْتُ التَّلْمِيزَةَ فِي الصَّفِّ وَ تَلَّتْ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ.
(۳) أَقْعُ عَلَيَّ قَدَمِي وَالِدِيَّ وَ أَسْأَلُهُمَا أَنْ يَرْضِيَا عَنِّي.
(۴) دَارَ الْكَلَامِ بَيْنَ الْحُكَمَاءِ لِيَجِدُوا دَوَاءً مُؤَثِّرًا يَشْفِي هَذَا الْمَرِيضَ.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

مفعول مطلق: مصدری است منصوب از جنس ریشه فعل جمله (از نظر حروف اصلی و از نظر باب فعل و معنا) که دارای تقسیم بندی زیر است:

لله (۱) تأکیدی: قیدی است برای تاکید روی وقوع فعل و رفع شک و تردید: نحن نَزَلْنَا الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

لله (۲) نوعی: قیدی است برای بیان نوع و چگونگی وقوع فعل: أكرم الضيوف إكراماً بالغاً

نکات:

(۱) پس از مفعول مطلق نوعی حتماً یک صفة یا مضاف إليه بکار می‌رود.

مثال ۲: اجتهدتُ في سبيل ربِّي اجتهادَ الآملينَ

مثال ۲: إن المتكاسلين خسروا خسارةً (لا تعوضُ)

جمله وصفية

(۲) گاهی فعل جمله حذف می‌شود که در این حالت به مفعول مطلق، «مفعول مطلق برای عامل محذوف» گویند. ← شُكراً لكَ يَا إِلَهِي!

دقت ۱: در این حالت معمولاً جمله به صورت امر و نهی یا دعایی است (حتماً ابتدای جمله می‌آید!) و در بقیه موارد قاعده ندارد؛

مثال ۱: صبراً يا أخی و لا جَزَعاً

مثال ۲: لِمَ لَا تَسْمَعُ كَلَامِي؟ - مَعذَرَةً أُمِّي

دقت ۲: مصادر روبرو، همواره مفعول مطلق هستند: «جِدّاً، أَيْضاً، إِضَافَةً إِلَى، سُبْحَانَ، مَعَاذَ، حَتْمًا، بِنَاءً عَلَى هَذَا، سَمْعًا و طَاعَةً، ...»

مثال: إِضَافَةً إِلَى ذَلِكَ نَحْنُ نَجْتَهِدُ أَيْضاً (علاوه بر آن ما نیز تلاش می‌کنیم).

(۳) کلمه «حَقًّا» اگر معنای «براستی - واقعاً» بدهد (حالت قیدی)، مفعول مطلق برای عامل محذوف است.

مثال ۱: كَانَ كَلَامُهُ حَقًّا (خبر کان: حقیقت) مثال ۲: أَنْتَ وَلَيْتَا حَقًّا (مفعول مطلق: راستی)

(۴) در مفعول مطلق بیانی ممکن است خود مفعول مطلق حذف گردد و صفت آن جانشینش گردد که آن صفت، مفعول مطلق محسوب می‌شود

مثال: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (که در اصل ذکراً کثیراً بوده است).

دقت: ممکن است این نوع مفعول مطلق با حال اشتباه گرفته شود که باید به معنا دقت کرد؛ یعنی اگر قید، مربوط به فعل عبارت بود،

مفعول مطلق و اگر بیانگر حالت اسم بود، حال خواهد بود.

مثال ۱: جاءَ عَلِيُّ خَائِفًا (حال؛ چرا که به حالتِ علی اشاره دارد!)

مثال ۲: أكرمْتُ عَلِيًّا كَبِيرًا (مفعول مطلق چرا که به کیفیت اکرام اشاره دارد!)

روش ترجمه مفعول مطلق:

(* در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی از قیود تأکید مانند: کاملاً، حتماً، بی شک، قطعاً و... استفاده می شود.

مثال: كَلَّمَ اللّٰهُ مُوسَى تَكْلِيماً: بی شک، خداوند با موسی سخن گفت.

(* در ترجمه مفعول مطلق نوعی از قیود بیانی مانند: به نیکی، بسیار، همچون، سخت، مانند،... استفاده می شود.

مثال: فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلاً: به نیکی صبر کن!

دَقْتُ: در اینحالت، از ترجمه، بصورت مفعول، باید پرهیز شود!

مثال: إِعْمَلْ عَمَلًا مَّتَّقِينَ: مانند پرهیزگاران، عمل کن! (درست)

" " " : عمل پرهیزگاران را انجام بده! (نادرست (بصورت مفعول به ترجمه شده است!))

مفعول فیه (ظرف): اسمی است منصوب که نشان دهنده‌ی زمان یا مکان وقوع فعل (قید زمان و مکان فارسی) است.

نکات:

۱) بعضی کلمات همواره در جمله (اعم از فعلیه یا اسمیه) در نقش مفعول فیه ظاهر می شوند مگر اینکه قبل از آنها حرف جرّ بکار رود.

برخی از آنها عبارتند از: هناک، این، متی، إذا، لَمَّا، خلف، وراء، حول، أمام، تحت، فوق، بین، عند، حین، حول، قُرب، بعد، قبل، ...

مثال ۱: ... وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا: (مجور به حرف جرّ) مثال ۲: وَ عِنْدَهُمْ أَمْوَالُ الْمَظْلُومِينَ: (مفعول فیه)

۲) بعضی از ظروف، مبنی هستند که مهمترین آنها عبارتند از: هنا، هناک، این، متی، إذا، لَمَّا

۳) اگر اسمی به مدت زمان وقوع فعل اشاره کند مفعول فیه است.

مثال ۱: عاش نوح النبی^(ع) أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ سَنَةٍ: أَكْثَرَ بیانگر مدت زمان زندگی حضرت نوح^(ع) است.

مثال ۲: إِنِّي أَدْرَسُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ ثَمَانِي سِنَوَاتٍ: ثَمَانِي بیانگر مدت زمان تدریس من می باشد.

۴) بعضی از کلمات علاوه بر نقش مفعول فیه، نقشهای دیگری نیز می‌پذیرند. روش تشخیص در این موارد این است که مفعول فیه،

زمان یا مکان وقوع فعل جمله را نشان می‌دهد. ضمناً اگر مفعول فیه از جمله حذف شود در اعراب جمله خللی ایجاد نمی‌شود.

مثال ۱: إِنِّي أَحَبُّ يَوْمِ الْجُمُعَةِ : (مفعول به)
 مثال ۲: يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَوْمٌ مَبَارَكٌ : (مبتدأ - خبر)

مثال ۳: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ يَوْمٌ : (فاعل)
 مثال ۴: نَحْنُ نُصَلِّي يَوْمَ الْجُمُعَةِ : (مفعول فیه)

مثال ۵: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ : (مفعول فیه)
 مثال ۶: يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ : (مفعول به)

مثال ۷: الْيَوْمَ لِلتَّلَامِيذِ إِمْتِحَانٌ : (مفعول فیه: اگر حذف شود مشکلی ایجاد نمی‌گردد!)

مثال ۸: كُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهْوٌ عِيدٌ : (مبتدا: اگر حذف شود در جمله مشکل ایجاد می‌گردد!)

۱. عین العبارة التي جاء فيها مفعول فیه:

(۱) اللَّهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ خِزْيِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 (۲) إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ

(۳) وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
 (۴) تَوَقَّفَ النَّبِيُّ لِحِظَةِ عِنْدَ الْأَطْفَالِ

۲. ما هو المناسب للفرغ حسب قواعد المفعول المطلق: « إِنَّ الْمُقَاتِلِينَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْإِسْلَامِ _____ عَظِيمًا » ؟

(۱) مُدَافِعَةً (۲) دَفْعًا (۳) دِفَاعًا (۴) مُدَافِعًا

۳. « إِنَّ إِخْوَتِي آمَنُوا بِرَبِّهِمْ إِيْمَانًا لَا يَزُولُ عَنْهُمْ ». تُقَالُ هَذِهِ الْجُمْلَةُ لِمَنْ :

(۱) يَشْكُ فِي إِيمَانِ إِخْوَتِي
 (۲) يَسْأَلُ عَنِ كَيْفِيَّةِ إِيمَانِ إِخْوَانِي

(۳) يَجْهَلُ سَبَبَ إِيمَانِ إِخْوَتِي
 (۴) يَطْلُبُ هَيْئَةَ إِخْوَانِي الْمَوْمِنِينَ

☑ در حل تست اخیر دقت به این نکته ضروری است که از لحاظ مفهوم، مفعول مطلق تاکیدی برطرف کننده شک و تردید در انجام

کار و تمییز برطرف کننده‌ی ابهام از معنای جمله است. همچنین مفعول مطلق نوعی، بیانگر کیفیت و حالت وقوع فعل است ولی حال، بیان

کننده‌ی حالت فاعل یا مفعول در حین وقوع فعل است.

(سراسری - زبان ۹۲)

■ عَيْنُ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱- «علینا أن نحترم كلَّ من يؤدِّي لنا خدمةً حتَّى يستمرَّ هذا العمل الحسن عند النَّاسِ!»:

(۱) باید همه‌ی خدمتگزاران که خدمتی انجام می‌دهند مورد احترام ما واقع شوند تا بین مردم این اعمال خوب رایج شود!

(۲) بر ماست که هر کس را که برای ما خدمتی انجام می‌دهد احترام کنیم تا این عمل نیک نزد مردم استمرار یابد!

(۳) احترام گذاشتن به هر کسی که خدمتی را به ما ارائه می‌دهد واجب است تا این عمل نیک نزد مردم ادامه یابد!

(۴) همه‌ی کسانی را که برای ما خدمتی انجام می‌دهند باید احترام بگذاریم تا نیک‌ترین عمل نزد مردم رایج شود!

۲- «الكتاب هو الَّذي يقدر أن يكون صديقك المخلص و ينجيك من الضلال و يرشدك إلى سبيل الرشاد!»:

(۱) کتاب است که می‌تواند دوست مخلص تو باشد و تو را از گمراهی نجات دهد و به راه هدایت ارشاد کند!

(۲) این کتاب است که می‌تواند همان دوست خوب تو باشد که از گمراهی رهایی‌ات بخشد و به هدایت کشاند!

(۳) کتاب همان کسی است که برای تو دوستی خوب و نجات بخش است و تو را به راه درست هدایت می‌کند!

(۴) این کتاب است که می‌تواند دوستی خالص برایت باشد و تو را از گمراهی نجات بخشد و به راه هدایت افکند!

۳- «كنت أعرف منطقة مخضرة و غنية بالجمال في أقصى نقطة الشمال الشرقي من مدينتنا أفضى فيها بعض الأيام مع الأسرة!»:

(۱) نقطه‌ای سبز و زیبا در دورترین مکان شمال شرقی شهر می‌شناختم که سرشار از زیبایی بود و با خانواده چند

روز تمام آنجا بودم!

(۲) جای زیبا و سبز و با طراوتی را بلد بودم که در شمال شرقی شهرمان قرار داشت و یک روز تمام را با خانواده در

آنجا سپری کردم!

(۳) منطقه‌ای سرسبز و سرشار از زیبایی در دورترین نقطه‌ی شمال شرقی شهرمان می‌شناختم که بعضی روزها را با

خانواده در آنجا می‌گذراندم!

(۴) منطقه سرسبز و غنی و پر از زیبایی وجود داشت که در نقطه‌ای دور دست از شمال شرقی شهرمان بود و چند

روز را با خانواده خود در آن گذراندم!

۴- «إنه معطٍ كريم يعطى إعطاءً كاملاً حتَّى من لا يناديه و لا يسأله شيئاً!»:

(۱) او بزرگواری بخشنده‌ای است که به آنها که نمی‌خوانندش و درخواستی هم از او نمی‌کنند کامل بخشش می‌کند!

(۲) او بخشنده‌ی کریمی است که حتی به کسی که او را نمی‌خواند و چیزی از وی نمی‌خواهد هم بطور کامل می‌بخشد!

(۳) او بخشنده‌ای است که بزرگواران و کامل می‌بخشد حتی به آن‌که او را نمی‌خواند و یا چیزی از او درخواست نمی‌کند!

(۴) او بخشنده و کریم است حتی نسبت به آنان که نه صدایش می‌کنند و نه چیزی از او می‌خواهند هم بخششی کامل دارد!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۵- عین الخطأ:

- ۱) من يستطيع من بيننا أن يفهم النصوص الأدبية؟! چه کسی از بین ما می تواند متون ادبی را بفهمد؟! (۱)
 - ۲) كان رأيه صواباً و الآخرون يستدلون برأيه! نظرش درست بود و دیگران به نظر او استدلال می کردند! (۲)
 - ۳) يشتري الناس أشياء أكثر مما هم بحاجة إليه! مردم بیشتر کالاها را بخاطر نیازشان خریداری می کنند! (۳)
 - ۴) عزمتم على أن أساعده لأنني لا أشاهد تقدماً في عمله! تصمیم گرفتم به او کمک کنم زیرا در کارش پیشرفتی نمی بینم! (۴)
- ۶- عین غیر المناسب فی المفهوم:

- ۱) من قصد الخير كمن فعله: اعلم أنما الأعمال بالنیات! (۱)
 - ۲) أعظم العبادة أجراً أخفاها: بشاشة الوجه خير من سخاء الكف! (۲)
 - ۳) قد ينفع الشيء تحسبه شراً: عسى أن تکرهوا شيئاً و هو خير لكم! (۳)
 - ۴) الأهداف السامية تنادي النفوس الساعية: بقدر الكد تكتسب المعالي! (۴)
- ۷- «سكوت خجالتی ترین حرف در دنیای پر از سر و صدا است!».
- ۱) أخجل من الكلام هو السكوت في الدنيا المملوءة بالضوء! (۱)
 - ۲) هناك سكوت أخجل من الكلام في العالم المملوء بالضوء! (۲)
 - ۳) الصمت في الدنيا و هي مملوءة بالضجيج أخجل الكلام! (۳)
 - ۴) إن الصمت أخجل كلام في الدنيا المملوءة بالضجيج! (۴)
- ۸- «دو دوست من سه کتاب برای مدت چهار روز از کتابخانه‌ی عمومی به امانت گرفتند!».

- ۱) استعارت اثنتان من صديقاتي الكتاب الثالث لزمان أربعة أيام من المكتبة العامة! (۱)
- ۲) الصديقان الإثنان استعار ثلاثة كتاب من المكتبة العامة في الأيام الرابعة! (۲)
- ۳) استعارت زميلتاي الاثنتان ثلاثة كتب من المكتبة العامة لمدة أربعة أيام! (۳)
- ۴) صديقاتي الاثنتان استعارا ثلاث كتب في أربعة أيام من المكتبة العامة! (۴)

۹- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

- ۱) عندما يتوصل الباحثون إلى نتائج في العلوم يسرون. (۱)
- ۲) آمنت زوجة ياسر بالله تعالى، رغم التعذيب، إيماناً راسخاً. (۲)
- ۳) نحن نحاول أن نتلو القرآن تلاوة حسنة كل الأيام. (۳)
- ۴) أقول لتلاميذي دائماً: اعتمدوا على أنفسكم حتماً. (۴)

۱۰- عین المفعول المطلق:

- ۱) تفقه في الأمور مُدركاً كنهها. (۱)
- ۲) لا تُصدّق قول من يكذب و لو صديقاً. (۲)
- ۳) زين نفسك بما يخلقك خلقاً مُزيئاً. (۳)
- ۴) تمعّ بالدنيا و ما فيها تمعّ من يعلم أنّها لا تدوم. (۴)

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۱۱- عین ما لیس فيه تأکید علی وقوع الفعل:

- (۱) خیر الکلام ما قلّ و دلّ، لکنّ الكثيرین الیوم لا یعملون بهذه النصیحة عملاً.
- (۲) فی أثناء اللیل سُمعت أصوات عجیبة تنبعث من الوادی القریب.
- (۳) لا یحزننی شیءٌ سِوَى فراقک الذی لا أتحمّله تحملاً.
- (۴) إن أردت الطمأنينة فحارب الیأس مُحاربة فی حیاتک.

۱۲- عین المفعول المطلق:

- (۱) المبتسمون للحیة لیسوا أسعد حالاً لأنفسهم فقط بل هم أقدر علی العمل كذلك.
- (۲) قطع المسافرون مسافةً بعيدةً بسیّارتهم ثمّ وصلوا إلى مقصدهم نصف اللیل.
- (۳) فی آیّ یوم من آیّام الأسبوع كنتَ تذهب مع زملائک إلى المكتبة العامة؟
- (۴) معاذ الله من وساوس الشیاطین، إنها تُرشد الإنسان إلى السیئات.

۱۳- عین ما لیس فيه المفعول المطلق:

- (۱) قلتُ فی نفسی: حمداً لله علی معنویاتی الحسنة فی الشدائد.
- (۲) اعتذرتُ من المجرّوح الذی أوقعتهُ أنا علی الأرض اعتذاراً.
- (۳) أنا أتناول الطّعام بقدر ما یحتاج إلیه بدنی فأكون سالماً دائماً.
- (۴) یا بُنیّتی، یجب علیک أن تجلسی أمام الکبار جلوس المؤدّبین.

۱۴- عین ما لیس فيه المفعول المطلق:

- (۱) إنه یُشبهه أمه جداً فی خلقه.
- (۲) حمداً لأستاذی علی کلّ أعماله المحمودة.
- (۳) إنه یقفز علی العدو قفزة الأسد.
- (۴) شاهدت احتفالاً عظیماً بمناسبة عشرة الفجر.

۱۵- «..... المعلم لطلّابه الأب الحنون» املأ الفراغ بما یناسب للمفعول المطلق النوعی:

- (۱) ابتسم / تبسّم
- (۲) ابتسمت / ابتسام
- (۳) ابتسم / ابتسامة
- (۴) ابتسم / ابتسامة

۱۶- عین المفعول المطلق للنوع:

- (۱) علینا أن نحقق آمالنا فی بناء المجتمع جميعاً.
- (۲) أخيراً أنشد الشاعر قصائد جميلة أمام الحضار.
- (۳) فتشت عن معلّمین حاذقین لتربية أولادی تفتیشاً.
- (۴) إنهما تُجیبان عن أسئلة المعلم إجابة لا شک فی صحّتها.

۱۷- عین ما یبین کیفیة وقوع الفعل:

- (۱) علینا أن نعبد الله حباً لطاعته.
- (۲) إن أطفالی طابوا خلقاً وسلوكاً.
- (۳) أحاول أن أبعد المعاصی عن نفسی إبعاداً.
- (۴) یرید الله تعالی أن یختبرنا اختباراً كاملاً.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

فصل نهم

مفعولات

۱۸- عین ما لیس فیہ المفعول المطلق:

- (۱) سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا كُلَّ الطَّبِيعَةِ.
- (۲) عَلَيْنَا الشُّكْرُ عَلَى الْمَوَاهِبِ الْإِلَهِيَّةِ فِي حَيَاتِنَا.
- (۳) نَدَعُو اللَّهَ دَعْوَةَ حَتَّى يُوَفِّقَنَا فِي أُمُورِنَا لِكَيْ نَخْدُمَ النَّاسَ. (۴) قُلْتُ لِتَلْمِيزَاتِي: شُكْرًا عَلَى اجْتِهَادِكُنَّ فِي سَبِيلِ النَّجَاحِ.

۱۹- عین المفعول المطلق للنوع:

- (۱) تَشْتَاقُ الْأُمَّ كُلَّ يَوْمٍ زِيَارَةَ أَوْلَادِهَا اشْتِيَاقًا لَا يوصف.
- (۲) يَنْصُرُ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ نَصْرًا إِنْ اتَّحَدُوا جَمِيعًا فِي سَبِيلِهِ.
- (۳) أُصَدِّقُ كَلَامَهَا تَصْدِيقًا لِأَنَّهَا صَادِقَةٌ فِي أَقْوَالِهَا دَائِمًا.
- (۴) إِنْ يَتَسَرَّبَ الْيَأْسُ إِلَى نَفْسِ الْإِنْسَانِ تَسْرِبًا، لَا يَرْضَى رَبَّنَا.

۲۰- «إِنِّي أُجَاهِدُ فِي حَيَاتِي لِأَحْصِلَ عَلَى رِضْوَانِ اللَّهِ». عین الصَّحِيح فِي الْفِرَاقِ لِبَيَانِ نَوْعِ الْفِعْلِ:

- (۱) مَجَاهِدَةٌ الصَّالِحِينَ (۲) جِهَادًا كَثِيرًا (۳) مُجَاهِدًا لَا يَتَعَبُ (۴) اجْتِهَادًا الْآمِلِينَ

۲۱- «هُمْ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُتَوَكِّلِينَ». عین المناسِبِ لِلْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (۱) مَجَاهِدَةٌ (۲) جِهَادًا (۳) مَجَاهِدًا (۴) مَجَاهِدَةٌ

۲۲- عین ما لیس فیہ المفعول المطلق:

- (۱) عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَفِيدَ أَيْضًا مِنْ كُلِّ فُرْصَةٍ لِلتَّعَلُّمِ.
- (۲) عَاشِرُوا النَّاسَ مَعَاشِرَةً، إِنْ مُتُّمْ مَعَهُمْ بَكَوَا عَلَيْكُمْ.
- (۳) سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِبْتِسَامَةَ فِي دِينِنَا عِبَادَةً.
- (۴) إِيَّاكَ أَنْ تَجْلِسَ مَعَ الْيَائِسِينَ وَالْمُتَشَائِمِينَ.

۲۳- عین المفعول المطلق:

- (۱) ذَهَبْنَا إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ بِمُنَاسِبَةِ حَفْلَةِ مِيلَادِ صَدِيقِي وَرَجَعْنَا إِلَى الْبَيْتِ مَسْرُورِينَ.
- (۲) كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا يُوَاجِهُ فِي حَيَاتِهِ الْمَشَاكِلَ يَوْمِيًّا عَلَى اخْتِلَافِ مُسْتَوِيَاتِهَا.
- (۳) شَاهَدْتُ عَلَى شَفَتَيْهِ تَبَسُّمًا لَعَلَّ سَبِيهَ كَانَ نَجَاحَ وَلَدِهِ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.
- (۴) عِنْدَمَا يَدْعُو الْمُؤْمِنُ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يَسْتَجِيبُ دَعَاءَهُ اسْتِجَابَةً.

۲۴- عین ما فیہ تَأْكِيدٌ لِلْفِعْلِ:

- (۱) إِنْ الْمُؤْمِنَاتِ إِذَا يُصَبِّنَ بِمُصِيبَةٍ يَصْبِرْنَ صَبْرًا كَثِيرًا. (۲) إِنْ الْعِلْمُ لَنْ يَضِيحَ عَمْرَ الْإِنْسَانِ تَضْيِيعًا، بَلْ يُفِيدُهُ دَائِمًا.
- (۳) أَنْفَقِي مِنْ أَمْوَالِكَ الْكَثِيرَةِ إِنْفَاقًا يُفِيدُ الْفُقَرَاءَ فِي الْمَجْتَمَعِ. (۴) مَا عَجِبْتُ مِنْ نَجَاحِكَ فِي الدَّرْسِ، لِأَنَّكَ دَرَسْتَ دَرَسَةً جَيِّدَةً.

۲۵- عین العبارة التي لیس فیها المفعول المطلق:

- (۱) يَذْكَرُ الْمُقَاتِلُ الشُّجَاعُ اللَّهَ فِي خِنَادِقِهِ ذَكَرَ الْعَارِفِ. (۲) عَفْوًا يَا أَسْتَاذَتِي! الْيَوْمَ وَصَلْتُ إِلَى الصَّفِّ مُتَأَخِّرَةً.
- (۳) لَنَا مَدْرَسَةٌ وَاسِعَةٌ مَسَاحَتِهَا كَبِيرَةٌ وَجُدْرَانُهَا عَالِيَةٌ جَدًّا. (۴) الْمُسْلِمُونَ يُصَلُّونَ فِي الْمَسَاجِدِ خُضُوعًا لِلوَاحِدِ الْقَهَّارِ.

۲۶- عین ما جاء لرفع الشك عن وقوع الفعل:

- (۱) قَالَ الْمَعْلَمُ لِي: أَنْتَ أَكْثَرُ الطُّلَّابِ نَشَاطًا.
- (۲) يَسْبِحُ لِلَّهِ كُلُّ مَوْجُودٍ لَيْلًا وَنَهَارًا.
- (۳) عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَمَعَ إِلَى الْقُرْآنِ خَاشِعِينَ.
- (۴) تَقَدَّمَ الْمُسْلِمُونَ فِي الْعُلُومِ الْمُتَعَدِّدَةِ تَقَدُّمًا.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل نهم

مفعولات

۲۷- عین العبارة التي جاء فيها ظرف المكان:

- (۱) المقاومة أمام الأعداء أمر واجب على كل أبناء الشعب.
- (۲) تلك الليلة بعد أن نام أفراد أسرتي كنت أنا أفكر عن كلام أبي.
- (۳) إن يَنه الإنسان المؤمن الآخرين عن المنكر، فعليه أن لا يقترب منه.
- (۴) إن كثيراً من الناس في يوم النزهة يذهبون إلى خارج المدينة ليستريحوا قليلاً.

۲۸- عین ما ليس فيه المفعول فيه للزمان:

- (۱) صباح يوم من الأيام وقرتُ لأسرتي الطعام الذي قبل أن يستيقظوا.
- (۲) سيأتى صاحب البيت الآن لطلب إجارته و لكنني لا أستطيع دفعها.
- (۳) قرأت جزأين إثنين من القرآن دون خطأ عند أستاذي الكريم فشجعتني.
- (۴) عند وفاة جدّي الحنون كان عمري أكثر من ثلاث سنوات مع هذا لن أنساه.

۲۹- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) أنتم لا تُضيعون أياماً تدرسون فيها، بل تنتفعون بها.
- (۲) تُهاجر العصفير الجميلة إلى البلاد الأخرى قبل فصل الشتاء.
- (۳) يستعدّ المسلمون لدفع زكاة الفطر ليلة عيد الفطر.
- (۴) اجعل واجباتك المدرسية بعد كتابتها و مطالعتها تحت المنضدة.

۳۰- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) لا ينقص العلم بالإنفاق أبداً، أيها العالم!
- (۲) بعد أن سمعتُ كلامك تعجبتُ منه كثيراً.
- (۳) تعلّمتُ العربية لمدة أربع سنوات في المدرسة.
- (۴) فاز هذا الفريق في المسابقة الأسبوع الماضي.

۳۱- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) اليوم أكملت لكم دينكم.
- (۲) إذا جاءت الحسنة تذهب السيئات.
- (۳) أينما تذهب تجد النصر للحق.
- (۴) اليوم يوم يَرْزقنا الله فيه نعماً كثيرة.

۳۲- عین كلمة «يوم» في غير إعراب النصب:

- (۱) إن عدد المشاركين اليوم في السباق اثناعشر فريقاً.
- (۲) أصبحت حالي جيدةً نهار اليوم الذي شاهدتُ صديقي.
- (۳) قلتُ لنفسي اليوم واجب عليّ أن أذهب لزيارة المرضى.
- (۴) المعلم يتحدث مع تلامذته يوم الخميس حول الامتحانات.

۳۳- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) عندنا امتحان صعب جداً يوم الخميس.
- (۲) لكل عام إثناعشر شهراً و في كل أسبوع سبعة أيام.
- (۳) ليالي الشتاء نستمع إلى ذكريات أبي الحنون.
- (۴) صباح يوم الجمعة كنا قد ذهبنا إلى بيت جدتي.

۳۴- عین المفعول فيه منصوباً:

- (۱) توجه الصياد إلى البحر في الصباح الباكر.
- (۲) لبت أيام الصبا تعود لأنها كانت رائعة كثيراً.
- (۳) علينا أن لا نُضيّع من عمرنا لحظةً لأنها لن تعود.
- (۴) في ليلة مطرة سألتني طفلي: أمّا! أين الشمس؟

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۳۵- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) إن في الشدائد سرّاً لأنعمه دائماً.
(۲) بيني وبينكم مودة قديمة فأجيبوا دعوتي للضيافة.
(۳) اعلم أن الله لا يدعنا لحظة واحدة.
(۴) شاهدت في جبهات القتال لحظة وداع المجاهدين.

۳۶- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) المؤمنات الصالحات يشكرن ربهن دائماً.
(۲) متى ينتهي عملك و تذهب الى المكتبة؟
(۳) حانت أيام الامتحانات و نحن لم نستعد لها.
(۴) إذا شئت أن تصلّي فتوضاً أولاً.
۳۷- « بعد أن فتشت زمناً طويلاً وجدتُ صديقتي القديمة في حفلة التكريم اليوم الماضي ». كم ظرفاً في العبارة؟

- (۱) واحد (۲) اثنان (۳) ثلاثة (۴) أربعة

۳۸- عین «بعيداً» مفعولاً فيه:

- (۱) إرم ثوب الجهل بعيداً تنجح في حياتك.
(۲) صرتُ بعيداً عن الظلم.
(۳) تنجح في الحياة مادمت بعيداً عن الكذب.
(۴) يحسب نفسه بعيداً عن الذنب.

۳۹- عین المفعول فيه منصوباً:

- (۱) أذهب مع أسرتي إلى المسجد الذي يقع قرب بيتنا.
(۲) اقترب يوم العيد و هيأنا أنفسنا لوروده.
(۳) إن ضاق لك رزقُ اليوم فعليك أن تصبري إلى غد.
(۴) أنا و صديقتي ندرس في المدرسة جميعاً في بعض الأحيان.

۴۰- عین المفعول فيه:

- (۱) أنفقتُ أموالاً كثيرة في شهر رمضان على المساكين.
(۲) كنا نتجول في الغابة فشاهدنا بركة تجري من تحتها المياه.
(۳) تذكّرتُ أيام فوزنا في جبهات القتال على الأعداء.
(۴) أنا مسرور اليوم لذهابنا إلى سفرة عائلية إلى خارج المدينة.

۴۱- عین المفعول فيه منصوباً:

- (۱) منذ الصباح الباكر تزدهم الشوارع بالسيارات و الناس،
(۲) لهذا نستيقظ مبكرين و نحضر أنفسنا ثم تناول فطورنا.
(۳) نرى أن التلاميذ يجتمعون أمام باب المدرسة حتى يفتحه الخادم،
(۴) فلا يفتح باب المدرسة إلا في الساعة السابعة و النصف فيدخل التلاميذ.

۴۲- عین المفعول فيه منصوباً:

- (۱) لا تعود أيام الشباب للإنسان فيجب عليه أن يغتنمها.
(۲) على القاضي أن يحكم بين الناس على أساس الأوامر الإلهية.
(۳) اقتربت أيام الامتحانات فلا بد أن نحاول كثيراً حتى ننجح فيها.
(۴) انتخبْتُ من بين الفروع الجامعية هذا الفرع حتى أستمر في دراستي.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۴۳- عین ما فيه الظرف أكثر:

- (۱) جعل أخى حذاءه هناك خلف باب غرفتى. (۲) اليوم تذهبُ أُمى إلى بيت جدتى و ستبقى هناك ساعتين.
(۳) سلّمتُ بين الطريق على رجل كان قد وقف أمام السيّارة. (۴) سأسافر غداً إلى مدينتى صباحاً و سأبقى هناك مدة قليلة.

۴۴- عین «عند» ظرفاً للزمان:

- (۱) عندى أسرة تُرشدنى إلى الصداقة. (۲) لا تجد هذا الكتاب إلا عند المكتبة العامّة.
(۳) كان عندنا صديقٌ كاذبٌ نجتنبه دائماً. (۴) راقب نفسك عند المعصية؛ فإن الله يراها.
۴۵- « لا أرفع صوتى فوق صوت أُمى و أتذكر يوماً أقسمتُ فيه لحظةً بأننى سأحترمها دائماً». كم من المفعول فيه فى العبارة؟

(۱) ثلاثة (۲) أربعة (۳) خمسة (۴) اثنان

۴۶- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) جاؤوا أباهم عشاءً باكين. (۲) يا طالبة! لا تنسى يوم الامتحان حين ترجعين.
(۳) كان الرسول (ص) دائم التأكيد على العمل بالوعد. (۴) يجتمع الطلاب لاستماع درس القرآن خلال الصيف.

۴۷- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) رأيتُه مُتجولاً فى السوق و هو لم يشتتر شيئاً. (۲) هناك قرية فى أصفهان أذهب إليها دائماً.
(۳) تجمّع الموظفون حوله لما عرفوا أنه رئيسهم. (۴) كنت جالسةً عند صديقتى فدخلت علينا صديقة أخرى.

۴۸- عین المفعول فيه:

- (۱) إن يشأ الله يملأ للناس كل أيامهم بالفرح و السرور. (۲) فى الأيام الماطرة تُزین السماء و الأرض و يتمتع الناس بهما.
(۳) فى وراء هذه المشاكل التى شملتک سيجىء الفتح. (۴) كانت أخته قد جلست قربه و هو يسألها بعض ما لم يفهمه.

۴۹- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) قضيتُ الليل و قد كنتُ تعباً من الأعمال اليومية. (۲) على الإنسان أن يدرك الحقائق حوله و عند علماء عصره.
(۳) إذا قصدت يوماً أن تبدأ عملاً فيجب أن تتوكّل على الله. (۴) أرجو أن تكون أيامكم بعد هذا مملوءة بالنجاح.

۵۰- عین علامة إعراب المفعول فيه محلّية:

- (۱) ساعدى صديقتك قبل أن تتركك. (۲) من لم يَخْتَفِ لسانه وراء قلبه فهو الجاهل.
(۳) أكبر عدوك لسانك إذا لم يكن فى اختيارك. (۴) أطلب العلم و أتحمّل مصائبه و لستُ نادماً أبداً.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

(سراسری - زبان ۹۲)

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱-۹) بما يناسب النَّصَّ:

يشهد العالم مع مرور كلِّ دقيقة اختراعاً جديداً ما كُنَّا نَصَوِّره أبدأً! لم يكن أحدٌ منا يظنُّ أنَّ جهازَ الكمبيوتر سيتحوَّل من وسيلة لجمع المعلومات إلى آلة تشعر بالعواطف! فنحن حين غضبنا أو شعرنا بالقلق و الاضطراب، هذا الجهاز يقدر أن ينشر لنا ما نحبه لإزالة غضبنا أو قلقنا و ينصحنا أيضاً باتخاذ المواقف الملائمة! و من المحاسن الأخرى لهذا الجهاز أنَّ له إمكانيات نستطيع أن نستفيد منها في بعض المجالات خاصة في مجال التعليم؛ فعلى سبيل المثال المعلم يدرِّس عن طريق هذا الجهاز، و التلاميذ في بيوتهم يتابعونه و يتلقون الواجبات، و المعلم يقدر أن يشرف على كيفة عملهم!

۱- عيِّن الصحيح:

- (۱) لا يقدر الكمبيوتر أن يقوم بمهمّة التعليم!
(۲) كان الكمبيوتر في البداية وسيلة لجمع المعلومات!
(۳) لا إمكانيّة لاستجابة الكمبيوتر بأحاسيس مستخدميه!
(۴) حين اختراع الكمبيوتر كان الناس يعلمون أنه يصبح كصديق!
- ۲- عيِّن المناسب للفراغ: ربّما في المستقبل نشاهد
- (۱) أنَّ المدرسة يتغيّر شكلها و تعريفها!
(۲) أنَّ المدارس تتعطّل و الكمبيوتر يأتي بدلها!
(۳) الكمبيوترات تدرِّس بدل المعلم، فلا نحتاج إليه!
(۴) تغييراً في منزلة المعلم و التلميذ، فترى تديلاً في مكانتهما!
- ۳- عيِّن الخطأ:

- (۱) من المحتمل أن يختار الإنسان فيما بعد الكمبيوتر صديقاً بدل إنسان آخر!
(۲) تخيلات الإنسان ربّما تتحقّق؛ فهذه الرؤيا يمكن أن تصبح اليوم أمراً واقعياً!
(۳) ربّما يستخدم الكمبيوتر في المستقبل كقلم لا يرتكب الأخطاء الإملائية!
(۴) لا يقدر المعلم أن يشرف على عمل المستخدم عن طريق الكمبيوتر!

۴- كيف ترون مستقبل العالم؟ عين الخطأ للجواب:

- (۱) الارتباطات بين الناس تقل!
(۲) الإنسان يصبح وحيداً و يشعر بالغرابة!
(۳) قطار الاختراعات يتوقّف!
(۴) في بعض المجالات يشعر الإنسان براحة!
- عيِّن الصحيح في التشكيل (۵و۶):

۵- «لم يكن أحدٌ منا يظنُّ أنَّ جهازَ الكمبيوتر سيتحوَّل من وسيلة لجمع المعلومات ...»:

- (۱) يَكُنْ - أَحَدٌ - يَظُنُّ
(۲) جِهَازٌ - يَتَحَوَّلُ - وَسَيَلَةٌ
(۳) وَسَيَلَةٌ - لَجَمَعَ - المَعْلُومَاتِ
(۴) أَحَدٌ - جِهَازٌ - يَتَحَوَّلُ

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۶- «المعلم يدرس عن طريق هذا الجهاز، و التلاميذ في بيوتهم يتابعونه!»:

- (۱) الجهاز - التلاميذ - بيوتهم
 (۲) يُدرّس - طريق - يتابعون
 (۳) طريق - الجهاز - التلاميذ
 (۴) المعلم - يدرّس - بيوت

عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۷-۹):

۷- «يتابعون»:

- (۱) فعل مضارع - صحيح - لازم - مبني للمجهول / مع فاعله جملة فعلية و خبر و مرفوع محلاً
 (۲) للغائبين - معتل و أجوف - مبني للمعلوم / فاعله ضمير الواو البارز و الجملة فعلية
 (۳) مزيد ثلاثي من باب تفاعل - متعدي - معرب / فعل و فاعله ضمير الواو البارز
 (۴) مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب

۸- «يُشرف»:

- (۱) فعل - للغائب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - معرب / فعل منصوب بحرف «أن»
 (۲) مجرد ثلاثي - متعدي - معرب / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر، و الجملة فعلية
 (۳) فعل مضارع - مزيد ثلاثي - لازم - مبني / فعل منصوب، و فاعله الضمير المستتر
 (۴) مضارع - صحيح - لازم - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر

۹- «المواقف»:

- (۱) اسم - معرفّ بأل - معرب - ممنوع من الصرف / مضاف إليه و مجرور
 (۲) جمع تكسير (مفردة: موقف، مذکر) - معرب - منصرف / مضاف إليه و مجرور
 (۳) جمع مكسر (مفردة: وقوف) - مشتق و اسم مكان - معرفّ بأل / مفعول به و منصوب
 (۴) مشتق و اسم مكان (مصدره: وقوف) - ممنوع من الصرف / مضاف؛ و المضاف إليه: «الملائمة»

۱۰- عين ما فيه المفعول المطلق:

- (۱) لقمة تناولت ثم خرجت سريعاً.
 (۲) اجتناباً عن السيئات، يا ابنتي العزيزة!
 (۳) جالساً تكلمت ثم قمت و ذهبت.
 (۴) مبتسماً تكلمت مع زميلتي حتى تعود.

۱۱- عين ما ليس فيه بيان عن الفعل:

- (۱) سبّح ربك كثيراً قبل أن تطلع الشمس الجميلة.
 (۲) ربّيت تلميذاتي ليلاً و نهاراً مستعينةً بالله.
 (۳) أكمل الله لنا ديننا إكمالاً حقيقياً برسولنا.
 (۴) إلهنا من خلقنا و خلق الظّاهرات خِلقَةً حسنة.

نکات اضافی در تستها:

.....

۱۲- عین المفعول المطلق:

- (۱) أَحْبَبْتُ كَلَامَ مَعْلَمِي لِأَنَّهُ كَانَ كَلَامًا نَافِعًا دَائِمًا. (۲) يُطَالِبُ هَذَا الْمَجَاهِدَ حَقًّا قَدْ سَلِبَهُ الظَّالِمُونَ.
(۳) مَنْ يَصْبِرُ فِي الشَّدَائِدِ يَجِدُ ثَمْرَتَهُ فِي حَيَاتِهِ حَقًّا. (۴) نَدَعُو اللَّهَ أَنْ يَهْبِنَا صَبْرًا جَمِيلًا عِنْدَ الْمَصَائِبِ.

۱۳- عین ما فيه المفعول المطلق أكثر:

- (۱) عَلَيْكَ أَنْ تَخْتَبِرَ مَرَارَةَ الْمَشَاكِلِ اخْتِبَارًا كَثِيرًا كَى تَذُوقَ حَلَاوَةَ النِّجَاحِ جَدًّا.
(۲) خَيْرُ عَمَلٍ تَعْمَلُهُ هُوَ مَا يَدُومُ وَإِنْ كَانَ قَلِيلًا، فَإِنَّهُ أَبْقَى أَثْرًا.
(۳) حَاسِبِ النَّاسِ حِسَابَ مَنْ يُدَارِيهِمْ فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ حَقًّا.
(۴) اتَّبِعْ مَا يُعْجِبُكَ وَلَا تُعَسِّرْ عَلَى نَفْسِكَ تَعْسِيرًا.

۱۴- عین ما فيه اهتمام و عناية على وقوع الفعل فقط:

- (۱) مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ وَ رَبَّهُ مَعْرِفَةً، لَا يَعْتَمِدُ بِمَا عِنْدَهُ عَارِيَةً.
(۲) اتَّخِذْ عِزْمًا رَاسِخًا وَ اعْلَمْ أَنَّ مَنْ أَرَادَ وَ سَعَى، نَجَا مِنَ الْفِتْنَةِ.
(۳) إِنَّ الَّذِي خَلَقَ خَلْقًا عَظِيمًا، يَفْتَنُهُم بِاللَّيَالِي وَ الْمَصَائِبِ حَتَّى يَعْرِفُوا أَنْفُسَهُمْ.
(۴) لَا يَغْفَلُ الْخَالِقُ عَنِ إِطْعَامِ الْمَخْلُوقِ، وَإِنَّمَا هُوَ الَّذِي يَغْفَلُ عَنِ الْخَالِقِ غَفْلَةً شَدِيدَةً.

۱۵- عین ما ليس فيه تأكيد للفعل:

- (۱) تَلَا الْقَارِئُ الْقُرْآنَ تَلَاوَةً حَسَنَةً. (۲) تَدُورُ عَقْرِبُ الدَّقَائِقِ دَوْرَةً دَائِمًا.
(۳) تَحَسَّنْتَ حَالَ أُمِّي صَبَاحَ الْيَوْمِ تَحَسُّنًا. (۴) ائْتَعَدَ عَنِ الْمَعَاصِي ائْتِعَادًا خَائِفًا مِنَ الْعِقَابِ.

۱۶- عین المفعول المطلق التأكيدى:

- (۱) عَلَيْنَا أَنْ نَحْتَرِمَ الْأَوْلَادَ احْتِرَامًا يَأْخُذُونَ مِنْهُ دَرَسًا. (۲) تَكَلَّمْتُ مَعَ طَالِبَائِي حَوْلَ النَّصِّ تَكَلِّمًا أَلَّا تَتَذَكَّرِينَ ذَلِكَ.
(۳) أَحْسِنِ إِحْسَانَ مَنْ يَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ يُجَازِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۴) حَاسِبِ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبَ حَسَابًا تَخَافُ مِنْهُ عَذَابًا.

۱۷- عین العبارة التي فيها اسم يدل على مكان وقوع الفعل:

- (۱) تَجْعَلُ الطَّيُورُ السَّمَاءَ رَائِعَةً عِنْدَ طَيْرَانِهَا فِي الْغُرُوبِ. (۲) أَجْلَسْتُ الْوَالِدَةَ بِنْتِهَا الصَّغِيرَةَ عِنْدَهَا حَتَّى تَحْكِيَ لَهَا حِكَايَةً.
(۳) إِنَّ صَدِيقَتِي إِذَا تَكَلَّمْتُ مَعَهَا عَنِ مَشَاكِلِي تَهْتَمُّ بِهَا. (۴) قَلْتُ لِأُمِّي: مَتَى نَسْتَطِيعُ أَنْ نَشَاهِدَ قَوْسَ قَرْحٍ؟

۱۸- عین العبارة التي ليس فيها المفعول فيه:

- (۱) مَنْ يَأْكُلُ التَّفَاحَ فِي كُلِّ يَوْمٍ تَرْجِعُ الطَّاقَةُ إِلَى جِسْمِهِ سَرِيعًا.
(۲) مَتَى تَنْشُرُ النَّمْلَةُ حُبُوبًا كَانَتْ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ تَحْتَ ضَوْءِ الشَّمْسِ؟
(۳) أَتَعْلَمُ أَنَّ ضَوْءَ الشَّمْسِ يَصِلُ إِلَيْنَا بَعْدَ ثَمَانِي دَقَائِقٍ عَلَى رِغْمِ بُعْدِ مَسَافَتِهَا؟
(۴) الْيَوْمَ يُشَاهِدُ النَّاسُ فِي الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ كَوَكْبًا لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ فِي سَمَاءِ مَدِينَتِهِمْ.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

فصل نهم

مفعولات

۱۹- عین المفعول فيه:

- (۱) اليوم شاهدتُ ذا حاجة يطلب مني المساعدة.
 (۲) هذا اليوم الذي تعيش فيه فرصة لك.
 (۳) إنَّ الأيام تشغلنا بأعمال كثيرة، بعضها لا نفيدها.
 (۴) نحن لا ننسى أيام الظلم على المظلومين في بلدنا.

۲۰- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) لقد طُرق البابُ ساعات و لكن لم يفتحه أحد، لأنَّ البيت كان فارغاً و الأسرة كلها قد سافرت.
 (۲) إن أردت أن تصل إلى النَّجاح الكبير، فعليك أن تُخصَّص ساعات كثيرة للجدِّ و العمل.
 (۳) اليوم أثبتت الأبحاث العلميَّة أنَّ الرياضة تلعب دوراً مهمّاً في صحَّة الجسم و الروح.
 (۴) كنتُ أتصوّرُ أيام شبابي أنني لو كُبرت تكثُر أوقات فراغتي للمطالعة.

۲۱- ما هو المناسب للفراغ حسب قواعد المفعول المطلق في العبارة التالية: « هذا الطالب يُناجِي رَبَّهُ ——— ؟ »

- (۱) خائفاً من رَبِّهِ (۲) مُناجاةً العاشقين (۳) مُناجياً عاشقاً (۴) النَّجوى الخائفين

۲۲- ميّز الخطأ لإيجاد أسلوب المفعول المطلق: « المُجاهدون ——— الاعداء ——— »

- (۱) يُقتلون , مُقاتلاً (۲) يُقاتلون , مُقاتلةً (۳) يُقاتلون , قِتالاً (۴) يُقتلون , قِتالاً

۲۳- ميّز غير الصحيح للفراغ: « يجتهدُ التلاميذُ في دروسهم ——— »

- (۱) إجتهاذاً الآملين (۲) اجتهاداً (۳) جهاداً بالغا (۴) حقاً

۲۴- ما هو الصحيح للفراغ لإيجاد أسلوب المفعول المطلق: « هؤلاء المُقاتلون ثَبَتُوا ——— البُروج أمام الاعداء ؟ »

- (۱) إثبات (۲) مُثبت (۳) ثبوت (۴) مُثابته

۲۵- ميّز كلمة « أكثر » منصوبةً في العبارات التالية:

- (۱) إشتراك في الحج أكثر من مليون مُسلم
 (۲) عاش النبي أكثر من ستين عاماً
 (۳) في مدرستنا أكثر من إثنين و تسعين طالبةً
 (۴) فوق الشجرة أكثر من عشرين طائراً

۲۶- عین كلمة « يوم » ليست منصوبة:

- (۱) تحسنتُ حالي صباح يوم رأيته.
 (۲) إنَّ عدد الغائبين اليوم في صفنا اثناعشر.
 (۳) اشتاقت نفسي اليوم إلى زيارة أصدقائي كثيراً.
 (۴) الوالي يُشاور أصحابه يوم الأربعاء من كل أسبوع.

۲۷- عین ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) سيبقى المؤمنون داعين للصَّلاح أبداً.
 (۲) أصلى كل ليلة خلف الإمام في المسجد.
 (۳) يكون الإنسان الملتزم بعيداً عن الخمول و التَّكاسل.
 (۴) عندما تدخل الملائكة في أرض تخرج الشياطين منها.

۲۸- ما هو أنواع المفعول على الترتيب في الجملة: « شكراً لله الذي أَنْعَمَنَا نِعْماً وافرَةً ؟ »

- (۱) مطلق، به، به (۲) به، به، مطلق (۳) مطلق، به، مطلق (۴) مطلق، مطلق، به

۲۹- ما هو الخطأ حول كلمة « سُبْحان » في العبارة التالية: « فَسُبْحانَ الله الَّذِي خَلَقَ كُلَّ هذا الجَمالِ ؟ »

- (۱) نكرة (۲) معرب (۳) مفعول مطلق (۴) جامد مصدرى

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۳۰- آیا کلمة تَكْمِلُ الفراغ في عبارة: « قَدْ نَصَرَنَا اللهُ — عَظِيماً » ؟

- (۱) ناصراً (۲) نُصْرَةً (۳) نَصْرًا (۴) إِنْتِصَارًا

۳۱- مَيِّزُ العبارة التي جاء فيها المفعول فيه:

- (۱) أَتَذَكَّرُ الأسبوع الماضي؟ (۲) أمضيتُ أسبوعين في السفر. (۳) الجمعة أفضل يوم الأسبوع. (۴) الأسبوع القادم لنا إمتحان.

۳۲- أيّ عبارة ليس فيها ظرف الزمان؟

- (۱) تَدورُ الارض دورةً واحدة كل يوم
(۲) رأيتُ صديقي عند الظَّهر في المدرسة
(۳) قَضَيْتُ نَهَارِي في ساحة المدرسة
(۴) بدأتُ هذا اليوم المُحادثات الرّسميّة

۳۳- مَيِّزُ العبارة التي جاء فيها المفعول فيه:

- (۱) قال لِمَنْ حوله ألا تَسْتَمعونَ (۲) هذه اللَّيلة تكون ليلة القَدَر (۳) لم أره طول حياته (۴) لا ترفع صوتك فوق صوته

۳۴- مَيِّزُ العبارة التي جاء فيها < المفعول المطلق > و < المفعول فيه > معاً:

- (۱) عاشَ نوحَ النَّبِيِّ (ع) أكثر من ألف سنة
(۲) سلّمَ علي مولانا الحسين (ع) تسليمًا كل يوم
(۳) صَبْرًا على العُسر فإنَّ مع العُسر يُسرًا
(۴) سُبْحانَ الَّذِي أُسْرِيَ بعِبدِه ليلاً مِنَ المسجد الحرام
۳۵- مَيِّزُ العبارة التي جاء فيها المفعول المطلق:

- (۱) أخيراً كان يَسْجُدُ و يَقولُ عَفْواً يا ربِّاه
(۲) أنتَ أخى حقاً لأنك ما هَجَرْتَنِي في الشِّدة
(۳) هي تُعَلِّمُ تلميذاتها المجدّات تعليماً جيّداً
(۴) أتريدُ أن تُعَلِّمَ كيفَ يكون وعد ربِّنا حقاً؟

۳۶- مَيِّزُ الجواب الَّذي جاء فيه ظرف المكان:

- (۱) أَحسَنَ الجود العفو بعد المقدرة
(۲) سلَّ عن الجار قبل الدار
(۳) لا ترفعُ صوتك فوق صوت المعلم
(۴) و ما تدرى نفسٌ ماذا تكسبُ غداً

۳۷- عَيِّنُ العبارة التي تعيّن كيفية وقوع الفعل:

- (۱) آمَنْتُ برَبِّي إيماناً لا يزول عني
(۲) لا تَكِلْنِي إلى نفسي طرفة عين أبداً
(۳) الموت آتٍ لا شكَّ فيه يا أخى
(۴) كَلَّمَ اللهُ موسى (ع) تكليماً

۳۸- « إِعْمَلْ لآخِرَتِكَ عَمَلٌ مَن يَظُنُّ أن يموتَ غداً » : نقول هذه العبارة لِمَنْ _____ .

- (۱) لا يَعْلَمُ عاقبة أعماله (۲) يَطلبُ نوع العمل (۳) يَجْهَلُ زمن وقوع الموت (۴) يَسْأَلُ عن سبب وقوع الفعل

۳۹- ما هو الخِطَأُ عن المفعول المطلق؟

- (۱) إِجْتِهَدُ في أعمالك اجتهاداً شديداً
(۲) تَعَلَّمَ الدَّرْسَ تعليماً جيّداً
(۳) جَاهِدُوا في سبيل الله جهاداً
(۴) كُنْتُ أَعْرِفُهُ مَعْرِفَةً عميقةً

۴۰- عَيِّنُ ما ليس فيه المفعول فيه:

- (۱) ما أَبْصَرَ الشَّبَابُ و أسمعهم أيامَ الجهاد ضدَّ العدو،
(۲) فرأوا اليوم نتيجة جهادهم الطويل في سبيل الله،
(۳) و سُرُّوا أيّاماً طويلة بسبب الوصول إلى أهدافهم السّامية، (۴) لذلك نَحَبُّ كلنا هذا اليوم و نحتفل فيه مسرورين.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

حال: در زبان فارسی معمولاً معادل قید حالت است که حالت یک اسم را در حین وقوع یک فعل نشان می دهد.

حال دارای چند خصوصیت است که مهمترین آنها عبارتند از مشتق بودن (اسم فاعل، مفعول یا صفت مشبیه)، نکره بودن و منصوب بودن!

نکات:

(۱) در تشخیص حال از خبر یا مفعول باید دقت داشت که اگر حال از جمله حذف گردد در ارکان جمله مشکلی ایجاد نمی گردد برخلاف

خبر و مفعول! همچنین در جمله‌ی اسمیه حال به کار نمی رود. (اینها همان تفاوت قید و مسند در زبان فارسی می باشد!)

مثال ۱: رأیتُ علیاً نشیطاً (حال مفرد)

مثال ۲: لِمَاذَا لَا تَكُونُ نشیطاً? (خبر فعل ناقص)

مثال ۳: رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمیناً (مفعول به ثان)

(۲) صاحب حال همواره معرفه می باشد. (می تواند بصورت ضمیر مستتر نیز باشد. ← رأی فاطمةَ عاملاً: ذوالحال، هو مستتر)

(۳) حال فقط از نظر جنس و تعداد با ذوالحال مطابقت می کند و همیشه پس از آن بکار می رود. ← جاء سعیدٌ فرحاً

دقت: با توجه به نکات فوق حال را می توان به راحتی از صفت تشخیص داد چرا که صفت با موصوفش از جهت معرفه نکره همواره

مطابقت دارد ولی حال با صاحب حال همواره از این جهت مخالف هم هستند.

مثال ۱: رأیتُ الرَّجُلَ العَطْشَانَ: صفت و موصوف (حال باید نکره باشد)

مثال ۲: رأیتُ رجلاً عَطْشَانَ: صفت و موصوف (صاحب حال باید معرفه باشد)

مثال ۳: رأیتُ الرَّجُلَ عَطْشَانَ: حال و صاحب حال

- باید توجه داشت که حال هیچگاه ال نمی گیرد!

(۴) گاهی برای تشخیص صاحب حال فقط باید به معنای عبارت دقت نمود و از روی ترجمه فهمید که حالت کدام اسم بیان می‌شود.

مثال: أَطْعَمَتِ الْأُمَّ الطِّفْلَةَ مُشْفِقَةً عَلَيْهَا: با توجه به معنای عبارت دلسوزانه حالت مادر است نه کودک پس صاحب حال الأم است.

(۵) هرگاه چند اسم یا ضمیر به یک چیز اشاره داشته باشند اسمی که به حال نزدیکتر است صاحب حال محسوب می‌گردد.

مثال: الطَّلَابُ يَسْتَمْعُونَ إِلَيْهِ صَامِتِينَ: در این مثال ضمیر او و الطلاب در واقع یکی هستند پس ضمیر او صاحب حال می‌باشد.

* البته باید دقت داشت که در تستهای سراسری، صاحب حال همان فاعل یا مفعول عبارت است و این پیچیدگی را ندارد!

(۶) مضاف‌الیه صاحب حال نمی‌شود مگر در حالت ضرورت؛ به این معنا که اگر هیچ اسمی وجود نداشت مضاف‌الیه نیز می‌تواند ذوالحال شود.

مثال ۱: يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي عَمَلِهِ آمِلًا: در این مثال ضمیر ه و الطالب در واقع یکی هستند ولی چون ه مضاف‌الیه است نمی‌تواند

صاحب حال واقع شود و در نتیجه الطالب صاحب حال محسوب می‌گردد.

مثال ۲: جَرَّتْ دُمُوعُ الْفَرْحِ عَلَى وَجْهِهَا مُهَلَّلَةً: مهللة حالت ضمیرها (مضاف‌الیه) را نشان می‌دهد و در واقع اسم دیگری وجود ندارد!

۱. عَيَّنَ الْعِبَارَةُ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْحَالِ:

(۱) نَعْتَصَمُ بِحَبْلِ اللَّهِ خَاضِعَاتٍ (۲) تَلَعَبُ الْأَخْتَانِ مَسْرُورِينَ (۳) يَعِيشُ إِخْوَانُكَ قَانِعَانِ (۴) تَسْتَمِعِينَ إِلَى الْقُرْآنِ صَامِتِينَ

۲. مَيَّزَ الْعِبَارَةُ الَّتِي تَعَيَّنَ هَيْئَةَ الْفَاعِلِ:

(۱) لَا تَحْسَبْهَا ضَعِيفَةً أَبَدًا (۲) تُصْبِحُ أَخْوَاتُكَ نَاجِحَاتٍ (۳) جَاءَ أَبُو تَلْمِيزٍ غَضْبَانَ (۴) الْأَنْبِيَاءُ قَدْ أَتَوْا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَشِّرِينَ

۳. عَيَّنَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْحَالِ: « كُنْتُ أَرَى أَخْوَيْكَ _____ »

(۱) يَقِينًا (۲) ضَاحِكَانَ (۳) ضَاحِكِينَ (۴) كَلِّمُ صَحِيحًا

■ عَيْنُ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۸-۱):

۱- «لم يكن أحد يظن أنني أكون صبوراً هكذا أمام متاعب الدنيا!»:

- ۱) کسی تصور نمی‌کند که من تا این حد در برابر مشکلات زندگی مقاوم باشم!
 - ۲) کسی گمان نمی‌کرد که من در مقابل سختی‌های دنیا این چنین صبور باشم!
 - ۳) هیچ‌کس تصور نمی‌کرد که من این همه در برابر پیچیدگی‌های زندگی مقاومت کنم!
 - ۴) هیچ‌کس گمان نکرد که من این چنین در مقابل سختی و مشقت دنیا شکیبایی به خرج دهم!
- ۲- «كونوا من الصّالحين و ادعوا النَّاسَ إِلَى عَمَلِكُمُ الصّالِحِ حَتَّى تَصْبَحُوا أَسْوَةَ لَهْمٍ!»:

- ۱) از صالحان باشید و مردم را به عمل صالحتان فراخوانید تا اسوه‌ای برای آنان بگردید!
 - ۲) شما نیکوکار بودید و مردم را به عمل نیکنان دعوت کردید بنابراین اسوه‌ی آنان می‌باشید!
 - ۳) از مردم صالح باشید و مردم را با عمل صالح خود به نیکی فراخوانید تا اسوه‌ی آنان گردید!
 - ۴) صالح و درستکار بودن و دعوت کردن مردم به عمل نیکو سبب می‌شود تا اسوه‌ی آنها باشید!
- ۳- «ذهب هذا الضيف إلى بيت صديقه من غير إعلان مُسبق، مع هذا أكرمه بحنان!»:

- ۱) مهمان بدون اینکه به دوستش خبر دهد رهسپار خانه‌اش شد، با این همه دوستش او را به گرمی پذیرفت!
 - ۲) میهمان به منزل این دوست خود آمد بدون اعلام قبلی، با این وصف وی را به گرمی استقبال کرد!
 - ۳) این مهمان بدون اعلام قبلی به خانه دوستش رفت، با وجود این او را با مهربانی گرمی داشت!
 - ۴) این میهمان به منزل دوستش آمد بی‌آنکه او را با خبر سازد، ولی او مهربانانه اکرامش کرد!
- ۴- «كلّ خلية من خلايا العين في القطة تعمل عمل انعكاس الضوء كالمرآة!»:

- ۱) همه‌ی سلول‌های چشم گربه نور را همچون آینه در خود منعکس می‌کنند!
- ۲) هر سلولی در چشم گربه مثل آینه‌ای مسؤولیت انعکاس نور را به عهده دارد!
- ۳) تمام سلول‌های چشم در گربه همچون آینه عمل انعکاس نور را انجام می‌دهند!
- ۴) هر سلولی از سلول‌های چشم در گربه عمل انعکاس نور را مثل آینه انجام می‌دهد!

۵- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) الفقر يُؤلِّدُ مِنَ الْكِسَالَةِ وَالضَّعْفِ: فقر کسالت و ضعف را بوجود می‌آورد!
- ۲) من طرق الباب كثيراً يوشك أن يُفتح له! هر کس دری را زیاد بکوبد برایش باز می‌شود!
- ۳) العزّة حالة تمنع الإنسان من أن يُغلب! عزت حالتی است که مانع این می‌شود که انسان مغلوب گردد!
- ۴) إن تر السحب السوداء كثيراً، فبعد قليل ستمطر! اگر ابرهای سیاه بسیار دیده شود بعد از کمی باران خواهد بارید!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۶- «الصَّيْدُ الَّذِي نَجَا مِنْ شَبَكْتِهِ الْيَوْمَ لَنْ يَنْجُو مِنْهَا غَدًا!» عَيَّنَ الْمُنَاسِبَ لِلْمَفْهُومِ:

(۱) چو فردا شود فکر فردا کنیم!

(۲) از امروز کاری به فردا ممان!

(۳) شکار سر تیر که آمد، باید زد!

(۴) عاقبت پیک جان ستان برسد!

۷- «ای کسانی که بزرگی را می‌خواهید، تلاش کنید تا آن را بدست آورید!». عَيَّنَ الْخَطَأَ:

(۱) یا أَيُّهَا اللَّذَانِ تَرِيدَانِ الْعُلُوَّ، إِسْعَا حَتَّى تَكْتَسِبَانَهُ!

(۲) یا أَيُّهَا الَّذِينَ تَرِيدُونَ الْعُلُوَّ، إِسْعُوا حَتَّى تَكْتَسِبُوهُ!

(۳) یا أَيُّهَا اللَّتَانِ تَرِيدَانِ الْعُلُوَّ، إِسْعِيَا حَتَّى تَكْتَسِبِيَاهُ!

(۴) یا أَيُّهَا اللَّاتِي تَرِدْنَ الْعُلُوَّ، إِسْعِينِ حَتَّى تَكْتَسِبِيَنَهُ!

۸- «پنج جوان بوسیله سه ماشین برای چهارمین بار برای دیدن مناظر زیبا به خارج شهر می‌رفتند!».

(۱) يَذْهَبُ خَمْسُ شَبَابٍ مَعَ ثَلَاثَةِ سَيَّارَاتٍ لِرُؤْيَا الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ رَابِعَ مَرَّاتٍ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ!

(۲) كَانَ خَمْسُ شَبَابٍ قَدْ ذَهَبُوا مَعَ ثَلَاثَةِ سَيَّارَاتٍ لِمَشَاهِدَةِ الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِلَى خَارِجِ الْبَلَدِ!

(۳) خَمْسَةُ شَبَابٍ كَانُوا يَذْهَبُونَ مَعَ سَيَّارَاتِ الثَّلَاثَةِ إِلَى خَارِجِ الْبَلَدِ لِرُؤْيَا الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ لِلْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ!

(۴) كَانَ خَمْسَةُ شَبَابٍ يَذْهَبُونَ لِلْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ مَعَ ثَلَاثِ سَيَّارَاتٍ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِمَشَاهِدَةِ الْمَنَاطِرِ الْجَمِيلَةِ!

۹- عَيَّنَ مَا لَيْسَ فِيهِ الْحَالُ:

(۱) سَمِعْتُ دَقَّاتَ قَلْبِي قَائِلَةً لِي: إِحْدَرِي فُوتَ الْفُرْصَةَ!

(۲) حَانَتْ الْفُرْصَةُ الذَّهَبِيَّةُ لِي وَ سَافَرْتُ إِلَى مَكَّةِ الْمَكْرَمَةِ.

(۳) سَاعَدِي أُخْتُكَ فَقِيرَةً وَ أَنْتَ غَنِيَّةٌ مَتْرَفَةٌ.

(۴) بَدَأَ الْمَطَرُ بِالنُّزُولِ غَزِيرًا وَ قَدْ كُنْتُ فِي الشَّارِعِ بَدُونِ مِظَلَّةٍ.

۱۰- عَيَّنَ الْحَالُ:

(۱) شَجَّعْتَنِي الْمَعْلَمَةُ عَلَى تَعْلِيمِ نَفْسِي فِي جَمِيعِ الْمَجَالَاتِ تَشْجِيحًا.

(۲) رَجَعْتُ جَدِّي مِنْ سَفَرِهِ رَاضِيًا عَنْ هَذَا السَّفَرِ الطَّوِيلِ.

(۳) مَا الْأَنْبِيَاءُ إِلَّا هَادُونَ يَهْدُونَ جَمِيعَ النَّاسِ إِلَى سَبِيلِ النَّجَاحِ.

(۴) وَقَفْتُ طِفْلَةً أَمَامَ الْمَرْأَةِ حَتَّى تَسْتَعِدَّ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

۱۱- عَيَّنَ الْحَالُ:

(۱) خَرَبْتُ سَيَّارَتِي وَ عَزَمْتُ أَنْ أَذْهَبَ مَاشِيًا إِلَى بَيْتِي.

(۲) أَدَّى التَّلَامِيذُ امْتِحَانَ الْفِيْزِيَاءِ وَ حَلَّوْا كُلَّ الْمَسْأَلِ فِيهِ جَيِّدًا.

(۳) الْعَالَمُ يَخْدُمُ الْمَجْتَمَعَ خِدْمَةً خَالِصَةً وَ لَا يَخْفَى فَضْلُهُ.

(۴) هُوَ لَاءَ الْعَمَّالِ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يَعْمَلُوا مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ.

۱۲- عَيَّنَ الْعِبَارَةَ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا الْحَالُ:

(۱) أَجَبْنَا عَلَى الْمَعْلَمَةِ جَمِيعًا وَ لَكِنِّي قَلِقَةٌ خَائِفَةٌ.

(۲) نَظَرْتُ إِلَى الْكَائِنَاتِ الْجَمِيلَةِ وَ أَفَكَّرْتُ فِيهَا مَادِحًا الْخَالِقِ.

(۳) اسْتَقْبَلَ السَّيِّدَ الْمَدِيرَ الطَّلَّابِ الْمُجْتَهِدِينَ وَ شَجَّعَهُمْ.

(۴) بَدَأَ الْفَلَّاحُ بِقَطْعِ هَاتَيْنِ الشَّجَرَتَيْنِ بِاسْقَتَيْنِ قَوِيَّتَيْنِ.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۱۳- عین الحال یبیین حالة المفعول:

- (۱) لا تَکُنْ مِمَّنْ لَا يُحَاوِلُونَ فِي حَيَاتِهِمْ قَادِرِينَ عَلَيْهَا. (۲) يَتَعَجَّبُ النَّاسُ بِرُؤْيَا بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ وَ هِيَ مِنْ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ.
(۳) وَاجْهَتْ مُعَلِّمِي فِي السَّاحَةِ مُتَكَلِّمًا الْمَدِيرَ. (۴) شَفَى الْمَرِيضَ مِنْ مَرَضِهِ مُعْتَقِدًا أَنَّ سَبَبَ شِفَائِهِ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ.

۱۴- عین ما لیس فيه الحال:

- (۱) كان الناس يمشون في الحانوت باحثين عن الأحذية الرخيصة.
(۲) حضر الضيوف في الوقت المحدد و لكن أتت جئتما متأخرين.
(۳) بعد سنوات رأيت في المكتبة أحد معلمى الفاضلين الذى يطالع كتاباً.
(۴) تُعْجِبُنَا التَّلْمِيذَاتُ حَاصِلَاتِ عَلَى الْمَكَانَةِ الْأُولَى فِي هَذِهِ الْمُبَارَاةِ.

۱۵- عین الحال یبیین حالة الفاعل:

- (۱) لى زميلة أراها حاضرة كل صباح فى المدرسة قبلى. (۲) حياة العلماء مشعل للهداية و أصبحوا خالدين فى التاريخ.
(۳) كان الناس يحترمونه صادقاً فى أعماله و أحاديثه. (۴) أخذ المعلم ينصح التلاميذ مُفسراً آيات من القرآن الكريم.

۱۶- عین الخطأ للفراغ: « نجا الطفل و والدته من اصطدام السيارة »

- (۱) خائفين (۲) خائفين (۳) خائفاً (۴) خائفةً

۱۷- عین ما فيه الحال:

- (۱) لعل تلاميذنا مسؤولون جميعاً.
(۲) صار الجو بارداً و سبب المشكلات كثيراً.
(۳) بنتى حفظت القرآن أخيراً.
(۴) الحيوانات مجتمعة حول الأسد خوفاً.

۱۸- عین الخطأ للفراغ: « وصلنا إلى الحفلة فلم يكن للجلوس مكان. »

- (۱) متأخرات (۲) متأخرة (۳) متأخرتين (۴) متأخرين

۱۹- عین الخطأ فى الحال:

- (۱) بكت الطفلة الصغيرة خائفةً من ذلك الصوت.
(۲) انتصرت الثورة الإسلامية مُطالباً بحق الناس.
(۳) تفرقت التلميذات بعد الصفّ مُودعاتٍ معلّمتهنّ.
(۴) يخرج أخى من بيته ملولاً من الأعمال اليومية.

۲۰- عین الحال:

- (۱) أحسبك متكلمةً مع صديقاتك فى الشارع.
(۲) يتظاهر الناس المظلومون و يهتفون ضدّ المستكبرين.
(۳) أخذت الأمّ يدي بنتيها خائفتين عند العبور من الشارع. (۴) نصح المعلم تلاميذاً فى الممرّ يستفيدون من نصائح مدى الحياة.

۲۱- « كيف تشاهدين قطرات المطر فى الجو؟ أشاهدها فى حركتها. » عین الصحيح للفراغ:

- (۱) استمرراً (۲) تستمرين (۳) مستمرة (۴) مستمرين

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۲۲- عین الحال:

- (۱) أحد أصدقائي يمتاز عن الآخرين خلقاً و سلوكاً.
- (۲) أنا أتأمل في عاقبة أعمالی كثيراً من الأوقات.
- (۳) أجلس جانباً من شاطئ البحر و أنظر إلى أمواجه.
- (۴) جاءت امرأة تُساعدُ فقيراً مؤمنةً بالله.

۲۳- عین الحال:

- (۱) ما أجمل السماء كثيراً عندما تمطر علينا في الفصول المختلفة.
- (۲) سمعتُ هذه الأخبار مؤسفةً و قد كنت في السفر خارج البلاد.
- (۳) اللغة العربية أصعب من سائر اللغات الموجودة في العالم حقاً.
- (۴) دخل الجنود في هذه المدينة التي كانت مركزاً للعلم و المعرفة.

۲۴- عین الحال:

- (۱) بدأنا بمطالعة دروسنا مُحتاجين إلى اهتمام كثير بها.
- (۲) بعد ذلك شاهدتُ رجلاً في الزقاق يُسلم على أخي فتصافحا.
- (۳) تحدتُ مع زميلتي و قلت: سأجعلك أمينةً على أسرارى الخفية.
- (۴) حينما مرض أبي بمرض صعب العلاج قال: لا أَيْأس و أساعده جداً.

۲۵- عین الحال:

- (۱) لقد شاركتُ الجمعيات العلمية مشاركة عظيمة في ترقية العلوم الإنسانية.
- (۲) ما رأيتُ في حياتي شخصاً أشد استقامةً منه في الأقوال و الأعمال.
- (۳) إنه يدرُس في هذه الجامعة التي لها إشتهار علمي و عالمي كثير.
- (۴) طالعتُ الكتب المفيدة محتويةً على حكايات نافعة و دقيقة.

۲۶- عین الحال:

- (۱) علينا أن لا ننسى مسؤوليتنا أمام خالقنا فلا نكفر بنعمه أبداً.
- (۲) أعلم لا قيمة للعناوين و الأسماء مادامت مفترقةً من العمل.
- (۳) كان الناس يُواصلون طريقهم إلى الحق مع تحمّل المصاعب المختلفة.
- (۴) إن الله يحب أن يشاهد آثار النعمة على عباده شاكرين لأنعمه.

۲۷- عین ما ليس فيه الحال:

- (۱) جلس التلميذ في الصف صامتاً.
- (۲) إن الله يُرسل الأنبياء مبشرين.
- (۳) هذه الطالبة أكثر من غيرها سعيًا.
- (۴) شاهدتُ أختي في الغرفة قارئة درسها.

نكات اضافی در تستها:

۲۸- عین الحال:

- (۱) أرضعت الأم طفلتها الصغيرة.
(۲) كُنّا في تعليم الطالبات مجتهديات.
(۳) ذهبَت الأم مُسرعة إلى طفلتها الجائعة.
(۴) لا أكسر صناديق قومٍ مُتوكّلين على الله.
- ۲۹- عین العبارة التي تصف هيئة المفعول به:
(۱) يُقاتلون العدوُّ مقاتلة الأسود مُحبين الشهادة.
(۲) يتكلّم الإسلام عن دور المرأة في المجتمع مُطلعة عليه.
(۳) ذلك الكتاب ينطق عليكم بالحقّ و يهديهم إلى الخير.
(۴) الإيرانيون يشربون الشاي بعد العشاء ساخناً.
- ۳۰- عین صاحب الحال: « و ما خلّقنا السماء و الأرض و ما بينهما لاعبين. »
(۱) لاعبين (۲) ضمير «نا» (۳) السماء و الأرض (۴) ضمير «هما»
- ۳۱- عین الخطأ:
(۱) رَجعنا إلى بيتنا عازمات أن نبدأ بمطالعة دروسنا.
(۲) عفا عني أبي مُزعجاً من أعمالی.
(۳) أجاب هؤلاء على الدرس قلقاً رغم أنّهم كانوا يعلمونه.
(۴) ذهبْتُ بصديقي المريض إلى المُستشفى مُستعجلاً.
- ۳۲- عین ما ليس فيه الحال:
(۱) نظرتُ إلى هذه العير متأمّلةً فيها.
(۲) اعتصمُ بحبل الله و أتمسك بالأولياء خاضعاً.
(۳) يستمع طالب إلى كلامي يكتب ما أقول.
(۴) بدأ بالعمل راجياً الحصول على أهدافه.
- ۳۳- نقول لمن يسأل عن حالتنا حين أداء الامتحانات: « أدّينا امتحاناتنا »
(۱) تأديّة (۲) راضين (۳) امتحاناً (۴) أوّل الوقت
- ۳۴- عین الصحيح لإيجاد أسلوب الحال:
(۱) في القرن التاسع كانت أروبا غارقة في بحر الهمجية.
(۲) ما ذهبت في الأمور مُعاتبّة، لا تتقدّمين.
(۳) لستُم نائلي ما تُحبّون إلّا بالصبر على ما تكرهون.
(۴) أجابت التلميذة عن السؤال آخذةً درجةً مُناسبة.
- ۳۵- عین العبارة التي تعين حالة عامل الفعل:
(۱) اعتمدتُ على نفسي قنوطاً من مساعدة الآخرين.
(۲) فضل الله العالم على الجاهل تفضيلاً كثيراً.
(۳) طلب المعلم إنجاز هذه الأمور مُجازياً المُحسنين.
(۴) كان نصرُ المؤمنين حقاً على الله العزيز.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۱-۹) بما يناسب النَّصَّ:

يظنّ الكثيرون أنّما الغريزة فقط، هي وراء سلوك الحشرات، و لكنّ العلماء أثبتوا خلال تجاربهم أنّ الحشرات تستفيد من قوّة الفكر أيضاً و أنّ الغريزة ليست كلّ شيء! فالزنبور مثلاً عندما يلاحظ أنّ الريح تعصف، يترك عمله ليواظب خليّته (بيته) كي لا تسقط!

و من المعروف أنّ خليّة النحل تضمّ عدداً من المسؤولين، عملهم صيانة الخليّة فقط، و لكن عندما تتعرّض الخليّة للخراب أو الجفاف فإنّ مجموعات أخرى من النحل تدخل العمل إلى جانب فئة الصيانة تاركة نشاطها الغريزيّ لتساعد على استحكام الخليّة أو حمل الماء! فإذا كانت الغريزة هي المسؤولة عن هذا السلوك فمن المعقول أنّ يبادر الجميع إلى ذلك، لكننا نرى أنّ مجموعات صغيرة فقط تقوم بذلك!

۱- عيّن الصحيح:

(۱) لم يثبت حتى الآن أنّ الحشرات تتمتع بقوة الفكر!

(۲) للنحل حياة اجتماعية تظهر مصاديقها عند بروز المشكلات!

(۳) عندما تصاب الخليّة بمشكلة فإنّ مجموعات النحل في جنب أعمالها العادية تقوم بمساعدة الآخرين!

(۴) عندما تواجه الخليّة الخطر يبادر جميع مجموعات النحل إلى المساعدة لكي لا تواجه الخليّة بالخطر!

۲- عيّن الصحيح: أهمّ حجة لإثبات ظاهرة التعقل هو

(۱) المواظبة على الخليّة عند العاصفة كي لا تسقط! (۲) الشعور بالمسؤوليّة تجاه تهديم الخليّة أو فقدان الماء!

(۳) ترك بعض الحشرات عملهم أحياناً و القيام بعمل اخر! (۴) مبادرة الجميع إلى ما عليه من الواجب أمام سقوط الخليّة!

۳- عيّن الصحيح على حسب النصّ:

(۱) مشاهدات العلماء كانت سبباً لزال فكرة سيطرة الغريزة! (۲) قوّة التعقل عند الحيوانات لا تختلف عمّا في الإنسان!

(۳) لا شك أنّ التعقل موجود لكنّه أضعف من الغريزة! (۴) للحيوانات قوّة غريزيّة تغلب على قوّة العقل!

۴- عيّن الصحيح: من اعتقد بسيطرة الغريزة على جميع تصرفات الحيوان يجب عليه أن

(۱) يشاهد تعارضاً واضحاً في سلوك الحيوان مع الآخرين! (۲) لا يرى اختلافاً في نشاطات مجموعة واحدة من الحيوان!

(۳) ينكر موضوع مساعدة الحيوان الآخرين عند المصائب! (۴) يقبل أنّ الحيوانات لا تعمل بأسلوب واحد في ظروف مختلفة!

■ عيّن الصحيح في التشكيل (۵ و ۶):

۵- « أثبتوا خلال تجاربهم أنّ الحشرات تستفيد من قوّة الفكر أيضاً و أنّ الغريزة ليست كلّ شيء! »:

(۱) قوّة - الفكر - كلّ - شيء

(۲) تجارب - قوّة - الغريزة - كلّ

(۳) أثبتوا - خلل - تجارب - الحشرات

(۴) الحشرات - تستفيد - قوّة - الفكر

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۶- «عندما يلاحظ أن الريح تعصف، يترك عمله ليوأظب خليته كي لا تسقط!»:»

- (۱) يُلاحِظُ - الرِّيحَ - عَمَلٌ - يُواظِبُ
(۲) عِنْدَمَا - يُلاحِظُ - تَعصِفُ - يَتَرَكُ
(۳) الرِّيحَ - تَعصِفُ - عَمَلُهُ - خَلِيَّتُهُ
(۴) عَمَلُهُ - يُواظِبُ - خَلِيَّتُهُ - لا تَسْقُطُ

■ عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (۷-۹):

۷- «أثبتوا»:

- (۱) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي من باب افتعال - متعدّد - مبني للمعلوم / مع فاعله جملة فعلية و خبر «لكن» و مرفوع محلاً
(۲) للغائبين - صحيح - لازم - مبني / فاعله ضمير الواو، و الجملة فعلية و خبر «لكن» و منصوب محلاً
(۳) ماضٍ - للغائبين - متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فعل و مع فاعله جملة فعلية
(۴) مزيد ثلاثي من باب افعال - صحيح - متعدّد / فعل و فاعله ضمير الواو البارز

۸- «تتعرض»:

- (۱) مزيد ثلاثي من باب تفعيل - صحيح - لازم - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله «الخلية»
(۲) للغائبة - صحيح و مضاعف - مبني للمعلوم - معرب / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر
(۳) فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح / فعل و فاعله «الخلية» و الجملة فعلية
(۴) مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي - لازم - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع، و مع فاعله جملة فعلية

۹- «السلوك»:

- (۱) مفرد مذكّر - جامد - معرّف بأل / عطف البيان و مجرور بالتبعية لمتبوعه «هذا»
(۲) جامد - معرّف بأل - معرب - صحيح الآخر / بدل و مرفوع بالتبعية للمبدل منه «هذا»
(۳) اسم - جمع تكسير - معرّف بأل - معرب - صحيح الآخر - منصرف / نعت و مجرور بالتبعية
(۴) معرّف بأل - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف / عطف البيان و مرفوع بالتبعية لمتبوعه

۱۰- ما هو الخطأ عن الحال؟

- (۱) تكلمت الأم مع بنتها مُبسمتين.
(۲) شاهدت المصاييح مُنيراً.
(۳) رأيت الكتب متأملةً فيها؟
(۴) وقف هذان الأخوان مُضطربين.

۱۱- عَيِّنِ صاحب الحال مرفوعاً:

- (۱) يعيش هؤلاء الطلبة متوكّلين على ربّهم دائماً.
(۲) رأيت أكثر أصدقائي مُختلفين في الأذواق.
(۳) شاهدنا في سفرنا تلك القرى القديمة جميلة.
(۴) هذه حكم قد قرأناها في الأمثال القديمة متشابهة.

۱۲- «نحن نُعلّم طلباناً عن العلوم معارف حديثة». عَيِّنِ الخطأ للفراغ:

- (۱) الباحثين (۲) الذين يبحثون (۳) الباحثون (۴) باحثين

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۳- عین صاحب الحال جمع التکسیر:

- (۱) ألبست هذه الأمّ بناتها ملابسهنّ الجديدةً بسيطةً نظيفةً. (۲) في الغرفة شاهدت الموظّفين دؤوبين في أعمالهم.
- (۳) ساعدنا مؤمنين مسؤولين عن تأمين معاش عوائلهم. (۴) أراني ساكنو هذه القرية جبالها خبيرين بمسالكتها.

۱۴- عین ما ليس فيه الحال:

- (۱) إنّ تقدّمنا نحو الأمام، أفضل من الوقوف منتظرين لا نتحرّك.
- (۲) ركب المسافرون في القطار مُستعجلين خوفاً من حركته قبل الموعد.
- (۳) نرى الشّباب الشّيطيين في مُجتمعنا راجين الوصول إلى أهدافهم.
- (۴) في حياتنا اليوميّة قد واجهتنا فرص كثيرة و لكن أكثر الناس يضيّعونها.

۱۵- عین العبارة التي تبين حالة الفاعل:

- (۱) إنّ الأنبياء يهدون الناس ضالّين.
- (۲) نَهَّته أمّه نادماً من عمله السيّئ.
- (۳) استيقظت الطفلة من النوم قلقة.
- (۴) لأساعد إخواني المسلمين مظلومين.

۱۶- عین الحال:

- (۱) أصدّق كلّ كلامك الذي قلته لي يوم أمس.
- (۲) اندفع المجاهدون إلى القتال متوكّلين على الله.
- (۳) دُعينا إلى حفلة فيها تلميذات مجيّدات فكرّمنا.
- (۴) رأيت صورة للشّهد كانت في قاعة المدرسة.

۱۷- عین الحال يبيّن حالة المفعول:

- (۱) قرأ التلميذ درسه حول موضوع قرائن المادّة دؤوباً.
- (۲) شاهدتُ في المُستشفى الممرّضات ساهرات.
- (۳) يا أيّها الناس علّموا أولادكم مُشفقين عليهم.
- (۴) نظرتُ إلى أزهار الحديقة مُعجباً بجمالها.

۱۸- عین الخطأ عن الحال:

- (۱) تطير خفافيش في الظلّمة تساعدنا آذانها.
- (۲) قد نرجو أحداً غافلين عن مضرّته لنا.
- (۳) لي هذا الكتاب القيم أقرأه مُصابةً بفتن الزمان.
- (۴) شجّع الإسلام المسلمين أن يرحلوا إلى هناك باحثاً عن العلوم.

۱۹- عین الحال:

- (۱) بدأ الطّالب بدرسه و لكن اجتهد فيه قليلاً.
- (۲) أعفو عن المخطئ عفواً جميلاً لوجه الله الغفور.
- (۳) نحن نبدأ دراستنا و نبدي رغبةً بها دائماً.
- (۴) ربّت هذه الأمّ أولادها جميعاً بعد استشهاد أبيهم.

۲۰. أيّ العبارات جاء فيها الحال ؟

- (۱) رَغِبَ المعلم هذا الطّالبَ ترغيباً كاملاً
- (۲) كَفَى بالعالم جهلاً أن يُنافي علمه عمله
- (۳) اِشْتَرَك الطّالب المجتهد في الصّفِّ راغباً
- (۴) ما رأيتُ راغباً في العلم في هذه المدرسة

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

حال

فصل دهم

۲۱- « شارک فی المراسیم زیارة العلماء ». عین الصحیح للفراغ لأسلوب الحال:

(۱) الطَّالِبَات - مطالبات (۲) طالبان - مطالبین (۳) طَلَّابٌ - طلبوا (۴) الطَّلَّاب - مطالبین

۲۲- عین صاحب الحال فاعلاً:

(۱) أخذتها من المكتبة سريعاً. (۲) يُحَاسِبُ المخطئ خائفاً. (۳) رأيتهم في الغرفة جالسين. (۴) دعوت أقربائي شاكرين.

۲۳- ما هو غير المناسب للفراغ: « تَعَلَّمْنَا الدَّرْسَ — — — » ؟

(۱) مُجْتَهِدِينَ (۲) مُجْتَهِدِينَ (۳) مُجْتَهِدًا (۴) مُجْتَهِدَاتٍ

۲۴- ما هو الصحیح للفراغ لإيجاد أسلوب الحال: « رَجِعْ مَقَاتِلَانَا مِنَ الجبهة — — — » ؟

(۱) مُنْتَصِرِينَ (۲) مُنْتَصِرُونَ (۳) مُنْتَصِرِينَ (۴) مُنْتَصِرَاتٍ

۲۵- مَيِّز الصحیح فی جواب السؤال التالي: « كيف تذهبين إلى المدرسة ؟ - أذهبُ — — — »

(۱) مُسْرِعًا (۲) رَاكِبًا (۳) بِهْدْوَةٍ (۴) وَأَنَا الماشي

۲۶- عین الصحیح فی تعیین صاحب الحال:

(۱) جائئی أخوک مبشرةً بنجاحه : ضمیر ی (۲) سخرَ الله لنا العالمَ مُسَبِّحِينَ لَهُ : ضمیر نا

(۳) لا تَعْتَوُوا فِي أَرْضِينَا مُفْسِدِينَ : ضمیر واو (۴) كلِّمهم صحیح

۲۷- عین الصحیح للفراغ لإيجاد أسلوب الحال: « أجاب هذه المسألة قَلْبًا رَغْمَ أَنَّهُ يَعْلَمُهَا »

(۱) هَوْلًا (۲) طَالِبٍ مَجْدًا (۳) مَعْلَمَتًا (۴) ذُو العِلْمِ

۲۸- عین الخطأ فی عبارة: « دَرَسَتِ التَّلْمِيذَةُ فِي المَدَارِسِ المِخْتَلِفَةِ مُجْتَهِدًا »

(۱) المِخْتَلِفَةِ (۲) دَرَسَتِ (۳) مُجْتَهِدًا (۴) المَدَارِسِ

۲۹- عین الحال و صاحب الحال على الترتيب فيما يلي: « قُلْتُ لِزَمِيلِي: أَرَاكَ مَسْرُورًا »:

(۱) مَسْرُورًا - زَمِيل (۲) أَرَاكَ مَسْرُورًا - زَمِيل (۳) مَسْرُورًا - كَ (۴) مَسْرُورًا - أَرَاكَ

۳۰- عین صاحب الحال: « يا فاطمة هل تُسَاعِدِينَ أُخْتَكِ مَظْلُومَةً ؟ »

(۱) ضَمِيرِ بَارِزِي (۲) ضَمِيرِ كِ (۳) أُخْتِ (۴) فَاطِمَةَ

۳۱- مَيِّز العبارة التي لا تُبَيِّنُ هيئة المفعول:

(۱) أَتَيْتُكَ غَافِرًا لِذُنُوبِي وَأَنَا نَادِمٌ (۲) الْأَنْبِيَاءُ بَعَثَهُمُ اللَّهُ دَاعِينَ إِلَيْهِ

(۳) دَرَسْنَا المَعْلَمَ صَامِتِينَ مُجْتَهِدِينَ (۴) وَجَاءُوا آبَاهُمْ عِشَاءً بَاكِينَ

۳۲- « لِلأَرْضِ بِحَارٍ وَاسِعَةٍ وَالمِيَاهِ فِيهَا مَالِحَةٌ تَذْهَبُ إِلَى الأَعْلَى وَالأَسْفَلَ ». تتكلم كلمة «تذهب» عن حالة

(۱) الارض (۲) بحار (۳) المياه (۴) مالحة

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۳۳- عَيْنُ الْخَطَا لِلْفِرَاحِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْحَالِ: «أَنْظَفُ غُرْفَ بَيْتِنَا»

(۱) تَنْظِيفاً (۲) مُسْرَعَةً (۳) كَثِيفَةً (۴) رَاغِباً

۳۴- عَيْنُ الْحَالِ:

(۱) شاهدنا اباکم یجاهدُ فی سبیل العزّة جهاداً مخلصاً
(۲) كانَ اليومَ لهم امتحان سؤالاته صعبة جداً
(۳) أَ تَظُنُّ أَنَّكَ تَصِيرُ عَلَى هَذِهِ الْمَسَائِلِ خَبِيرًا؟
(۴) اِتَّخَذْتُ النَّبِيَّ سِرَاجًا لِهَدَايَتِي الْمَعْنَوِيَّةِ

۳۵- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي تَبَيَّنَ هَيْئَةُ الْفَاعِلِ:

(۱) واجهه رجالٌ يَلْتَمِسُونَ أَنْ يَحْمِلَ جَمِيعَهُمْ.
(۲) نظرتُ إلى هذه العبر الكثيرة مُتَأَمِّلاً فيها
(۳) أَلَا تَعْتَقِدُ أَنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ ضَعِيفًا؟
(۴) جاءت المديرية هي سألَت عَن الْغَائِبَاتِ وَ رَجَعَتْ

۳۶- عَيْنُ الْحَالِ:

(۱) أخذتِ الشاعرة تُنشد قصائدها الجميلة أمامَ المعلّمة
(۲) دَخَلَتْ بِنْتُ الْغُرْفَةِ تَحْمِلُ قَدْحًا مِنَ الْعَسَلِ
(۳) لَمْ يَكُنِ الْمُؤْمِنُ يَقْضِي لَيْلَهُ خَائِفًا مُضْطَرِبًا
(۴) هُوَ لَاءِ الطُّلَّابِ يُدْعُونَ رَبَّهُمْ دَعْوَةَ الْآمِلِينَ

۳۷- عَيْنُ الْحَالِ بِصُورَةٍ صَحِيحَةٍ:

(۱) قامَ العُظَمَاءُ بِعَمَلٍ كَثِيرٍ سَاعِينَ طُولَ حَيَاتِهِمْ.
(۲) لَا تُقَمِّنِ الصَّلَاةَ آخِرَ الْوَقْتِ مُتَكَاسِلِينَ
(۳) اجْتَهِدْ فِي كُلِّ الْأُمُورِ رَاجِيَانِ
(۴) سَأَلَ تَلَامِيذَ رَاغِبِينَ مَعْلَمَهُمْ سُؤَالَ عَجِيبًا

۳۸- عَيْنُ الْجُمْلَةِ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْحَالِ:

(۱) نظرنا إلى أزهار الحديقة مُعْجَبًا بِجَمَالِهَا
(۲) يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ حَنُونِينَ
(۳) أَنَا لَقِيتُ مَعْلَمِينَ مُتَحَدِّثِينَ عَنِ الْأَدَبِ
(۴) تَقَدَّمَ الْكُفْرَةُ ظَانِينَ أَنَّ نَهَايَةَ الْإِسْلَامِ قَرِيبَةٌ

۳۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ: «لَمْ تَكُنْ هُنَاكَ شَجَرَةٌ لِنَسْتَرِيحَ وَ الشَّمْسُ مُحْرَقَةٌ فَوْقَ رُؤُوسِنَا»

(۱) هناك: اسم افعال ناقصة (۲) نستريح: مضارع منصوب (۳) مُحْرَقَةٌ: حال مفردة (۴) فوق: خبر و منصوب

۴۰- عَيْنُ الْحَالِ:

(۱) يَا رَبِّ إِنَّ عَظَمَتَ ذُنُوبِي كَثْرَةٌ فَلَقَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّ عَفْوَكَ أَعْظَمُ.
(۲) وَ فَجَّرْتَ يَنْبُوعَ الْبَيَانِ مُحَمَّدًا فَسَقَى الْحَدِيثَ وَ نَاوَلَ التَّنْزِيلَ.
(۳) وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا لَمْ تَجِدْ لِقَضَائِهِ رَدًّا وَ لَا تَبْدِيلًا.
(۴) أَرْسَلْتَ بِالتَّوْرَةِ مُوسَى مُرْشِدًا وَ ابْنَ الْبَتُولِ فَعَلَّمَ الْإِنْجِيلًا.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

قال النبي (ص): لو اجتمع الناس على حب علي بن أبي طالب لما خلق الله النار: اگر مردم بر محبت امیرالمومنین جمع می‌شدند، خدا جهنم را نمی‌آفرید.

تمییز

فصل یازدهم

تمییز: اسمی است جامد، نکره و منصوب که برای رفع ابهام از معنای یک عبارت یا یک کلمه بکار می‌رود.

نکات:

(۱) کلمه‌ای که پس از وزن، پیمانه، مساحت، اندازه و عدد می‌آید، در حکم تمییز است.

مثال ۱: فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (بعد از مِثْقَالَ ذَرَّةٍ)

مثال ۲: اِشْتَرَيْتُ خُمُسَةَ كِيلَوَاتٍ بُرْتَقَالًا (در این مثال کیلوات از خُمُسَةَ و برتقال از خُمُسَةَ کیلوات رفع ابهام نموده است)

(۲) اسم منصوبی که پس از اسامی تفضیل بکار می‌رود در حکم تمییز است.

مثال ۱: اللهُ أَشَدُّ مِنَ الْأُمِّ حَنَانًا مثال ۲: الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا (خیر اسم تفضیل می‌باشد).

(۳) معمولاً پس از افعالی همچون «مَلَأَ، اِمْتَلَأَ، زَادَ، اِزْدَادَ، تَقَدَّمَ، طَابَ، اِشْتَهَرَ، فَجَّرَ، سَاءَ و كَفَى بِهِ فَعْلَهَايْ بِرِ وَزْنِ فَعْلًا» تمییز بکار می‌رود.

مثال ۱: مُلِيَءٌ قَلْبِي بَعْدَ مُشَاهَدَتِهِ اِيْمَانًا مثال ۲: الطَّلَابُ طَلَبُوا اِخْلَاقًا مثال ۳: كَبِيرٌ مَقْتًا عِنْدَ اللهِ اَنْ تُغْصَبَ اَمْوَالُ الْيَتَامَى

دقت: در نکته‌ی اخیر توجه به این نکته ضروری است که ابتدا باید ارکان اصلی جمله یعنی فاعل، مفعول، مبتدا و خبر را پیدا کرد، سپس

به سراغ تشخیص تمییز رفت. یعنی به عنوان مثال یک فعل متعدی نمی‌تواند مفعول نداشته باشد ولی تمییز داشته باشد!

مثال ۱: رَبُّ زِدْنِي يَقِينًا: فاعل: أَنْتَ مُسْتَتِرٌ، مفعول: ضَمِيرُ ي ← يَقِينًا: تمییز

مثال ۲: زَادَتِ الصَّلَاةَ فِي قَلْبِي يَقِينًا: فاعل: الصَّلَاةُ، مفعول: يَقِينًا (تمییز ندارد!)

مثال ۳: فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عَيْونًا: فاعل: ضَمِيرُ نَا، مفعول: الْأَرْضَ ← عَيْونًا: تمییز

مثال ۴: فَجَّرْنَا فِي الْأَرْضِ عَيْونًا: فاعل: ضَمِيرُ نَا، مفعول: عَيْونًا (تمییز ندارد!)

روش ترجمه تمییز:

(*) گاهی تمییز را می‌توان بصورت مبتدا، فاعل یا مفعول ترجمه کرد که باید به نکات زیر توجه شود:

اگر جمله، اسمیه باشد تمییز را مبتدا ترجمه می‌کنیم. ← كانوا هُم أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً: نیروی آن‌ها از شما بیش تر بود.

اگر جمله، فعلیه و فعل جمله لازم باشد تمییز را فاعل ترجمه می‌کنیم. ← نحنُ نَزَدادُ إِتْكَالاً عَلَى أَنْفُسنا: اعتماد به نفس ما زیاد می‌شود.

اگر جمله، فعلیه و فعل جمله متعدی باشد تمییز را مفعول ترجمه می‌کنیم. ← فَجَرْنَا الارضَ عَيوناً: چشمه‌های زمین را شکافتیم.

دقت: تمییز وزن، مقدار و عدد را به همان ترتیبی که در جمله آمده ترجمه می‌نماییم. ← اشتریتُ سِبعَ كيلواتٍ تَفَاحاً: هفت کیلو سیب خریدم

(*) گاهی تمییز با عبارتی از قبیل «از نظر، از لحاظ، از جنبه‌ی، از، ...» ترجمه می‌شود.

مثال ۱: إِنْهُمْ خَيْرٌ مِنْنا عِلْماً: همانا آن‌ها از لحاظ علمی، از ما بهتر هستند.

مثال ۲: إِمْتِلاَ قَلْبُ الْآمِ حُزْناً: قلب مادر از اندوه پر شد.

(*) گاهی تمییز با اسم تفضیل، به صورت یک کلمه ترجمه می‌شود. ← هِيَ أَحْسَنُ مِنْ أُخْتِها خُلُقاً: او از خواهرش خوش‌اخلاق تر است.

۱. عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا تُزِيلُ الْإِبْهَامَ:

(۱) أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْراً أَخْفَاهَا (۲) وَ كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً لَكَ (۳) يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا (۴) از دادِ فَرَحِ قَلْبِي بَعْدَ اسْتِمَاعِ هَذَا الْخَبَرِ

۲. عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا تَحْتَاجُ إِلَى التَّمْيِيزِ:

(۱) إِمْتِلاَ قَدْحِي (۲) أَشْرَبُ لَبْنًا (۳) أَنْتِ أَفْضَلُ (۴) لَيْسَتْ عِنْدِي ذَرَّةٌ

۳. مَيِّزَ الْكَلِمَةَ الْمُناسِبَةَ لِتَكُونَ «تَمْيِيزاً» فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ لِيَحْفَظَ كَرَامَةَ الْإِنْسَانِ»

(۱) الْقُرْآنُ (۲) الْإِنْسَانُ (۳) كَرَامَةُ (۴) هُوَ الْمَسْتَتِرُ

■ عَيْن الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱- « من أفضل أعمال الكرم تظاهرة بالغفلة عن أخطاء الآخرين! »:

(۱) بهترین کار یک انسان بخشنده تظاهر کردن به بی اطلاعی است در مورد خطاهای دیگران!

(۲) از بهترین کارهای انسان کریم تظاهر کردن اوست به عدم اطلاع درباره‌ی اشتباهات دیگران!

(۳) از برترین اعمال نیک اشخاص بخشنده این است که اشتباهات دیگران را نادیده بگیرند!

(۴) برترین اعمال شخص کریم این است که در مورد خطاهای دیگران بی اطلاع جلوه کند!

۲- « لا تنظر إلى صغر هذه النملة الصغيرة، فهي صانعة كبيرة و مهندسة حاذقة في بطن الأرض! »:

(۱) به کوچکی این مور کوچک نگاه مکن، چه او در دل زمین سازنده‌ای بزرگ و مهندسی ماهر است!

(۲) به خردی این مورچه‌ی خرد نظر میفکن، زیرا او صانع بزرگ و مهندس پر قدرت اعماق زمین است!

(۳) این مورچه را کوچک مپندار، زیرا او سازنده‌ای بزرگ و مهندسی حاذق است در عمق زمین!

(۴) خردی مور کوچک را منکر، چه او در اعماق زمین یک صانع بزرگ است و یک مهندس توانا!

۳- « ذات يوم كانت السماوات و الأرض مُلتصقتين، ثم فصل ربهما بينهما فأصبحتا بهذا الشكل! »:

(۱) آسمانها و زمین زمانی باهم یکی بودند، تا اینکه پروردگارشان بین آنها فاصله ایجاد کرد و به این شکل درآورد!

(۲) روزی آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، سپس پروردگارشان آنها را از هم جدا ساخت و به این شکل شدند!

(۳) زمانی آسمان و زمین به یکدیگر وصل بودند، سپس پروردگارشان بین آنها فاصله‌ای ایجاد کرد تا به شکلی درآیند

که اکنون هستند!

(۴) آسمان و زمین روزگاری پیوسته به یکدیگر بوده‌اند، آن‌گاه خداوندشان فاصله‌ای بینشان ایجاد کرد تا به این شکل

درآیند که اکنون هستند!

۴- « إنَّ النَّاسَ فِي مَسِيرِهِمْ نَحْوَ أَهْدَافِهِمُ السَّامِيَةِ يَفْتَتِشُونَ عَنِ نَمَازِجٍ مِثَالِيَّةٍ لِيَجْعَلُوهُمْ أُسْوَةً لِنَفْسِهِمْ! »:

(۱) قطعاً مردم در مسیرشان به طرف هدفهای عالی خویش در جستجوی نمونه‌هایی والا برای الگوی خود می‌باشند!

(۲) بی‌شک مردم در مسیر خود به سوی اهداف عالی خویش به دنبال نمونه‌هایی ممتاز می‌گردند تا آنها را الگویی

برای خود قرار دهند!

(۳) قطعاً افراد مردم در مسیر خویش بسوی هدفهای والا در جستجوی نمونه‌هایی عالی می‌باشند تا چون الگویی

برتر برای آنها باشند!

(۴) مردم در مسیر حرکت خود به سمت اهداف والای خویش به دنبال نمونه‌های ممتاز می‌گردند تا آنها را برای

خود چون یک الگو قرار دهند!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۵- عین الخطأ:

- ۱) علیک یا صدیقتی؛ آن لا تدعی احترام الأطفال؛ ای دوست من؛ تو نباید دیگران را از احترام به کودکان منع کنی،
 - ۲) فقد کان نبیّ الإسلام (ص) یؤکّد علیه و یهتمّ بتربیتهم؛ چه پیامبر اسلام (ص) بر آن تأکید می کرد و به تربیت آنان اهتمام می ورزید،
 - ۳) و علیک أيضاً أن لا تفرّقی بین البنین و البنات من الأطفال؛ و نیز نباید بین کودکان پسر و دختر فرق بگذاری،
 - ۴) لآنه یؤثر فی المستقبل علی شخصیتهم أثراً سیئاً؛ زیرا این کار در آینده بر شخصیت آنان اثر سوء می گذارد!
- ۶- «لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الأذی». عین غیر المناسب للمفهوم:

- ۱) نکویی گر کنی منت منه زان که باطل شد ز منت جود و احسان!
- ۲) نیکوئیات شیشه است ای عاقل مکن از سنگ منتش باطل!
- ۳) دگر گر با کسی کردی نکویی نباشد نیکویی گر باز گویی!
- ۴) و چو نیکویی کنی نیکویی آید بسرت بدی را بدی باشد اندر خورت!

۷- «هر لحظه از عمر ما گنجی است که در طول زندگی فقط یک بار استخراج می شود!». عین الصحیح:

- ۱) إنّ لحظات عمرنا کلّها کنز یفیدنا إذا استخرجناه جیداً!
 - ۲) قيمة کلّ لحظة لعمرنا تساوی کنزاً یستخرج مرّة طول الحیاة!
 - ۳) کلّ لحظة من عمرنا کنز یستخرج طول الحیاة مرّة واحدة فقط!
 - ۴) إنّما العمر و لحظاته لنا یشبه کنزاً یستخرج خلال تمام العمر مرّة!
- ۸- «مادرم یازده سؤال از من پرسید که همگی آنها از سه درس اوّل کتابم بوده است!»:

- ۱) سألت الأمّ منی أحد عشر سؤالاً کان کلّها من أوّلی ثلاثة دروس کتابی!
- ۲) سألتنی أمّی أحد عشر سؤالاً کان کلّها من ثلاثة الدروس الأوّلی من کتابی!
- ۳) أمّی تسأل منی أحد و عشر سؤالاً کان کلّها من أوّلی ثلاثة دروس من کتابی!
- ۴) الأمّ سألتنی عن أحد و عشر سؤالاً کان کلّها من ثلاثة الدروس الأوّلی من کتابی!

۹- عین العبارة الّتی لا تحتاج إلى التمییز:

- ۱) أكثر الكتب فی مکتبتی هی کتب دراسیة.
- ۲) عرفت من وجه صدیقی أنّه تقدّم.
- ۳) امتلاً قلب المسکین بعد إحسانی إلیه.
- ۴) کان أخی الشّهد خیر الناس فی مدینتی.

۱۰- عین التمییز:

- ۱) الله یرزقنا توفیقاً فی طاعته إن شاء.
- ۲) لعلّ فی مواصلة هذا العمل توفیقاً لی.
- ۳) وفقک الله توفیقاً کثیراً فی حیاتک.
- ۴) هی أقلّ من الآخرین توفیقاً فی إکتساب العلم.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۱۱- عین العبارة التي فيها اسم لرفع الإبهام:

- (۱) ازدادت عيني دُموعاً بعد استفادتي من هذا الدواء.
- (۲) أكثر صديقاتي في الصفّ متميّزات في الدروس و الأخلاق.
- (۳) حسنت أخلاق صاحب الدكان فاشترتُ منه ما أحتاج إليه.
- (۴) إن علم عَمِّي اشتهر في المدينة فالتَّاس أخذوا يستفيدون من علمه.

۱۲- عین التميز:

- (۱) يا أخى! علمك أقلّ منى في النصوص القديمة.
- (۲) نحن نحترم كبارنا دائماً إكراماً لهم.
- (۳) إن المسلمين يُكرمون الضيوف كثيراً.
- (۴) اشتركتُ في سبع مسابقات علمية و أخذتُ جوائز ثمينة.

۱۳- عین المناسب للفراغ: «تمتاز حضارتنا الإسلامية عن الحضارات الأخرى في العالم»

- (۱) مؤمناً إلى قيمها
- (۲) إثارةً من شبابها
- (۳) مخالفاً للاستكبار
- (۴) مُستعبداً لقلوب الأمة

۱۴- عین العبارة التي لا تحتاج إلى التميز:

- (۱) تتقدّم الطالباتُ كلهنّ.
- (۲) أخذت عشرين من المكتبة.
- (۳) إنَّ المسلم طيب.
- (۴) شاهدت صديقتي في الشارع.

۱۵- عین ما ليس فيه التميز:

- (۱) هل تظنّين أنّك أكثر قوّة و إرادة من زميلاتك؟
- (۲) يكثرُ المؤمنون و المؤمنات أجراً حينما يعملون الحسنات.
- (۳) هم يتلون القرآن و يدعون الآخريين متأمّلين في آياته.
- (۴) اشتهرت هذه العالمة علماً أكثر من العالمات الأخرى.

۱۶- عین التميز لرفع الإبهام عن الجملة:

- (۱) لا تُشاهد ظلمات البحار في عمق أكثر من مائتي متر رؤية كاملة.
- (۲) كانت المعلّمة غارقةً في أفكارها حتّى تعجزها تلميذاتها.
- (۳) بعد الذهاب إلى المدرسة ازدادت قلوبنا نشاطاً.
- (۴) شكراً على جميع ما تبذلونها لنا من الخدمات.

۱۷- عین ما ليس فيه التميز:

- (۱) الأمّ أقرب شخص حناناً إلى الإنسان.
- (۲) هو أشهر أطباء عصره علماً و عملاً.
- (۳) أشرب الشاي ساخناً لأنّه لذيذ.
- (۴) لى ثلاثة كتب أحبّ مواضعها كثيراً.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۱۸- عین العبارة التي تحتاج إلى التمييز:

- (۱) هذا الطالب أقوى من غيره.
- (۲) ملأت فنجاني لبناً و شربته.
- (۳) عسى الأحقق أن يفهم بعد مدة.
- (۴) هؤلاء المؤمنات عبادتهن أكثر من الآخرين.

۱۹- عین ما ليس فيه التمييز:

- (۱) هو أكثر اعتماداً على نفسه و يستفيد منه كسلاح لمحاربة الأعداء.
- (۲) إن أهالي هذه القرية أسسوا مدرسة كانت خير المدارس مكاناً.
- (۳) أحب أن تتقدم بنتي في السنة القادمة على زميلاتها درساً.
- (۴) ينبغي علينا أن نعرف أفضل طريق لإزالة مشاكلنا.

۲۰- عین العدد يحتاج إلى رفع الإبهام:

- (۱) قال معلّمنا: سأمتحنكم للمرة الثالثة امتحاناً مهماً.
- (۲) و لا أخصّص لأجوبتكم إلا ثلاثاً، لا بد أن تهتموا بها،
- (۳) و أجعل لنظم كتابتكم درجتين اثنتين،
- (۴) و أعطيكم درجة ثانية لا ترتبط بالأجوبة و هي مقدار اعتمادی

۲۱- عین العبارة التي لا تحتاج إلى رفع الإبهام:

- (۱) دعوت أكثر أصدقائي إلى حفلة ميلادي.
- (۲) أنت أكثر التلميذات عند معلّمتك.
- (۳) امتلأ قلب الأمّ عند رجوع ولدها من السفر.
- (۴) ما أكلت ذرة من الصّباح حتّى الآن.

۲۲- عین ما ليس فيه التمييز:

- (۱) كونوا أحسن الشهداء على الناس لأنّ قد جعلكم أمة وسطاً و عادلة.
- (۲) بعض الناس يحسبون أنّهم أقلّ سعياً و محاولة من الأشخاص الآخرين.
- (۳) سيزيد العلماء عدداً و إرادة لأنّهم قد نبغوا من العصور الماضية حتّى الآن.
- (۴) كانت قد اشتهرت هذه البلاد حضارة، لأنّ تاريخها يعود إلى العصور الأولى.

۲۳- عین التمييز:

- (۱) هل هذا التلميذ حسن أخلاقاً؟
- (۲) إن الأحقق يضرّ الناس بحمقه.
- (۳) ثواب الباقيات الصّالحات خير عند الله.
- (۴) يضيع الناس عمرهم في الدنيا إلا قليلاً منهم.

۲۴- عین الجملة التي تشتمل على التمييز:

- (۱) النهار في الصيف أكثر طولاً من الشتاء.
- (۲) قطعات السحاب في السماء متراكمة هذا اليوم.
- (۳) لهم جنّات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها أبداً.
- (۴) فرض الله الصّلاة تطهيراً من الشّرك.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۵- عین العبارة التي لا تحتاج إلى التمييز:

- (۱) مُلئت جميع الكأسات.
(۲) اجتهداها في الدرس أكثر مني.
(۳) هم في حياتهم أكثر منا.
(۴) هو أجل منا و لا أحد يشك فيه.

۲۶- عین ما ليس فيه التمييز:

- (۱) جامعنا صغيرة لكنها تكون غنيّة بالعلم،
(۲) لهذه الجامعة أستاذ أكثر الأساتذة علماً و فضلاً،
(۳) وأشهرهم تأثيراً في نفوس الطلاب،
(۴) و ربّاهم علماً و عملاً و هم يستعدّون للحياة الكريمة.

۲۷- عین العبارة التي لا تحتاج إلى التمييز:

- (۱) تقدّمت صديقتي في السنة الماضية.
(۲) تلك التلميذة أحسن من زميلاتها.
(۳) أحاول اليوم لتهديب نفسي لكي أنجح غداً.
(۴) لي أستاذ لم يعمل ذرة حتى الآن.

۲۸- عین الصحيح في أسلوب التمييز:

- (۱) الله أحكم الحاكمين (۲) الله شديد العقاب
(۳) أخوهم شرُّ صورة (۴) ربّي فضله عظيم

۲۹- عین الجملة التي ما جاء فيها التمييز:

- (۱) تقدّمت الطالبة علماً في دروسها المدرسية.
(۲) ما كانت لي ذرة حسداً بالنسبة إلى زميلاتي.
(۳) نلّو من القرآن عشرين صفحة كل صباح.
(۴) إنّما يرتفع العباد غداً في الدرجات على قدر عقولهم.

۳۰- عین ما ليس فيه التمييز:

- (۱) هو أكثر منك دراية،
(۲) لكنني أحبّك أكثر منه،
(۳) لأنّك ملأت قلبي حياة،
(۴) و رفعت درجاتي عند ربّي إيماناً.

۳۱- في أيّ عبارة ما جاء التمييز:

- (۱) الناس ازدادوا إتكالاً على الله تعالى.
(۲) أكثر الناس تقرباً إلى الله من كان آمراً بالمعروف.
(۳) لا تشربوا الماء بارداً و الطعام حاراً.
(۴) اشترت الأم سبعة كيلوات برتقالاً للبيت.

۳۲- عین العبارة التي لا تحتاج إلى التمييز:

- (۱) امتلاً قدحی.
(۲) إنك أحسن.
(۳) اشتهرت في مدينتي.
(۴) كثر رجائي بالله تعالى.

۳۳- عین ما ليس فيها التمييز:

- (۱) أنت أكثر مني سعادة في هذه الدنيا.
(۲) حسن الطالب درساً بعد محاولة كثيرة.
(۳) نحن نساعد الفقراء مؤمنين بالله تعالى.
(۴) ملئ تاريخ صدر الإسلام تضحية من المقاتلين.

۳۴- عین ما يحتاج إلى التمييز:

- (۱) الشرّ عاقبته وخيمة.
(۲) اعمل الخير و أكثر منه.
(۳) العلم خير من المال.
(۴) الخير و الشرّ متضادان.

۳۵- ميّز الخطأ للفراغ لإيجاد أسلوب التمييز: «تمتلىء قلوبنا بعد مشاهدة هذه الآيات».

- (۱) يقيناً (۲) خاشعاً (۳) إيماناً (۴) إعتقاداً

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١-٩) بما يناسب النَّصَّ:

لم يكن الإنسان القديم يعرف تقسيمات الوقت كالثانية و الدقيقة و الساعة، و لعلَّ عنايته كانت على «اليوم» لأنَّه كان أمراً بارزاً جلياً بالنسبة إليه!

و لكنَّ الأمم اختلفت في زمن بدء اليوم، فمنهم من حسب الشروق فاتحة اليوم و منتهاه الشروق التَّالِي، و منهم من عدَّ الغروب أوَّل اليوم و انتهاءه الغروب التَّالِي! و قد أثر هذا الخِلاف في تسمية السَّنَّة بأنَّها شمسيَّة أو قمرية! ثمَّ أدرك الإنسان أنَّه بحاجة إلى أن يضمَّ هذه الأيَّام في مجموعة ثابتة، فرأى البعض أنَّ القمر خير معين له! فهو يولد ثمَّ يكبر شيئاً فشيئاً حتى يصبح بديراً كاملاً، و إذا اكتمل عاد إلى ما كان عليه. فدورة القمر من الهلال سميت بالـ«شهر»! ١- عيِّن الصَّحيح:

(١) يعتمد التقويم على حركات الكواكب!

(٢) ولادة القمر و خفاؤه لم تجلب عناية الإنسان!

(٣) كانت الطَّبيعة و ظواهرها مصدراً إلهامياً مهماً للإنسان منذ القديم!

(٤) دورة الشَّمس من زمن ظهورها إلى غروبها تسمَّى بالسَّنَّة الشمسية!

٢- عيِّن الخطأ:

(١) لم يعرف الإنسان موضوع الوقت إلاَّ بعد ما دقَّق في تغييرات الشمس و القمر!

(٢) آيات الطَّبيعة كانت تشغل ذهن الإنسان، فكان يستفيد منها لإدارة حياته!

(٣) اليوم الذي يعتمد على شروق الشَّمس أو غروبها يسمَّى باليوم الشمسي!

(٤) اليوم القمري هو اليوم الذي يرتبط باعتباره ببيروز القمر و ظهوره!

٣- لماذا لم يجعل بعض الأقوام الشَّمس معياراً لتقويم الأوقات؟

(١) لأنَّ نور القمر مأخوذ منها!

(٢) بسبب عدم وجود الابتداء و الانتهاء فيها!

(٣) لأنَّها لا يتغيَّر شكلها!

(٤) لأنَّهم رأوا أنَّ الشَّمس تظهر و تختفي!

٤- عيِّن الصحيح للفراغ: «الفرق بين السَّنَّة الشمسية و السَّنَّة القمرية يرتبط بـ.....»

(١) كيفية شروق الشَّمس و ظهور الهلال!

(٢) الاختلاف في ساعات اللَّيل و النَّهار!

(٣) دوران الأرض حول الشَّمس و القمر!

(٤) رؤية الشُّعوب و فكرتهم حول فاتحة اليوم و انتهائه!

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

■ عین الصحیح فی التشکیل (۵ و ۶):

۵- « لم یکن الإنسان القديم يعرف تقسیمات الوقت كالثانية، و لعلّ عناية كانت علی اليوم! »:

(۱) الوقت - عناية - اليوم

(۲) یکن - یعرف - تقسیمات

(۳) القديم - تقسیمات - الوقت

(۴) الإنسان - القديم - یعرف

۶- « أدرك الإنسان أنه بحاجة إلى أن يضمّ هذه الأيام في مجموعة ثابتة، فرأى أن القمر خير معين له! »:

(۱) يضمّ - خير - معين

(۲) حاجة - مجموعة - القمر

(۳) مجموعة - ثابتة - خير

(۴) أدرك - الإنسان - يضمّ

■ عین الصحیح فی الإعراب و التحلیل الصرفی (۷-۹):

۷- « یکن »:

(۱) مضارع - للغائب - مجرد ثلاثی / فعل مجزوم و من الأفعال الناقصة، اسمه «الإنسان»

(۲) معتل و ناقص - معرب / فعل مجزوم به حرف «لم» و اسمه «الإنسان» و خبره «يعرف»

(۳) للغائب - مجرد ثلاثی - معتل و أجوف / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه ضمير «هو» المستتر

(۴) فعل مضارع - للغائب - متعدّد - معرب / فعل مجزوم و علامة جزمه السكون، اسمه الضمير المستتر

۸- « اختلفت »:

(۱) للغائبات - مزيد ثلاثی - صحیح - لازم - مبني / فاعله ضمير «هنّ» المستتر، و الجملة فعلية

(۲) ماضٍ - للغائبة - مزيد ثلاثی من باب افتعال / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر، و الجملة فعلية

(۳) فعل ماضٍ - صحیح - متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فعل و مع فاعله جملة فعلية و خبر «لكن» و مرفوع محلاً

(۴) صحیح - مبني للمعلوم - مبني / فاعله «الأمم» و الجملة فعلية و خبر «لكن» المشبهة بالفعل و مرفوع محلاً

۹- « كاملاً »:

(۱) اسم - مفرد - مذکر - نكرة - معرب - منصرف / حال مفردة و منصوب

(۲) مفرد مذکر - مشتق و صفة مشبهة - معرب / صفة و منصوب بالتبعية

(۳) مشتق و اسم فاعل (مصدره: كمال) - نكرة / نعت مفرد و منصوب بالتبعية

(۴) نكرة - معرب - منصرف / حال مفردة و منصوب و صاحب الحال «بدرأ»

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۰- عین التمییز:

- (۱) حَفِظَكَ اللهُ لَنَا، فَإِنَّ خَيْرَكَ كَثِيرٌ لِجَمِيعِ النَّاسِ. (۲) من يعمل الخیرَ بِرَ جِزَاءِهِ عِنْدَ اللهِ.
(۳) لا خَيْرَ فِي وُدِّ الْمَنَافِقِ، فَإِنَّهُ مُتَلَوَّنٌ. (۴) أعمالک خیر منی درجه لأن أمک راضیه عنک.

۱۱- عین التمییز:

- (۱) من كان صادقاً أكثر من غيره يكسب ثواباً أكثر منه.
(۲) ربّما لو كان يصبر قليلاً لكان قد حصل على ما يطلبه بسهولة.
(۳) تعجبتُ من أعماله، إنه كان أصغر سنّاً من الآخرين و لكنّه أكثر علماً.
(۴) إن التفكّر قبل العمل قليلاً، يُساعد الإنسان على أن لا يعمل ما يضره بعده.

۱۲- عین العبارة التي ليس فيها التمییز:

- (۱) إشرِبْ فَنَجَاناً قَهْوَةً حَتَّى تَسْتَرِيحَ يَا أَخِي (۲) هل تُريدُ أن تُنفقَ مِنْ أَمْوَالِكَ حَقّاً يَا أَبِي ؟
(۳) أتمنّى أن تبقي أكثر من الآخرين صبراً يا أمي (۴) أطلب من الله دائماً التعالّي لك خُلُقاً يا أختي
۱۳- ما هو الصحيح عن كلمتي «قُوّة» و «أكثر» في العبارة التالية: « كانوا أشدّ منكم قُوّة و أكثر أموالاً و أولاداً » ؟
(۱) تمییز، لفظاً منصوب (۲) خبر كان، معطوف (۳) اسم كان، خبر و منصوب (۴) منصوب، مرفوع

۱۴- عین التمییز:

- (۱) لو آمنت بالله و عملت بأوامره فهو خير لك حقيقةً. (۲) قد جعل الله في القرآن و قراءته خيراً كثيراً للناس.
(۳) التزام الإنسان بالصدق في الحياة خير له تقدماً. (۴) إن تتوكّلوا على الله في الأمور تروا خيره في حياتكم.

۱۵- عین العبارة التي لا تحتاج إلى التمییز:

- (۱) تزداد مدينتي كل سنة (۲) تلاميذ مدرستنا تقدّموا (۳) حنانُ الله أشدّ من الأمّ (۴) كثر البنون و البناتُ

۱۶- عین التمییز:

- (۱) ذلك العالم الشهير أكثر العلماء آثاراً علميةً. (۲) اجتهاد زميلي أكثر من غيره في أداء واجباته.
(۳) إن أكثر شهداءنا الأعمّاء كانوا من شباب وطننا. (۴) أعرف كاتباً قد أكثر مقالاته في صحيفة مدينته.

۱۷- في أي عبارة جاء التمییز؟

- (۱) إلبسْ ثيابك نَظيفةً. (۲) ما شاهدتُ في درسي تقدماً.
(۳) لا تشربوا الماء بارداً. (۴) فاضَ القلبُ سُوراً.

۱۸- عین الخطأ في إعراب الجملة التالية: «ما طابت التلميذة أخلاقاً و لكن تقدّمت درساً شديداً»

- (۱) التلميذة: لفظاً منصوب (۲) أخلاقاً: تمییز (۳) درساً: تمییز (۴) شديداً: مفعول مطلق

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۹- عین ما فيه التمييز:

- (۱) اِشْتَهَرَتْ تِلْكَ الزَّمِيلَةَ جُهْدًا.
(۲) إِنَّا نَحْنُ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ تَفْجِيرًا.
(۳) كَثُرَتْ ضَوْءُ التَّلَامِيذِ فِي الصَّفِّ.
(۴) الْمَدْرَسَةُ صَارَتْ مُزْدَحِمَةً جَدًّا.

۲۰- عین الجملة التي جاء فيها التمييز أكثر من الأخرى:

- (۱) قَالَ أَبِي كِرَارًا أَنَّ خَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَعَمَلًا.
(۲) لِصَلَاةِ الْعِشَاءِ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ سَجْدَتَانِ إِثْنَتَانِ.
(۳) هُوَ أَشَدُّ التَّلَامِيذِ قُوَّةً وَ أَكْثَرَهُمْ سِنًّا وَ لَكِنْ لَيْسَتْ لَهُ ذَرَّةٌ شَجَاعَةٍ.
(۴) نَحْنُ نَذْهَبُ لَزِيَارَةِ ثَامِنِ الْحَجَّاجِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ.

۲۱- مَيِّزَ الْجُمْلَةَ الَّتِي جَاءَ فِيهَا التَّمْيِيزُ:

- (۱) يَرْتَفِعُ الْعِبَادُ دَرَجَةً عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ يَوْمَ الْحِسَابِ.
(۲) يُجَاوِزِي الْمُجْرِمُونَ عَلَى إِثْمِهِمُ الْكَبِيرِ مُجَازَاةً.
(۳) إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ.
(۴) زَادَ اللَّهُ فِي قَلْبِي بَعْدَ مُشَاهَدَةِ هَذِهِ الْحَوَادِثِ إِيمَانًا.

۲۲- عین العبارة التي ليس فيها إبهام:

- (۱) أَنْتَ أَكْمَلُ.
(۲) ذَلِكَ خَيْرٌ.
(۳) تِلْكَ بَهْجَةٌ.
(۴) هَلْ عَمِلْتَ ذَرَّةً؟!

۲۳- مَيِّزَ الْجُمْلَةَ الَّتِي جَاءَ فِيهَا التَّمْيِيزُ:

- (۱) أُثْبِتَتْ أُمَّتُنَا فِي التَّارِيخِ بُطُولَةً فِي الْحَرْبِ.
(۲) أَحَبُّ أَنْ أُنَمَّ دَرَسَاتِي سَرِيعًا لِخِدْمَةِ مَجْتَمَعِنَا.
(۳) أَنَا أُنَمِّي أَنْ أُصَبِّحَ مِثْلَهُ صَبْرًا وَ إِسْتِقَامَةً.
(۴) فَرَّ الْعَدُوُّ مِنْ مَوَاضِعِهِ خَاسِرًا صِفْرَ الْيَدَيْنِ.

۲۴- عین الصحيح حول كلمات العبارة التالية: « وَجَدْتُ كَلَامَهُ أَكْبَرُ مِنْ كَلَامِ الْآخَرِينَ تَأْثِيرًا »

- (۱) تَأْثِيرٌ : اسْمٌ مُشْتَقٌّ مَزِيدٌ (۲) ۲ اسْمٌ : غَيْرٌ مَنْصَرَفٌ (۳) أَكْبَرُ : مَفْعُولٌ بِهِ (۴) ۳ اسْمٌ : مَعْرِفَةٌ

۲۵- مَيِّزَ الْعِبَارَةَ الَّتِي جَاءَ فِيهَا التَّمْيِيزُ:

- (۱) اِشْتَرَيْتُ مِنَ الْمُتَحَفِ إِثْنِي عَشَرَ كِتَابًا
(۲) قَرَأْنَا الدَّرْسَ الثَّلَاثَ جَيِّدًا جَدًّا
(۳) مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الشَّرِّ يَهْلِكُنَا جَمِيعًا
(۴) الصَّالِحَاتُ ثَوَابُهَا خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ

۲۶- مَيِّزَ الْعِبَارَةَ الَّتِي جَاءَ فِيهَا التَّمْيِيزُ:

- (۱) خَيْرُ الْأُمُورِ، خَيْرُهَا عَاقِبَةٌ.
(۲) وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا.
(۳) وَاعْدُنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً.
(۴) الْعُلَمَاءُ أَجَلُ النَّاسِ قَدْرًا.

۲۷- عین التمييز:

- (۱) اِنتَخِبْتُ هَذَا الطَّرِيقَ صَعْبًا.
(۲) يَسْهُلُ اِنتِخَابُ السُّؤَالِ سُهُولَةً.
(۳) أُرْجِحُ هَذَا الْكِتَابَ سُهُولَةً.
(۴) وَجَدْتُ طَرِيقَ السَّعَادَةِ صَعْبًا.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۲۸- عین ما لیس فیہ التمییز:

- (۱) هم كانوا أقوى الناس صبراً عند مواجهة المشاكل و المصاعب.
- (۲) ذلك المعلم أشدَّ اجتهاداً في تربية التلاميذ الصالحين.
- (۳) الفلاحون يُضاعفون جهدهم في العمل أياماً كثيرة عند الحصاد.
- (۴) يمتلئ قلبي إيماناً بالله لَمَّا أرى حوادث الدهر.

۲۹- عین العبارة التي جاء فيها التمییز:

- (۱) إني أصبتُ بالفشل مراراً.
- (۲) العالم أقلُّ الناس غروراً حقاً.
- (۳) عليٌّ أن اتخذهُ سراجاً لي.
- (۴) رأيتُك في المدرسة كَسِلاً.

۳۰- عین التمییز:

- (۱) أحبُّ هذا الأمرُ حباً لا يوصف.
- (۲) ملئ قلبي بعد تلك الحادثة حباً.
- (۳) طلبتُ مني حباً لا أقدر على تحقيقه.
- (۴) زادت الصلاةُ في قلبي حباً بالخيرات.

۳۱- مِيز التمییز الذي لا يُترجمُ فاعلاً:

- (۱) العالم الغربي يزيد مجتمعنا كل يوم فساداً.
- (۲) تفتحت تلك الأشجار في الربيع أزهاراً.
- (۳) إرتفعت هذه الشجرة طويلاً دائماً.
- (۴) إن هذه البساتين قد كثرت أخيراً وروداً.

۳۲- عین التمییز يُترجمُ مفعولاً:

- (۱) أنشدتُ اثني عشر بيتاً حول جمال الربيع.
- (۲) يبدو لي القمر أكثر جمالاً في الليلة.
- (۳) حصّد أخى الأرض قمحاً في السنة الماضية.
- (۴) ليست عندي في البيت سلّة حمراء لوناً.

۳۳- عین تمييزاً يُترجمُ مفعولاً:

- (۱) أعظم العبادة أجراً أخفاها.
- (۲) أعطيت مناً قمحاً للطيور.
- (۳) آتينا ما يجب علينا زكاة أمس.
- (۴) اشتريت كيلواً تفاحاً للضيوف.

۳۴- عین التمییز يُترجمُ فاعلاً:

- (۱) فجر الله الأرض لنا عيوناً و مياهاً.
- (۲) ملأ الله قلوب المؤمنين نوراً و إيماناً.
- (۳) اشتهر هذا الجندي في الحرب شجاعة.
- (۴) من يتسم للحياة يُصبح أكثر سعادة في حياته.

۳۵- عین التمییز لا يُترجمُ مبتدأ:

- (۱) وجدتُ كلامه أعظم من كلام الآخرين تأثيراً،
- (۲) و هو إنسان كلماته أقوى من غيره فصاحة،
- (۳) و قلبه أكثر من قلوب الناس بياضاً و أكثرها عبودية،
- (۴) فأمنتُ به، و إيماني أعلى من الآخرين درجاتٍ

نكات اضافی در تستها:

مستثنی: اسمی است که از یک مجموعه استثناء می شود (که به آن مجموعه مستثنی منه می گوئیم) و به دو دسته زیر تقسیم می شود:

لله (۱) مستثنای تام: هنگامی است که مستثنی منه در جمله ذکر شود و قابل تشخیص باشد که در این صورت مستثنی منصوب خواهد بود.

مثال ۱: جاء التلاميذُ إلاَّ عليًّا

در این مثال التلاميذ مستثنی منه است.

مثال ۲: كلُّ شيءٍ هالكٌ إلاَّ وجهه

در این مثال كلُّ مستثنی منه است.

مثال ۳: نحن نستمعُ إلي كلامه إلاَّ أخاك

در این مثال ضمير نحن مستتر مستثنی منه است.

لله (۲) مستثنای مفرغ: زمانی است که مستثنی منه در جمله نباشد که در این صورت با توجه به جمله، مستثنی دارای اعرابهای مختلف است.

مثال ۱: ما جاء إلاَّ عليٌّ

در این مثال مستثنی منه محذوف است و علی در حکم فاعل جاء.

مثال ۲: هل جزاء الاحسان إلاَّ الاحسانُ

در این مثال مستثنی منه محذوف است و الاحسان در حکم خبر جزاء.

مثال ۳: لم نُشاهد هُناك إلاَّ جماعتين

در این مثال مستثنی منه محذوف است و جماعتين در حکم مفعول جمله.

نکات:

(۱) اگر جمله مثبت باشد (ادوات نفی یا سوالی در جمله نباشد) مستثنی حتماً تام است، ولی در جملات منفی یا سوالی مستثنی ممکن است تام

یا مفرغ باشد. ← إنَّ الانسان لفي خسر إلاَّ الذين آمنوا و عملوا الصالحات (الانسان مستثنی منه می باشد)

(۲) برای تعیین اعراب مستثنای مفرغ کافی است جمله قبل از إلا را ترکیب کنیم، هر کدام از ارکان را که نداشت، مستثنی اعراب و نقش

همان رکن را می گیرد. (در واقع باید نقش مستثنی، در جمله ی بدون إلا بررسی شود!)

مثال ۱: ما رأيتُ إلاَّ جميلاً: در این مثال، جمله قبل از إلا مفعول ندارد، پس مستثنای مفرغ در حکم مفعول و منصوب است.

مثال ۲: ما كنتم إلاَّ خاشعين: در این مثال، در جمله قبل از إلا خبر نداریم، پس مستثنای مفرغ در حکم خبر كنتم و منصوب است.

مثال ۳: لا إله إلاَّ الله: در این مثال، در جمله قبل از إلا خبر نداریم، پس مستثنای مفرغ در حکم خبر لای نفی جنس و مرفوع است.

(۳) باید توجه داشت که ضمیر مفرد نمی تواند مستثنی منه قرار بگیرد، زیرا به لحاظ مفهومی، جمله دارای اشکال می گردد؛ مثلاً در جمله ی

«ما جاء إلاَّ عليٌّ»، نمی توان گفت که مستثنی منه ضمیر مستتر هو است چرا که نمی توان از "او" علی را استثنا کرد؛ به بیان دیگر، عبارت او

نیامد جز علی بی معنا و نامفهوم است، ولی عبارت هیچکس نیامد جز علی دارای مفهوم است که لغت "هیچکس" (مستثنی منه) محذوف است!

دقت: إلا، حرف استثناء و مبنی بر سکون و غیر عامل می باشد.

روش ترجمه مستثنای مفرغ:

(* در ترجمه مستثنای مفرغ در جملات منفی، بهتر است جمله به صورت مثبت و با تاکید روی مستثنی ترجمه شود.

یعنی اگر در گزینه‌های تست هم ترجمه‌ی مثبت و موکد و هم ترجمه‌ی منفی داشتیم، ترجمه‌ی مثبت و موکد ارجحیت دارد.

مثال: لَمْ أَطَالُ إِلَّا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ : چیزی مطالعه نکرده‌ام مگر زبان عربی را / فقط زبان عربی را مطالعه کرده‌ام (ترجمه‌ی دوم بهتر است!)

دقت: اگر در سوالی به دنبال "حصر و اختصاص" بودیم، باید در گزینه‌ها مستثنای مفرغ یا إنما پیدا کنیم!

۱. عَيْنَ مَا فِيهِ الْحَصْرُ:

(۱) إِنَّهُمْ لَا يُعَانُونَ إِلَّا الْكِسَالَةَ وَالْخُمُولَ (۲) تَكَلَّمَ عَنْ جَمِيعِ الذِّكْرِيَّاتِ إِلَّا ذِكْرِيَّاتِ الْحَرْبِ

(۳) كُلُّ شَيْءٍ يَرْخُصُ إِذَا كَثُرَ إِلَّا الْآدَبُ (۴) لَا يَقْوَزُ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا إِلَّا الْمَجْدِينَ مِنْهُمْ

۲. عَيْنَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَحذُوفًا:

(۱) لَا تَطْلُبُوا شَيْئًا إِلَّا الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ (۲) عَلِمْتُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ

(۳) إِنَّ الطَّلَابَ لَا يُسَاعِدُهُمْ إِلَّا الْاجْتِهَادَ (۴) لَمْ يَكُنْ هَدَفَ بَعْتَةِ الرَّسُولِ (ص) أَمْرًا إِلَّا التَّعْلِيمَ

۳. عَيْنَ الْعِبَارَةِ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ:

(۱) لَمْ يَبْقَ لَنَا عَمَلٌ إِلَّا الْوَفَاءَ بَعْدَنَا (۲) مَا كَانُوا إِلَّا خَاشِعَاتٍ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

(۳) لَمْ يَكُنْ لِلطَّالِبَاتِ عَمَلٌ إِلَّا الْجِهَادَ (۴) لَا تَسْتَشِيرُوا فِي الْأُمُورِ إِلَّا الْعُقَلَاءَ

۴. عَيْنَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ : « وَ مِنْ بَيْنِ الْحَيَوَانَاتِ لَا يَتَمَتَّعُ بِهَذِهِ الْقُدْرَةِ إِلَّا الْخَفَاشُ »

(۱) الْحَيَوَانَاتِ (۲) ضَمِيرٌ مُسْتَتِرٌ (۳) بَيْنَ الْحَيَوَانَاتِ (۴) يَكُونُ الْمُسْتَثْنَى مَفْرَغًا

۵. عَيْنَ الْخَطَأِ:

(۱) لَا تَذْكُرُوا إِلَّا اللَّهَ : خدا را ، فقط یاد کنید.

(۲) إِنَّ النَّاسَ لَا يَقْوِزُونَ فِي حَيَاتِهِمْ إِلَّا الْمَجْدِينَ مِنْهُمْ : مردم در زندگی خویش، جز تلاشگرانشان پیروز نمی‌شوند.

(۳) مَا قَرَأْنَا مِنْ كِتَابِنَا حَتَّى الْآنَ إِلَّا أَرْبَعَةَ دُرُوسٍ : تا به حال از کتابمان نخوانده‌ایم مگر چهار درس را !

(۴) زَيْنَ نَفْسِكَ بَعَادَاتٍ أَكْبَرًا وَ مَا هِيَ إِلَّا أَخْفَاهَا : خود را به عبادت‌هایی آراسته کن که اجرشان بیشتر است و آن چیزی جز

پنهان‌ترین آنها نیست.

(سراسری - زبان ۹۳)

■ عَيْن الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقُّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (۱-۸):

۱- «المشقات التي تحمّلتها في طريقى إلى التّقدّم، تبدو لى الآن صغيرة و سهلة!»:

- ۱) در راه به سوی کمال، سختیهای کشیدم که الآن به نظرم کوچک و راحت می آید!
- ۲) آنچه از سختی به سمت ترقی تحمل کردم، حالا دیگر در نظرم کوچک است و ساده!
- ۳) مشقتیهای را که در راهم به سوی پیشرفت تحمل کردم، اکنون به نظرم کوچک و آسان می آیند!
- ۴) سختیهای زیادی در راه من به سمت پیشرفت و ترقی بود که اکنون به نظرم کوچک می رسند و ساده!

۲- « ليتني كنت قد تعلمت منك أن لا أحزن على كل أمر مكروه أو أجاهه، و لو كان كبيراً»:

- ۱) کاش از تو آموخته بودم که بر هر امر ناپسندی که با آن مواجه می شوم غمگین نگردم، اگر چه بزرگ باشد!
- ۲) شاید از تو آموخته باشم که به خاطر هر آنچه از ناپسندی‌ها به من برسد حتی اگر بزرگ باشد، ناراحت نباشم!
- ۳) کاش محزون نشدن را بر هر امر ناملایمی که با من مواجه می شود از تو یاد می گرفتم، ولو بزرگ باشد!
- ۴) شاید غم نخوردن را برای آن ناخوشایندی که به من خواهد رسید با وجود بزرگ بودن، از تو بیاموزم!

۳- « من لم يكن له من ضميره واعظ، فلن يكون له من عند الله حافظاً»:

- ۱) هر کسی که از درون خویش او را هشدار نمی دهند، در نزد خداوند حافظی نخواهد داشت!
- ۲) کسی که واعظی او را از درون هشدار ندهد، نگهبانی هم از سوی خدا او را حفظ نخواهد کرد!
- ۳) اگر کسی از درون خود وعظ کننده‌ای نداشت از نزد خدا حفظ کننده‌ای او را حفظ نخواهد کرد!
- ۴) هرکس از درون خویش پند دهنده‌ای نداشته باشد، از جانب خداوند نگهباننده‌ای نخواهد داشت!

۴- « عندما تكون الشمس في قمة حكومتها وسط السماء و تحرق الأبدان و النباتات، لا تنسَ أنّها ستغرب بعد ساعات قليلة!»:

- ۱) وقتی آفتاب در وسط آسمان، بر قلّه‌ی حکم راندن است و بدن‌ها و گیاهان را از بین می برد، از یاد مبر که بزودی غروب خواهد کرد!
- ۲) آن گاه که خورشید بر قلّه‌ی آسمان به حکم فرمایی خویش می پردازد و گیاهان و تنه‌ی آنها را می سوزاند، از یاد مبر که بزودی غروب خواهد کرد!
- ۳) در حینی که آفتاب در اوج حکم فرمایی در پهنه‌ی آسمان قرار گرفته است و تنه‌ی گیاهان را می سوزاند، به یاد داشته باش که ساعاتی بعد غروب خواهد کرد!
- ۴) هنگامی که خورشید در اوج حکمرانی خود در دل آسمان قرار دارد و بدن‌ها و گیاهان را می سوزاند، فراموش مکن که بعد از ساعات اندکی غروب خواهد کرد!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۵- عین الصحیح:

- ۱) ألقِ هذا الحمل الثقيل إلى الأرض!؛ این بار گران را به زمین انداخت!
 - ۲) كانت البلاد المتقدمة تصنع معدّات حديثة!؛ کشورهای پیشرفته، تجهیزات جدیدی می‌ساختند!
 - ۳) تعجبت من رائحة وردة جميلة في حديقة بيتنا!؛ از بوی گل زیبای باغچه‌ی منزلمان تعجب کردم!
 - ۴) انتهت المسرحية بنجاح فصقّ الحاضرون!؛ نمایشنامه با موفقیت به پایان رسید در حالی که حضار دست می‌زدند!
- ۶- عین غیر المناسب للمفهوم:

- ۱) رَبِّ ظَمَانٍ يصفو الماء غصّاً! = «و عسى أن تحبوا شيئاً و هو شرّ لكم»
- ۲) البرّ أن تعمل في السرّ عمل العلانية! = «و أنفقوا ممّا رزقناهم سراً و علانية»
- ۳) «و لو كنت فظلاً غليظ القلب لانفضوا من حولك» = و هر که گفتار نرم پیش آرد همه دلها به قید خویش آرد!
- ۴) «و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً» = افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب، زمینی که بلنداست!

۷- « خداوند از روح خود در انسان دمیده است، پس بر اوست که همه‌ی اعمالش را در راه رضای او انجام دهد! »:

- ۱) قد نفخ الله من روحه في الإنسان، فعليه أن يعمل جميع أعماله في سبيل رضاه!
 - ۲) ينفخ الله من الروح في الإنسان، فيجب عليه أن تكون كل أعماله في كسب رضايته!
 - ۳) الله نفخ من روحه في نفس الإنسان، فعلى الإنسان أن يفعل كل الأعمال لكسب رضايته!
 - ۴) كان الله قد نفخ من روحه في الإنسان، فيجب على الإنسان أن تكون جميع أعماله في طريق رضاه!
- ۸- « مدیر مدرسه و سه معاون او تصمیم گرفتند برای تجلیل از پدران شهید پنج دانش آموز، مراسمی برپا کنند! »:

- ۱) قصد مدير المدرسة و خمسة معاونيه أن يكرموا الآباء الشّهداء لثلاثة طلبية!
- ۲) مدير المدرسة و ثلاثة معاونينه عزموا أن يكرموا ذكري الآباء الشّهداء لخمسة تلاميذ!
- ۳) مدير المدرسة و خمسة معاونينه قصدوا أن يعقدوا المراسيم لتكريم آباء شهداء لثلاثة طلبية!
- ۴) عزم مدير المدرسة و ثلاثة معاونيه أن يعقدوا مراسيم لتكريم الآباء الشّهداء لخمسة تلاميذ!

۹- عین المستثنی المفرغ:

- ۱) لا تملك أمي العجز ما تصدق به في سبيل الله إلا لئن نعتتها.
- ۲) ما غرست نباتاً في مزهرتي الجميلة إلا زهرة الياسمين.
- ۳) لم يكن لجدّي المريض عمل إلا قراءة القرآن و الأدعية.
- ۴) لم يبق لنا والدانا إلا ميراث الأنبياء و هو العلم.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

١٠- عین المستثنى منه محذوفاً:

- (١) لم يبق عندى شيء إلا كتاباً واحداً.
 (٢) ما فهمتُ شيئاً من كلامك إلا الخير.
 (٣) ما كنتنَّ أمام مسؤولياتكنَّ إلا ملتزمات بها.
 (٤) ليست مسألة مهمّة إلا مسألة الدفاع عن الشرف.

١١- عین المستثنى منه محذوفاً:

- (١) أرى أشجار هذه الحديقة خضراء إلا ثلاثاً منها.
 (٢) استفاد الآخرون من اكتشافات المسلمين إلا بعض البلاد.
 (٣) سألت طالبة ذكيّة الأسئلة من معلّمتها إلا سؤالين.
 (٤) ما جاء مع أبى إلى المسجد الأعظم إلا رجل محسن.

١٣- عین المستثنى منه محذوفاً:

- (١) ليس على الحقّ فى الدنيا أحد إلا المؤمن بالله.
 (٢) تنجح الطالبات فى الامتحان إلا المتكاسلات منهنّ.
 (٣) لا ينال العزّة و الكرامة إلا الصادقون فى أعمالهم.
 (٤) نجحت التلميذات فى امتحانات نهاية السنة إلا اثنتين منهنّ.

١٤- عین المستثنى منه محذوفاً:

- (١) وقف الجنود كلّهم أمام القائد إلا واحداً منهم.
 (٢) ما أولياء الله من مخلوقاته إلا الصادقون.
 (٣) ما رجعت التلميذات إلى المنزل إلا اثنتين.
 (٤) أعطيتُ الفقير كلّ دراهمى إلا درهمين اثنين.

١٥- عین العبارة التى فيها المستثنى منه:

- (١) لا يهدم رأيك إلا الغضب الذى لا تستطيع أن تكظمه.
 (٢) ما ابتلى الله أحداً إلا بعد أن بين له طريق الهدى و الضلالة.
 (٣) كلّ شيء فى هذا العالم يزول إلا الذكر الجميل.
 (٤) إنّ رجاء الآخرة بغير العمل ليس إلا خيلاً باطلاً.

١٦- عین ما حذف فيه المستثنى منه:

- (١) كلّ ما طلبته منى فعلته إلا توفير الطعام.
 (٢) ما دفع صاحب الدكان لهذا الرجل إلا أجره هذا الشهر.
 (٣) ما اعترض على ترجمتى فى الجلسة أحد إلا واحداً من الحكّمين.
 (٤) يا معلّمتى العزيزة! رجاء أعيدى لى الدرس إلا الفصل الأخير منه.

١٧- عین الذى فيه أداة الاختصاص:

- (١) لا تعملوا عملاً فى الصباح إلا قراءة دروسكم.
 (٢) يؤدّى كلّ الطلاب واجباتهم الدراسيّة إلا الكسلان منهم.
 (٣) ما بقى عليكم إلا الوفاء بما وعدتم به أمهاتكم.
 (٤) المعلّمات ما شاهدن التلميذات فى الصّف إلا اثنتين منهنّ.

١٨- عین ما فيه الحصر:

- (١) لم يعرف المسافر الطريق إلا طريقاً فرعياً.
 (٢) سكنت الجماعة فى تلك الجلسة إلا مجموعة صغيرة منها.
 (٣) ما يُنكر بآياتنا إلا القوم الظالمون.
 (٤) هل عندكم باقى عمل إلا القيام بواجباتكم؟

نكات اضافى در تستها:

.....

۱۹- عین المستثنی منه محذوفاً:

- (۱) لم أحفظ السور من القرآن الكريم إلّا اثنتين منها.
- (۲) استيقظ الضيوف من الصباح الباكر إلّا ولدهم الصغير.
- (۳) لم تُترجم من الفارسيّة إلى العربيّة إلّا عبارات قصيرة من هذه الكتب.
- (۴) عند الامتحان نرى كلّ الطّلاب في المدرسة و الجامعة يدرسون إلّا الكسلان.

۲۰- عین الاستثناء غير المفرغ:

- (۱) لا يؤلف المؤلفون العلماء إلّا كتباً مفيدة للناس.
- (۲) لم يكن الأنبياء بين أمّتهم إلّا مبشرين و منذرين.
- (۳) تنكّف أكثر الحيوانات مع كلّ بيئة إلّا قليلاً منها.
- (۴) لا يحتاج المجتمع البشريّ إلّا إلى العلماء المخلصين.

۲۱- عین المستثنی المفرغ:

- (۱) اليوم ما قرأت الصحف المتعدّدة إلّا الاقتصادية منها.
- (۲) لا يُحبّ التلاميذ الدروس الصّعبة إلّا بعضهم.
- (۳) يقبل الناس نصيحة الصّالحين إلّا القليل منهم.
- (۴) لم تُبق له مصائب الدهر إلّا الصبر عليها.

۲۲- عین المستثنی منه محذوفاً:

- (۱) لم تكن هذه القضية إلّا سرّاً غامضاً.
- (۲) قبل المدير كلّ الموظّفين إلّا شاباً يمدح لنفسه.
- (۳) ما وصفت الطّبيبة لي دواءً إلّا الاستراحة الكافية.
- (۴) تسمح أمي لنا بأن نذهب إلى البحر إلّا أخانا الصّغير.

۲۳- عین المستثنی منه ليس مرفوعاً:

- (۱) ما كان الضيوف من أصدقائي إلّا واحداً منهم.
- (۲) يا تلميذاتي! لا تعلقن هناك شيئاً إلّا مطلقاً تكن.
- (۳) رجعنا من هذه الرحلة الطويلة إلى بلدنا إلّا أخي الأكبر.
- (۴) أصبحن مثاليات في الأخلاق و الدرس إلّا واحدة منهن.

۲۴- عین المستثنی ليس مفرغاً:

- (۱) هل كانت نتيجة أعمالك إلّا ما رأيناها؟
- (۲) ما عرفت إخواني إلّا بعد حوادث الدهر.
- (۳) أتنبض دقات قلبك لأحد إلّا لتلاميذك؟
- (۴) لا تسقط ورقة واحدة من شجرة إلّا بإذن الله.

۲۵- عین المستثنی منه محذوفاً:

- (۱) لي أسرار في قلبي لا يعلمها إلّا ربّي الحنون.
- (۲) لم تكن في هذا الكتاب قصة إلّا حكاية عن الفتوة.
- (۳) لن أستشير أسرتي في هذه المسألة إلّا والديّ.
- (۴) ما شاهدنا ورقة على الجدار إلّا إعلاناً عن الامتحانات.

۲۶- عین المستثنی منه محذوفاً:

- (۱) ما أنفقت جدتي طول حياتها إلّا ما في يدها.
- (۲) اعتمد الناس على نفوسهم في الدنيا إلّا الخائفين منها.
- (۳) وهب ألبسته فقيراً مرّ بداره إلّا واحداً منها.
- (۴) ما سمعتُ خبراً من التلفاز إلّا الأخبار الاقتصادية.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۷- عین المستثنی یفرق نوعه عن الباقي:

- (۱) كلّ وعاء يضيّق بما جعل فيه إلّا وعاء العلم.
(۲) لا تنصح المُقصرَ إلّا بالتلطف و اللين.
(۳) ما علينا إلّا تطبيق الأمور على الطريقة الصحيحة.
(۴) لا ترفع صوتك إلّا أمام الظالم.

۲۸- عین المستثنی منه محذوفاً:

- (۱) الَّذِينَ يذوقون مُرّ الحياة لا يستسلمون أمام الصّعوبات إلّا الضّعفاء منهم.
(۲) لَنْ ينجح الطّلاب في دروسهم إلّا الدّوّبين في أعمالهم و دروسهم.
(۳) ما تعرّف على حقيقة الحياة إلّا صاحب الأخلاق الحسنة.
(۴) قد شعرت بأنّ الناس يُعانون التّكاسل إلّا قليلاً منهم.

۲۹- ميّز العبارة التي ماجاء فيها المستثنی منه:

- (۱) نجت السمكات إلّا واحدة.
(۲) لا يدخل الجنة إلّا المؤمنون.
(۳) كلُّ شيء هالك إلّا وجهه.
(۴) أحبُّ الناس إلّا المتكبرين.

۳۰- ميّز الجملة التي جاء فيها المستثنی المفرغ:

- (۱) ما رأيت التلاميذ و المعلمين إلّا المدير.
(۲) كلُّ شيء يرخّص إذا كثر إلّا الأدب.
(۳) و ما كانوا لنا عابدين إلّا آدم.
(۴) لا يؤمن بالله إلّا الأحرار.

۳۱- عین المستثنی المفرغ:

- (۱) لا تطلب أمراً إلّا الحسنة.
(۲) ليس للإنسان إلّا ما سعى.
(۳) ما كان عندي أحد إلّا أخاه.
(۴) لا يفوز الناس إلّا المجدين.

۳۲- أيّ العبارات لا يكون فيها الحصر أو الاختصاص؟

- (۱) إعلموا أنّما وليّ من بينكم المتّقون.
(۲) لا يكتسب ثقة الناس إلّا الرجل الأمين.
(۳) لا تعاني هذه الأمة شيئاً إلّا عدم التّوكل.
(۴) نعتقد بأنّ ليس على طريق الحقّ إلّا الذين آمنوا.

۳۳- عین المستثنی فاعلاً في المعنى:

- (۱) إنّي لا أرى الموت إلّا السّعادة.
(۲) لا يكلف الله نفساً إلّا وسعها.
(۳) لا يرحم العبد الدليل إلّا المولى.
(۴) لا تكلف نفسك إلّا وسعها.

۳۴- عین المستثنی مفعولاً في المعنى:

- (۱) لا تعمل في الصّباح إلّا المطالعة.
(۲) لم يكن أمام المعلّمة إلّا تلميذاً واحداً.
(۳) إنّ هذا أمرٌ لا يدركه إلّا أخوك.
(۴) لا يزداد في قلوب المؤمنين إلّا الإيمان.

۳۵- عین الخطأ للفرغ: « لا نعرف في الحياة وسيلة إلى الله إلّا _____ . »

- (۱) أحمد (ص) (۲) محمد (ص) (۳) فاطمة (س) (۴) الأئمة (ع)

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

■ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١-٩) بما يناسب النَّصَّ:
هذا جميل أن يستطيع الإنسان تقدير أموره بالتعقل والحكمة وأن يتخلص من المشكلات التي وقع فيها؛ ولكن الأجل من ذلك هو أن يتبصر الإنسان فيزن مقدمات أعماله و يقدر نتائجها و يدرك مواضع الخلل في أفعاله، فيسعى إلى جبران ما قد فات من يده حتى لا يقع في مسقط أو مزلة!
فمن لم يحسب حساباً للعواقب لا يسلم من التوائب و الشدائد! و الأسهل على الإنسان أن يتدبر أمره قبل وقوعه فيه بدلاً من أن يجد نفسه مضطراً للبحث عن طرق لحل المشكلات التي وقع فيها!
كذلك إن الشعب الذي لا يفكر في أمره قبل الوقوع فيه و ليس له طرق عديدة لمواجهة المصائب، يدفع ثمناً غالياً فالمزلات و المساقط التي يقع فيها أفراد البشر قد لا تسمح لهم بالتفكير حول كيفية النجاة مما وقعوا فيه، بل يوجب الحادث سيطرة نفسه عليه، فعندئذ لا حيلة للإنسان إلا القبول بالأمر!

١- عيّن المناسب للفراغ: «الأسهل على الإنسان أن يتدبر أمره قبل وقوعه فيه، لأن...»

(١) القيام بعد السقوط في المزلات لا يحدث للإنسان أبداً!

(٢) الوقوع في المساقط يسبب أن لا نقدر على التعقل و التبصر!

(٣) المشكلة في بداية أمرها ليست عظيمة؛ فإمكان حلها و رفعها موجود!

(٤) إدراك مواضع الخلل و السعي إلى جبرانها لا يمكن إلا بعد الوقوع فيها!

٢- المفهوم البعيد عن النص هو.....

(١) الإنسان يدبر و الله يقدر! (٢) رب مجرم لا يتوب! (٣) فكر في الخروج قبل الورود! (٤) المنع أفضل من العلاج!

٣- ما هو الأجل للإنسان؟ عيّن الخطأ:

(١) التعرف على التوائب قبل مواجهتها!

(٢) التفتيش عن طرق الحل المناسبة قبل ظهور التوائب!

(٣) التبصر و المواجهة الحكيمة للعبور من الموانع!

(٤) السعي إلى الخروج من المشكلات التي وقع فيها!

٤- عيّن المناسب للفراغ: «الشعب المنتصر هو الذي.....»

(١) أجوبته أكثر من مسائله!

(٢) مسائله أكثر من طرق حلها!

(٣) يمدّ المعبر بعد وقوع الحادث!

(٤) يفكر بالنافذة بعد إيجاد الجدار!

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۰- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: « لَا تُسَاعِدِ إِلَّا! »

(۱) الْمُحْتَاجَانِ (۲) الْمُحْتَاجِينَ (۳) الْمُحْتَاجُونَ (۴) الْمُحْتَاجَاتُ

۱۱- عَيْنَ الْخَطَا وَفَقِ اسْلُوبِ الْاسْتِثْنَاءِ:

(۱) لَنْ يَكُونُوا إِلَّا خَاشِعًا فِي طَاعَةِ رَبِّهِمْ. (۲) لَنْ أَسْتَشِيرَ فِي أُمُورِي أَحَدًا إِلَّا عَاقِلًا مُؤْمِنًا.

(۳) لَمْ يَبْقَ لَنَا وَاجِبٌ إِلَّا الْوَفَاءُ بِالْجَاهِدِ. (۴) لَمْ يَكُنْ لِلنَّاسِ وَاجِبٌ إِلَّا الْاجْتِهَادُ.

۱۲- عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي اسْلُوبِ الْاسْتِثْنَاءِ:

(۱) مَا وَجَدْتُ كِتَابًا فِي مَكْتَبَةِ قَرْبِ بَيْتِنَا إِلَّا كِتَابَانَ عِلْمِيَّانَ. (۲) لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا الْمُؤْمِنُونَ الْمُخْلِصِينَ.

(۳) لَمْ يَعْزَمْ عَلَيَّ مُوَاصَلَةَ الطَّرِيقِ إِلَّا صَدِيقِيكَ النَّاجِحَانِ. (۴) قَدْ تَكَلَّمْتُ الْأُمَّمَ عَنْ جَمِيعِ ذِكْرِيَّاتِهَا إِلَّا ذِكْرِيَّاتِ أَسْرَتِهَا.

۱۳- عَيْنَ الْخَطَا فِي إِعْرَابِ الْمُسْتَثْنَى:

(۱) كُنْتُ قَدْ قُمْتُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِي إِلَّا وَاجِبُ مَنْزِلِي.

(۲) لَيْسَ لِي سِلَاحٌ مُقَابِلَ عَدُوِّي إِلَّا سِلَاحُ الْإِتِّكَاءِ عَلَيَّ نَفْسِي.

(۳) مَا كُنَّا نَرْجُو شَيْئًا إِلَّا بِنَاءِ الْمَجْتَمَعِ الْإِسْلَامِيِّ، لِهَذَا عَارِضْنَا الْأَعْدَاءَ.

(۴) تَحَدَّثَ أَخِي عَنْ جَمِيعِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَّا نِعْمَةَ ذَهَابِهِ إِلَى جِبَهَاتِ الْحَرْبِ.

۱۴- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنْ إِعْرَابِ الْمُسْتَثْنَى:

(۱) شَاهَدْنَا هُنَاكَ مَنَازِرَ جَمِيلَةٍ إِلَّا مَنَظَرَ وَاحِدٍ. (۲) مَا كَانَتْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ إِلَّا أَمْرًا بَسِيطًا.

(۳) الطَّلَّابُ مَا شَاهَدُوا فِي الصَّفِّ إِلَّا طَالِبَانِ اثْنَيْنِ. (۴) لَمْ يَصِفِ الطَّبِيبُ لِهَذَا الْمَرَضِ إِلَّا دَوَاءً خَاصًّا.

۱۵- عَيْنَ الْخَطَا:

(۱) سَمِعْتُ الْكَثِيرَ مِنْ حِكْمِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا حَدِيثَ لَقْمَانَ.

(۲) لَيْسَ الْعِلْمُ فِي الْإِسْلَامِ إِلَّا فَرِيضَةٌ. (۳) لَا يَسْتَسَلِّمُ أَمَامَ صَعُوبَاتِ الْحَيَاةِ إِلَّا الْفَانِطُ.

(۴) لَيْسَ الْمَسِيحُ عَيْسَى إِلَّا ابْنُ مَرْيَمَ وَرَسُولَ اللَّهِ. (۱۶- عَيْنَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَفْعُولًا:

(۱) لَا يَقْضَى الْأَوْقَاتَ بَيْنَ الْكُتُبِ إِلَّا الْإِنْسَانُ النَّاجِحُ. (۲) لَمْ يَكُنْ لِأُمَّتِهِمْ قَبْلَ ظَهْورِ الْإِسْلَامِ شَيْءٌ إِلَّا قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.

(۳) مَا وَضَعَ الْغَرِيبُونَ الْعُلُومَ إِلَّا بَعْضَ الْعُلُومِ الْحَدِيثِيَّةِ. (۴) لَهُ رِسَائِلٌ عِلْمِيَّةٌ مَا قَطَّنَ عَلَيَّ سِرُّهَا شَخْصٌ إِلَّا عِظْمَاءَ الْعُلَمَاءِ.

۱۷- عَيْنَ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَوْجُودًا:

(۱) لَمْ يَنْجَحْ فِي الْإِمْتِحَانِ إِلَّا مَنْ كَانَ أَكْثَرَ اجْتِهَادًا.

(۲) لَا يَدْعُو الْمُؤْمِنُ لِقَضَاءِ حَاجَاتِهِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى.

(۳) لَمْ يَأْتِ إِلَى هَذِهِ الْحَفْلَةِ إِلَّا بَعْضُ الطَّلَبَةِ.

(۴) لَمْ يُؤَدِّ وَاجِبَاتِهِ إِلَّا اللَّتَيْنِ طُرِحَتْ أَحْيَرًا.

۱۸- « لَمْ يَشْجَعِ الْمَدِيرُ فِي مَرَاثِمِ تَكْرِيمِ « يَوْمِ التَّلْمِيزِ » إِلَّا » عَيْنَ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ:

(۱) التَّلْمِيزَاتِ الْمَجْتَهَدَاتِ (۲) تَلْمِيزَانَ مَجْتَهَدِينَ (۳) التَّلَامِذَةَ الْمَجْتَهَدِينَ (۴) تَلْمِيزَتَيْنِ مَجْتَهَدَتَيْنِ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۹- عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى مُخْتَلَفًا:

- (۱) ذهبت التلميذات إلى البيت إلا واحدة كانت تنتظر أباهن. (۲) لقد ضيَّع الأبناء كلَّهم عمرهم إلا الإبن الصَّغير العاقل.
(۳) لم تقطع هؤلاء الزميلات الطَّريق الصَّحيح إلا زميلتي. (۴) لا يَصِل إلى الغاية السَّامية إلا الطَّالب المُثابر.

۲۰- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) لا يَنْتَفِع بالعلوم إلا العلماء المجدِّون.
(۲) ليس المُستقبل إلا ما نحن مُحدثوه اليوم.
(۳) جاهد المقاتلون إلا جنديان منهم.
(۴) لم يَسْتَسْلِم للشَّيْطَان إلا من تَكَبَّر و اسْتَعْنَى بِطْرًا.

۲۱- عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى مُنْصَوِّبًا:

- (۱) لا يُطَلَّب مِنَ النَّاسِ إلا قَدْرُ اسْتِطَاعَتِهِمْ.
(۲) هل الحياة إلا مرحلة مملوءة بالمرارة و العناء؟
(۳) على العبد أن لا يخاف إلا ربَّه و لا يرجو إلا فضله.
(۴) إنه قد فَقَد ما يملكه و لم يكن لَدَيْهِ إلا ثَوْب يَحْفَظُهُ مِنَ الْبَرْدِ.

۲۲- عَيْنُ مَا فِيهِ الْحَصْر:

- (۱) يعيش النَّاسُ فِي الْبِلَادِ الْكَبِيرَةِ بِصُعُوبَةٍ إلا بَعْضُهُمْ.
(۲) لم تُفْهَم الْحَقَائِقُ حَوْلَ الْحَيَاةِ إلا حَقِيقَةً وَاحِدَةً عَنِ الْكَائِنَاتِ.
(۳) لم يَتَعْجَبْ مِنْ أَعْمَالِي و أَقْوَالِي فِي الْمَدْرَسَةِ إلا الْمُدِيرُ.
(۴) طَالَعْتُ جَمِيعَ الْكُتُبِ الْمَوْثِقَةِ فِي عِلْمِ النَّجُومِ إلا كِتَابًا وَاحِدًا.

۲۳- عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى فَاعِلًا مِنْ حَيْثُ الْمَعْنَى:

- (۱) لا يَنْتَهِي عَنِ الْخَطَا إلا مَنْ اعْتَبَرَ بِهِ.
(۲) لا تَعْمَلُ إلا مَا يَقْرَبُكَ مِنْ رَبِّكَ.
(۳) لا تُنْفِقُ إلا مَا يَكُونُ ابْتِغَاءً لِمَرْضَاةِ اللَّهِ.
(۴) لا يُعَيِّرُ اللَّهُ إلا مَنْ أَرَادَ ذَلِكَ.

۲۴- عَيْنُ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ لَيْسَ مَحْذُوفًا:

- (۱) لا يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ إلا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ.
(۲) لم أَرِ صَدِيقِي فِي الطَّرِيقِ إلا عَلِيًّا.
(۳) لم يَحْضُرْ فِي الْمَدْرَسَةِ حَتَّى الْآنَ إلا تَلْمِيزَانِ.
(۴) مَا كَانَ فِي قَلْبِي إلا رَجَاءٌ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ.

۲۵- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) لا يَنْجَحُ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا إلا الْمُؤْمِنِينَ الصَّالِحِينَ.
(۲) نَجَحْتُ طَالِبَاتُ الصَّفِّ إلا طَالِبَتَانِ.
(۳) مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانِ أَحَدٌ إلا تَلَامِيذَ تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.
(۴) مَا نَجَحُوا فِي الْإِمْتِحَانِ إلا طَالِبٌ وَاحِدٌ.

۲۶- مَيِّزُ الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ مَوْجُودًا:

- (۱) أَلَيْسَ جِزَاءُ الْإِحْسَانِ إلا الْإِحْسَانُ.
(۲) لا يَخَافُ اللَّهُ خَوْفًا إلا الْمُؤْمِنُونَ الصَّادِقُونَ.
(۳) إِعْلَمُ أَنَّهُ مَا كَانَ الْقَصْدُ إلا سُرُورُكَ.
(۴) لا يَرْجُو النَّاسُ بِالْآخِرَةِ إلا الْمُوَحِّدِينَ مِنْهُمْ.

۲۷- مَا هُوَ الْخَطَا لِلْفِرَاحِ: « لَمْ يَحْدِثْ فِي هَذِهِ السَّنَةِ إلا _____ ». « ؟

- (۱) زلزلات (۲) زلازل (۳) زلزلة (۴) زلزالان

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

۲۸- عین المستثنی منه محذوفاً:

(۱) ليس المفلحُ في الحياة إلا الصادق.

(۲) لا يُرزقون عند الله إلا الشهيد.

(۳) ما دُعيتنَّ إلى الضيافة إلا النَّاجحات منكنَّ.

(۴) إنَّ أعمالكم كلها مُباحة إلا تكاسلکم.

۲۹- ما هو المناسب للفراغين: « ليس لنا إلا _____ , فإنك أمرت ألا نعبُد إلا _____ » ؟

(۱) أنتَ , أنتَ (۲) أنتَ , إيتاك (۳) إيتاك , إيتاك (۴) إيتاك , أنتَ

۳۰- ما هو المناسب للفراغ: « لَنْ يُضَيَّءَ هذه الغرفة إلا _____ » ؟

(۱) مصباحان إثنان (۲) مصباحاً واحدة (۳) مصابيح كثيرة (۴) المصابيح الثلاثة

۳۱- عین الصحيح في تعيين المستثنی منه:

(۱) كتبتُ تماريني كلها إلا التمرين الأخير: كلَّ

(۲) الناس جميعهم يخسرون إلا المؤمنین منهم: الناس

(۳) حاجاتي لا يقضيها إلا كرمك: حاجات

(۴) الناس يُضيِّعون عُمرهم إلا أصحاب الخلق الكريم: ضمير واو

۳۲- عین الجملة التي يكون المستثنی منه فيها ضميراً:

(۱) لم نُشاهد في تلك المناطق إلا مناظر جميلة.

(۲) حضرت كل الطالبات في الصفِّ إلا فاطمة.

(۳) ليس المجدون في دروسهم إلا ناجحين.

(۴) الملائكة كلهم سجدوا لآدم إلا إبليس.

۳۳- عین المستثنی الذي إعرابه تقديری:

(۱) لم نقل في الصفِّ إلا معنی هاتين العبارتين

(۲) لا يصل إلى الأهداف السامية إلا هذا الفتى.

(۳) لا يقضى بين الناس إلا القضاة عادلون.

(۴) قرأت كل هذه الصحيفة إلا ثمانی صفحات.

۳۴- عین ما يُستثنی من المفعول:

(۱) لا يساعد الخفَّاش أثناء الطَّيران شيء إلا أذناها.

(۲) يا أولادي! لا تطلبوا في حياتكم إلا الحسنات.

(۳) سأذهب إلى الجامعة كلَّ الأيام إلا الأسبوع القادم.

(۴) أنت طالعت كل تمريناتك إلا تمرينين إثنين.

۳۵- عین العبارة التي لا تطابق أسلوب الاستثناء:

(۱) نجحت كل تلميذة إلا سعيدة.

(۲) نجحت التلميذات إلا أختك.

(۳) نجح التلميذ إلا سعيداً.

(۴) نجح التلاميذ إلا أخاك.

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

منادا: اسمی است که مورد ندا واقع می شود و در واقع مخاطب ماست که به تنهایی یک جمله محسوب می گردد و دارای تقسیم بندیهای زیر است:

﴿ ۱ ﴾ مُنَادَى مُضَافٍ: منادایی است که همواره دارای مضاف إليه است و از نظر اعرابی معرب و منصوب است.

مثال ۱: يَا مَعْلَمَاتِ الصَّفِّ أَتِنَّ تَدْرَسْنَ جَيِّدًا حَقًّا!

مثال ۲: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَرِّمِ شَيْبَتِي عَلَي النَّارِ!

﴿ ۲ ﴾ مُنَادَى عِلْمٍ: اسم خاصی است که مورد ندا قرار می گیرد و از نظر اعراب مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب می باشد .

مثال ۱: يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ إِكْفِيَانِي!

مثال ۲: يَا فَاطِمَةُ أَغِيثِي!

نکات:

(۱) حرف ندای «یا» می تواند حذف شود که در این صورت برای تشخیص منادا باید به این نکته دقت کنیم که ساختار جمله باید مخاطب باشد.

مثال ۱: يُوسُفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا! در اینجا یوسف منادا است زیرا جمله‌ی بعد آن ساختار مخاطب دارد.

مثال ۲: يُوسُفُ أَعْرِضْ عَن هَذَا! در اینجا یوسف مبتدا است زیرا جمله‌ی بعد آن ساختار مخاطب ندارد و فقط خبری درباره‌ی یوسف است.

(۲) کلمه «اللَّهُمَّ» در حکم منادای علم و مبنی بر ضمّه است و هیچگاه با حرف ندا به کار نمی رود. (در واقع همان یا الله می باشد.)

(۳) در تستها دقت کنیم که در صورت نیاز فعل یا ضمیر جمله‌ی بعد از منادا با منادا مطابقت داشته باشد.

مثال ۱: يَا أُخُوِيّ اجْلِسْ هُنَا: در این مثال منادا مثنی است پس فعل بعد آن نیز باید مثنی باشد.

مثال ۲: رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تَدْخُلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ: در این مثال فعلها و ضمیر با ربّ (مفرد مذکر) مطابقت کرده است .

(۴) اگر اسمی «ال» دار باشد، برای مخاطب قرار دادن آن حتماً باید از «أَيُّهَا» و «أَيْتُّهَا» استفاده کرد. که در این حالت اسم دارای «ال»

همواره مرفوع است. (به بیان دیگر اسم «ال» دار هیچگاه منادی واقع نمی‌شود جز الله!)

مثال ۱: يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ ارجعی إلى ربِّک

مثال ۲: يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ اِتَّحِدُوا

(۵) با مناداهایی که دارای مضاف الیه نیستند مانند منادای علم رفتار می‌شود؛ یعنی مبنی بر ضمّ و محلاً منصوب می‌باشند.

مثال: يَا رَحِيمٌ اِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا مثال: يَا مَتَكاسِلُ اِجْتَهِدْ أَكْثَرَ

(۶) در منادای مضاف اگر مضاف الیه، ضمیر ی باشد می‌توان آن را حذف نمود که در این حالت منادا کسره می‌گیرد و تقدیراً منصوب است.

مثال ۱: يَا أَوْلَادِ اَسْلَمْتُمْ طَائِعِينَ : در اصل یا اولادی بوده است.

مثال ۲: يَا رَبِّ اِرْحَمِ ضَعْفَ بَدَنِي : در اصل یا ربّی بوده است.

۱. عین العبارة غیر الصحیحة :

(۱) یا مُسْلِمِينَ الْعَالَمَ تَيَقَّظُوا ! (۲) یا تَلْمِيزَاتِ الصَّفِّ اُسْكُتْنَ ! (۳) یا اَبْتِ اِفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ! (۴) یا بَنِي اِذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ !

۲. عین المناسب للفراغین فی العبارة التالية: « يا _____ لا أرجو إلا _____ »

(۴) اللّهُ / اَنْتَ

(۳) اللّهُمَّ / اِيَّاكَ

(۲) رَبِّ / اِيَّاكَ

(۱) رَبِّي / اَنْتَ

۱- «الابتسام على الحياة يقويك على إنجاز الأعمال الصعبة و الأمور العظيمة!»:

- ۱) خندیدن بر زندگی، تو را بر انجام کارهای شاق و سخت و بزرگ قادر می سازد!
- ۲) خندیدن برای زنده ماندن، اعمال سخت و کارهای بزرگ را برای تو ساده می کند!
- ۳) لبخند زدن برای حیات داشتن، تو را در اعمال سخت و کارهای عظیم یاری می دهد!
- ۴) لبخند زدن به زندگی، تو را در انجام دادن اعمال سخت و کارهای عظیم توانمند می کند!

۲- «أثمار فصل الصيف المفيدة هي الزهور المتلوثة التي كانت قد صنعت لنا منظرًا رائعاً في فصل الربيع!»:

- ۱) میوه های مفید فصل تابستان همان شکوفه های رنگارنگی هستند که در فصل بهار منظره ی دل انگیزی برای ما ساخته بودند!
 - ۲) همان شکوفه های رنگین که در فصل بهار منظره ی دل انگیز ایجاد می کنند در تابستان میوه های مفید به بار می آورند!
 - ۳) همان شکوفه های رنگارنگی که منظره ی فصل بهار را زیبا کرده بودند در فصل تابستان تبدیل به ثمرات مفید شدند!
 - ۴) میوه های مفید در فصل تابستان شکوفه های رنگارنگ بهاری هستند که آن منظره های جالب را برایمان می ساختند!
- ۳- «على الإنسان أن يستمع إلى كلام المتكلم استماعاً كاملاً ثم يجيبه و أن يدرك الأمور المختلفة حوله إدراكاً تاماً ثم يعارضها»:

- ۱) خوب گوش کردن به کلام مخاطب بر انسان واجب است تا بتواند جواب آن را بدهد، و مخالفت کردن باید پس از درک کامل موضوعات مختلف در اطراف انسان باشد!
- ۲) جواب دادن به سخنان متکلم پس از خوب گوش کردن به اوست، و مخالفت کردن با امور مختلف باید پس از درک کامل موضوعات پیرامون او باشد!
- ۳) انسانی که جواب کلام شنونده را می دهد باید خوب گوش کند، و برای مخالفت کردن با موضوعات مختلف باید امور اطراف خود را کاملاً درک نماید!
- ۴) انسان باید به سخنان گوینده کاملاً گوش دهد سپس جواب او را بدهد، و امور مختلف پیرامون خود را کاملاً درک کند سپس با آنها مخالفت نماید!

۴- «جميع الأطفال يحبون أن يلبسوا أيام العيد أجمل و أنظف ثيابهم مسرورين، و هم يذهبون لزيارة الآخرين!»:

- ۱) کودکان همگی در روز عید دوست دارند زیباترین و نظیف ترین لباس خود را پوشیده با شادی به دیدن یکدیگر بروند!
- ۲) روزهای عید همگی کودکان لباسهای زیبا و پاکیزه ی خود را می پوشند و با شادی زیاد به دید و بازدید دیگران می روند!
- ۳) همه ی بچه ها ایام عید شادمانه در حالی که دوست دارند زیباترین و پاکترین لباسهای خود را بپوشند به دید و بازدید یکدیگر می روند!
- ۴) در ایام عید همه ی بچه ها با شادی و مسرت، دوست دارند در حالی که به دیدار دیگران می روند زیباترین و تمیزترین لباسهای خود را بپوشند!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

فصل سیزدهم

منادی

۵- « إنَّ الكمال و العظمة لا يتحققان بالكلام و الدعاء فقط، بل يحتاجان إلى مجاهدة مستمرة و طویلة و عمل جدی دائمی! »:

(۱) کمال و بزرگی فقط با حرف و دعا محقق نمی‌شود، بلکه به مبارزه‌ی دائمی و طولانی و کاری جدی و مستمر احتیاج دارد!

(۲) بزرگواری و عظمت با سخن گفتن و دعا کردن تنها، حاصل نخواهند شد، بلکه به تلاش و جدیت دائمی در کارها احتیاج است!

(۳) کمال‌گرایی و بزرگواری تنها بوسیله‌ی حرف و دعا بدست نمی‌آید، بلکه محتاج مبارزه و تلاش همیشگی و کار واقعی و جدی است!

(۴) بزرگی و مقامات بلند فقط بوسیله‌ی حرف زدن و دعا کردن حاصل نمی‌شوند، بلکه به سعی و تلاش و جدیت دائمی و مستمر نیاز دارند!

۶- « مَنْ طمع بالكثیر لم يحصل علی القلیل! ». عین المناسب للمفهوم:

(۱) ز طمع است کومه زبان مرد آز چو شد طمع کومه زبان شد دراز!

(۲) دل مرد طامع بود پر ز درد به گرد طمع تا توانی مگرد!

(۳) چو خرسند باشی تن آسان شوی چو آز آوری زان هراسان شوی!

(۴) حرص توست اینکه همه چیز تو را نایاب است از کم کن که نرخ همه ارزان گردد!

۷- « روزه‌ی ماه رمضان اراده‌ی انسان را برای قبول مسؤلیت در جامعه تقویت می‌کند، زیرا او در این ماه مفهوم صبر و ایثار و استقامت را درک می‌کند! ».

(۱) یعلم صوم شهر رمضان الصبر و الإیثار و الثبات للإنسان، و یقوی إرادته لقبول المسؤلیة فی مجتمعه!

(۲) صوم شهر رمضان یقوی إرادة الإنسان لقبول المسؤلیة فی المجتمع، لأنه یدرک فیه مفهوم الصبر و الإیثار و الثبات!

(۳) كان الصوم فی شهر رمضان یقوی إرادة الإنسان لقبول المسؤلیة فی المجتمع، و یتعلم فیه الصبر و التضحية و المقاومة!

(۴) الصوم فی شهر رمضان یقوی إرادة الإنسان لقبول مسؤلیته فی المجتمع، لأنه یعلم الإنسان فی هذا الشهر الصبر

و التضحية و الثبات!

۸- « مادر به فرزند کوچکش اجازه نداد که از درخت بالا برود، زیرا می‌ترسید که به زمین بیفتد! »:

(۱) الأم لا تسمح إلى ولدها الصغیر أن یصعد شجرة و هی تخشى أن یسقط إلى الأرض!

(۲) ما سمحت الوالدة إلى الولد الصغیر تسلق الشجرة، لأنها خشیت من وقوعه علی الأرض!

(۳) لم تسمح الأم لولدها الصغیر أن یتسلق الشجرة، لأنها كانت تخاف أن یسقط علی الأرض!

(۴) كانت الوالدة لا تسمح إلى الولد الصغیر صعود الشجرة، لأنها قد خافت أن یقع إلى الأرض!

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

فصل سیزدهم

منادی

۹- عین أداة النداء محذوفة:

- (۱) رَبَّنَا يَقُولُ لَنَا لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي أبدأ.
 (۲) اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ.
 (۳) أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ.
 (۴) ابْنُ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ.
 ۱۰- عین العبارة التي حذف فيها أداة النداء:

- (۱) رَبَّنَا يَنْزِلُ الْبَرَكَاتُ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ جَمِيعاً.
 (۲) رَبِّي إِنَّكَ تَحْكُمُ عَلَى النَّاسِ بِالْحَقِّ.
 (۳) رَبِّي مَا خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ لِأَعْبَاءٍ.
 (۴) رَبَّ الْعَالَمِينَ غَفَرَ لِي وَ لِوَالِدِيَّ.

۱۱- عین الصّحيح في المنادى:

- (۱) أَيُّهَا الْمُؤْمِنِينَ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
 (۲) يَا أُمَّهَاتُ نَحْنُ مَا زَلْنَا نَوَاصِلَ طَرِيقِكُنَّ الْحَقِّ.
 (۳) ذُو الْمَالِ وَالنَّعْمَةِ اجْتَهِدْ فِي إِنْفَاقِهَا لِذِي الْحَاجَةِ.
 (۴) يَا مَعْلَمُو مَدْرَسَتِنَا نَشْكُرُكُمْ عَلَى إِرْشَادِنَا إِلَى الطَّرِيقِ الصَّحِيحِ.

۱۲- عین الخطأ:

- (۱) يَا مَكَّةُ، يَا مَدِينَةَ الْمُؤْمِنِينَ؛ جِئْتُ إِلَيْكُمَا لِأَدَاءِ الْفَرِيضَةِ.
 (۲) يَا صَاحِبَ النِّعَمِ الْوَاسِعَةِ؛ لَا يُغْنِي فَقْرِي إِلَّا عَطْفَكَ.
 (۳) طَالِبَةٌ؛ كَمْ تُدِيمِينَ التَّكَامُلَ فِي أُمُورِكَ؟
 (۴) يَا الشَّمْسُ؛ اِطَّلَعِي عَلَى الْأَرْضِ الْبَارِدَةِ.

۱۳- عین المنادى مضافاً:

- (۱) اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْأَبْرَارَ مِنْ عِبَادِكَ وَأَبْعِدْنَا عَنِ الْأَشْرَارِ.
 (۲) يَا مَنْ لَيْسَ كَمَثَلِهِ شَيْءٌ ارْحَمْنَا فَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.
 (۳) يَا أَيَّتُهَا الْعَالِمَةُ اجْتَهِدِي لِتُوصِلِي بِلَادَكَ إِلَى الْمَعَالِي.
 (۴) رَبِّ عَلِيكَ تَوَكَّلْتُ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

۱۴- عین الصّحيح في المنادى:

- (۱) أَيُّهَا الْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ، حَانَ وَقْتُ الصَّلَاةِ.
 (۲) يَا صَدِيقِي، لَا قِيَمَةَ لِلْعِلْمِ الَّذِي لَا يَعْمَلُ بِهِ.
 (۳) يَا الْمَجَاهِدِينَ تَعَاوَنُوا فِي سَبِيلِ مَجْدِ بِلَدِكُمْ.
 (۴) أَيُّهَا الْمُسْلِمَاتُ، لَا يَحْصُلُ الْمَجْدُ وَالتَّقَدُّمُ إِلَّا بِالتَّعَبِ.

۱۵- عین الخطأ في المنادى:

- (۱) يَا سَمِيعَ دَعَوَاتِنَا، أَغْنِنَا!
 (۲) يَا أُمَّهَاتِنَا، أَعْفُونِ عَنَّا خَطِيئَاتِنَا!
 (۳) مُسْلِمِي الْعَالَمِ، اتَّحِدُوا ضَدَّ الْمُسْتَكْبِرِينَ!
 (۴) أَيُّهَا الظَّالِمِينَ، قَلُّوا مِن هَذَا الْجُورِ الْكَثِيرِ!

۱۶- عین الخطأ في أسلوب النداء:

- (۱) يَا مُجَاهِدِينَ الْبِلَادِ حَارِبُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ.
 (۲) رَبَّنَا لَا تُحْمَلْ عَلَيْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ.
 (۳) يَا أَيُّهَا الطَّالِبُ لَا تَنْسَ يَوْمَ الْإِمْتِحَانِ.
 (۴) سَمِيعَ الدَّعَاءِ اسْتَمِعْ نِدَائِي فِي خَلَوَاتِي.

۱۷- « يَا أَيُّهَا! دافعوا عن هوية إخوانكم الآخرين. » عین غير المناسب للفراغ:

- (۱) الْإِخْوَةَ (۲) الرَّجَالَ (۳) الْإِخْوَانَ (۴) الْأَخْوَانَ

نکات اضافی در تستها:

.....

۱۸- عین ما لیس فیہ المنادی:

- (۱) الله يعد المسلمين من لُدُنْه رحمة.
(۲) أبی أعتذر منك، أعفُ معصيتی.
(۳) إلهی لِتَمَسِّکْ أن تَتَفَضَّلَ عَلینَا بِفَضْلک.
(۴) مسلمون أَنْفَقُوا أموالکم فی طریق الحقّ.

۱۹- عین ما لیس فیہ المنادی:

- (۱) غافر الخطيئاتِ اغفر ذنوبی الكبيرة و الصغیرة.
(۲) لا تَرُدُّ إلهی عبدک المسیء من عندک.
(۳) مونس وحشتی لا تُعْرِضْ عَنی و أنا وحیدة.
(۴) أرجو رَبِّی أن یستجیبنی بما دعوته.

۲۰- عین ما لا یمكن أن یكون منادی:

- (۱) مریم بِکَمْ اشتریتِ هذا الكتاب من المكتبة؟
(۲) أختی ما أجمل الأیامَ الماطرة فی فصل الخریف!
(۳) أصدقاتی اجتهدوا فی دروسکم کثیراً.
(۴) إلهی أَكثَرُ مِن أُمِّی حَنَاناً فی حیاتی.

۲۱- عین المنادی:

- (۱) معلّمی هل یُمْکِنُ أن تُحَدِّثَ الامتحان؟
(۲) معلّمی نادانی أن أجیبَ عن الدرس.
(۳) معلّمی خیرُ النَّاسِ فی التّریبة و التّعلیم.
(۴) معلّمی قامَ مِن مکانه حتّی یُدْرَسَ.

۲۲- میز المنادی یختلف عن الباقي فی نوع علامة الإعراب:

- (۱) یا طالبتی، اجلسا فی مقدّمة الصّف.
(۲) یا تلميذات المدارس، اجتهدن فی دروسکم.
(۳) یا راحمی الضّعفاء، رَحِمکُم اللهُ فی حیاتکم.
(۴) یا أولادی، إسعوا للوصول إلى الغایات السّامیة.

۲۳- میز المنادی الّذی یختلف نوع إعرابه:

- (۱) اجلس یا طالب المدرسة فی محضر العلماء.
(۲) لا تَرُدُّ حاجتی، یا صاحبی المنّ و الإحسان.
(۳) اغتنبم الفرصة، یا طالبات العزة و المجد.
(۴) اجتهدوا فی وظائفکم، یا طالبی العلم.

۲۴- عین غیر المناسب للفراغ: « یا ! لقد رَفَعکُم أدبُکم.»

- (۱) مؤمناتُ (۲) تلاميذُ (۳) أبیها المؤمنون (۴) أبناءُ الأُمَّةِ الإسلامیةِ

۲۵- عین ما لا یمكن أن یكون منادی:

- (۱) شمسُ أشرقی فی قلوبِ هؤلاء النَّاسِ.
(۲) رَبِّی جَعَلنی من المرسلین و المتّقین.
(۳) طالبی العلم حاولوا فی اكتساب العلم جدّاً.
(۴) قدسُ متی ینتهی استیلاء الكفّار علیک؟

۲۶- عین الخطأ:

- (۱) یا كاتبُ، اقرأ ما تكتبه حتّی لا تشتهبه!
(۲) یا ناظرِ، أستر علیّ ما أنت تعلم!
(۳) یا من له الإحسان، نزلَ إلینا جودک!
(۴) أبیها العینُ إلى متی الغفلة!؟

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۲۷- عین غیر المناسب للفراغ: «..... تعاونوا على البرِّ و التقوى!»

(۱) یا ایها المؤمنون (۲) یا مؤمنات (۳) الصحابة (۴) المسلمون

۲۸- عین ما لا يمكن أن يكون منادی:

(۱) أولادى اجتمعوا حتى يكرّموا ذكرى ولادة أبيهم.
(۲) أمى أنت التي أخذت بيدي حتى أمشى فى أيام الصبا.
(۳) ربنا إياك أدعو فى اللحظات التي أصبح فيها قلقاً.
(۴) زميلاتنا نحن بحاجة إلى مسؤولة لمكتبتنا؛ هل تعرفن أحداً؟

۲۹- عین ما ليس فيه المنادی:

(۱) أنادى ربى و أرجو أن يجيبني بما فيه صلاحى.
(۲) دليلى أعوذ بك من أن أعتد على ما لا دوام له.
(۳) لا ترض رب أن يتسرّب اليأس إلى نفسى.
(۴) مجيب الدعوات لا تعرض عني و أنا فى غفلتى بطر.

۳۰- عین المناسب للفراغ: «يا! العلم يحرسه..... و المال.»

(۱) فاطمة / ك / أنت تحرس
(۲) حسن / ه / هو تحرس
(۳) علماء العالم / كم / أنتم تحرسون
(۴) مسلمات العالم / كن / أنتن يحرسن

۳۱- عین المنادی تختلف علامة إعرابه عن الباقي:

(۱) يا أختى، طوبى لك، لأنى أشاهدك مشغولةً بصلاة الليل.
(۲) يا أم؛ ما هو رأيك بالنسبة إلى انعقاد حفلة تكريم الشهداء؟
(۳) يا أخى المريض؛ لا تغفل عن ذكر الله تعالى، فإن ذكره دواءً.
(۴) يا طالبى الصفّ، أريد منكما أن تسعيا للوصول إلى غاياتكما السامية.

۳۲- «يا أيتها المسلمات! تقدّمن فى مجال اكتساب العلوم!» عین الخطأ عما أشير إليه بخط:

(۱) اسم فاعل، مصدره إسلام (۲) إعرابه أصلى
(۳) الجمع السالم للمؤنث (۴) منادى علم

۳۳- عین ما لا يناسب الفراغ: «يا أيها الإنسان.....»

(۱) لا يعلم أحدٌ كنه عظمتك، لأنك خليفة الله.
(۲) كم يسعى لخدمة جسمه؟
(۳) لا تحصى أيام عمرك، بل أحص أعمالك.
(۴) لن تدرك كنه الله أبداً.

۳۴- عین الخطأ فى النداء:

(۱) رب، اجعل الحق على لسانى.
(۲) يا مخطئ، إلى متى ارتكاب الخطيئة؟
(۳) مريم، لا خير فى مجالسة الأحمق.
(۴) أيها الأصدقاء الأوفياء، لا تتركونى.

۳۵- عین الخطأ فى أسلوب النداء:

(۱) عبادى، إذا تدعوننى أستجيب لكم دعوتكم.
(۲) أيتها الأم، أعلم أن قلبك يخفق بشدة لمستقبل أولادك.
(۳) يا زميلتى، هل يمكنك أن تكتبى عنوانك بالبريئة؟
(۴) أيتها الأرض، متى تملأ بالعدل بعد أن ملئت جوراً؟

نكات اضافى در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

▪ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (١-٩) بما يناسب النَّصَّ:

(سراسری - انسانی ٩٣)

أحد الأشياء التي تشير إلى وجود العلاقات بين الإيرانيين و العرب هو الأساطير. فقصص الضحاک و کیکاووس و سودابه و... تشير إلى هذه العلاقة. حياة بهرام جور و أشعاره العربيّة من مظاهر هذه الصلّة! في زمن نزول القرآن الكريم بعض المعاندين حين رأوا أنّ القرآن الكريم يتكلّم عن الأمم الماضية كانوا يقولون: إن كان محمد هكذا يتكلّم فنحن نحدّثكم بحديث رستم و إسفنديار و الأكاسرة!

و من مظاهر هذه الصلّة وجود المفردات الفارسيّة الكثيرة في العربيّة التي تسرّبت عن طريق التجارة و الزّيارة و ترجمة الكتب، و كذلك سيطرة الامبراطورية العثمانية على البلدان العربيّة حيث إنّ لغة كبار العثمانيين كانت فارسيّة! و بعد ظهور الإسلام اشدّت هذه العلاقة حيث أصبحوا بنعمة الله إخواناً. إنّ اللّغة الفارسيّة لم تكن تشعر عبر الزّمان أنّ اللّغة العربيّة تزاحمها حتّى تقصد عداوتها و الجهد لإطفائها، بل ظلّت (بقيت) العربيّة في الجانب الفارسيّ أساساً متيناً للثقافة الإيرانيّة الإسلاميّة!

١- ما هي العلامات التي تثبت وجود المشتركات بين البلدين؟

(١) التّجارة و الزّيارة و الحكومة الواحدة على البلدين! (٢) المفردات اللّغويّة المستعملة بين مستخدمي اللّغة!

(٣) القصص و الروايات و الأبطال و الأفكار المشتركة! (٤) وجود الأساطير و الطّواهر الأخرى المختصّة بكلّ بلد!

٢- لماذا ازدادت علاقات المحبّة بين الإيرانيين و العرب بعد الإسلام؟

(١) لأنّ الإسلام جعل الشعيين أخوين و لم يفرّق بينهما!

(٢) كثرة التّجارة و ازدياد الزّيارات و ترجمة الكتب قد زادت المحبّة!

(٣) لأنّ الإيرانيين لم يقصدوا محو ثقافة جارهم بل حاولوا لإحيائها و نموّها!

(٤) بسبب كثرة الروايات و القصص و الأساطير المشتركة التي كانت تنقل عن لسان المتكلّمين بهاتين اللّغتين!

٣- متى تنشأ العداوة بين الثقافتين؟: إذا.....

(١) لم تكن هناك روايات و أساطير مشتركة بين الثقافتين!

(٢) شعرت إحداها أنّ الأخرى تريد أن تحتلّ مكانها و تُزيلها!

(٣) لم تقدر إحدى الثقافتين توسيع دائرة الأخوة و الصّدقة بينهما!

(٤) كان التأثير من جانب واحد و لم تقدر إحداها أن تؤثر على الأخرى!

نكات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۴- علی أساس النص:

- ۱) كان العثمانيون من أسباب توسيع اللغة الفارسيّة!
 - ۲) كان الناس يتكلمون باللغة الفارسيّة في زمن إدارة العثمانيين!
 - ۳) المفردات الفارسيّة هي التي تسرّبت في ثقافة العرب، فلم تكن العلاقة متبادلة!
 - ۴) كلام القرآن الكريم عن الأمم الماضية كان مثل كلام العرب عن حديث رستم و إسفنديار!
- عین الصحیح فی التشکیل (۵ و ۶):

۵- أحد الأشياء التي تشير إلى وجود العلاقات بين الإيرانيين و العرب هو الأساطير:

- ۱) التي - وجود - العلاقات - بين
- ۲) وجود - العلاقات - بين - الإيرانيين
- ۳) أحد - الأشياء - تشير - وجود
- ۴) الأشياء - تشير - العرب - الأساطير

۶- « إن اللغة الفارسيّة لم تكن تشعر أن اللغة العربيّة تزامها حتى تقصد عداوتها! »:

- ۱) اللغة - تكن - تزام - تقصد
- ۲) لم تكن - تشعر - تزامها - حتى
- ۳) الفارسيّة - تشعر - اللغة - العربيّة
- ۴) العربيّة - تزام - تقصد - عداوة

■ عین الصحیح فی الإعراب و التحليل الصرفی (۷-۹):

۷- « يتكلم »:

- ۱) مزيد ثلاثي - صحيح - متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فاعله «الأمم» و الجملة فعلية
 - ۲) مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - لازم / فاعله الضمير المستتر و الجملة فعلية و خبر «إن»
 - ۳) للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - صحيح - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله ضمير «هو» المستتر، و الجملة فعلية
 - ۴) فعل مضارع - صحيح و مضاعف - لازم - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع مع فاعله جملة فعلية خبر «أن» و مرفوع محلاً
- ۸- « يقولون »:

- ۱) مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب، و فاعله ضمير الواو، و الجملة فعلية و خبر «كان» و مرفوع محلاً
- ۲) مضارع - مجرد ثلاثي - لازم - مبني للمعلوم - مبني / فاعله ضمير الواو، و الجملة فعلية و خبر «كان» و منصوب محلاً
- ۳) للغائبين - معتل و أجوف - مبني للمعلوم / فعل مرفوع بالواو، و فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية و خبر «كان»
- ۴) فعل مضارع - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف - معرب / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب، و مع فاعله جملة فعلية

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

قال أمير المؤمنين (ع): وإن قوماً عبدوا الله رهبة فتلك عبادة العبيد: وگروهی خدا را از روی ترس جهنم پرستش کردند که آن عبادت بردگان است.

فصل سیزدهم

منادی

۹- « وجود »:

(۱) جامد- نكرة- معرب / خير مفرد و مرفوع و المبتدأ مظاهر (۲) جامد- معرف بالإضافة- معرب- منصرف / خير مفرد، مرفوع

(۳) مشتق- اسم مبالغة- معرب- منصرف / مبتدأ مؤخر مرفوع (۴) مفرد مذکر- جامد- معرف بالإضافة / مبتدأ مؤخر، مرفوع

۱۰- عین ما ليس فيه منادی:

(۱) رَبِّي لَقَدْ أَخْطَأْتُ، فَاعْفُ عَنِّي.

(۲) رَبَّنَا عَلَّمَ الْغُيُوبَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي صُدُورِنَا.

(۳) رَبِّ لَيْتَنِي كُنْتُ إِنْسَانًا مَجْهُزًا بِجَنَاحَيْنِ، الْعِلْمِ وَالْدِينِ.

(۴) إِلَهِي أَصْبَحْتُ حَزِينَةً لِأَنِّي مَا اسْتَطَعْتُ مَسَاعِدَةَ الْآخِرِينَ.

۱۱- عین الخطأ:

(۱) يَا كَرِيمُ يَا رَبُّ! اِرْحَمْنَا وَ اغْفِرْ لَنَا.

(۲) يَا مَجْتَهِدَةً! اُدْرُسِي كَثِيرًا رَغْبَةً فِي الْعِلْمِ.

(۳) يَا أَغْنِيَاءُ! سَاعِدُوا الْمَسَاكِينَ وَ الْيَتَامَى.

(۴) يَا مُسَلِّمَاتِ الْعَالَمِ! حَاوِلِي فِي اِكْتِسَابِ الْحَقِّ.

۱۲- عین الصحيح لإيجاد أسلوب النداء: « ساقى العطاشى »

(۱) يَكْشِفُ كُرُوبَنَا فِي كُلِّ حَالٍ وَ مَكَانٍ

(۲) هُمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْلَ بَيْتِكَ

(۳) مَا شَرِبَ الْمَاءَ الْبَارِدَ قَبْلَ الْإِمَامِ (ع) أَبَدًا

(۴) قَدْ حَرَسَ خِيَامَ أَهْلِ الْبَيْتِ

۱۳- ما هو الصحيح للفراغ: « يَا _____ الْعَالَمِ! تَيْقِظَنَّ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ. » ؟

(۱) أَيُّهَا الْمُؤْمِنَاتُ (۲) مُسْلِمِي (۳) فَتَيَاتِ (۴) كُلَّهُمْ صَحِيحٌ

۱۴- ما هو الصحيح للفراغ: « مَا أَلْطَفَكَ _____ ! » ؟

(۱) أَيُّهَا نَفْحَاتِ اللَّيْلِ (۲) أَيُّهَا نَفْحَاتِ اللَّيْلِ (۳) يَا نَفْحَاتِ اللَّيْلِ (۴) يَا أَيُّهَا نَفْحَاتِ اللَّيْلِ

۱۵- عین المنادى الذى يكون مُعرباً:

(۱) يَا أُمَّ (۲) اللَّهُمَّ (۳) يَا قُدْسُ (۴) يَا أَيُّهَا النَّاسُ

۱۶- ما هو الصحيح للفراغين: « يَا أَيُّهَا _____ ، مَا رَفَعَكُمْ إِلَّا _____ . » ؟

(۱) الْمُؤَدَّبُونَ ، أَدَبُكُمْ (۲) الْمُؤَدَّبِينَ ، أَدَبُكُمْ (۳) مُؤَدَّبُونَ ، أَدَبُكُمْ (۴) الْمُؤَدَّبَاتُ ، أَدَبُكُمْ

۱۷- ما هي العبارة الصحيحة ؟

(۱) يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ.

(۲) يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ أَحْسِنُ إِلَيْنَا.

(۳) يَا مَقَاتِلِينَا اتَّحِدُوا وَ جَاهِدُوا.

(۴) يَا مَعْلَمَا الْمَدْرَسَةِ أَحْبِبْهُمَا.

۱۸- ميّز الجواب الذى يَخْتَلِفُ إعرابه:

(۱) يَا سَيِّدِي اشْفَعْ لِي. (۲) يَا أَخُوِيَّ أَكْرَمًا أَبَانَا. (۳) يَا سَيِّدِنَا تَوَسَّلْنَا بِكُمْ إِلَيْهِ. (۴) يَا وَالِدِيَّ إِهْدِيَانِي جَيِّدًا.

۱۹- ميّز العبارة التى ما جاء فيها اسلوب النداء:

(۱) فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (۲) رَبِّي رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رِضَاكَ مَطْلُوبِي.

(۳) اللَّهُ رَبَّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ. (۴) إِلَهِي أَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....
.....

۲۰- ما هو غير المناسب للفراغ: «يا أنتم الأبناء المجتهدون حقاً؟»

(۱) إخواننا (۲) أيها الزملاء (۳) محمدٌ و يوسفٌ و كريمٌ (۴) أولاد السيد مجدى

۲۱- عين العبارة الصحيحة:

(۱) أيها الطلبة المجتهدون لا تتكاسلوا في الأمور المعنوية. (۲) يا أيها المجتهدون أطلب العلم جداً.
(۳) يا إخواني المسلمين لا تقنطوا من رحمة الله أبداً. (۴) يا أم هل تطعم طفلك مشفقةً عليها؟

۲۲- عين الذي ماجء فيه منادى إعرابه فرعى:

(۱) يا فاطمة و يا زينبُ يا سيدتى النساء أغيثانى.
(۲) يا أخواتنا المتصدقات فتصدقن على هؤلاء المساكين.
(۳) يا أمهات هل ترجون أن تربيين جيلاً متقفاً؟
(۴) يا فتيات المجتمع أيها الشاعرات أنشدن أكثر في مدحه.

۲۳- ما هو المناسب للفراغ في العبارة التالية: «متى ... يا حياة الظلم في هذه الدنيا؟»

(۱) لا تنقضي (۲) تنقضي (۳) نقضت (۴) تنقضين

۲۴- عين العبارة التي لا تخاطب الرب:

(۱) ربنا الذي أعطى كل شيء خلقه ثم هدى.
(۲) ربنا إننا سمعنا منادياً ينادى للإيمان.
(۳) ربى من لى غيرك أسأله كشف ضرى.
(۴) ربى تباركت تعطى من تشاء و تمنع.

۲۵- ميّز الصحيح فيما يلي:

(۱) يا أرضُ بلعى ماءك.
(۲) يا أرضُ طوسِ أدعيني.
(۳) يا علىُّ أنتَ باب مدينة العلم.
(۴) يا مالِكِ يومِ الدينِ آمينِ.

۲۶- عين العبارة التي جاء فيها المنادى:

(۱) صديقتى تتعاون على البر و التقوى لتنفوز في الحياة.
(۲) أعزائي قتلوا في سبيل الله حتى تعشن في أمن و راحة.
(۳) رجائي عفوك عند قدرتك و صبرك على خطيئتي.
(۴) زميلتي تفكر في خلق السماوات و الأرض أكثر من هذا.

۲۷- عين الصحيح للفراغ: «يا، دعوتك فأجبتني، و رغبت إليك فرحمتني.»

(۱) الله (۲) اللهم (۳) ربنا (۴) رب

۲۸- عين الصحيح:

(۱) يا أيها الربيع! أنت فصل جميل.
(۲) يا معلّمى الشفيق! أشكركم.
(۳) يا قاضى المحكمة! أنصفى فى الحكم.
(۴) يا مربى أبناء الشعب! أنت مسؤول!

۲۹- عين الصحيح فى تشكيل العبارة التالية: «يا أيها الناس، ما كنّا نريد إلاّ بناء مجتمع إسلامي.»

(۱) أى، نريد، بناء، إسلامي
(۲) الناس، نريد، بناء، مجتمع
(۳) أى، الناس، بناء، إسلامي
(۴) نريد، بناء، مجتمع، إسلامي

۳۰- عين الصحيح فى تشكيل العبارة التالية: «أهل الثروة، لا نطلب منكم إلاّ إعطاء حق الفقراء.»

(۱) أهل، نطلب، إعطاء، حق
(۲) أهل، نطلب، إعطاء، حق
(۳) أهل، نطلب، إعطاء، حق
(۴) أهل، نطلب، إعطاء، حق

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

تشکیل:

منظور از تشکیل، علامتگذاری کلمات است. در تشکیل باید دقت نمود که لزوماً فقط علامت حرف آخر مورد توجه نیست؛ بلکه علامت تمامی حروف مدّ نظر است.

در واقع بحث تشکیل، مبحثی مجزا محسوب نمی‌شود و همان بحث تشخیص نقشها در جمله است که باید در حل آنها به چند نکته‌ی اساسی توجه نمود:

۱. در حل سوالات تشکیل، ابتدا با توجه به معنای عبارت، نقش و اعراب کلمات را مشخص نمایید.
۲. دقت به بحث اعراب فرعی اهمیت اساسی خواهد داشت خصوصاً جمع سالم مونث و اسامی غیرمنصرف!
۳. تنوین گرفتن یا نگرفتن اسامی نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ به این معنا که تمامی اسامی به جز اسمهای غیرمنصرف و اسامی مضاف باید تنوین داشته باشند. (بدیهی است تنوین و الـ با هم امکانپذیر نیست.)
۴. در تشکیل فعلها دقت به جزم و نصب آنها حائز اهمیت است؛ همچنین دقت به اوزان ثلاثی مزید و بحث مجهول یا معلوم بودن آنها ضروری است.
۵. هرگاه دو ساکن به هم برسند، باید حواسمان به کسره‌ی عارضی باشد؛ یعنی می‌توان در انتهای کلمه‌ی اول به جای ساکن، کسره گذاشت.
۶. برای تشخیص اِن و لکن از اِنْ و لکن باید توجه داشت که حروف مشبّهة بر سر فعل وارد نمی‌شوند.

حال به چند مثال توجه شود:

مثال ۱: سئل الباقر^(ع) من فضل ليلة النصف من شعبان، قال هي أفضل ليلة بعد ليلة القدر

حل: با توجه به معنای عبارت و همچنین نگارش سئل، متوجه می‌شویم که این فعل مجهول است چرا که اگر معلوم بود به صورت سأل نوشته می‌شد؛ در نتیجه الباقر نیز نائب فاعل و مرفوع خواهد بود. از طرفی فضل، ليلة و النصف چون مضاف هستند یا الـ دارند، تنوین نمی‌پذیرند. شعبان نیز غیرمنصرف است لذا مجرور به فتحه خواهد بود و تنوین نمی‌گیرد. أفضل خبر و مرفوع است و چون غیرمنصرف و مضاف است تنوین نمی‌پذیرد ولی کلمه‌ی ليلة واجب است حتماً تنوین داشته باشد. بعد ظرف و منصوب است و دو اسم پس از آن مضاف الیه و مجرور؛ پس شکل جمله به صورت زیر در خواهد آمد.

سئل الباقر^(ع) من فضل ليلة النصف من شعبان، قال هي أفضل ليلة بعد ليلة القدر

مثال ۲: لم أشاهد المعلمات و لكن أردت أن أستمع إلى أصواتهن من خلف الباب!

حل: فعل أشاهد معلوم و مجزوم است و از طرفی چون به ساکن رسیده است با کسره عارضی می‌آید؛ المعلمات اعرابش فرعی و منصوب به کسره است. همچنین لکن و أن چون بعدشان فعل آمده است پس لکن و أن هستند در نتیجه فعل أستمع منصوب خواهد بود. پس شکل جمله به صورت زیر در خواهد آمد.

لم أشاهد المعلمات و لكن أردت أن أستمع إلى أصواتهن من خلف الباب!

۱- آنها كانت معلمة فتركت الدرس لتدافع عن دينها و كرامتها فهي اصدق الناس قولاً:

- (۱) مُعَلِّمَةٌ - الدَّرْسُ - تُدَافِعُ - أَصْدَقُ
(۲) إِنَّهَا - تَرَكَتْ - الدَّرْسُ - دِينَ
(۳) كَانَتْ - مُعَلِّمَةٌ - دِينَ - أَصْدَقُ
(۴) تَرَكَتْ - تُدَافِعُ - أَصْدَقَ - النَّاسِ

۲- الامّ هي التي البست اولادها الذين استشهدوا لباس الحرب!:

- (۱) الْاُمُّ - الْبَسَتْ - اَوْلَادُ - الَّذِيْنَ
(۲) اَلْبَسَتْ - الَّذِيْنَ - اسْتَشْهَدُوا - لِبَاسِ
(۳) هِيَ - اَلَّتِي - اَوْلَادُ - لِبَاسِ
(۴) اَوْلَادُ - اسْتَشْهَدُوا - لِبَاسِ - الْحَرْبِ

۳- احس المريض ان الشفاء انزل على قلبه المريض ، فشعر بالفرح!:

- (۱) الْمَرِيضُ - اَنْزَلَ - قَلْبَ - شَعَرَ
(۲) الشِّفَاءُ - اَنْزَلَ - الْمَرِيضُ - الْفَرَحَ
(۳) اَنْزَلَ - قَلْبَهُ - الْمَرِيضُ - شَعَرَ
(۴) اَحْسَ - الْمَرِيضُ - اَنْ - الشِّفَاءَ

۴- ما نقدم نحن لأنفسنا من الخيرات نجدها عند ربنا يوم القيامة:

- (۱) نَحْنُ - الْخَيْرَاتِ - يَوْمِ الْقِيَامَةِ
(۲) مَا - نَقَدَّمُ - نَجِدُهَا - عِنْدَ
(۳) نَقَدَّمُ - اَنْفُسِ - الْخَيْرَاتِ - نَجِدُ
(۴) نَجِدُهَا - عِنْدَ - رَبِّ - يَوْمَ

۵- اقرئي النصّ التالي ثم عيّني الأخطاء الموجودة في المضاف و المضاف إليه و في الموصوف و الصفة:

- (۱) التَّالِيَّ - عَيْنِي - الْمُضَافِ - الْمَوْصُوفِ
(۲) النَّصَّ - عَيْنِي - الْمَوْجُودَةَ - الْمُضَافِ
(۳) الْأَخْطَاءَ - الْمَوْجُودَةَ - الْمُضَافِ - الْمَوْصُوفِ
(۴) اَقْرَأِي - التَّالِيَّ - الْأَخْطَاءَ - الْمَوْجُودَةَ

۶- لما سئلت المديرية عن سرّ اختيارها العجيب لهذه الموظفة ، قالت إنّها لم تمدح نفسها و لم تقلل من شأن الآخرين:

- (۱) الْمُدِيرَةُ - سِرِّ - الْعَجِيبِ - تُقَلِّلُ
(۲) سِرِّ - الْعَجِيبِ - تَمْدَحُ - نَفْسَهَا
(۳) سُئِلَتْ - الْمُدِيرَةُ - اِخْتِيَارَهَا - تَمْدَحُ
(۴) اِخْتِيَارَهَا - تُقَلِّلُ - شَأْنَ - الْآخَرِينَ

۷- سلّمت على مريم المجتهدة لأنّي لا أعرف أحداً بأفضل منها:

- (۱) مَرِيْمَ - الْمُجْتَهِدَةَ - لِأَنِّي - أَفْضَلُ
(۲) سَلَّمْتُ - مَرِيْمَ - الْمُجْتَهِدَةَ - أَعْرِفُ
(۳) الْمُجْتَهِدَةَ - لِأَنِّي - أَعْرِفُ - أَحَدًا
(۴) مَرِيْمَ - الْمُجْتَهِدَةَ - أَعْرِفُ - أَفْضَلُ

۸- الأعداء لا يريدون لنا غير نهب الثروات و الجرّ إلى التبعية:

- (۱) لَنَا - غَيْرَ - نَهَبِ - الثَّرَوَاتِ
(۲) الْأَعْدَاءُ - يُرِيدُونَ - غَيْرَ - نَهَبِ
(۳) يُرِيدُونَ - نَهَبِ - الثَّرَوَاتِ - الْجَرِّ
(۴) غَيْرَ - الثَّرَوَاتِ - الْجَرِّ - التَّبَعِيَّةِ

۹- ان لكوكب الشمس فوائد كثيرة يجب علينا الشكر لكلّ منها:

- (۱) اِنْ - كَوَكَبِ - كَثِيرَةً - يَجِبُ
(۲) الشَّمْسِ - كَثِيرَةً - يَجِبُ - الشُّكْرُ
(۳) فَوَائِدَ - يَجِبُ - الشُّكْرَ - كُلُّ
(۴) كَوَكَبِ - فَوَائِدَ - الشُّكْرَ - كُلُّ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۱۰- اجعل علامة على الكلمات التي تحتها خط ثم صحح الاخطاء:

- (۱) أَجْعَلُ - عَلَامَةٌ - الْكَلِمَاتِ - خَطٌّ
(۲) إِجْعَلُ - عَلَامَةٌ - تَحْتِ - صَحِّحْ
(۳) تَحْتَهَا - خَطٌّ - صَحِّحْ - الْأَخْطَاءَ
(۴) عَلَامَةٌ - الْكَلِمَاتِ - صَحِّحْ - الْأَخْطَاءَ

۱۱- ان تواصلی نشاطاتک الادبیه تصبحی مشهوره:

- (۱) إِنْ - تَوَاصَلِي - نَشَاطَاتِكِ - الْأَدْبِيَّةِ
(۲) تَوَاصَلِي - نَشَاطَاتِكِ - تَصْبِحِي - الْأَدْبِيَّةِ
(۳) إِنْ - تَوَاصَلِي - تَصْبِحِي - مَشْهُورَةٌ
(۴) نَشَاطَاتِ - الْأَدْبِيَّةِ - تَصْبِحِي - مَشْهُورَةٌ

۱۲- أكمل الفراغات ثم عين الاعراب و التحليل الصرفي لما اشير إليه بخط بعد ان تترجم النص:

- (۱) أُشِيرُ - بِخَطِّ - تُتْرَجَمُ - النَّصِّ
(۲) عَيْنِ - الْإِعْرَابِ - خَطٌّ - تُتْرَجَمُ
(۳) أَكْمَلُ - عَيْنِ - التَّحْلِيلِ - أُشِيرُ
(۴) الْفَرَائِغَاتِ - عَيْنِ - الْإِعْرَابِ - الصَّرْفِيِّ

۱۳- من يطعم غيره و يحرم نفسه فهو محبوب عند جميع الناس:

- (۱) مِنْ - يُطْعَمُ - مَحْبُوبٌ - عِنْدَ
(۲) يُطْعَمُ - غَيْرَ - نَفْسِ - مَحْبُوبٌ
(۳) غَيْرِ - نَفْسِ - عِنْدَ - جَمِيعِ
(۴) نَفْسِ - مَحْبُوبٌ - جَمِيعِ - النَّاسِ

۱۴- نحن المسلمين نستعد ليلة عيد الفطر المباركة لدفع زكاة الفطر:

- (۱) لَيْلَةَ - الْفِطْرِ - الْمُبَارَكَةِ - زَكَاةَ
(۲) نَحْنُ - الْمُسْلِمِينَ - نُسْتَعِدُّ - لَيْلَةَ
(۳) الْمُسْلِمِينَ - نُسْتَعِدُّ - الْفِطْرِ - الْمُبَارَكَةِ
(۴) نُسْتَعِدُّ - لَيْلَةَ - الْمُبَارَكَةِ - دَفْعَ

۱۵- لما نظر الى ما كتبه له أخذته الدهشة و تعجب بشدة:

- (۱) نَظَرَ - إِلَى - الدَّهْشَةَ - شِدَّةً
(۲) لَمَّا - نَظَرَ - أَخَذَتْ - تَعَجَّبَ
(۳) أَخَذَتْ - الدَّهْشَةَ - تَعَجَّبَ - بِشِدَّةٍ
(۴) كَتَبَتْ - لَهُ - أَخَذَتْ - الدَّهْشَةَ

۱۶- إذا قرأ القرآن بدقة لاتجد فيه إلا آراء و نظريات صحيحة:

- (۱) الْقُرْآنَ - دِقَّةً - تَجِدُ - آرَاءَ
(۲) دِقَّةً - تَجِدُ - آرَاءَ - نَظَرِيَّاتٍ
(۳) الْقُرْآنَ - آرَاءَ - نَظَرِيَّاتٍ - صَحِيحَةٍ
(۴) تَقْرَأُ - تَجِدُ - آرَاءَ - نَظَرِيَّاتٍ

۱۷- من يجاهد في سبيل الله و يستشهد فهو حي و لا شك فيه:

- (۱) مَنْ - يُجَاهِدُ - سَبِيلِ - اللَّهِ
(۲) اللَّهُ - يَسْتَشْهَدُ - فَهُوَ - شَكٌّ
(۳) سَبِيلِ - يُسْتَشْهَدُ - حَيٌّ - شَكٌّ
(۴) يُجَاهِدُ - سَبِيلِ - يَسْتَشْهَدُ - حَيٌّ

۱۸- ليست المرأة تولد عالمة و من لا علم عنده فهو صغير و ان كبر في السن:

- (۱) لَيْسَتْ - الْمَرْأَةُ - تُوَلَدُ - عَالِمَةً
(۲) عَالِمَةً - عِلْمٌ - صَغِيرٌ - السِّنِّ
(۳) تُوَلَدُ - صَغِيرٌ - إِنْ - كَبُرَ
(۴) الْمَرْأَةُ - تُوَلَدُ - عَالِمَةً - عِنْدَهُ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۱۹- ان المؤمن اذا يتكفل معاش أهله لأحق من غيره ان يدخل الجنة:

- (۱) معاش - أهل - أحمق - يدخل
(۲) المؤمن - يتكفل - أهل - أحمق
(۳) إن - المؤمن - يتكفل - أهل
(۴) أهل - لأحق - غير - يدخل

۲۰- كانت الامراة واقفة قرب الخيمة متربصة و قد غرست خنجرها فى الارض :

- (۱) متربصة - غرست - خنجر - الارض
(۲) كانت - الامراة - واقفة - الخيمة
(۳) واقفة - قرب - متربصة - غرست
(۴) قرب - الخيمة - متربصة - غرست

۲۱- هو لا يقبل التلميذ إلا باربع مسائل يجب أن تكون فيه:

- (۱) التلميذ - أربع - مسائل - يجب
(۲) مسائل - يجب - أن - فيه
(۳) أربع - مسائل - يجب - تكون
(۴) يقبل - التلميذ - مسائل - تكون

۲۲- كان المسلمون يهتفون : نحن لا نرضى بشيء أقل من تحقيق الاحكام الاسلامية:

- (۱) المسلمون - شيء - أقل - الأحكام
(۲) كان - المسلمون - نرضى - أقل
(۳) نرضى - شيء - تحقيق - الإسلامية
(۴) يهتفون - نرضى - أقل - تحقيق

۲۳- ذهبنا اليوم الماضى الى الحاكم لنشكو أحد العمال فوجدناه يصلى:

- (۱) اليوم - الماضى - أحد - العمال
(۲) الماضى - الحاكم - نشكو - العمال
(۳) أحد - العمال - وجدنا - يصلى
(۴) ذهبنا - اليوم - الماضى - لنشكو

۲۴- ليست الامة الاسلامية محرومة عن الطيبات بل هى مكلفة بعدم الاسراف:

- (۱) محرومة - الطيبات - مكلفة - الاسراف
(۲) ليست - الامة - الإسلامية - محرومة - عن - الطيبات - بل - هى - مكلفة - بعدم - الاسراف
(۳) الإسلامية - محرومة - الطيبات - مكلفة
(۴) الامة - محرومة - مكلفة - الاسراف

۲۵- العمل الأفضل لكل انسان هو مواجهة الحقائق المرة بالتفاؤل:

- (۱) العمل - الأفضل - لكل - انسان
(۲) لكل - مواجهة - الحقائق - بالتفاؤل
(۳) مواجهة - الحقائق - المرة - التفاؤل
(۴) الأفضل - انسان - مواجهة - المرة

۲۶- ما عرف المساكين و الفقراء الامام إلا بعد وفاته فى ليلة ظلماء:

- (۱) الامام - بعد - ليلة - ظلماء
(۲) المساكين - الامام - بعد - وفاة
(۳) المساكين - الفقراء - الامام - ظلماء
(۴) عرف - المساكين - الفقراء - ليلة

۲۷- الجمع السالم للمؤنث لا يقبل الفتحة فعلامة نصبه الكسرة:

- (۱) السالم - الفتحة - علامة - الكسرة
(۲) للمؤنث - الفتحة - علامة - الكسرة
(۳) المؤنث - يقبل - الفتحة - علامة
(۴) الجمع - السالم - المؤنث - الفتحة

نكات اضافى در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۲۸- اقرأ النَّصَّ الأوَّلَ ثمَّ استخرج ثلاثة أفعال مضارعة و أعرِبها:

- (۱) اِقْرَأَ - النَّصَّ - الأوَّلَ - ثَلَاثَةَ
 (۲) ثَلَاثَةٌ - أَفْعَالٌ - مُضَارِعَةٌ - أَعْرَبُ
 (۳) النَّصَّ - اسْتَخْرَجَ - أَفْعَالٌ - أَعْرَبُ
 (۴) الأوَّلَ - اسْتَخْرَجَ - أَفْعَالٌ - مُضَارِعَةٌ

۲۹- بالرَّغْمِ مِنَ البَعْدِ العَظِيمِ فَإِنَّ ضَوْءَهَا يَصِلُ إِلَيْنَا خِلالَ ثَمَانِي دَقَائِقٍ:

- (۱) البَعْدُ - العَظِيمِ - ضَوْءٌ - خِلالَ
 (۲) الرِّغْمِ - البَعْدِ - يُصِلُ - ثَمَانِي
 (۳) ضَوْءُهَا - خِلالَ - ثَمَانِي - دَقَائِقُ
 (۴) العَظِيمِ - فَإِنَّ - ضَوْءٌ - يَصِلُ

۳۰- يَحْتَاجُ عِلْمَ البَشَرِ إِلَى مَوْضُوعَاتٍ عَدِيدَةٍ فِي أَكْثَرِهَا قَدْ نَبَغَ العُلَمَاءُ المَسْلُومُونَ طُولَ التَّارِيخِ:

- (۱) أَكْثَرَ - نَبَغَ - العُلَمَاءُ - المَسْلُومُونَ
 (۲) البَشَرِ - مَوْضُوعَاتٍ - أَكْثَرَ - العُلَمَاءُ
 (۳) عِلْمٌ - مَوْضُوعَاتٍ - عَدِيدَةٍ - طُولُ
 (۴) يَحْتَاجُ - عِلْمٌ - عَدِيدَةٍ - أَكْثَرِهَا

۳۱- تَعْتَبِرُ هَذِهِ المَدِينَةُ تَارِيخِيَّةً بِمَا فِيهَا مِنْ أُبْنِيَّةٍ قَدِيمَةٍ وَ مَسَاجِدٍ عَظِيمَةٍ:

- (۱) أُبْنِيَّةٌ - قَدِيمَةٌ - مَسَاجِدٌ - عَظِيمَةٌ
 (۲) المَدِينَةُ - تَارِيخِيَّةٌ - أُبْنِيَّةٌ - قَدِيمَةٌ
 (۳) تُعْتَبِرُ - المَدِينَةُ - تَارِيخِيَّةٌ - أُبْنِيَّةٌ
 (۴) فِيهَا - أُبْنِيَّةٌ - قَدِيمَةٌ - مَسَاجِدٌ

۳۲- اجْعَلِ الأَفْعَالَ التَّالِيَةَ بِدُونِ أَنْ تَغَيِّرَ صَيغَهَا مَبْنِيَّةً لِلْمَجْهُولِ:

- (۱) اجْعَلِ - التَّالِيَةَ - تَغَيِّرَ - صَيغَ
 (۲) التَّالِيَةَ - بِدُونِ - تَغَيِّرَ - مَبْنِيَّةٌ
 (۳) الأَفْعَالَ - تَغَيِّرَ - صَيغَهَا - المَجْهُولِ
 (۴) الأَفْعَالَ - بِدُونِ - أَنْ - صَيغَ

۳۳- لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ المَقْدَارُ الَّذِي كَانَ يَطْلُبُهُ زَمِيلُهُ فَصَبَرَ حَتَّى يَأْخُذَ رَاتِبَهُ:

- (۱) الَّذِي - صَبَرَ - يَأْخُذُ - رَاتِبَ
 (۲) المَقْدَارُ - كَانَ - زَمِيلُ - صَبَرَ
 (۳) يَكُنْ - عِنْدَهُ - المَقْدَارُ - يَطْلُبُ
 (۴) المَقْدَارُ - الَّذِي - زَمِيلُ - يَأْخُذُ

۳۴- احْذِفِ الأَفْعَالَ مِنَ الجُمْلِ التَّالِيَةِ وَ اجْعَلِ بَدَلَهَا صِفَاتٍ مَشْبَهَةً عَلَى وَزْنِ فَعِيلٍ:

- (۱) احْذِفِ - الأَفْعَالَ - التَّالِيَةَ - صِفَاتٍ
 (۲) الأَفْعَالَ - الجُمْلِ - اجْعَلِ - مَشْبَهَةً
 (۳) التَّالِيَةَ - صِفَاتٍ - مَشْبَهَةً - وَزْنِ
 (۴) اجْعَلِ - صِفَاتٍ - مَشْبَهَةً - فَعِيلٍ

۳۵- إِنَّهُ عَالِمٌ إِيرَانِيٌّ وَهَبَ المَقْدَرَةَ لِيَقِفَ حَيَاتِهِ فِي تَخْفِيفِ الآلَامِ الانْسَانِيَّةِ:

- (۱) إِيرَانِيٌّ - وَهَبَ - يَقِفَ - حَيَاةً
 (۲) عَالِمٌ - إِيرَانِيٌّ - وَهَبَ - المَقْدَرَةَ
 (۳) وَهَبَ - المَقْدَرَةَ - تَخْفِيفِ - الانْسَانِيَّةِ
 (۴) يَقِفُ - حَيَاتَهُ - تَخْفِيفِ - الآلَامِ

۳۶- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ تَعَجَّبَ الشَّامِيُّ وَ مَاذَا عَمِلَ أَهْلُ مَدِينِ حِينَ حَذَّرَهُمُ شُعَيْبُ النَّبِيُّ:

- (۱) أَيُّ - شَيْءٍ - الشَّامِيُّ - حِينَ
 (۲) الشَّامِيُّ - أَهْلُ - حَذَّرَ - شُعَيْبُ
 (۳) تَعَجَّبَ - الشَّامِيُّ - أَهْلُ - مَدِينِ
 (۴) شَيْءٍ - عَمِلَ - شُعَيْبُ - النَّبِيُّ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۳۷- دع قطع الشجرة فأنما اجعل لك كل يوم قطعتين فضة و سوف تعيش في امان:

- (۱) أَجْعَلُ - كُلُّ - فَضَّةٌ - تَعِيشُ
(۲) دَعُ - قَطَعَ - الشَّجَرَةَ - اجْعَلُ
(۳) كُلُّ - يَوْمٍ - قِطْعَتَيْنِ - فَضَّةٌ
(۴) قَطَعَ - الشَّجَرَةَ - قِطْعَتَيْنِ - فَضَّةٌ

۳۸- لى اصدقاء لما جلسنا تحت شجرة أخذوا يذكروننى بطاعة ربنا:

- (۱) تَحْتَ - أَخَذُوا - طَاعَةَ - رَبِّ
(۲) أَصْدِقَاءُ - شَجَرَةَ - أَخَذُوا - طَاعَةَ
(۳) لَمَّا - جَلَسْنَا - شَجَرَةَ - يَذْكُرُونَنِي
(۴) جَلَسْنَا - تَحْتَ - يَذْكُرُونَنِي - رَبِّ

۳۹- استشهد السنة الماضية فى ساحات الجهاد تسعة طلاب و ثلاث طالبات:

- (۱) السَّنَةَ - المَاضِيَةَ - تِسْعَةَ - طُلَّابٍ
(۲) اسْتَشْهَدَ - السَّنَةَ - سَاحَاتِ - الجِهَادِ
(۳) سَاحَاتِ - تِسْعَةَ - طُلَّابٍ - ثَلَاثُ
(۴) المَاضِيَةَ - سَاحَاتِ - ثَلَاثُ - طَالِبَاتٍ

۴۰- يسود الله وجه كل كفار ظالم و يدخله فى النار يوم القيامة:

- (۱) وَجْهَ - كَفَّارٍ - يُدْخَلُ - يَوْمَ
(۲) كَفَّارٍ - ظَالِمٍ - النَّارِ - القِيَامَةِ
(۳) اللهُ - كَفَّارٍ - ظَالِمٍ - يُدْخَلُ
(۴) يُسَوِّدُ - اللهُ - كُلَّ - ظَالِمٍ

۴۱- حينما رجع من السوق قال ما وجدت قطعة فى الذبيحة اجود من لسانها:

- (۱) السُّوقِ - قِطْعَةً - الذَّبِيحَةِ - أَجْوَدُ
(۲) حِينَمَا - رُجِعَ - وَجِدْتُ - قِطْعَةً
(۳) وَجِدْتُ - قِطْعَةً - أَجْوَدَ - لِسَانٍ
(۴) رَجِعَ - وَجِدْتُ - قِطْعَةً - أَجْوَدَ

۴۲- رأيت ليلة امس تسعة ركاب فى تلك السيارة و لم ينزل منها إلا ثلاثة منهم:

- (۱) تِسْعَةَ - رُكَّابٍ - يَنْزِلُ - ثَلَاثَةً
(۲) رُكَّابٍ - يَنْزِلُ - ثَلَاثَةً - مِنْهُمْ
(۳) رَأَيْتُ - تِسْعَةَ - رُكَّابٍ - تِلْكَ
(۴) لَيْلَةَ - أَمْسٍ - رُكَّابٍ - السَّيَّارَةِ

۴۳- ان هذه المدينة من افضل المعالم الأثرية بما فيها من مساجد و أبنية تاريخية:

- (۱) هَذِهِ - أَفْضَلُ - المَعَالِمِ - الأَثَرِيَّةِ
(۲) الأَثَرِيَّةِ - فِيهَا - مَسَاجِدٌ - أبنِيَّةٌ
(۳) المَعَالِمِ - الأَثَرِيَّةِ - أبنِيَّةٌ - تَارِيخِيَّةٌ
(۴) أَفْضَلُ - المَعَالِمِ - مَسَاجِدٌ - أبنِيَّةٌ

۴۴- لا ينال العلى إلا الشخص الذى تشرف خلاله فيطبعه الدهر: (تشرف خلاله: ویزگی های اخلاقی او شرافت می یابد).

- (۱) أَلْدَى - خِلَالَ - يُطْبِعُ - الدَّهْرُ
(۲) العَلَى - تَشَرَّفَ - خِلَالَهُ - يُطْبِعُ
(۳) الشَّخْصُ - أَلْدَى - تَشَرَّفَ - خِلَالَ
(۴) يُنَالُ - العَلَى - الشَّخْصُ - تَشَرَّفَ

۴۵- شاهدت السماوات و الارض و هى قد خلقت فى ستة أيام:

- (۱) الأَرْضُ - هِيَ - خَلَقَتْ - سِتَّةَ
(۲) الأَرْضُ - خَلَقَتْ - سِتَّةَ - أَيَّامٍ
(۳) السَّمَاوَاتِ - خُلِقَتْ - سِتَّةَ - أَيَّامٍ
(۴) شَاهَدْتُ - السَّمَاوَاتِ - الأَرْضُ - هِيَ

نكات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۴۶- ان اصبت بالفشل مرارا تتعلم طريق افشال الأعداء:

- (۱) إِنْ - أَصِبتَ - مِراراً - تَتَعَلَّمُ
(۲) مِراراً - تَتَعَلَّمُ - أَفْشالَ - الأَعْداءِ
(۳) الفِشلِ - تَتَعَلَّمُ - طَريقَ - إِفْشالِ
(۴) أَصِبتَ - بالفِشلِ - طَريقَ - إِفْشالِ

۴۷- إن فقد شرط من هذه الشروط وجب جرّ المصدر بحرف جارّ يفيد التعليل:

- (۱) إِنْ - فَقدَ - الشُّروطِ - وَجِبَ
(۲) شَرطُ - المِصدرِ - يُفِيدُ - التَّعليلَ
(۳) فَقدَ - شَرطُ - جَرُّ - حَرفِ
(۴) وَجِبَ - جَرُّ - حَرفِ - جَرِّ

۴۸- أهمّ مواضع استعمال عطف البيان هو الاسم المعرف بالألف و اللام بعد اسم الإشارة:

- (۱) اسْتِعمالَ - البَيانِ - الاسمَ - المَعْرِفُ
(۲) أَهمُّ - اسْتِعمالِ - عَطفِ - الاسمِ
(۳) عَطفُ - البَيانِ - بَعدَ - الإِشارةِ
(۴) مواضعَ - الاسمِ - المَعْرِفِ - بالألفِ

۴۹- كل كلمة تتغير حركة آخرها بتغيير موقعها في الجمل تسمى المعرب:

- (۱) تَتَغَيَّرُ - آخِرَ - مَوْقعِ - تُسَمَّى
(۲) تَغْيِيرَ - مَوْقعِها - تُسَمَّى - المَعْرَبُ
(۳) كُلُّ - كَلِمَةٍ - حَرَكةَ - آخِرِها
(۴) كَلِمَةٍ - تَتَغَيَّرُ - حَرَكةَ - الجُمْلِ

۵۰- الإسم المنقوص هو اسم ينتهي آخره بياء قبلها كسرة و لا تظهر فيه إلا حركة الفتحة:

- (۱) إِسْمٌ - يَنْتَهِى - آخِرَ - بَياءِ
(۲) المَنْقُوصُ - بَياءَ - قَبْلَ - كِسرَةٍ
(۳) الإِسمُ - المَنْقُوصِ - كِسرَةٍ - تَظْهَرُ
(۴) يَنْتَهِى - آخِرُهُ - قَبْلَ - حَرَكةَ

۵۱- ينصب الفعل الماضى بالفتحة المقدرة و المضارع ينوب عنها حذف النون:

- (۱) المِضارِعُ - يَنُوبُ - حَذْفُ - النُّونِ
(۲) الفَتْحَةَ - المُقدَّرَةَ - المِضارِعُ - يَنُوبُ
(۳) الفِعلُ - المَاضِي - المُقدَّرَةَ - حَذْفُ
(۴) يَنْصُبُ - الفِعلُ - المَاضِي - المُقدَّرَةَ

۵۲- يشترط في مفرد هذا النوع من الجمع ان يكون من اعلام الاناث أو فيه تاء التانيث:

- (۱) يُشْتَرَطُ - النُّوعِ - أعلامِ - الإناثِ
(۲) مُفْرَدِ - الجَمْعِ - يَكُونُ - تاءُ
(۳) النُّوعِ - أعلامِ - الأناتِ - تاءُ
(۴) الجَمْعِ - الإناثِ - تاءُ - التَّانِيثِ

۵۳- الإسم الأول منصوب على انه مفعول به لفعل محذوف تقديره: الزم:

- (۱) مَنْصُوبٌ - مَفْعُولٌ - فِعلٍ - تَقْدِيرِ
(۲) الاسمُ - الأوَّلُ - مَنْصُوبٌ - أَنَّهُ
(۳) الأوَّلُ - مَنْصُوبٌ - فِعلٍ - مَحذُوفِ
(۴) مَفْعُولٌ - بِهِ - لِفِعلٍ - مَحذُوفِ - الزَّمِ

۵۴- المشبه في العلوم البلاغية هو الذي نريد إلحاقه بالمشبه به و هو ركن اساسى فى اسلوب التشبيه:

- (۱) العُلُومُ - إِلْحاقُ - المُشَبَّهِ - بِهِ - هُوَ
(۲) المُشَبَّهُ - البِلاغِيَّةِ - نُريدُ - إِلْحاقَ
(۳) الَّذِي - نُريدُ - رُكنُ - أُساسِيٌّ
(۴) المُشَبَّهِ - بِهِ - رُكنُ - أُسلوبِ - التَّشْبِيهِ

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

قال النبي - (ص): حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِيْمَانٌ وَبُغْضُهُ كُفْرٌ: دوست داشتن علی بن ابی طالب همان ایمان و نفرت از او و آزار رساندن به او همان کفر است.

فصل پانزدهم

ترجمه

پایه‌ی حل تستهای ترجمه و تعریب بر مبنای مقایسه استوار است؛ یعنی دانش آموزانی که دقیق تر و جزء به جزء تر بتوانند قسمتهای مختلف گزینه ها را با هم مقایسه کنند، طبعاً ساده تر به جواب می‌رسند:

اما سوال اساسی این است که در مقایسه، چه مواردی معمولاً مد نظر هستند. موارد اساسی برای مقایسه عبارتند از:

۱. فعلهای عبارات از جهت: زمان، صیغه، معلوم و مجهول، لازم و متعدی و ...
۲. اضافه یا کم کردن مانند: حذف یا اضافه کردن ضمیر، حذف قسمتی از عبارت، اضافه نمودن ترکیباتی که وجود ندارد و...
۳. معرفه یا نکره بودن اسامی
۴. جمع یا مفرد بودن اسامی
۵. تغییر در مفهوم عبارات یا معنای لغات

بررسی زمان فعلها:

انواع معادل سازی‌ها:

قد تناولتُ طعامی فی المدرسة: غذایم را در مدرسه خورده‌ام	قد + فعل ماضی ← ماضی نقلی
قد أتناول طعامی فی المدرسة: گاهی اوقات غذایم را در مدرسه می‌خورم	قد + فعل مضارع ← گاهی اوقات
كنتُ أتناولُ طعامی فی المدرسة: غذایم را در مدرسه می‌خوردم	كان + مضارع ← ماضی استمراری
كنتُ تناولتُ طعامی فی المدرسة: غذایم را در مدرسه خورده بودم	كان + ماضی ← ماضی بعید
لم أتناول طعامی فی المدرسة: من غذایم را در مدرسه نخوردم / نخورده‌ام	لم + مضارع ← ماضی ساده یا نقلی منفی
لن أتناول طعامی فی المدرسة: من غذایم را در مدرسه نخواهم خورد	لن + مضارع ← آینده منفی
إن تناولتُ طعامی فی المدرسة عوقبتُ: اگر غذایم را در مدرسه بخورم تنبیه می‌شوم	شرط + مضارع یا ماضی ← مضارع التزامی
لعلی أتناول طعامی فی المدرسة: شاید غذایم را در مدرسه بخورم	لیت و لعلّ + مضارع ← مضارع التزامی
تناولتُ طعاماً اشتريته من السوق: غذایی را که از بازار خریده بودم، خوردم	ترجمه جملات وصفیه و صله ماضی + ماضی ← ماضی ساده یا بعید ماضی + مضارع ← ماضی استمراری
تناولتُ الطعام الذي أحبه كثيراً: غذایی را که خیلی دوست داشتم، خوردم	

چند نکته:

۱. می‌توان قد را حذف نمود و در نتیجه ماضی ساده را نیز می‌توان ماضی نقلی ترجمه کرد.

۲. برای منفی کردن این فعل، هم می‌توانیم فعل ماضی را با ما منفی کنیم و هم می‌توانیم فعل مضارع را با لا منفی نماییم.

مثال: ما كان هؤلاء الناس يعبدون الله = كان هؤلاء الناس لا يعبدون الله (این مردم خدا را نمی‌پرستیدند)

۳. اگر قَد بر سر فعل مضارع بکار رود به معنای گاهی/اوقات خواهد بود (البته باز هم حرف محسوب می‌شود).

مثال: قَدْ يَضُرُّ الشَّيْءَ تَرْجُو نَفْعَهُ: گاهی اوقات یک چیز ضرر می‌رساند در حالی که تو به سود آن امید داری!

۴. منظور از شرط در بحث ترجمه « إن، مَنْ، ما و إذا » می‌باشند!

در ادامه به بررسی نکات خاص کتب درسی در زمینه‌ی ترجمه می‌پردازیم:

۱. اسامی اشاره: در ترجمه‌ی اسامی اشاره، معرفه یا نکره بودن اسم پس از آنها تعیین کننده است. در واقع شما برای ترجمه سعی نمایید تا جایی که اسم ال دار وجود دارد جلو بروید و سپس ویرگول بگذارید.

هؤلاء الأمهات المضحيات، يتعين أنفسهن من أجلنا: این مادران فداکار، به خاطر ما خود را به سختی می‌اندازند.
هؤلاء، أمهات مضحيات يتعين أنفسهن من أجلنا: اینها، مادران فداکاری هستند که به خاطر ما خود را به سختی می‌اندازند.

۲. ترجمه‌ی مصدر و اسم فاعل و مفعول به صورت فعل:

قصدنا الإحسان إلى اليتامى: قصد نیکی کردن به یتیمان را داشتیم. / قصد داشتیم که به یتیمان نیکی کنیم.

كنا قادرين على الفوز و لكننا أصبحنا مغلوبين: ما می‌توانستیم که پیروز باشیم ولی مغلوب شدیم. (شکست خوردیم)

۳. ترجمه‌ی مفعول مطلق: اگر تأکیدی بود از قیود تأکید استفاده گردد و اگر نوعی بود از قیود بیانی استفاده شود. در مجموع حواسمان باشد، مفعول مطلق باید قید ترجمه شود.

أحسننا إلى اليتامى إحساناً: قطعاً به یتیمان احسان نمودیم.

أحسننا إلى اليتامى إحساناً بالغاً: به یتیمان کاملاً احسان نمودیم.

أحسننا إلى اليتامى إحساناً المؤمنین: به یتیمان مانند مومنان احسان نمودیم.

۴. ترجمه‌ی تمییز: تمییز را می‌توان به سه حالت ترجمه کرد:

- تحت اللفظی با استفاده از عباراتی همچون «از، از لحاظ، از نظر»:

ملأت كوبي شايأ: فنجانم را از چای پر کردم. / تقدمت أخلاقاً: از لحاظ اخلاقی پیشرفت کردم.

- بعد از اسم تفضیل به صورت یک ترکیب:

هو أحسن مني أخلاقاً: او از من خوش‌اخلاق‌تر است.

- به صورت مبتدا، فاعل یا مفعول:

هو أكثر مني أدباً: ادب او از من بیشتر است. (مبتدا)

حسن الطلاب أخلاقاً: اخلاق دانش‌آموزان نیکو شد. (فاعل)

فجرنا الأرض عيوناً: چشمه‌های زمین را شکافتیم. (مفعول)

۵. ترجمه‌ی مستثنی: اگر در جمله مستثنی منه ذکر نشود، بهتر است ترجمه به صورت مثبت با قید «فقط» انجام شود.

لا تعبدا إلا الله: فقط خدا را بپرستید. (نپرستید جز خدا را!)

چند نکته:

- ترجمه‌ی «هناك»: هناك تلاميذ مجدون في صفنا: دانش‌آموزان پرتلاشی در کلاس ما وجود دارند.

- ترجمه‌ی «إنما»: إنما العزة لله: عزت فقط از آن خداست.

- ترجمه‌ی «إن»: لزومی به ترجمه‌ی آن نیست. إن الطلاب يسعون في طريق تقدم بلادهم: دانش‌آموزان در راه پیشرفت کشورشان، تلاش می‌کنند.

• الترجمة الدقيقة: «لا تُكْتَسَبُ الْعِزَّةُ إِلَّا بِبَذْلِ الْجَهْدِ فِي سَبِيلِهَا»؟

- (۱) سربلندی را جز با صرف تلاش در راه آن بدست نمی‌آوری. (۲) عزت جز با کوشش و جدیت بدست نمی‌آید.
(۳) عزت کسب نخواهد شد جز با صرف تلاش و کوشش. (۴✓) عزت جز با بذل تلاش و کوشش در راه آن بدست نمی‌آید.

بررسی تست:

فعل مجهول است ← حذف گزینه ۱ / فعل مضارع است نه آینده ← حذف گزینه ۳

بذل الجهد: ترکیب اضافی، که در گزینه ۲ ترجمه نشده است ← حذف گزینه ۲

سبیلها: ترکیب اضافی، که در گزینه های ۲ و ۳، ترجمه نشده است.

• التعرّيب الدقيق: «گذشته ثابت کرده است که مسلمانان می‌توانند در زمینه های علمی، بسیار پیشرفت کنند.» هو:

(۱) الماضي أثبت المسلمون يقدرّون أن يتقدّموا في الساحات العلميّة الكثيرة

(۲) أمس قد أثبت المسلمون يستطيعون في الامور العلميّة يتقدّمون كثيراً

✓ (۳) قد أثبت الماضي أن المسلمين قادرّون على التقدّم في المَجالات العلميّة كثيراً

(۴) قد ثبت الماضي إن المسلمين يقدرّون في المَجالات العلميّة تقدّموا بكثرة

بررسی تست:

فاعل، گذشته (الماضي) است نه مسلمانان ← حذف گزینه ۱ و ۲ / إنّ وسط جمله نمی‌آید ← حذف گزینه ۴

"بسیار" صفت نیست! ← حذف گزینه ۱ / پیشرفت کنند، مضارع التزامی (مضارع منصوب) است ← حذف گزینه ۲ و ۴

۱- «لَنْ تَزِيدَ كُمْ شَيْئاً إِلَّا عَذَاباً.»

(۱) چیزی جز عذاب را به شما نخواهیم افزود.

(۲) فقط عذاب را به شما افزودیم.

(۳) عذاب را فقط به شما خواهیم افزود.

(۴) عذابی به شما اضافه نخواهیم کرد.

۲- «يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نُؤْمِنَ بِأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ بِيَدِ الْإِنْسَانِ أَمَانَةٌ، فَيُخْرَجُ مِنْ يَدِنَا آجَلاً أَوْ عَاجَلاً.»

(۱) واجب است که ایمان داشته باشیم به اینکه همه چیز انسان امانت است و دیر یا زود از کف می‌رود.

(۲) هر چیزی در این دنیا امانت است، بنابراین باید ایمان داشته باشیم که زود یا دیر از دستان خارج می‌شود.

(۳) باید ایمان بیاوریم که همه چیز در دست آدمی امانت است و با مرگ او و با عجله از دست ما بیرون می‌رود.

(۴) باید ایمان بیاوریم که هر چیزی که در دست انسان است امانت می‌باشد و دیر یا زود از دستان خارج می‌شود.

۳- «كَانَ لِكَلِمَاتِهِ أَثَرٌ عَمِيقٌ عَلَى قُلُوبِنَا أَحَدَثَتْ تَغْيِيراً عَظِماً فِي أُسْلُوبِ تَعَلُّمِنَا.»

(۱) سخنانش در دلها اثر بسزایی گذاشت و موجب تغییر فراوانی در شیوهی یادگیری شد.

(۲) سخنان او بر دلهايمان تاثیر عمیقی داشت و برای شیوهی یادگیری‌هایمان تغییر فراوانی را فراهم آورد.

(۳) کلمات او تاثیر عمیق بر ما گذاشت و باعث تغییر فراوان در شیوه‌ای شد که ما یاد گرفتیم.

(۴) سخنان او تاثیر عمیقی بر دلهايمان داشت و تغییر بزرگی در شیوهی یادگیری ما ایجاد نمود.

۴- «فِي تِلْكَ الْفِتْرَةِ كَانَ الْمُسْلِمُونَ يَرِيدُونَ أَنْ يَبْلُغُوا مَنَازِلَةَ رَفِيعَةٍ فِي الْعُلُومِ وَيَرْفَعُوا رَايَةَ الْهَدَايَةِ بِأَيْدِيهِمْ.»

(۱) در آن عصر مسلمانان خواستند که به مقام رفیعی در زمینه علوم دست یابند و مشعل هدایت را بدست گیرند.

(۲) در آن سالها مردم مسلمان می‌خواستند که خود را به جایگاه رفیعی در علوم برسانند و پرچم هدایت را با دستشان بگیرند.

(۳) در آن دوره مسلمانان می‌خواستند که به جایگاه بلندی در علوم دست یابند و پرچم هدایت را با دستشان بلند کنند.

(۴) در این دوره مسلمانان می‌خواستند که به مقام بلندی در زمینهی دانش برسند و لوای هدایت با دستان آنها بلند شود.

۵- «رَأَيْتُ الْكِتَابَ صَدِيقاً مُخْلِصاً يَبْعِدُنَا عَنِ الضَّلَالَةِ وَيُرْشِدُنَا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.»

(۱) کتاب را دوست مخلص دیدم که از گمراهی دورمان می‌سازد و به راه مستقیم نزدیک می‌کند.

(۲) کتاب را دوستی با اخلاص یافتم که ما را از ضلالت دور می‌سازد و به راهی راست ارشادمان می‌کند.

(۳) کتاب دوستی با اخلاص است که ما را از گمراهی دور می‌سازد و به راه مستقیم نزدیک می‌کند.

(۴) من کتاب را دوستی با خلوص دریافتم که مرا از ضلالت دور ساخته و به راهی راست هدایت کرد.

۶- «مَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْقِيَمِ الْإِنْسَانِيَّةِ يُفْلِحَ فِي حَيَاتِهِ.»

(۱) هرکس به ارزش‌های انسانی پای‌بند شود، در زندگی خویش رستگار خواهد شد!

(۲) آنکه در زندگی به ارزش‌های انسان تمسک جوید، رستگار خواهد شد!

(۳) کسی که پای‌بند قیمت‌های انسان شود، در زندگی خود رستگار می‌شود!

(۴) آن‌کس که در زندگی خویش پای‌بند ارزش‌های انسانی گردد، رستگار خواهد شد!

۷- «إِنَّ الْقُرْآنَ يُؤَكِّدُ أَنْ لِهَذَا الْعَالَمِ قَوَانِينٌ لَا تَتَغَيَّرُ؛ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلاً.»

(۱) همانا قرآن تاکید می‌کند که قوانین در جهان تغییر نکرده‌اند؛ پس تحوُّلی در قوانین خدا یافت نمی‌شود.

(۲) همانا قرآن تاکید دارد که جهان قانون‌هایی دارد که تغییر نخواهند کرد؛ پس تبدیلی را در قوانین خدا نمی‌یابی.

(۳) قرآن تاکید کرده است که قانون‌هایی برای این جهان هستند که تغییر نمی‌کنند؛ پس هرگز تغییری در قانون خدا یافت نخواهد شد.

(۴) قرآن تاکید می‌کند که قانون‌هایی برای این جهان هستند که تغییر نمی‌کنند؛ پس هرگز تغییری را در قانون خدا نخواهی یافت.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

۸- «إن الصلاة هي التي تحفظ الانسان من كل حادثة سوء.»

- (۱) همانا نماز بشر را از حوادث بد محفوظ نگه می‌دارد.
(۲) نماز بشر را از تمام حوادث سوء محفوظ می‌دارد.
(۳) نماز است که انسان را از هر حادثه‌ی سوئی محفوظ می‌دارد.
(۴) همانا نماز انسان را از هر پیش‌آمد بدی محافظت می‌کند.

۹- «مطالعة ترجمة حياة العلماء و كيفية مواجهتهم مشاكل الحياة، مفيدة لنا جداً.»

- (۱) مرور شرح زندگی بزرگان و کیفیت مواجهه‌ی آنان با مصاعب زندگی، سودمند است.
(۲) ترجمه‌ی زندگی بزرگان دین و مواجه شدن آن‌ها با مشکلات، برای ما بسیار مفید می‌باشد.
(۳) مطالعه‌ی شرح حال زندگی دانشمندان و چگونگی رویارویی آن‌ها با مشکلات زندگی، برای ما بسیار مفید است.
(۴) بررسی شرح حیات علما و چگونگی روبرو شدن با مشکلات زندگیشان، برایمان بسیار پرفایده است.

۱۰- «إذا تريد المجتمعات البشرية أن تصل إلى الكمال و الرشد فلتشجع شعبها و شبابها حتى يحاولوا في جميع المجالات.»

- (۱) جامعه‌ی بشری چنانچه بخواهد به کمال و رشد برسد ملت و جوانان خود را تشویق خواهد کرد تا در همه‌ی زمینه‌ها سعی کنند.
(۲) جوامع بشری اگر بخواهند که به کمال و رشد برسند باید ملت و جوانانشان را تشویق کنند تا در همه‌ی زمینه‌ها تلاش کنند.
(۳) چنانچه جوامع بشری اراده کنند که بر کمال و رشد دست یابند باید ملت و جوانان را تشویق به تلاش در همه‌ی زمینه‌ها نمایند.
(۴) چنانچه جامعه بشری رسیدن به کمال را می‌خواست باید ملت و جوانان خود را تشویق می‌کرد تا در همه‌ی زمینه‌ها تلاش کنند.

۱۱- «على الانسان أن يتأمل في أعماله و أفكاره اليومية ليحاسب نفسه و يترك أخطاءه.»

- (۱) انسان باید در کارها و افکار روزانه‌اش بیندیشد تا خودش را محاسبه کند و خطاهایش را ترک کند.
(۲) بر انسان نظارت در کار و افکارش در طول روز واجب است تا به بررسی خود بپردازد و خطاها را ترک کند.
(۳) واجب است که انسان در کارها و افکار روزانه‌ی خویش فکر کند تا بوسیله‌ی خودش محاسبه شود و اشتباهات را رها کند.
(۴) بر انسان واجب شده است که در روز در کار و فکر خود تأمل کند و به محاسبه‌ی خود اقدام نماید و خطایش را ترک کند.

۱۲- «تتحقق آمالنا في بناء مجتمع سعيد مادما نحفظ بأمانة شهدائنا.»

- (۱) با حفظ امانت شهدا امیدها و آرزوهایمان را در بنای جامعه‌ی خوشبخت به انجام می‌رسانیم.
(۲) امیدها و آرزوهایمان در بنای جامعه‌ی خوشبخت محقق می‌گردد تا وقتی که امانت شهدایمان را حفظ کنیم.
(۳) امید و آرزوها در ساختن اجتماعی سعادتمند به انجام نمی‌رسد مگر اینکه امانت شهیدانمان نگهداری شده باشد.
(۴) امیدهای خویش را در ساختن جامعه‌ی سعادتمند محقق می‌گردانیم تا زمانی که شهیدانمان امانت را حفظ می‌کنند.

۱۳- «زيتوا أنفسكم بعبادات أعظم أجراً و ما هي إلا أخفاها.»

- (۱) خویشتان را به پر اجرترین عبادات که جز پنهان‌ترین آنهاست آراسته سازید.
(۲) خود را به عبادتهایی با اجر فراوان زینت بخشید و آنها مخفی‌ترین عبادات هستند.
(۳) خویشتان را به عبادتهایی بیارابید که مخفی‌ترین است زیرا آنهاست که اجر بیشتری دارند.
(۴) خود را به عبادتهایی مزین سازید که اجرشان بیشتر است و آن چیزی جز پنهان‌ترین آنها نیست.

۱۴- «ظلمات الليل و الأکیاس المملوءة بالأطعمة و الأطفال الفقراء ما عرفوا الإمام إلا بعد وفاته.»

- (۱) شب تاریک و کیسه‌های پر از غذا و کودکان فقیر، امام را بعد از مرگش شناختند.
(۲) ظلمت شبها و کیسه‌ی پر از غذا و کودکان فقرا، امام را نمی‌شناختند مگر بعد از مرگش.
(۳) تاریکهای شب و کیسه‌های مملو از غذا و کودکان فقیر، امام را فقط بعد از وفاتش شناختند.
(۴) ظلمات شب و آن کیسه‌ی پر از غذا و آن کودکان فقیر فقط بعد از مرگ امام او را شناخته بودند.

نکات اضافی در تستها:

.....
.....
.....
.....

۱۵- « أصبحت قائداً للآخرين لأنك ذؤوب في أعمالك الحسنة. »:

(۱) تو رهبر دیگران می باشی زیرا در کارهای خویش پشتکار خوبی داری.

(۲) به علت پایداریت در کارهای خوب تو برای دیگران مانند یک راهنما شده ای.

(۳) تو همچون رهبری برای دیگری هستی زیرا در امور خوب مداومت ورزیده ای.

(۴) تو برای دیگران یک رهبر شدی زیرا در کارهای نیک خود با استقامت هستی.

۱۶- « يجب على الانسان أن يُحاول للاستفادة من النعم الالهية في حركته نحو الكمال. »:

(۱) انسان باید در استفاده از نعمتهای الهی برای حرکت به سوی کمال بسیار سعی کند.

(۲) بشر باید برای بهره‌وری از نعمتهای خداوندش در حرکت به سوی کمال سعی و تلاش نماید.

(۳) بر انسان است که برای استفاده از نعمتهای الهی در حرکتش به سوی کمال تلاش کند.

(۴) بر انسان است که برای حصول فایده از نعمتهای خدا در رفتن به سوی کامل شدن تلاش کند.

۱۷- « قد أتم الله نعمته على بعض الحيوانات بإعطائها قدرة سمع حادة تُساعدها في الطيران. »: خداوند خداوند

(۱) نعمت خود را بر بعضی حیوانات با اعطای قدرت شنوایی قوی‌ای که آنها را در پرواز کمک می‌کند کامل کرده است.

(۲) نعمت را بر برخی حیوانات کامل کرده است و آن بوسیله‌ی اعطای قدرت شنوایی قوی و کمک کردن به پرواز آنهاست.

(۳) با بخشیدن قدرت شنوایی تین به بعضی حیوانات نعمت را تمام کرده است و این نعمت آنها را در پرواز کمک می‌کند.

(۴) نعمتهای خود را با بخشیدن قدرت شنوایی نیرومندی به برخی حیوانات و مساعدت آنها در پرواز تمام کرده است.

۱۸- « إن الحصول على أهدافنا السامية من الأمور الشاقة التي تستلزم الكفاح الطويل و الجهد الكثير. » عین الخطأ:

(۱) رسیدن به مقاصد بزرگمان از امور دشواری است که به نبرد طولانی مدت و تلاش فراوان نیاز دارد.

(۲) دست یافتن بر اهداف عالی ما از کارهای شاقی است که مستلزم نبرد طولانی و زحمت بسیار است.

(۳) مسلماً دستیابی بر اهداف بزرگ از کارهای مشقت آور ما می‌باشد و نیازمند مبارزه‌ای طولانی و تلاشی زیاد است.

(۴) قطعاً رسیدن به مقاصد والايمان از امور سخت و دشوار است که مستلزم مبارزه‌ی طولانی و کوشش فراوان می‌باشد.

۱۹- عین الصحیح:

(۱) لی بیت ذو طبقتین: خانه‌ی من دو طبقه است.

(۲) لیتک ذو سعة: کاش تو توانگر باشی.

(۳) لیس لها أخت و لا أخ: او خواهر و برادری نداشت.

(۴) لئن یخالف الولد أمه: فرزند با مادرش مخالفت نخواهد کرد.

۲۰- عین الصحیح:

(۱) أغوص فی البحار مائتی متر: در دریا ۲۰۰ متر شنا کردم.

(۲) کرّم أباک فی کلّ الأحوال کاملاً: همیشه پدرت را گرامی بدار.

(۳) هی أحسن منک درجةً: او از تو فقط یک درجه بهتر است.

(۴) یختلف الناس وجهاً: چهره‌ی مردم متفاوت است.

۲۱- عین الصحیح:

(۱) الیوم لم تأت خمس من تلمیذاتک إلى المدرسة: امروز پنجمین دانش آموزت به مدرسه نیامده است.

(۲) بعد ست لیال سابدأ أعمالی من الیوم: بعد از شش شب از امروز کارهایم را شروع خواهیم کرد.

(۳) لما جاء ضیوفها الثلاثة هیأت مائدة الطعام: وقتی سه مهمان آمدند سفره‌ی غذا را آماده کرد.

(۴) لم أفهم الدرس الرابع من کتاب الفیزیا: درس چهارم از کتاب فیزیک را نمی‌فهمم.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

فصل پانزدهم

ترجمه

۲۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) لِتُسَاعِدِ الْمَظْلُومِينَ فِي الْعَالَمِ حَتَّى يَتَغَلَّبُوا عَلَى الظَّالِمِينَ: مظلومان باید کمک کنند تا بر ستمگران غلبه کنیم!
- ۲) مَنْ عَرَفَ حِلَاوَةَ الْحَقِّ صَبَرَ عَلَى مَرَاتِهِ: کسی که شیرینی عاقبت حق را دانست بر تلخی آن صبر می کند!
- ۳) مَا تَعْمَلِي مِنَ الْخَيْرِ وَإِنْ كَانَ قَلِيلاً تَجِدِي ثَمْرَتَهُ فِي النَّهَايَةِ: آنچه از کار نیک انجام دهی هرچند کم باشد نهایتاً ثمرش را می بینی!
- ۴) كَيْفَ يَسْمَعُ صَوْتَ الْجَرَسِ مِنْ بَعِيدٍ بَيْنَمَا نَحْنُ لَمْ نَسْمَعْهُ مِنْ قَرِيبٍ: چگونه صدای زنگ را از دور می شنوی در حالی که ما آن را نمی شنویم؟!

۲۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِئُ السَّيِّئَاتِ: همانا خوبی ها به وسیله ی بدی ها از بین می روند.
- ۲) الْبِرُّ أَنْ تَعْمَلَ فِي السَّرِّ عَمَلَ الْعَلَانِيَةِ: نیکی آن است که در خفا عملی آشکار را به جا آوری.
- ۳) يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِسَابًا: قطعاً در روز قیامت انسان مورد حسابرسی واقع می شود.
- ۴) أَحْسِنُ إِلَى الْفُقَرَاءِ إِحْسَانَ الْمُؤْمِنِينَ: به فقیران مانند نیکی کردن مؤمنان احسان کن.

۲۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) إِنْ أَبْغَضَكُمْ أَحَدٌ فَأَخْبِرُونَا: اگر کسی شما را خشمگین ساخت ما را باخبر سازید.
- ۲) سَأَلْتُ الْأَسَازِدَ عَنْ مَعْنَى هَذِهِ الْكَلِمَةِ: استاد درباره ی معنای این کلمه سوال کرد.
- ۳) خَيْرُ الْمَرْءِ مَنْ تَزَيَّنَ بِزِينَةِ الْقِتْوَةِ: بهترین انسان کسی است که به زیور جوانمردی آراسته شده است.
- ۴) الْحَسَدُ مَرَضٌ مِنَ الْأَمْرَاضِ النَّفْسِيَّةِ: حسادت یکی از بیماری های نفس می باشد.

۲۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) دَخَلْتُ فِي الْمَدْرَسَةِ وَالْمَدِيرُ يَتَبَسَّمُ بَوَجْهِ: داخل مدرسه شدم و مدیر به روی من لبخند زد.
- ۲) عَالِجُنِي الطَّبِيبُ فَكَتَبَ لِي الْأَدْوِيَةَ: پزشکم در حالی که مرا معاینه می کرد برایم دارویی نوشت.
- ۳) إِنْ التَّقَدُّمُ يَحْتَاجُ إِلَى الْاجْتِهَادِ وَالْإِهْتِمَامِ: پیشرفت نیاز به تلاش و توجه دارد.
- ۴) أَنَا وَاسْرَتِي ذَهَبْنَا إِلَى الْحَدِيقَةِ وَتَجَوَّلْنَا فِيهَا: من با خانواده ام به باغی رفتم و آنجا گردش کردیم.

۲۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) هُنَاكَ إِحْتِرَازٌ مِنَ الْأَطْنَابِ فِي إِسْتِخْدَامِ الْأَمْثَالِ: در استفاده از ضرب المثله از اطناب دوری می شود.
- ۲) أَوْلَادِي عَظُّوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَعَظُّوا التَّجَارِبَ: فرزندانم قبل از اینکه تجربه ها به شما پند دهد خود را موعظه کنید.
- ۳) إِحْذَرُوا مِنْ أَنْ يَوْقَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنَنَا الْعَدَاوَةَ وَالشَّرَّ: بر حذر باشید از اینکه شیطان بخواهد بین ما دشمنی و بدی را باعث شود.
- ۴) شَاهَدْتُ الْبَلْبَلَ يَغْرُدُ بِصَوْتِ عَالٍ وَجَمِيلٍ يُعْجِبُنِي كَثِيرًا: بلبل را در حالیکه با صدای بلند و زیبا آواز می خواند دیدم و بسیار خوشحال شدم.

۲۷- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ الْأَعْدَاءَ هَجَمُوا عَلَيَّ أَرْضِينَا مُعْتَدِينَ؟: آیا ندانستی که دشمنان تجاوزگرانه به زمین های ما حمله کردند؟
- ۲) الْأَيَّامُ الْمَاضِيَةُ قَدْ أَذْخَلُوا الشُّكَّ فِي قُلُوبِهِمْ: در زمان های گذشته تردید در قلب های آن ها وارد شده است.
- ۳) عِشْ فِي الدُّنْيَا مُتَوَاضِعًا حَتَّى تَكُونَ فِي الْآخِرَةِ مَرْفُوعَ الرَّأْسِ: در دنیا، فروتن زندگی کن تا در آخرت سربلند باشی.
- ۴) مَنْ نَظَرَ إِلَى الْعَبْرِ مُتَأَمِّلًا عَفَا عَنِ الْمَخْطِئِ: هر کس به پندها با دقت بنگرد خطاکار را می بخشد.

نکات اضافی در تستها:

فصل پانزدهم

ترجمه

۲۸- عین الخطأ:

- ۱) مُسلمات العالم فليعبدن ربّ هذا البيت: ای مسلمانان جهان پس صاحب این خانه را عبادت کنید.
- ۲) مَنْ طَلَبَ الْعُلَى سَهْرَ اللَّيَالِي: هر کس جو یای بزرگی باشد شبها را بیدار می ماند.
- ۳) مَنْ يَفْعَلُ خَيْرًا يَلِقْ خَيْرًا: هر کس کار خیری انجام دهد، نیکی می بیند.
- ۴) قَالَتِ الْاِعْرَابُ اَمَّنًا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا: اعراب گفتند ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده اید.

۲۹- عین الخطأ:

- ۱) نَادَتِ الْمَعْلَمَةَ الْمَجْدَةَ تَلْمِيذَتَهَا وَ شَجَعَتَهَا: معلم شاگرد کوشای خود را صدا کرد و او را تشویق نمود.
- ۲) مَا عَرَفْنَا حَقِيقَةَ كُرَةِ الْقَمَرِ إِلَّا فِي الْقَرْنِ الْعَشْرِينَ: ما حقیقت کره ی ماه را فقط در قرن بیستم شناختیم.
- ۳) يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُقْصِرَى أَمَّا لِكَ فِي حَيَاتِكَ الْقَصِيرَةَ: بر توست که آرزوهایت را در زندگی کوتاه خود کم کنی.
- ۴) هَؤُلَاءِ الْأُمَّهَاتُ يَسْهَرْنَ اللَّيَالِي لِرَاحَةِ أَطْفَالِهِنَّ: این مادران برای راحتی فرزندان خود شبها بی خوابی می کشند.

۳۰- عین الخطأ:

- ۱) النماذج المثالية تُساعد الإنسان في حياته ليصل إلى أهدافه: الكوى والا به انسان کمک می کند تا در زندگی به هدف خود برسد.
- ۲) يُحِبُّ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَكْفَلُونَ مَعَالِمَهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ: خداوند کسانی را که معاش خود را شخصاً بعهده می گیرند دوست دارد.
- ۳) إِذَا يَتْلُو الْقَارِئُ الْقُرْآنَ عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَمِعَ إِلَيْهِ: هرگاه قاری ، قرآن تلاوت کند باید به آن گوش فرا دهیم.
- ۴) إِحْذَرِ أَدَى الْأَخْرِينَ لِأَنَّهُ يَغْضِبُ اللَّهَ: از آزار دیگران بپرهیز زیرا آن خدا را خشمگین می کند.

۳۱- عین الخطأ:

- ۱) كَيْفَ تَظْهَرُ حُبَّ اللَّهِ: چگونه محبت به خداوند را ابراز می کنی ؟
 - ۲) وَ تَعْصِيهِ فِي الْخُلُوتِ: و در خلوتها و تنهایی ها از او نافرمانی می کنی ؟
 - ۳) أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمَحَبَّ الصَّادِقَ: آیا نمی دانی که دوستدار همیشه راستگو است ؟
 - ۴) مَطِيعٌ لِمَنْ يُحِبُّهُ: فرمانبردار کسی است که دوستش دارد !
- ۳۲- « هنگامی که انسان بر سطح ماه فرود آمد کشف کرد که آن فقط یک ستاره ی سرد و خاموش است.»:

- ۱) عندما هبط الانسان على سطح القمر إكتشف بأنه مجرد كوكب هامد. (۲) لمّا هبط الانسان على سطح القمر يكتشف بأنه ليس إلا كوكباً هامداً.
- ۳) حينما الانسان قد نزل على وجه القمر كُشف أن القمر نجم هامد فقط. (۴) عند نزول الانسان على سطح القمر أدرك بأنه نجمة باردة ظالمة فقط.

۳۳- « ولی این عنوان ها تا زمانی که با عمل همراه نشده است هیچ ارزشی ندارند.»:

- ۱) لَكِنَّ هَذِهِ الْعُنَاوِينَ لَا قِيَمَةَ لَهَا مَا دَامَ لَا تَقْتَرِنُ بِالْعَمَلِ. (۲) لَكِنَّ الْعُنَاوِينَ لَا قِيَمَةَ لَهُ مَا دَامَ لَمْ يَقْتَرِنُ بِالْعَمَلِ.
- ۳) لَكِنَّ هَذِهِ الْعُنَاوِينَ لَا قِيَمَةَ لَهَا مَا دَامَتْ لَمْ تَقْتَرِنُ بِالْعَمَلِ. (۴) لَكِنَّ هَذِهِ الْعُنَاوِينَ لَا قِيَمَةَ لَهُمْ مَا دَامُوا لَا يَقْتَرِنُ بِالْعَمَلِ.

۳۴- « این مردم رهبری داشتند که در برابر استعمار همچون مجاهدان صدر اسلام می ایستاد.»:

- ۱) كَانَ لِهَذَا الشَّعْبِ قَائِدٌ قَدْ وَقَفَ أَمَامَ الْاِسْتِعْمَارِ وَقُوفَ الْمُجَاهِدِينَ فِي صَدْرِ الْاِسْلَامِ.
- ۲) لَهُؤُلَاءِ النَّاسِ قَائِدٌ كَانَ يَقِفُ فِي وَجْهِ الْمُسْتَعْمَرِينَ وَقُوفَ مُجَاهِدِينَ صَدْرِ الْاِسْلَامِ.
- ۳) كَانَ لَهُؤُلَاءِ النَّاسِ قَائِدٌ يَقِفُ فِي وَجْهِ الْاِسْتِعْمَارِ وَقُوفَ مُجَاهِدِي صَدْرِ الْاِسْلَامِ.
- ۴) هَؤُلَاءِ النَّاسِ كَانَ لَهُمْ قَائِدٌ قَدْ وَقَفَ أَمَامَ الْمُسْتَعْمَرِينَ وَقُوفاً كَالْمُجَاهِدِينَ فِي صَدْرِ الْاِسْلَامِ.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

۳۵- « مشرکان پیش آمدند در حالی که پنداشته بودند که انتهای اسلام نزدیک شده است.»:

- (۱) تَقَدَّمَ الْمُشْرِكِينَ ظَنُّوا أَنَّ نَهَايَةَ الْإِسْلَامِ قَدْ أَصْبَحَتْ قَرِيبَةً
 (۲) الْمُشْرِكُونَ تَقَدَّمُوا وَ هُمْ يَظُنُّونَ أَنَّ نَهَايَةَ الْإِسْلَامِ تُصْبِحُ قَرِيبَةً
 (۳) يَتَقَدَّمُ الْمُشْرِكُونَ يَظُنُّونَ أَنَّ نَهَايَةَ الْإِسْلَامِ قَدْ أَصْبَحَتْ قَرِيبَةً
 (۴) تَقَدَّمَ الْمُشْرِكُونَ وَ قَدْ ظَنُّوا أَنَّ نَهَايَةَ الْإِسْلَامِ أَصْبَحَتْ قَرِيبَةً

۳۶- « معلمان ما باید دربارهی زبان عربی بیش تر با دانش آموزان سخن بگویند، تا آنان به اهمیت این زبان پی ببرند!»:»

- (۱) يَجِبُ عَلَى الْمُعَلِّمِينَ التَّكَلُّمَ حَوْلَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مَعَ التَّلَامِيذِ بكَثِيرٍ، لِفَهْمِ هَذِهِ اللُّغَةِ!
 (۲) لِيَتَكَلَّمَ الْمُعَلِّمِينَ حَوْلَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مَعَ تَلَامِيذِهِمْ أَكْثَرَ، لِيَعْرِفُوا أَهْمِيَّةَ هَذِهِ اللُّغَةِ!
 (۳) مَعْلَمُونَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَتَكَلَّمُوا مَعَ التَّلَامِيذِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ كَثِيرًا، حَتَّى يَفْهَمُوا أَهْمِيَّةَ هَذِهِ اللُّغَةِ!
 (۴) يَجِبُ عَلَى مَعْلَمِينَا أَنْ يَتَكَلَّمُوا أَكْثَرَ مَعَ التَّلَامِيذِ حَوْلَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، لِيَفْهَمُوا أَهْمِيَّةَ هَذِهِ اللُّغَةِ!

۳۷- « انسان می تواند که به کمک آن دو، یاد بگیرد و خود را به هدفش برساند.»:

- (۱) يُسْتَطَاعُ الْإِنْسَانُ بَعْدَ أَنْ يُعَلَّمَ وَ يَصِلَ إِلَى هَدَفِهِ.
 (۲) يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ بَعْدَ أَنْ يُتَعَلَّمَ وَ يُوَصِّلَ نَفْسَهُ إِلَى هَدَفِهِ.
 (۳) قَدْ يَقْدِرُ الْمَرْءُ أَنْ يُعَلَّمَ وَ يَبْلُغَ غَايَتَهُ بِهِمَا.
 (۴) الْإِنْسَانُ يَسْتَطِيعُ بَعْدَ أَنْ يُتَعَلَّمَ وَ وَاصِلَ إِلَى أَهْدَافِهِ.

۳۸- « برادر تو بارها تلخی و شیرینی زندگی را به خودش چشانده است.»:

- (۱) قَدْ تَذَوَّقَ أَخُوكَ نَفْسَهَا مَرَّةً الْحَيَاةَ وَ حُلُوهُ مَرَّاتٍ عَدِيدَةً.
 (۲) ذَاقَ أَخُوكَ مَرَّةً الْحَيَاةَ وَ حُلُوَ الْحَيَاةِ كِرَارًا.
 (۳) قَدْ يَذِيقُ أَخَاكَ نَفْسَهَا حُلُوَ الْحَيَاةِ وَ مَرَّاتٍ عَدِيدَةً.
 (۴) قَدْ أَذَاقَ أَخُوكَ نَفْسَهُ مَرَّةً الْحَيَاةَ وَ حُلُوَهَا مَرَارًا.

۳۹- « کتابهای ارزشمندی داشتم که آنها را به کتابخانه‌ی ملی تقدیم کردم.»:

- (۱) كَانَ لِي كِتَابٌ قِيمَةٌ التِّي أَهْدَيْتُهَا إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ.
 (۲) عِنْدِي كِتَابٌ ثَمِينَةٌ كُنْتُ قَدَّمْتُهَا إِلَى مَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ.
 (۳) كِتَابٌ ثَمِينَةٌ كَانَتْ عِنْدِي وَ قَدَّمْتُهَا إِلَى مَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ.
 (۴) كَانَتْ لِي كِتَابٌ قِيمَةٌ قَدَّمْتُهَا إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَامَّةِ.

۴۰- « توصیه‌ی من به شما این است که فرصتها را برای رسیدن به بزرگی و عظمت غنیمت بشمارید.»:

- (۱) وَصِيَّتِي لَكُمْ هِيَ أَنْ تَغْتَنِمُوا الْفُرْصَةَ لِلْوُصُولِ إِلَى الْمَجْدِ وَالْعِظْمَةِ.
 (۲) تَوْصِيَّتِي لَكُمْ لِتَغْتَنِمُوا فُرْصَةَ الْخَيْرِ لِلْحَصُولِ عَلَى الشَّرَفِ وَالْمَجْدِ.
 (۳) الْوَصِيَّةُ لَكُمْ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفُرْصَةِ الْجَيِّدَةِ حَتَّى تَحْصُلُوا عَلَى الْمَجْدِ.
 (۴) وَصِيَّتِي لَكُمْ هِيَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْتَخْدِمُوا الْفُرْصَةَ لِلْوُصُولِ إِلَى الْعِظْمَةِ وَالشَّرَفِ.

۴۱- « دانشمندان از زمان گذشته تا کنون بسیار تلاش کرده‌اند تا رازهای پیچیده‌ی جهان را بشناسند.»:

- (۱) الْعَالِمُونَ يَسْعَوْنَ مِنْ زَمَنِ الْقَدِيمِ حَتَّى الْآنَ أَنْ يَعْرِفُوا أَسْرَارَ غَامِضِ فِي الْعَالَمِ.
 (۲) مِنْ زَمَنِ الْقَدِيمِ حَتَّى الْآنَ يَسْعَى الْعَالِمُونَ كَثِيرًا حَتَّى يَعْلَمُوا سِرَّ الْعَوَالِمِ الْغَامِضَةِ.
 (۳) الْعُلَمَاءُ مِنَ الزَّمَنِ الْمَاضِي حَتَّى الْآنَ قَدْ حَافَلُوا كَثِيرًا حَتَّى يَعْرِفُوا أَسْرَارَ الْعَالَمِ الْغَامِضَةِ.
 (۴) إِنَّ الْعُلَمَاءَ مِنَ زَمَنِ الْمَاضِي حَتَّى الْآنَ يُحَافِلُونَ كَثِيرًا أَنْ يَعْلَمُوا سِرَّ غَامِضِ فِي الْعَالَمِ كَثِيرًا.

۴۲- « فقط انسان است که می تواند از نیروی تعقل و تفکر استفاده کند.» عین الخطأ:

- (۱) لَا يَقْدِرُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِقُوَّةِ التَّعْقُلِ وَ التَّفَكُّرِ إِلَّا الْإِنْسَانُ.
 (۲) إِنَّمَا يَقْدِرُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِقُدْرَةِ التَّعْقُلِ وَ التَّفَكُّرِ الْإِنْسَانُ.
 (۳) هَذَا هُوَ الْإِنْسَانُ الَّذِي يَتَمَتَّعُ فَقَطْ مِنَ الْقُوَّةِ الْعَقْلِ وَ التَّفَكُّرِ.
 (۴) الْإِنْسَانُ فَقَطْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنْ قُدْرَةِ الْعَقْلِ وَ التَّفَكُّرِ.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....

قال أمير المؤمنين (ع): **إِنْ وَلِيَ مُحَمَّدٌ مِّنْ أَطَاعِ اللَّهَ وَإِنْ بَعُدَتْ لِحَمَّتْهُ: دوست محمد (ص) کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند پیوند خویشاوندیش دور باشد.**
إِنْ عَدُوٌّ مُحَمَّدٍ مِّنْ عَصَى اللَّهَ وَإِنْ قَرَبَتْ قَرَابَتُهُ: دشمن محمد (ص) کسی است که خدا را نافرمانی کند هر چند پیوند خویشاوندیش نزدیک باشد.

فصل پانزدهم

ترجمه

۴۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) شاگردان با خوشحالی روانه‌ی کلاس می‌شدند: كانت الطالبات إندفعت نحو الصفوف فرحين.
- ۲) معلم به من درس‌هایی آموخت که هرگز آنها را فراموش نخواهم کرد: لقد علّمني المعلم دروساً لن أنساها أبداً.
- ۳) مسافت طولانی را با سرعت طی کردیم ولی دیر رسیدیم: قَطعت مسافةً بِسرعةٍ و لكنّي لم أصل متأخراً.
- ۴) آیات قرآن به ما درباره دریاها و آنچه در آن است خبر می‌دهد: تُخبرنا آیات قرآن عن البحار و الأشياء المختلفة.

۴۴- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) ایرانیان بعد از اسلام آوردنشان تلاش بسیاری برای تدوین دستور زبان کردند: الايرانيون بعد الإسلام كان إجتهدهم كثيراً لتدوين قواعد اللغة.
- ۲) و کتابهای بسیاری در نحو و صرف و بلاغت تالیف کردند: و ألفوا كتباً عديدة في النحو و الصرف و البلاغة.
- ۳) و آنان فرهنگهای لغت مهمی را برای این زبان وضع کردند: فهم وضعوا لهذه اللغة معاجم مهمة.
- ۴) و این زبان را بیگانه نیافتند پس آن را یاد دادند و یاد گرفتند: و ما وجدوا هذه اللغة أجنبية فعلموها و تعلموها.

۴۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱) مَنْ طلب العلى سَهَر الليلي: إنما أصل الفتى ما قد حصل.
- ۲) الكلام يَجْرُ الكلام: يجب عليك أن تقلل من كلامك.
- ۳) كل نفس بما كسبت رهينة: الأمر الذي يُنجينا هو العمل.
- ۴) رَبُّ ظمآن بصفو الماء غصّ: عسى أن تُحبوا شيئاً و هو خير لكم.

نکات اضافی در تستها:

.....

.....

.....

.....

.....